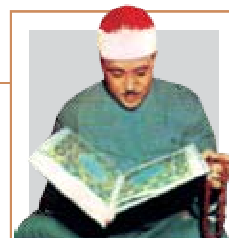
همشهری جوان
همشهری جوان • ضمیمه قرآنی • ویژه مشترکین • پیوست هفته‌نامه جوان • نیمه اول مهر ۱۳۸۸
HAMSHAHRI JAVAN / SPECIAL ISSUE / October 2009
۴۰ صفحه + ۴ صفحه ویژه کودکان

آیه

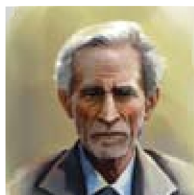


موضوع ویژه

قرآن؛ نسخه منظوم ۱۴
ترجمه‌های قرآن مجید همیشه محل بحث‌های زیادی بوده‌اند اما بحث ترجمه‌های منظوم، دنیای دیگری دارد



همیشه استاد ۸
اگر از هر ایرانی بخواهید که نام چند قاری غیرایرانی را ببرد بی‌تردید اولین فرد، استاد عبدالباسط خواهد بود



صبحدل؛ اذان انقلاب ۲۴
نغمه اذان استاد حسین صبحدل از سال‌ها پیش گلبانگ مساجد شده؛ او این روزها حال خوشی ندارد



هدهد

صفحات ویژه کودکان ۱
فرهنگسرای قرآن اوایل ماه مهر ثبت‌نام کلاس‌هایش را شروع کرده. به مامان و بابا هم بگویید

پاسخ‌های حامد شاکرنژاد به همه انتقادهایی که به او و شیوه قرائتش می‌شود، خواندنی است

دوره مصری‌ها تمام شد حالا نوبت ماست

وَ اِن تَعُدُّواْ نِعْمَةَ اللهِ لاَتُحْصُوهَا

اگر خواستار شمارش نعمت‌های خدا باشید هر گز از عهده شما ساخته نیست

سوره نحل / ۱۸

طرح: سعید بهداد

نقد و نظر

هر شماره آیه را که به چاپخانه می‌فرستیم نظرات شما و اهالی قرآن، مسیر را برایمان روشن‌تر و ما را به ادامه راه امیدوارتر می‌کند. بی‌شک نظرات صاحبنظران و فعالان قرآنی در بهبود کیفیت آیه بسیار موثر خواهد بود؛ از این رو خواهشمندیم هر گونه انتقاد و پیشنهاد خود را از ما دست‌اندرکاران این نشریه دریغ نکنید. در اینجا گزیده‌ای از رهنمودهای فعالان عرصه قرآن را که درباره شماره‌های قبل به‌دستمان رسیده می‌خوانید.

چهره‌هـای قرآنـی روی جلـد

محمـد بزرگـی /حافـظ قـرآن

این اولین بار است که می‌بینم در یک مجله تصویر قاریان و حافظان قرآن کریم روی جلد قرار می‌گیرد. مجله آیه را در نمایشگاه بین‌المللی قرآن دیدم و واقعا از دیدن این مجله ذوق‌زده شدم. خیلی خوشحال‌کننده است که موسسه همشهری یک مجله، ویژه قرآن و برنامه‌ها و مراکز قرآنی منتشر کرده است تا در کنار این همه مجله ورزشی، هنری، سیاسی، قرآنی‌ها هم یک نشریه برای خودشان داشته باشند. نکته‌ای که در ابتدا به چشم می‌آید، صفحات خبری است که باید خبرهایی منتشر شود که برای مخاطب جذابیت داشته باشد. بعضی از خبرها برای خواننده‌ها جاذبه ندارند.
صفحات کودکان ایده خوبی است و باید محدوده سنی مخاطب کودک کاملا مشخص باشد و از ادبیات مناسب آنها استفاده کرد.
پرداختن به چهره‌ها کار نو و تازه‌ای است. همین طور گزارش از موسسات و مراکزی که کار اثرگذار و تازه‌ای انجام می‌دهند.
مطرح کردن مسائل چالشی در حوزه فعالیت‌های قرآنی هم کاری است که باید انجام شود چون این حوزه مسائل زیادی دارد که باید پیگیری کرد.

عثمان طه عالی بود

مرتضی رستمی

موفق شدم جریده تازه تاسیس «همشهری آیه» را در طول چند شماره‌ای که منتشر شده، پیگیری کنم. درباره این چند شماره به اختصار می‌توانم به نکات زیر اشاره کنم. محتوای نشریه غنی است، تنوع سوژه‌ها خوب است اما همواره جا برای پرداخت بهتر وجود دارد. خوشبختانه این نشریه، روند صعودی را طی می‌کند. گفت‌وگو با استاد «عثمان طه» نقطه اوج این روند بود. هرچند در مطالب مربوط به وب‌سایت‌های قرآنی و وبلاگ‌ها چیز ارزشمندی وجود نداشت. صفحات خبر متنوع و جذاب است. صفحه‌های کودک و نوجوان خوش‌رنگ‌ولعاب است و دربرگیری خوبی دارد اما زبان نوشتاری آن، جای کار بیشتری دارد. گرافیک نشریه در طول این چند شماره دائم تکرار می‌شود. چیز جدیدی ندارد. هر شماره همان نشریه شماره قبل است، با محتوایی جدید. روی جلد نشریه با وجود تیترهای جذاب و حرفه‌ای، به لحاظ تصویرسازی و شکل و شمایل گرافیکی، چنگی به دل نمی‌زند و در پایان ضمن آرزوی توفیق از خداوند متعال برای دست‌اندرکاران نشریه، وجود چنین جریده‌ای را به فال نیک می‌گیرم و از مدیریت جراید همشهری برای تاسیس آن تشکر می‌کنم.

حوزه بکری را انتخاب کرده‌اید

مجتبی معلمی / دانشجو

در سال‌های اخیر مطبوعات در بسیاری از حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی رشد کرده‌اند و تقریبا هر صنف و قشری برای خودش رسانه مکتوبی دارد؛ گرچه بعضی قوی‌تر و بعضی ضعیف هستند اما به هر حال رسانه‌ای وجود دارد و به طرح مسائل صنفی و گروهی پرداخته می‌شود.
با آنکه در حوزه قرآنی نشریات فراوانی وجود دارد اما همه آنها علمی و تخصصی هستند و کمتر به سیاستگذاری‌ها و برنامه‌های این حوزه بسیار مهم پرداخته می‌شود. آیه به عنوان اولین نشریه قرآنی است که وارد این فضا شده و ظاهرا درصدد مطرح کردن مطالبات و مشکلات فعالان و علاقه‌مندان قرآن است و از این حیث می‌توان گفت مجله شما با آن که مخاطب خاص خود را دارد ولی از نظر تعداد مخاطب با جمعیت زیادی روبه‌روست و این از نکات قابل تامل و ویژه این مجله است.

پرداختن به مشکلات

سعیده حسین‌پور / مربی قرآن

به عنوان یک فعال قرآنی انتشار چنین نشریه‌ای برایم جالب بود. به دلیل علاقه شخصی تاکنون تقریبا همه نشریات قرآنی را دیده‌ام. این نشریات عمدتا به صورت سازمانی منتشر می‌شوند و براساس ملاحظاتی که دارند، از حرکت به سوی هرگونه مباحث چالشی خودداری می‌کنند. محصول چنین نگاهی تولید یک نشریه بدون جذابیت کافی است. در بیشتر این نشریات فضای جامعه قرآنی بسیار آرام و بدون هرگونه حاشیه تصویر می‌شود درحالی که همه ما خوب می‌دانیم همیشه این‌طور نیست. فکر می‌کنم خیلی هم مناسب است که گاهی بعضی مسائل مورد اختلاف را با پرداختی ژورنالیستی و البته به نیت اصلاح اوضاع بررسی کنیم. قطعا چنین اتفاقی فقط می‌تواند در نشریه‌ای بیفتد که آن ملاحظات معمول و مرسوم را کنار گذاشته باشد. فکر می‌کنم همشهری آیه تا حدودی این ساختارشکنی را کرده است. انتشار پرونده درباره منشور توسعه فعالیت‌های قرآنی و یا اختلاف‌نظر در داوری مسابقات قرآنی نمونه گزارش‌های خوبی هستند که من در همشهری آیه دیده‌ام. شما در ابتدای راهی هستید که کمتر تجربه شده؛ بنابراین صحبت از کمبودها و نقاط ضعف را می‌گذارم برای فرصتی دیگر.

بودجه‌های قرآنی کجا می‌رود؟

رضا یزدانی / فعال قرآنی

خدا را بسیار شاکرم که اهالی مظلوم قرآن هم عاقبت صاحب رسانه‌ای برای بیان مسائل خود شده‌اند. مسائلی که اگر منصفانه بخواهیم درباره آنها صحبت کنیم، اهمیتی بسزا دارند. جمع این همه موضوعات جالب در کنار هم نشان از دقت نظر گردانندگان در طراحی اولیه نشریه دارد.
آنچه مهم است توجه به پیشکسوتان و افراد مخلصی است که عمری را بی‌هیچ طمع و خواهشی به‌خدمتگزاری در حوزه قرآن پرداخته و اکنون در دوران پیری و کهولت حداقل وظیفه ما، احترام و یادکردی از ایشان است؛ مثلا جناب استاد مولایی و خدام حسینی که همچون چراغ‌های فروزان این عرصه به حساب می‌آیند.
نکته دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، بودجه‌های کلانی است که به نام قرآن، صرف مواردی می‌شود که بعضا هیچ ارتباطی به این کانون مقدس ندارند. بررسی موشکافانه و بدون ملاحظه رسانه‌ای چون نشریه آیه می‌تواند باعث دلگرمی بسیاری از فعالان این عرصه شود. امروزه بسیاری از کانون‌ها و مراکز فعال حوزه قرآن با فقری جدی مواجهند و هر ساله مشاهده می‌کنیم که بودجه‌های فراوانی به این حوزه اختصاص می‌یابد که در آمار و ارقام ارائه می‌شود اما کمتر کسی به تحقیق و بررسی مصارف این بودجه‌ها می‌پردازد.

الف لام میم

آموزش عمومی، اهتمام اصلی

کتاب الهی و کلام وحی، بی‌تردید مهم‌ترین نظرگاه اهل معنی و دیانت است. مردمان مسلمان و خانواده‌های دین‌باور ما هم از این قاعده برکنار نیستند. موج اقبال عمومی به آموزش‌های غیررسمی و مدرسه‌ای قرآن، نشانه‌ای از این ماجراست. سوژه‌های صفحه خانواده قرآنی هم بر این نکته تاکید دارند که عمده موفقیت‌های فرزندان قرآن، در کلاس‌ها و آموزشگاه‌هایی فراهم آمده که با انگیزه‌های دینی و اخلاص قلبی راه‌اندازی شده‌اند. (راستی، گزارش مهد قرآن را هم بخوانید که جالب‌است).
نکته قابل توجه در این میان، دغدغه‌های خواص قرآنی‌ای است که بیشتر نگران کیفیت و صحت آموزش‌هایند که البته ملاحظه دقیق و درستی است و دقیقا همان چیزی است که از ایشان انتظار می‌رود. گاهی دیده می‌شود در جلسات قرآنی، موارد غیرمنطبق با اصول صحیح قرآنی اعم از محتوا و قالب وجود دارد؛ مواردی که باید با اشارت‌ها و نظارت‌هایی دلسوزانه برطرف شوند. استادان و پیشکسوتان قرآنی، با توجه به جایگاه رفیع قرآن در فرهنگ دینی و عرفی ما به مساله می‌نگرند و تلاش دارند تا حد ممکن از کژی‌ها و کاستی‌های فعالیت‌ها در این حوزه بکاهند.
اما این همه ماجرا نیست؛ نگاهی نه‌چندان عمیق به فعالیت‌های حوزه قرآن در سطح کشور هم نشان می‌دهد که خلاءهای جدی‌ای در زمینه بسط آموزش‌های عمومی وجود دارد. در پرونده‌ای به نقایص موجود در آموزش قرآن در کلاس‌های آموزش و پرورش پرداخته بودیم و نشان دادیم که متاسفانه راه درازی تا رسیدن به حداقل‌های مطلوب وجود دارد. این مساله را به راحتی می‌توان به تمام حوزه‌های آموزشی تعمیم داد. کاستی‌های موجود در کتاب‌ها، نرم‌افزار برنامه‌های رایانه‌ای، جلسات، مسابقات و از همه مهم‌تر مدیریت‌های قرآنی، ما را به این سو هدایت می‌کند که قرآن کریم و بسط فرهنگ متعالی آن، نیازمند تلاش‌هایی بسیار جدی‌تر و وسیع‌تر است.

سردبیر

فهرست

همشهری
آیه
همشهری جوان ● ضمیمه قرآنی
ویژه مشترکین ● نیمه اول مهر ۱۳۸۸
گروه مجلات همشهری ناشر مجلات:
جوان - خانواده - دیپلماتیک - ماه سرنخ
خردنامه - کتاب داستان همشهری
و ویژه نامه سرزمین من و آیه

مدیر عامل: **سیدمجید حسینی**
قائم‌مقام اجرایی: **سیداحسان جاهد**
بازرگانی و توسعه بازار: **مسعود شاهمرادی**
طرح و برنامه: **علی کاشفی پور**
سرپرست دبیران ارشد:
حبیب حبیبی فهیم، حمیدباباوند

سردبیر: **سیدمحمدحسین امامی**
دبیر تحریریه: **عطاءالله اسماعیلی**

دبیران
رضا صیادی، محمداشعری، دانیال ابوالحسن‌معمار، ایمان‌مشعلچیان

فنی و هنری
مدیرارشدهنری: **علی هاشمی شهرکی**
مدیر تولید: **امین مؤیدی**
مدیرهنری: سمیرا فرجی
عکس: **محمدرضا شاهرخی‌نژاد**، مریم مجد
تصویرسازی: محمدعلی حلیمی
صفحه‌آرایی: محمدسعید غفوری
ویرایش: **محمدامیرپور**، مهدی‌دادخواه‌تهرانی
ویرایش عکس: بهرام غروی

نشانی: تهران - خیابان کریمخان - شماره ۱۰۱
کدپستی ۱۵۸۵۶
تلفن: ۸۴۳۲۱۵۲۲
پیامک: ۳۰۰۰۹۹۹۱۰
www.hamshahrimags.com
ایمیل: ayeh@hamshahrimags.com
روابط عمومی: ۸۴۳۲۱۸۳۱
آگهی: ۸۸۸۱۲۲۶۷
اشتراک: ۸۴۳۲۱۸۴۳
توزیع: موسسه راه زندگی
چاپ: همشهری



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی خبر داد

حمایت دولت دهم از فعالیت‌های قرآنی

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: استقبال ۲ میلیونی مردم از نمایشگاه قرآن ما را به تجدید میثاق با فعالیت‌های قرآنی واداشته و موجب حمایت دولت دهم از فعالیت‌های قرآنی شده است. سیدمحمد حسینی در اختتامیه نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم که در مصلای تهران برگزار شد، تصریح کرد: با تدبر در آیات قرآن، در زندگی فردی و اجتماعی از مهجوریت قرآن جلوگیری کنیم و تمام هنر و توان خود را برای ارائه زیبایی‌های قرآن به جوانان به کار ببریم. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در ادامه به رهنمود حضرت علی(ع) در نهج‌البلاغه اشاره کرد که می‌فرماید: خداوند قرآن را به قلب نازنین پیامبر(ص) نازل کرده که این کتاب، نوری است و هرگز خاموش نخواهد شد و خورشید فروزنده‌ای است که هرگز از فروزش نخواهد افتاد؛ دریایی است که عمق و ژرفای آن قابل درک و فهم نیست. وی افزود: نمایشگاه قرآن پایان‌ناپذیر است و درباره عظمت قرآن تعابیر زیادی همچون ذکر، مبارک، مایه برکت، موعظه، درمان دردها و آلام بشری در قرآن به کار برده می‌شود. وی به فعالیت‌های جدید در نمایشگاه قرآن اشاره کرد و گفت: نمایشگاه قرآن، بهانه‌ای برای کسب معرفت قرآنی مردم است که اختتامیه آن آغازی برای شروع فصل جدید در زندگی آنان به شمار می‌رود. حسینی در پایان اظهار داشت: دولت دهم در مسیر حمایت از فعالیت‌های قرآنی مصمم گام برمی‌دارد و خروجی نمایشگاه و استقبال ۲ میلیونی مردم از آن، ما را به تجدید میثاق وامی‌دارد و دولت عدالت‌گستر در همین راستا حرکت می‌کند.

توسط سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران

مدرسه نماز راه‌اندازی می‌شود

مدرسه نماز به‌همت ستاد اقامه نماز سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران در فرهنگسرای رازی راه‌اندازی می‌شود. حجت‌الاسلام‌والمسلمین «رضا فیاضی» - رئیس ستاد اقامه نماز سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران - با اعلام این مطلب گفت: طرح راه‌اندازی مدرسه نماز با همکاری معاونت فرهنگی و ستاد اقامه نماز سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران اجرا می‌شود تا بدین ترتیب، دانش‌آموزان با اهمیت و فضیلت نماز در آیین اسلام آشنا شوند.

وی افزود: دبیرخانه نماز در حال حاضر در فرهنگسرای رازی راه‌اندازی شده است تا مفاهیم مرتبط با این فریضه الهی به شیوه‌های مختلف به اقشار مختلف جامعه آموزش داده شود. فیاضی درباره فعالیت‌های این مدرسه تصریح کرد: با توجه به فضای مطلوب فرهنگسرای رازی و برخورداری این فرهنگسرا از امکانات تفریحی مختلف، در نظر داریم در قالب کارگاه و راه‌اندازی غرفه‌های مختلف، به آموزش ابعاد مختلف نماز به مخاطبان این مدرسه بپردازیم.

رئیس ستاد اقامه نماز سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران در ادامه گفت: طبق تجربه، آموزش مستقیم مباحث بازخورد مطلوبی ندارد و دانش‌آموزان جذب آن نمی‌شوند؛ بنابراین در نظر داریم با ایجاد فضای مفرح و شاد، نوجوانان و جوانان را در معرض آموزش قرار دهیم. وی درباره زمان فعالیت این مدرسه افزود: با توجه به اینکه در این طرح، دانش‌آموزان مقاطع راهنمایی و دبیرستان حضور دارند، اجرای این طرح به پس از بازگشایی مدارس موکول شده است.

رئیس مرکز هماهنگی، توسعه و ترویج فعالیت‌های قرآنی وزارت ارشاد:

شورای قرآنی در استانداری‌ها غیرقانونی است

رئیس مرکز هماهنگی، توسعه و ترویج فعالیت‌های قرآنی وزارت ارشاد، از ابلاغ تشکیل شورای توسعه فرهنگ قرآنی با دستور رئیس جمهور خبر داد و گفت که تشکیل شورای قرآنی در برخی از استانداری‌ها غیرقانونی است.

محمدعلی خواجه‌پیری با اشاره به اینکه دولت نهم زیرساخت‌های محکمی در حوزه قرآن کریم ایجاد کرده است، گفت: در طول چهار سال گذشته، حمایت‌های خوبی از موسسات قرآنی کشور انجام شد. رئیس مرکز هماهنگی، توسعه و ترویج فعالیت‌های قرآنی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، از تشکیل عملیاتی این دبیرخانه در آینده‌ای نزدیک خبر داد و اظهار داشت: شورای توسعه فرهنگ قرآنی در زمینه آموزش، پژوهش و ترویج فعالیت می‌کند. وی تشکیل شورای قرآنی در برخی از استانداری‌ها خارج از چهارچوب شورای انقلاب فرهنگی را امری غیرقانونی اعلام کرد و گفت: غیرقانونی بودن این شورا توسط شورای انقلاب فرهنگی به استانداری‌ها اعلام شد.

گزیده‌ها

آیت‌الله خامنه‌ای
رهبر معظم انقلاب

دست قدرتی کارها را در انقلاب اسلامی پیش می‌برد. انسان این دست قدرت الهی را می‌بیند. البته این دست قدرت الهی، قوم و خویشی‌ای با ما ندارد - «من کان لله کان‌الله له»؛ «إن تنصروا‌الله ینصرکم»؛ «و لینصرنّ‌الله من ینصره» - باید خالصانه در خدمت این راه باشیم. (۳ مهر)

آیت‌الله سبحانی
مرجع تقلید

مسلمانان جهان از حاکمان نجد و حجاز می‌خواهند که حریت و آزادی را به حرمین شریفین باز گردانند و اجازه دهند با نظم و آرامش، محبان اهل بیت(ع) قبور آنان را تجدیدبنا کنند و همه طوایف اسلامی را در انجام فرایض خود در زمان حج و عمره، آزاد بگذارند تا حرم امن الهی برای همه «حرم امن» شود. (۵ مهر)

سیدمحمد حسینی
وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

نامگذاری روزی با عنوان «روز ملی قرآن» ابتکاری است که باید طبق روال در شورای عالی انقلاب فرهنگی بررسی شود و پس از تصویب در آنجا، این حرکت را باید در سایر کشورهای اسلامی هم تعمیم داد. (۲۸ شهریور)

دکتر جلیل تجلیل
استاد ادبیات دانشگاه تهران

فضاهای آکادمیک حوزه و دانشگاه به عنوان محل پرورش شاعران خوش‌ذوق و خوش‌قریحه همواره دو کانون جریان‌ساز شاعران قرآنی هستند. (۲ مهر)

محمود لطفی‌نیا
داور بین‌المللی قرآن کریم

وقتی در سطوح تخصصی قرآن کریم، بانوان حضوری ضعیف داشته باشند، به همان میزان هم در داوری مسابقات قرآن دارای ضعف و اشکال خواهند بود و داوران مسلط در این بخش در کل کشور بسیار اندکند. این وضعیت شایسته بانوان جمهوری اسلامی نیست. (۵ مهر)

حسن ربیعیان
قاری بین‌المللی قرآن

معرفت قرآنی را از خودمان شروع کنیم تا جامعه اصلاح شود. به نظر می‌رسد که ما باید ریشه‌ای‌تر به مساله قرآن در جامعه نگاه کنیم. باید به فضای فراموش شده‌ای به نام آموزش و پرورش بپردازیم. (۶ مهر)

با اعلام فراخوان به هنرمندان سینما کلید خورد

دومین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های قرآنی

دومین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های قرآنی که از پنجم تا هفتم آذر ماه در تهران برگزار می‌شود، با اعلام فراخوان کلید خورد.

دومین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های قرآنی با اهداف شناخت بهتر احکام و دستورات قرآنی توسط هنر سینما، پرورش جوانان هنرمند برای بسط و گسترش فرهنگ قرآنی با هنر سینما در سطح جامعه، بررسی و تحقیقات علمی درباره داستان‌ها و نکات آموزنده قرآن کریم، به تصویر در آوردن حکایات دینی و مذهبی قرآن کریم و کاربرد این دستورات در زندگی امروزی، برداشت آزاد از موضوعات قرآنی و ساخت فیلم‌های کوتاه و شناساندن آن به تمام مردم دنیا، تمرکز و تجمع هنرمندان و کارشناسان قرآنی و سینمایی به جهت سرمایه‌گذاری مادی و معنوی و ارتباط بین کشورهای مسلمان به جهت ترویج فرهنگ دینی و قرآنی در سطح جهان برگزار می‌شود.

این جشنواره در بخش‌های مسابقه فیلم‌های داستانی کوتاه و بلند سینمایی، نماهنگ، مستند، انیمیشن و بخش ویژه زنان، دانشجویان و جوانان برگزار می‌شود.

علاقه‌مندان برای شرکت در این جشنواره لازم است یک نسخه ویدئویی از اثر خود را به صورت دی‌وی‌دی به همراه دو قطعه عکس پشت صحنه و یک قطعه عکس کارگردان تا اول آبان ماه ۸۸ به دبیرخانه این جشنواره به نشانی خیابان شریعتی، بالاتر از سه راه طالقانی، بین میثاق ۲ و ۳، پلاک ۲۳۸ واحد ۵ ارسال کرده و برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۲۱۷۷۶۵۲۰۲۴ تماس بگیرند.

با برنامه‌ای منظم، دارالقرآن خانه کارگر

کارگران، معلم و شاگرد قرآن می‌شوند

مسؤول دارالقرآن خانه کارگر با اشاره به برنامه‌های آموزش غیرحضوری قرآن کریم به کارگران سراسر کشور، گفت: کارگران با دریافت برنامه‌ای هوشمند، معلم و شاگرد قرآن در محل کار می‌شوند.

علی‌رضا محجوب - مسؤول دارالقرآن خانه کارگر و نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی - با اعلام این مطلب گفت: بحث آموزش غیرحضوری به صورت آزمایشی انجام می‌شود و امیدواریم هر کارگری با گرفتن یک برنامه هوشمند، مربی و شاگرد قرآنی در محل کارش باشد و روزانه دقایقی از وقت خود را برای فراگیری قرآن اختصاص دهد.

وی افزود: از سوی این دارالقرآن، برنامه نرم‌افزاری‌ای به نام دارالقرآن خانه کارگر آماده شده است که آن را به کارگران عرضه خواهیم کرد. البته در بخش آموزش غیرحضوری، ابتدا دروس به صورت سنتی و به شکل بسته‌های مکاتباتی ارائه می‌شود و سپس به صورت نرم‌افزاری ارائه خواهد شد.

محجوب بیان کرد: حدود ۲۰ هزار نفر، طی سال‌های گذشته آموزش قرآن را در این دارالقرآن فراگرفته‌اند و امسال این رقم به ۳۰ هزار نفر خواهد رسید که از ابتدای شروع به فعالیت این دارالقرآن، آموزش کارگران و خانواده‌های ایشان هدف اصلی بوده است و در بخش آموزش‌های غیرحضوری، عموم مردم به عنوان قرآن‌آموز اجازه حضور در فعالیت‌های قرآنی دارالقرآن خانه کارگر را دارند.

مسؤول دارالقرآن خانه کارگر در پایان بیان کرد: خادمان قرآنی در میان قشر کارگر هم حضور دارند و هر سال مراسم تجلیل، همزمان با روز کارگر از این افراد انجام می‌شود و جزء اهداف دارالقرآن خانه کارگر است تا تجلیل وسیع‌تری هم از این افراد صورت گیرد. همچنین در طول سال، شکل‌های مختلف محافل قرآنی در قالب کارگاه‌های آموزشی و جلسات قرآن در سطح کارخانه‌ها برگزار می‌شود.

موسسه فرهنگی یاسین تولید کرد

نرم‌افزار آموزش قرآن ویژه خردسالان



معاون پژوهش موسسه فرهنگی یاسین از تولید نرم‌افزار آموزش قرآن هدهد - ویژه خردسالان - خبر داد.

علیرضا تقیان اظهار داشت: «نرم‌افزار آموزش قرآن با نام هدهد ویژه کودکان سه تا هشت‌ساله طراحی و تولید شده است».

وی بهره‌گیری از روش قصه‌گویی در آموزش قرآن را از ویژگی‌ها و مزیت‌های این نرم‌افزار دانست و افزود: «آموزش الفبا، شهر سوره‌ها، قصه‌ها، بازی و سرگرمی و آموزش مهارت‌های زندگی از بخش‌های اصلی این نرم‌افزار آموزشی است». معاون پژوهشی موسسه فرهنگی یاسین آموزش قرائت، حفظ و مفاهیم آیات ۲۰ سوره قرآن با بهره‌گیری از تصاویر و شخصیت‌های نمایشی در بخش شهر سوره‌ها، ارائه پنج قصه قرآنی در بخش قصه‌ها و چهار بازی و سرگرمی مرتبط با مباحث قرآنی را از دیگر امکانات این نرم‌افزار برشمرد. وی با بیان اینکه در این نرم افزار سعی شده آموزش مفاهیم قرآن به کمک پویانمایی به شکلی جذاب ارائه شود، افزود: «آموزش حروف الفبا همراه با انیمیشن‌های زیبا و قابل فهم برای کودکان و داستان‌های مربوط به پیامبران به صورت انیمیشن در این راستا طراحی شده است».

تقیان با اشاره به اهمیت آشناسازی کودکان با مفاهیم و تفسیر آیات الهی افزود: «آشنایی با سوره‌های کوچک قرآن و آموزش آنها با روشی ساده و جذاب به صورت آموزش مفاهیم، قرائت و حفظ برای کودکان از اهمیت بسزایی برخوردار است».

اعزام سه حافظ قرآن به عربستان

سازمان اوقاف و امور خیریه به دعوت عربستان سعودی، سه حافظ قرآن برتر کشورمان را به سی‌ویکمین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن کریم این کشور اعزام می‌کند. سی و یکمین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن کریم عربستان سعودی، از ۱۳ تا ۱۹ مهرماه در این کشور برگزار می‌شود و سازمان اوقاف و امور خیریه به دعوت عربستان سعودی، سه حافظ قرآن کشورمان را به این مسابقات اعزام می‌کند.

معاونت فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه اعلام کرد: سازمان اوقاف و امور خیریه، امسال آقایان «یونس عقیلی» در رشته حفظ کل، «فرهاد رشوندی» در رشته حفظ ۲۰ جزء و «محمدعلی اسلامی» را در رشته حفظ ده جزء به این مسابقات اعزام خواهد کرد.

معاون سینمایی سابق وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:

«ملک سلیمان» بهترین فیلم قرآنی جشنواره فجر است

جعفری جلوه گفت: «ملک سلیمان» بهترین فیلم قرآنی جشنواره فیلم فجر امسال است که از نظر جنبه‌های نوآوری، دانش‌های نو و دستاوردهای جدید سمعی و بصری اثر قابل ملاحظه‌ای است. محمدرضا جعفری جلوه - معاون سینمایی سابق وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی - درباره جشنواره فیلم فجر امسال گفت: «دوره بیست‌وهفتم جشنواره فیلم فجر از بهترین دوره‌ها بود که ثمره ۴ سال فعالیت و برنامه‌ریزی در این جشنواره رخ داد و دوره بیست‌وهشتم از غنی‌ترین جشنواره‌هاست که به لحاظ تحولات مضمونی و موضوعی تنوع دارد».

وی درباره جایگاه و تولید فیلم قرآنی در دوره بیست‌وهشتم جشنواره فیلم فجر تصریح کرد: «مهم‌ترین اثر سینمای ایران در حوزه قرآن، فیلم ملک سلیمان است که این فیلم سینمایی به زندگی حضرت سلیمان نبی با روایتی قرآنی می‌پردازد».

جعفری جلوه افزود: «این فیلم به لحاظ جنبه‌های نوآوری، دانش‌های نو و دستاوردهای جدید سمعی و بصری اثر قابل ملاحظه‌ای است که در این جشنواره به نمایش در می‌آید».

گزیده‌ها

محمدرضا شهیدی‌پور
داور بین‌المللی قرآن

برای شرکت‌کنندگان در مسابقات قرآنی دانشجویان، باید قبل از برپایی مسابقه‌ها، دوره‌های آموزشی برگزار شود و پس از آن، مسابقات قرآن برگزار شده تا به این وسیله دانشجویان با معارف قرآنی بیشتر آشنا شوند. (۷ مهر)

علی‌اکبر حنیفی
پیشکسوت قرآنی

تجلیل از خادمان قرآنی اگر بر اساس یک مجموعه ضوابط مشخص باشد و بر آن پایه به افراد نمره داده شود با ارزش است اما اگر این انتخاب‌ها معلوم و مشخص نباشد و به صورت پنهانی و بدون ضابطه‌های مشخص و معین باشد، ممکن است در میان افراد قرآنی اثر معکوس داشته باشد. (۳۱ شهریور)

حبیب مهکام
پیشکسوت قرآنی

اجرای سیاست گام به گام، پذیرش جامعه را برای برپایی مسابقات بین‌المللی بانوان در ایران آسان می‌کند. به‌هرحال برپایی مسابقات بین‌المللی بانوان در ایران منوط به پذیرش جامعه است. (۴ مهر)

سعید طوسی
قاری بین‌المللی قرآن کریم

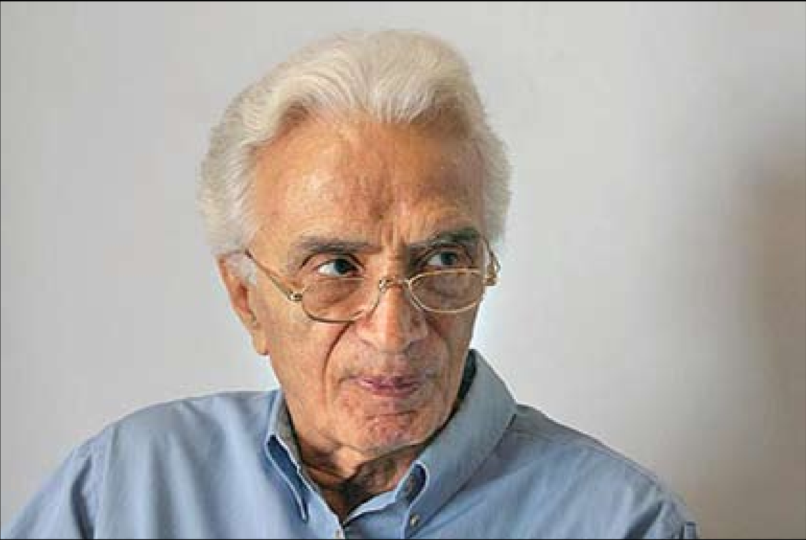
با تجلیل از افرادی که سالیان طولانی در راه قرآن قدم برداشته‌اند، شرایطی به وجود می‌آید تا جوانانی که تازه پا در این عرصه گذاشته‌اند نیز احساس دلگرمی بیشتری کنند و با انگیزه بیشتری به ادامه فعالیت‌های خود بپردازند. (۴ مهر)

سیدعلی سرابی
رئیس اتحادیه تشکل‌های قرآنی

باید تجلیل از خادمان قرآن کریم به یک باور و ارزش در جامعه تبدیل شود تا به این وسیله روحیه خادمان قرآنی افزایش یابد و تمایل اقشار مختلف مردم برای فعالیت در عرصه فعالیت‌های قرآنی بیشتر شود. (۵ مهر)

حجت‌الاسلام شیرمردی
مدیرکل اوقاف تهران

طرح جدید اداره اوقاف برای ترویج و توسعه فرهنگ قرآنی در استان تهران، روخوانی و روانخوانی قرآنی دست‌کم یک میلیون دانش‌آموز را تقویت می‌کند. (یک مهر)



ابراهیم پورفرزیب:

مجلس سالانه رهبری باعث خشنودی قرآنی‌هاست

استاد و پیشکسوت قرآنی کشور در مورد رشد فعالیت‌های قرآنی در زمان زعامت مقام معظم رهبری اظهار کرد: ترغیب و تشویق مقام معظم رهبری و تشکیل مجلس سالانه ایشان در جمع قاریان بسیار موثر بوده و به همین سبب، تعداد حافظان قرآن کریم رو به افزایش است.

«ابراهیم پورفرزیب» (مولایی) - استاد و پیشکسوت قرآنی کشورمان - با بیان این مطلب گفت: از زمانی که موسیقی را در لحن قرآن کریم به شمار آوردند، رشدی در قرائت قرآن مشاهده نمی‌شود. قاری باید بداند که یکی از معجزات قرآن کریم این است که در حین تلاوت قرآن کریم و رعایت اصول تجویدی، موسیقی کاملی در آن حاصل می‌شود که قاری می‌تواند به وسیله آن، بدون دانستن دستگاه‌های موسیقی، شنونده را مجذوب کند.

این پیشکسوت قرآنی کشورمان به گفته‌های مقام معظم رهبری درباره ویژگی‌های جلسه‌های قرائت قرآن اشاره کرد و افزود: در جلساتی که در آنها تفسیر آیات بیان شود، بیشتر نتیجه حاصل می‌شود.

مولایی در خصوص برنامه‌ریزی برای ارتباط عمیق جوانان با قرآن کریم و فهم معانی آن که مد نظر مقام معظم رهبری است، تصریح کرد: جوانان را باید با تشویق و جوایزی در مواقع لازم، به قرآن کریم ترغیب و تشویق کرد تا رغبت کامل در آنها فراهم شود.

وی درباره اینکه طی سال‌های اخیر مقام معظم رهبری در دیدار خود با فعالان قرآنی روی بحث تدبر در قرآن کریم بسیار تاکید می‌کنند گفت: قرائت قرآن کریم در هر درجه‌ای باشد، بدون تدبر و فهم مفاهیم آن ارزش واقعی‌ای ندارد و سازندگی و تاثیر قرائت قرآن کریم در قاری، زمانی کامل خواهد شد که در روح قاری اثر مثبت ایجاد کند.

با حضور ۴۵۰ نفر در مشهد مقدس برگزار می‌شود

جشنواره ملی قرآن دانشجویان ایران

بیست و چهارمین جشنواره ملی قرآن دانشجویان ایران، با حضور ۴۵۰ نفر از آقایان و بانوان دانشجوی برگزیده مراحل مختلف دانشگاهی، در هشت رشته قرآنی طی روزهای ۱۷ تا ۲۰ مهرماه سال جاری در مشهد مقدس برگزار می‌شود. عیسی علیزاده - دبیر بیست و چهارمین جشنواره ملی قرآن دانشجویان ایران - با بیان این مطلب گفت: شرکت‌کنندگان در این جشنواره قرآنی، شامل برگزیدگان مراحل دانشگاهی، منطقه‌ای و سراسری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، دانشگاه پیام نور، دانشگاه علمی - کاربردی، دانشگاه آزاد اسلامی، مراکز تربیت دانشجوی آموزش و پرورش و دانشکده علوم قرآنی هستند.

معاون فعالیت‌های قرآنی سازمان فعالیت‌های قرآنی دانشجویان کشور اظهار کرد: در نظر داریم بعد از ظهر روز ۱۷ مهرماه، پذیرش دانشجویان را در دستور کار داشته باشیم و روز ۲۰ مهرماه هم مراسم اختتامیه مسابقات برگزار می‌شود. وی افزود: داوران این مسابقات از ترکیب داوران بین‌المللی، کشوری و داوران بومی شهر مشهد انتخاب شده‌اند؛ البته داوران مشهدی داورانی هستند که در مسابقات بین‌المللی داوری کرده‌اند و شناخته شده‌اند. دبیر بیست‌وچهارمین جشنواره ملی قرآن دانشجویان ایران اظهار کرد: امسال حساسیت مسابقات از سال‌های گذشته بیشتر است زیرا برگزیدگان این دوره و برگزیدگان دوره بعد، در یک مسابقه قرآنی مشترک شرکت می‌کنند و نفر برگزیده آن مسابقه به سومین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن دانشجویان مسلمان راه می‌یابد.

وی افزود: این مسابقات در رشته‌های قرائت تحقیق، قرائت ترتیل، ترجمه، تفسیر، حفظ پنج جزء، ده جزء، ۲۰ جزء و کل قرآن کریم برگزار می‌شود. البته مسابقات ترجمه و تفسیر قرآن کریم به صورت مشترک برگزار می‌شود و پنج نفر برگزیده مسابقات سراسری در هر رشته معرفی خواهند شد. معاون فعالیت‌های قرآنی سازمان فعالیت‌های قرآنی دانشجویان کشور گفت: در این دوره از مسابقات، ریاست هیأت داوران و اجرای برنامه افتتاحیه و اختتامیه برعهده استاد عباس سلیمی است.



▲ مجید بیزمارک، سفیر جمهوری اسلامی ایران و سیدسلیمان حسینی، رئیس انجمن فارغ‌التحصیلان تایلند

همکاری مشترک مراکز فرهنگی ایران و تایلند

شبی با قرآن در بانکوک

مراسم شبی با قرآن همراه با نمایشگاه کتاب و عکس با موضوعات قرآنی با همکاری رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در تایلند و موسسه قرآنی رسول اعظم(ص) این کشور در هتل الکساندر بانکوک برگزار شد. در این مراسم مجید بیزمارک سفیر جمهوری اسلامی ایران و دیگر مسؤولان فرهنگی ایران در این کشور، سیدسلیمان حسینی، رئیس محترم انجمن فارغ‌التحصیلان تایلند و ایران و مسؤولان و اعضای مدرسه الخیریه، مدرسه لواءالاسلام، مدرسه آمن نارامیت، مدرسه اصلاح‌المبتدی، مدرسه اظهارالدینیه، مکتب آموزش قرآن مسجد نورالاسلام، مکتب آموزش قرآن مسجدالاحسان، مدرسه حسن‌الاحسان، مکتب آموزش مسجد دارالمقیم، مدرسه رضوان، مکتب آموزش مفتاح‌الجنان و برخی دیگر از مراکز فرهنگی تایلند نیز حضور داشتند.

در این مراسم حجت‌الاسلام والمسلمین امیری نماینده جامعه‌المصطفی در تایلند در سخنانی گفت: «این مجلس یکی از زیباترین و معنوی‌ترین مجالس است چرا که مسلمانان با مذاهب مختلف با نام قرآن کریم در کنار هم جمع می‌شوند و به نام پیامبر اکرم(ص) به قرائت قرآن می‌پردازند و قطعا دشمنان اسلام از چنین جمعی محزون می‌شوند ولی پیامبر اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) از چنین نشست‌هایی راضی و خشنودند».

مجید بیزمارک سفیر جمهوری اسلامی ایران در تایلند نیز در این جمع گفت: «شروع ماه مبارک رمضان عید بزرگ مسلمانان است که ضیافت الهی در آن برپاست و مهمانان ویژه این ماه مسلمانان هستند، سفره الهی در این ماه غیر از سفره الهی برای کل انسان‌ها و موجودات عالم است و این سفره، سفره خواص و حامیان پروردگار است».

وی افزود: «ماه رمضان در هرسال مثل یک قطعه از بهشت است که در دنیای مادی سی روز در اختیار ما قرار می گیرد، برخی در همین سی روز وارد بهشت می‌شوند و برخی از این سی روز استفاده می کنند و در طول سال یا تا آخر عمر وارد بهشت می‌شوند و برخی دیگر بدون توجه از کنار آن عبور می کنند». سفیر ایران در تایلند خاطرنشان کرد: «ماه رمضان ماهی است که ابتدای آن رحمت، میانه آن مغفرت و انتهای آن آزادی از آتش است. درماه مبارک رمضان ما مسلمانان روزه می گیریم و با یک پیکار درونی خود را آماده پیکارهای سخت بیرونی می کنیم». در ادامه این مراسم جلال تمله رایزن فرهنگی ایران در تایلند گفت: «با امید به خداوند بزرگ و به برکت قرآن کریم و وجود مبارک رسول اکرم(ص) باید همه مسلمانان با هم مهربان باشند و در سایه الطاف الهی در این ماه مبارک با اطاعت از فرمان او بتوانند ایمان اسلامی خود را گسترش دهند».

برگزاری نمایشگاه قرآن‌کریم در باکو

نمایشگاه قرآن کریم از سوی رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با حضور سفیر کشورمان و جمعی از اندیشمندان و شخصیت‌های برجسته ایرانی و آذربایجانی در خانه فرهنگ شهریار باکو برگزار شد. ابراهیم نوری، رایزن فرهنگی کشورمان در باکو، با اشاره به بخش‌های گوناگون این نمایشگاه اظهار داشت: «مجموعه‌ای از کتاب‌ها، نرم‌افزارها، آثار هنری منبت‌کاری شده، خط و تذهیب و تابلوفرش‌های قرآنی برخی از آثاری بودند که در این نمایشگاه در معرض نمایش گذاشته شدند».

رایزن فرهنگی کشورمان تصریح کرد: «محفل انس با قرآن کریم نیز با حضور قاریان و حافظان برجسته قرآن کریم دو کشور انجام شد و اجرای برنامه تواشیح توسط گروه طارق تبریز، از دیگر برنامه‌های این نمایشگاه بود». نوری برگزاری این نمایشگاه در سال انتخاب «باکو» به عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام را اقدام مبارکی دانست و گفت: «این نمایشگاه یک هفته (آخرین هفته ماه مبارک رمضان) پذیرای بازدیدکنندگان، علاقه‌مندان و مسلمانان جمهوری آذربایجان بود».

چهارگوشه جهان

مسابقات قرآن در بانکوک

مسابقه قرائت قرآن به همت مرکز قاریان شهر بانکوک و با همکاری مؤسسه قرآنی الرسول الاعظم(ص) و خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در مرکز آموزش قرآن «الخیریه» بانکوک- پایتخت تایلند- برگزار شد. بسیاری از قاریان تایلندی در این رقابت قرآنی شرکت کردند و آدم بلبا، حائز رتبه اول مسابقات سراسری قرائت قرآن کریم در سال ۲۰۰۶ میلادی از شرکت‌کنندگان در این مسابقه بود. استاد موسوی بلده، قاری برجسته جمهوری اسلامی ایران هم به عنوان میهمان ویژه مسابقه قرآن بانکوک به قرائت آیاتی از کلام‌الله مجید پرداخت و مورد استقبال و تحسین حاضران قرار گرفت. حجت‌الاسلام عابدی و فاطمه عبدی هم از داوران ایرانی حاضر در این رقابت قرآنی بودند و در پایان عبدالله وان وانگ به عنوان نفر اول این مسابقه معرفی شد.

نسخه‌های خطی قرآن در باکو

نمایشگاه نسخه‌های خطی قرآن با همکاری وزارت فرهنگ و گردشگری جمهوری آذربایجان و اتحادیه بانوان «شمس» در قصر «شروان شاهان» در باکو، پایتخت این کشور برگزار شد. در این نمایشگاه ۲۰۰ نسخه خطی قرآن کریم از آثار هنرمندان مسلمان، تفاسیر قرآن کریم و مجموعه‌ای از آثار اسلامی برای علاقه‌مندان به نمایش درآمد. رضوان بایراموف، از مسؤولان وزارت فرهنگ و گردشگری جمهوری آذربایجان در این باره گفت: «در این نمایشگاه قرآن‌هایی نوشته شده بر پوست آهو و بز و همین‌طور قرآن‌هایی نگاشته شده با طلا در معرض دید عموم قرار گرفت».

چاپ قرآن توسط بانوان در آلبانی

رئیس جمعیت فرهنگی بانوان آلبانی، چاپ و نشر قرآن به زبان آلبانیایی را از مهم‌ترین فعالیت‌های این جمعیت برشمرد. ندرکیم زیکاج ضمن بیان این مطلب اظهار کرد: «برگزاری نشست‌ها و دوره‌های دینی برای زنان مسلمان هم از دیگر برنامه‌های جمعیت فرهنگی بانوان آلبانی در راستای نشر اسلام محسوب می‌شود». زیکاج با بیان اینکه ۸۰ درصد از جمعیت آلبانی مسلمان هستند، ساخت مساجد، تربیت مبلغان مسلمان و توجه به کودکان استثنایی را هم از جمله فعالیت‌های این جمعیت فرهنگی عنوان کرد.

نفرات برتر مسابقات بحرین

نفرات برگزیده نخستین دوره مسابقات صوت و قرائت قرآن بحرین، از سوی داوران این مسابقات معرفی شدند. این مسابقات به مدت پنج شب و در دو گروه سنی زیر ۱۶ سال و ۱۶ تا ۲۵ سال برگزار شد. از سوی داوران مسابقات، در گروه سنی زیر ۱۶ سال، «مصطفی شهاب موسی»، «علی حسن دعبل» و «محمد جعفر رضی» رتبه‌های اول تا سوم را کسب کردند و در گروه سنی ۱۶ تا ۲۵ سال، «محمود سلمان الإسکافی»، «حبیب عبدالنبی حبیب» و «قاسم أحمد رضی» حائز رتبه‌های اول تا سوم شدند. «حسن المتغوی» ناظر برگزاری این رقابت‌ها در این‌باره گفت: «هر قاری به مدت ده تا ۱۵ دقیقه آیاتی از قرآن را که از سوی کمیته داوران انتخاب می‌شود، قرائت می‌کرد و کمیته داوران براساس حسن قرائت و تجوید، ادای صوت قرآنی و رعایت قواعد قرائت از سوی شرکت‌کنندگان به آنها نمره می‌دادند».

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی تولید کرد:

کتابخانه دیجیتالی معارف اسلامی به شش زبان



به همت بخش خدمات فرهنگی معاونت بازرگانی مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی برای نخستین‌بار کتابخانه دیجیتالی معارف اسلامی به شش زبان بین‌المللی با همکاری موسسه «راه حق» تولید و روانه بازار شد. مدیر بخش خدمات فرهنگی مرکز نور، هدف از تولید این مجموعه را جمع‌آوری و ارائه مجموعه نفیس علمی به جامعه محققان و پژوهشگران حوزه و دانشگاه عنوان کرد. حجت‌الاسلام والمسلمین «محمدباقر خوانساری» تولید این کتابخانه دیجیتالی را مطابق با استانداردهای بین‌المللی سیستم عامل ویندوز عنوان کرد و افزود: «این نرم‌افزار طی نه ماه و با تلاش کارشناسان بخش خدمات فرهنگی مرکز تحقیقات تولید شده است». وی ادامه داد: «این مجموعه نفیس شامل ۴۰۰ جلد کتاب به زبان‌های آذری، ترکی استانبولی، روسی، انگلیسی، عربی و فارسی در قالب ده موضوع مختلف تاریخ اسلام، اعتقادات، علم کلام، فلسفه، اخلاق، عرفان، فقه، اصول، قرآن و حدیث است».

حجت‌الاسلام خوانساری یکی از قابلیت‌های منحصربه‌فرد این کتابخانه دیجیتال را امکان اضافه کردن کتاب به تمام زبان‌های دنیا که توسط سیستم عامل ویندوز پشتیبانی می‌شود، عنوان کرد. مدیربخش خدمات فرهنگی معاونت بازرگانی مرکز تحقیقات یکی دیگر از قابلیت‌های ویژه این مجموعه نفیس را تبدیل رسم‌الخط سیرلیک به لاتین و بالعکس دانست و افزود: «در این مجموعه ۱۹۶جلد کتاب ترکی آذری، ۱۴جلد ترکی استانبولی، ۸۸جلد روسی، ۳۷جلد انگلیسی، ۲۸جلد فارسی و ۴۷جلد عربی در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است».

همچنین در این نرم‌افزار امکان ارائه فهرست‌های درختی و گزینشی و قابلیت جست‌وجوهای مختلف در متون و فهرست‌ها گنجانده شده است.

رونمایی اطلس قرآن کریم در ترکیه

اطلس قرآن کریم شامل اطلاعاتی درباره اماکن ذکر شده در قرآن، به همت «احمد بدیر» کارشناس و محقق علوم اسلامی ترکیه همزمان با عید سعید فطر در این کشور رونمایی شد. احمد بدیر پس از ۱۲ سال گردش در شماری از کشورهای عربی همچون عراق، عربستان‌سعودی، عمان، مصر و سوریه این اطلس قرآن کریم را تألیف کرده است. در این اطلس قرآنی نقشه‌ها، تصاویر و اطلاعاتی درباره اماکن و سرزمین‌های ذکر شده در قرآن توسط انبیا و پیامبران الهی و نیز مناطق انتشار دعوت آنان آمده است.

این پژوهشگر ترک درباره اثر خود می گوید: «این اطلس قرآنی در معرفی آثار اسلامی و کمک به محققان مسلمان در راستای دستیابی به اطلاعاتی درباره اسلام و مقدسات آن تأثیر بسزایی خواهد داشت». احمد بدیر در ادامه با اشاره به مشکلات پیش روی خود به منظور تدوین این اطلس قرآنی، افزود: «تحقیقات نظری در این اثر قرآنی به تصاویر و نقشه‌های مناسبی نیاز داشت و از بین رفتن بسیاری از اماکن مقدس در جهان اسلام مشکلات زیادی در زمینه تدوین این اطلس طی ۱۲ سال در پی داشت».

پیش از این طرح، تألیف اطلس اماکن و سرزمین‌های ذکر شده در قرآن کریم توسط شوقی ابوخلیل، پژوهشگر فلسطینی انجام شده بود و این پژوهشگر فلسطینی، اطلسی حاوی نقشه‌هایی درباره محل زندگی پیامبران، اقوام و اماکن ذکر شده در قرآن و نیز آمارهای مختلف قرآنی تدوین کرده بود».

در مسابقات بین‌المللی قرآن شبکه الکوثر

قاری ایرانی اول شد

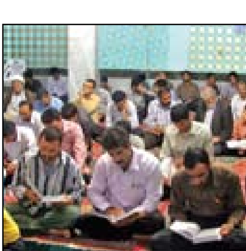
سیدجاسم موسوی موفق شد در دومین دوره مسابقات بین‌المللی قرائت قرآن کریم شبکه جهانی الکوثر که تحت عنوان «ان للمتقین مفازا» با حضور ۲۲کشور و ۱۰۵قاری برگزار شد با امتیاز ۸۳/۵رتبه نخست را از آن خود کند. در مرحله پایانی این مسابقات زکریا عثمان حمامه از الجزایر با ۷۸/۵ امتیاز دوم شد و محمد احمد السید حمیده از مصر هم با ۷۷/۵ امتیاز به مقام سوم دست یافت. داوری مرحله پایانی این دوره از مسابقات را ابوالعینین شعیشع از مصر، عبدالرسول عبایی از ایران و کریم راجح از سوریه برعهده داشتند.



در این مسابقات که تاکنون در جهان رسانه سابقه نداشته است، داوران بین‌المللی قرآن کریم از سه نقطه جهان به صورت زنده و مستقیم داوری مسابقه را بر عهده داشتند و قاریان هم از کشورهای مختلف به صورت زنده و تلفنی به تلاوت قرآن کریم می‌پرداختند.

برنامه‌های قرآنی آستانه حضرت‌عبدالعظیم(ع) اعلام شد

درمحفل قاریان بین‌المللی



جلسات آموزش ترتیل‌خوانی، حفظ، صوت و لحن و تجوید قرآن کریم با حضور قاریان و حافظان بین‌المللی در آستان حضرت عبدالعظیم الحسنی(ع) برگزار می‌شود.

معتز آقایی- مسؤول آموزش واحد آقایان مرکز آموزش قرآن کریم آستان حضرت عبدالعظیم‌الحسنی(ع)- با اعلام این خبر گفت: «جلسات آموزش قرآن کریم با حضور قاریان و حافظان ممتاز و بین‌المللی بعد از نماز مغرب و عشا در مسجد جامع آستان حضرت عبدالعظیم الحسنی(ع) برگزار می‌شود». وی با اشاره به این که خود عهده‌دار برپایی جلسه آموزش ترتیل‌خوانی قرآن است، گفت: «این جلسه روزهای شنبه هر هفته برگزار شده و روزهای یکشنبه هم جلسه آموزش حفظ قرآن کریم با حضور حجت‌الله میرزایی برپا می‌شود». این حافظ کل قرآن کریم عنوان کرد: «آموزش صوت و لحن و تجوید روزهای دوشنبه با حضور سیدمرتضی لاجوردی و چهارشنبه‌ها به عهده حجت‌الاسلام‌والمسلمین موسوی درچه‌ای- قاری ممتاز کشورمان- است».

فعالیت‌های جامعه‌القرآن اراک

افتتاحیه طرح حفظ یک‌ساله

مدیر جامعه‌القرآن کریم اراک از برگزاری مراسم افتتاحیه طرح یک‌ساله حفظ کل قرآن کریم در این مرکز خبر داد.

علی آسترکی- مدیر جامعهٔ‌القرآن کریم اراک- گفت: «مراسم افتتاحیه طرح یک‌ساله حفظ کل قرآن کریم پنجم تا دهم مهرماه در جامعهٔ‌القرآن اراک برگزار شد». وی با بیان این مطلب که ظرفیت پذیرش این دوره در سال اول ۱۲۰ نفر است، افزود: «قریب به ۷۰ نفر از میان ۱۵۰ نفر متقاضی جهت شرکت در این دوره پذیرفته شده و دوره آزمایشی چهارم هم جهت انتخاب از میان متقاضیان جدید به‌زودی آغاز می‌شود». پذیرفته‌شدگان دوره آزمایشی چهارم که از میان دانشجویان علاقه‌مند استان مرکزی انتخاب خواهند شد به پذیرفته‌شدگان دوره‌های آزمایشی گذشته پیوسته و دوره اصلی را آغاز خواهند کرد. مدیر جامعه القرآن کریم اراک با بیان اینکه دوره اصلی حفظ کل قرآن کریم با برگزاری مراسم افتتاحیه‌ای از پنجم تا دهم مهرماه آغاز شده و به مدت یک‌سال ادامه خواهد داشت، خاطرنشان کرد: «کلاس‌های مختلف مربوط به این طرح در محل جامعه‌القرآن آقایان اراک برگزار می‌شود».

درخواست مسؤول مرکز قرآنی رضویه مشهد

معیارهای مدارک قرآنی یکسان شوند

هنوز روش و معیار یکسانی برای اعطای مدارک قرآنی به قرآن‌آموزان اعمال نمی‌شود، بنابراین باید از سوی سازمان‌های متولی این امر اقداماتی برای یکسان‌سازی این مدارک صورت گیرد.

بنا به گفته زهرا عامری‌فرد- مسؤول مرکز قرآنی رضویه مشهد- سازمان‌های متولی اعطای مدارک قرآنی نتوانسته‌اند بر اساس معیار و استاندارد مشخص، مدارک و گواهینامه‌های قرآنی را به قرآن‌آموزان اعطا کنند. عامری فرد معتقد است مدارکی که در پایان دوره‌های آموزشی قرآن از سوی مراکز خودجوش مردمی به قرآن‌آموزان اعطا می‌شود، اعتبار چندانی ندارند و می‌توان گفت که این مدارک تنها درحد گواهی گذراندن دوره‌های آموزشی است. عامری‌فرد با بیان اینکه اعطای مدارک به قرآن‌آموزان نوعی تشویق برای آنها محسوب می‌شود، افزود: «اعطای مدرک به‌فردی که در کلاس‌های قرآنی شرکت می‌کند، نوعی تشویق برای او محسوب می‌شود تا با رغبت بیشتری در دوره‌های بعدی آموزش‌های قرآنی حضور یابد و اگر در پایان دوره‌های آموزشی قرآن، گواهینامه یا مدارکی به قرآن‌آموزان اعطا نشود، آنها از حضور در کلاس‌ها دلسرد شده و علاقه‌ای برای حضور در دوره‌های بعدی نخواهند داشت».

شهر به شهر

همایش وقف در خوی

همایش «نقش وقف در گسترش فرهنگ و تعالیم قرآنی»، مهرماه سال‌جاری به‌همت دانشکده علوم قرآنی خوی برگزار می‌شود که تا کنون ۱۲ مقاله به دبیرخانه این همایش ارسال شده است. قهرمان مددلو- معاون آموزشی و پژوهشی دانشکده علوم قرآنی خوی- با اعلام این خبر گفت: «این همایش با هدف ترویج فرهنگ وقف و توسعه موقوفات قرآنی، ۱۲ مهرماه سال‌جاری برگزار خواهد شد». وی «بررسی ابعاد تاریخی وقف و موقوفات قرآنی»، «بررسی درآمد موقوفات مرتبط با قرآن و کیفیت تصرف آن» و «راه‌های تشویق و ترغیب خیران و علاقه‌مندان برای ایجاد موقوفات قرآنی» را از محورهای کلی این همایش عنوان کرد.

برگزاری مسابقات قرآن در کنارک

مراد نورایی بار رئیس اداره تبلیغات اسلامی کنارک گفت: «به مناسبت عید سعید فطر مسابقات قرآن در مرکز هیات جوانان علی اکبر(ع) این شهرستان برگزار شد». رئیس اداره تبلیغات اسلامی کنارک افزود: «این مسابقه که با هدف تقویت و تشویق قاریان جوان و همچنین سنجش استعدادهای قرآنی آنان صورت گرفت در رشته‌های ترتیل و تحقیق برگزار شد». نورایی بار اظهار کرد: «در این مراسم که باحضور حجت الاسلام هروسی زارعی امام جمعه، حجت‌الاسلام علیخانی روحانی دعوت شده و همچنین امیر تقی‌پور- فرمانده پایگاه دهم شکاری- انجام شد در خاتمه هدایایی به رسم یاد بود به نفرات اول تا سوم هر رشته اهدا شد».

آموزش مفاهیم قرآن در زاهدان

اسحاق کشاورز مدیر مؤسسه قرآنی نورالثقلین زاهدان با بیان اینکه کلاس‌های آموزش مفاهیم از ابتدای مهر در محل دو شعبه این مؤسسه در زاهدان آغاز شده است گفت: «این کلاس‌ها که ویژه آقایان است هر روز به مدت شش ماه ادامه دارد». کشاورز اظهار کرد: «این دوره که با هدف تفکر در قرآن و ترویج فرهنگ قرآنی در بین عموم مردم صورت گرفته است با همکاری اداره کل تبلیغات اسلامی استان سیستان و بلوچستان برگزار می‌شود». مدیر مؤسسه قرآنی نورالثقلین زاهدان یادآور شد: «این دوره به صورت رایگان است و تمام علاقه‌مندان بالای ۱۴ سال می‌توانند در این کلاس‌ها شرکت کنند».

دو مرکز قرآنی در آران و بیدگل

دو مرکز جدید قرآنی در علی‌آباد و محمدآباد شهرستان آران و بیدگل با هدف نشر و ترویج فعالیت‌های قرآنی در دو گروه سنی خردسالان و بزرگسالان تأسیس شد.

حجت‌الاسلام و المسلمین حجت‌الله جلالی- مسؤول مهد قرآن کریم آران و بیدگل- از تأسیس ده مرکز قرآنی در سطح شهرستان آران و بیدگل خبر داد. تاکنون ده مرکز قرآنی در زمینه‌های مهد کودک و پیش دبستانی در شهرستان آران و بیدگل تأسیس شده است که پنج مرکز آن در ماه رمضان سال جاری تأسیس شده و هر شعبه توسط افراد مرتبط در این زمینه اداره می‌شود.



مدیر روابط عمومی و بین‌الملل کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی خبر داد

نگهداری از قرآن ۱۲۰۰ ساله

مدیر روابط عمومی و بین‌الملل کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی از وجود قرآنی قدیمی مربوط به سال‌های ۱۰۰ و ۱۵۰ هجری قمری در این کتابخانه خبرداد.

محمدحسین اوسطی- مدیر روابط عمومی و بین‌الملل کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی- با اعلام این خبر گفت: «این قرآن منسوب به دوران امامان چهارم و پنجم ما شیعیان است و به خط کوفی و روی پوست بز کتابت شده و طبق رسم قدما موادی از کتان و نخل و ابریشم و... در آن به کار رفته است تا از هجوم حشرات و آسیب‌ها در امان باشد».

بنا بر گفته‌های اوسطی عظمت این نسخه در اعراب‌گذاری آن است که توسط یحیی بن یعمر و نصربن عاصم- از شاگردان ابوالاسود دوئلی- انجام شده است. وی همچنین از نسخه‌ای از قرآن منسوب به دوران امام رضا(ع) در این کتابخانه خبرداد و گفت: «در این نسخه خطی، آیات ۲۳ تا ۴۰ سوره مبارکه مریم(س) کتابت شده است و در کنار آن آثار دیگری مانند نسخه‌ای حاوی آیات ۱۲۸ تا ۱۳۰ سوره مبارکه انعام مربوط به سده سوم وجود دارد.»

اوسطی اظهار کرد: «کتابت‌هایی از خطاط معروف ابن‌مقله و علی بن هلال معروف به ابن بواب، خطوط کوفی ایرانی سده چهارم و خط مغربی و خطوط نسخ و ثلث و ریحان و محقق و... با نمونه ترجمه‌ای از قرآن مربوط به ۹۰۰ سال قبل از دیگر آثاری است که در این کتابخانه نگهداری شده و در معرض دید علاقه‌مندان قرار گرفته است». در این ترجمه،الله را خداوند ترجمه کرده و به علت نزدیکی زبان عربی به فارسی، سرکش‌های گاف را حذف کرده است.

مدیر روابط عمومی و بین‌الملل کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی با بیان اینکه در مجموعه قرآن‌های موجود در کتابخانه، تکامل تدریجی خط و تذهیب به خوبی نمایش داده شده است تصریح کرد: «از خطوط قرن ششم، خط بایسنقری و از خطوط قرون هفتم و هشتم خط ابن یاقوت مستعصمی را داریم که خط به تدریج تکامل می‌یابد».

اوسطی افزود: «بعدها هم شاهد بروز زیباترین خطوط قرآنی نوشته شده توسط زین العابدین محلاتی در دوره قاجار و خط بهاری یا ثلث ترکستانی هستیم که نمونه‌ای از این خط در استان ارومچی چین و در نزدیکی کاشغر (که اخیرا دولت چین بی‌رحمانه شیعیان آنجا را به خاک و خون کشاند) کتابت شده است و در اینجا نگهداری می‌شود».

وی تصریح کرد: «در زمینه تذهیب هم شاهد رواج سبک‌های مختلف مانند تیموری از سده نهم هجری قمری تا سبک‌های دوران صفوی و قاجاریه هستیم و در دوران قاجار با نوعی تنوع در سبک‌های تذهیب مواجه می‌شویم و مکاتب تذهیبی اصفهان، تهران، شیراز، کشمیر و... شکل گرفته است».

موسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی برگزار کرد

ده نمایشگاه قرآنی در ده کشور دنیا

موسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی با همکاری سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی ایران ده نمایشگاه قرآنی در ده کشور دنیا برپا کرد.

این نمایشگاه‌ها به سفارش دبیرخانه شورای عالی فرهنگی آستان قدس رضوی در کشورهای فیلیپین، تونس، بنگلادش، امارات، کنیا، اندونزی، تانزانیا، پاکستان، هند و جمهوری آذربایجان برگزار شد و پذیرای جمع زیادی از مسلمانان علاقه‌مند این کشورها بود.

علاوه بر نمایش فعالیت‌های قرآنی جمهوری اسلامی ایران و آستان قدس رضوی، آثار هنری این موسسه هم در قالب هنرهای تصویری و تجسمی در این نمایشگاه‌ها به نمایش درآمد.

بسته‌های اهدایی شامل ۱۲ قطعه عکس هنری شاسی شده از تصاویر قرآن‌های خطی موجود در گنجینه نفایس آستان قدس رضوی، سی دی فیلم معرفی اماکن متبرکه حرم مطهر رضوی و مراحل تعویض ضریح منور، جزواتی از فعالیت‌های آستان قدس رضوی، هدایایی ویژه کودکان و جزوات مفاهیم قرآنی به بازدیدکنندگان این نمایشگاه‌ها اهدا شد.

از دیگر برنامه‌های این نمایشگاه‌ها، برگزاری محفل انس با قرآن، نشست‌های تخصصی مفاهیم قرآنی، ارائه نرم‌افزارهای قرآنی، کارگاه‌های عملی حفظ و قرائت قرآن و جلوه‌های قرآن در فضای مجازی بود.

اگر از هر ایرانی بخواهید که از چند قاری غیرایرانی نام ببرد بی‌تردید اولین کسی که همه نام خواهند برد استاد عبدالباسط است. این بار چاره‌ای نداریم جز اینکه تیتر بزنیم:

همیشه استاد

سعید موسوی، سید‌جاسم موسوی

کمتر ایرانی یا به جرات می توان گفت کمتر مسلمانی را می توان یافت که نام استاد عبدالباسط را نشـنیده باشـد. آوازه قرائت قرآن «عبدالباسـط محمد عبدالصمد» آن‌چنان فراگیر اسـت که بسـیاری به طمع این شـهرت و محبوبیت و عده‌ای هم از سر علاقه به تقلید از صوت و لحن این اسـتاد نام‌آور روی آورده‌اند و حتی با گذشت سال‌ها از فوت او نهضت عبدالباسط‌خوان‌ها هنوز ادامه دارد. شنیدن نغمه سرمست‌کننده او صدها نفر از مسیحیان و پیروان دیگر ادیان را به دین اسلام کشاند و خیلی‌ها را هم با قرآن آشتی داد. این صوت سحرانگیز موهبتی آسمانی بود که خداوند به او ارزانی داشت و همین امر او را از دیگر قاریان متمایز کرده است. طراوت، زنده بودن، زیبایی، گرمی و برخورداری از حس و حال معنوی از ویژگی‌های صوت این استاد بزرگ است. اگرچه قاریان مشهور دیگر قرآن، کم و بیش از صدای دلنشین و جذابی برخوردارند و محبوبیتی در میان مسلمانان به دست آورده‌اند اما به جرات و بی‌هیچ اغراقی می توان ادعا کرد که عبدالباسط سرآمد همه قاریانی است که تاکنون با صدای خوش به تلاوت پرداخته‌اند.

▲ استاد عبدالباسط پای به هر محفل که می‌نهاد شنوندگان قرائتش را مدت‌ها مسحور صوت خود می‌کرد

«عبدالباسـط محمد عبدالصمد» در سـال ۱۹۲۷ در روسـتای «المراعزه» از توابع شـهر اَرمنـت در جنوب مصر متولد شد. جد او اسـتاد عبدالصمد از مردان باتقوا و از حافظـان قرآن به شـمار می‌رفت کـه از نظر حفظ قرآن کریم، تجوید و احـکام آن، مـردی متمکّن بود و پدربزرگِ مادری او استاد «جلیل ابو داود» صاحب مقام مشهور و معروف در شهر ارمنت بود.

پدرش اسـتاد «عبدالصمد» یکی از مدرسان حفظ و تجوید قـرآن کریم بـود. در روزهایی کـه دو برادر او «محمـود» و «عبدالحمیـد» در مکتب‌خانـه قرآن را حفظ می کردند، برادر کوچک آنها عبدالباسـط هم در شش‌سالگی به آنها ملحق شد.

این کودک بااسـتعداد به مکتب اسـتاد «امیر» در ارمنت ملحق شد و اسـتاد به بهترین وجه از او استقبال کرد؛ چراکه آثـار مهارت‌های قرآنـی را در او دیده بود. اسـتاد او امتیازاتی را در شاگرد مسـتعدش می‌دید که او را از دیگران متمایز می کرد. سـرعت فراگیری، هوش و ولع شدید در تبعیت از استاد و دقت در خوب ادا کردن مخارج الفاظ و وقف و ابتـدا و صوت زیبایی که گوش‌ها را با شنیدن یا گوش دادن به آن می‌نواخت، برتری‌های عبدالباسط نسبت به دیگر شاگردان بود.

استاد عبدالباسط درباره زندگانی‌اش می گوید: «ده سـاله بودم که حفظ قرآن کریم را به پایان بردم و آیات ملکوتی قرآن مانند نهری روان از زبانم جاری می‌شد. پدرم کارمندی در وزارت نقل و انتقال و پدربزرگـم از علما بود. من از آنها راهنمایی خواستم که قرائت‌ها را چگونه فرا گیرم و آنها مرا به شهر طنطا در شـمال مصر راهنمایی کردند تا به دست استاد «محمد سلیم» علوم قرآن و قرائات را فرا گیرم، اما مسافت میان ارمنت که یکی از شـهرهای جنوب مصر است تا طنطا در شمال بسیار زیاد بود، با وجود این موضوع، موضوع آینده و برنامه‌ریزی برای آن بود. به این دلیل برای سفر آماده شـدم، اما یک روز مانده به رفتنم به سوی طنطا از آمدن استاد «محمد سلیم» به ارمنت مطلع شـدم. او آمده بود تا کلاسی برای آموزش قرائات در مدرسه دینی ارمنت برپا کند. اهالی ارمنت استقبال شایسـته‌ای از او کردند و پیرامونش حلقه زدند، چراکه آنها می‌دانستند این مرد کیست و قدرت او در علم و قرآن چیست و گویی قضا و قدر او را در زمان مناسب به سوی ما روانه کرده بود».

عبدالباسـط ادامه می‌دهد: «اهل بـلاد گروهی را با عنوان «اصفـون المطاعنه» برای حفظ قرآن تشـکیل دادند، بنابراین اسـتاد، علوم قرآن و قرائـات را آموزش می‌داد و قرآن کریم را تحفیظ می کرد. من به آنجا رفته و قرآن را نزد او دوباره مرور کردم و متن شاطبیه را که متنی مخصوص به علم قرائات هفتگانه است، حفظ کردم».

عبدالباسط علاوه بر حفظ قرآن در ده سالگی، تجوید و اختلاف قرائـات را هم در آغـاز نوجوانـی فراگرفت. بدین ترتیب که قرائت‌های هفتگانه را تا ۱۲ سـالگی و بقیه قرائت‌ها را طی دو سـال بعـد آموخت؛ یعنی در ۱۴ سالگی قرائت‌های ده‌گانه (قرائات عشره) را به خوبی آموخته بود.

پس از اینکه عبدالباسط نوجوان به سن ۱۲ سالگی رسید تعریف و تمجیدهای استاد سلیم باعث شـد که از هر شـهر و روستا در استان قنا و به طور خصوصی از جانب گروه «اصفون المطاعنه» از او برای اجرای برنامه قرائت قرآن دعوت به عمل بیایـد، چراکه گواهی اسـتاد سـلیم نقطه اطمینان همه مردم بود.

> **عبدالباسط علاوه بر حفظ قرآن در ده سالگی، تجوید و اختلاف قرائات را هم در آغاز نوجوانی فراگرفت، بدین ترتیب که قرائت‌های هفتگانه را تا ۱۲ سالگی و بقیه قرائت‌ها را طی دو سال بعد آموخت**

او در آغـاز راه و در دوره نوجوانی از قرائت و سبک شیخ محمد رفعت، متاثر بود و از شـیوه و روش وی در قرائت قرآن تقلید می کرد. خود عبدالباسط درباره تاثیرپذیری از قرائت رفعت می گوید: «من از مرحوم استاد رفعت نکات لازم بسیاری در علم قرائت فرا گرفتم و برای این یادگیری هر روز مسافتی طولانی طی می کردم تا به مکان تلاوت استاد برسم، زیرا در آن ایام در خانه‌ها رادیو نبود و فقط قهوه‌خانه‌ها رادیو داشتند. در آن زمان شیخ رفعت و شیخ عبدالفتاح شعشاعی تنها کسانی بودند که در رادیو، قرآن تلاوت می کردند و من سه کیلومتر راه طی می کردم تا به تلاوت ایشان گوش دهم».

جالب آن است که وقتی عبدالباسط می‌خواهد شیخ محمد رفعـت را توصیف کند، تنها به ذکـر این مطلب می‌پردازد که مرحوم رفعت، قـرآن را با صوتی حزین و با حالتی روحانی و ملکوتی تلاوت می کرد به گونه‌ای که شنوندگان از تلاوت ایشان متاثر شده، می گریستند.

عبدالباسـط به مرور زمان و با تمرین و تلاش بسیار توانسـت تقلید در قرائت را کنار بگذارد و سـبکی ویژه ابداع کند؛ سـبکی بی‌بدیل و جذاب و سـبکی حزین و در عین حال دلنشین. سـبکی که یکی از ارکان اساسی آن صدای نازک و زیر است و همچنین تحریرهای ریز و ظریف که کمتر کسی توانایی اجرای دقیق آن را دارد. از نظر عبدالباسط صدای خوش به خودی خود، موسیقی اسـت.اما برای آموختن موسـیقی هم نبایـد از حدش فراتر رفت.

یکی از مهم‌تریـن ویژگی‌های عبدالباسـط، قرائت حزین وی است و اگر صدای نازک و تحریرهای زیر را از جمله مشخصه‌های سبک عبدالباسط دانستیم، حزین خواندن را هم باید از جمله مهم‌ترین مشخصه‌ها و ارکان سبک عبدالباسط بدانیم. استاد مرتضی مطهری درباره تلاوت‌های عبدالباسـط می گوید: «...حالا واقعا زیبایی قرآن را حس می کنم، مخصوصا وقتی که با آهنگ لطیف و زیبایی خوانده شود. این قرآن‌های عبدالباسط، بعضی از قرائت‌هایی که کرده اسـت، البته مـن همه را گوش نکرده‌ام، بعضی قسمت‌ها که مخصوصا آهنگی انتخاب کرده که با موضوعی که در آن آیه اسـت تناسـب دارد، تاثیرش عجیب است مثل آیه «یا ایتها النفس المطمئنّه» یا سوره «إذا الشمس کوّرت». غالبا هر چه خوانده این جور است. سوره «اذا الشمس کورت» را با آهنگی متناسب با معنی آن خوانده است» (کتاب نبوت).

شـهید مطهری در جای دیگری می گوید: «[قرائت] قرآن عبدالباسط چرا این قدر در تمام کشورهای اسلامی توسعه پیدا کرده اسـت؟ برای اینکه عبدالباسط با صدا و آهنگ عالی و با دانسـتن انواع قرائت‌هـا و آهنگ‌ها و شناختن اینکه هر سـوره‌ای را با چه آهنگی باید خواند، می‌خواند. فرض کنید خواندن سوره «شمس» یا «ضحی» با چه آهنگی مناسب است» (حماسه حسینی ج ۱).

عبدالباسـط در بسـیاری از قرائت‌هایـش علاوه بر خواندن قـرآن طبق روایـت حفص از عاصـم، قرآن را به روایت‌هـا و قرائت‌های دیگـر هم خوانده اسـت. به گفته «صداقت علی» از شاگردان عبدالباسط در کشور پاکستان، عبدالباسط طی سفری که به کشور پاکستان داشته، تمام قرآن را به روایت «ورش» تلاوت کرده است. در زمینه قواعد تجوید و رعایت مخارج، صفات و احکام حروف، عبدالباسـط از دقیق‌ترین قراء مصری محسوب می‌شود تا آنجا که می توان گفت او از «تقوای تجویدی» برخوردار بود. همین دقت درباره انتخاب محل وقف و ابتدا هم مشهور است و در بیشتر موارد از وقف و ابتدای خوبی برخوردار است.

یکی از عوامل مهمی که بر بهتر رعایت کردن قواعد «تجوید» و «وقف و ابتـدا» تاثیر بسـزایی دارد، نفس طولانی است و عبدالباسط از این موهبت الهی برخوردار بود و از آن به خوبی برای اجـرای قواعد و قوانین علمی قرائت بهره می‌برد.

آن ده دقیقه توفانی

استاد عبدالباسط در روزگار جوانی یعنی در سال ۱۹۵۰ به زیارت حرم حضـرت زینب(س) در سـوریه رفت تا در محفلی که به مناسـبت ولادت حضرت زینب کبری(س) برپا شده بود، شرکت کند. استاد «عبدالفتاح شعشاعی»، استاد «مصطفی اسماعیل»، استاد «عبدالعظیم زاهر» و استاد «ابوالعینین شُعیشَـع» از مهمان‌های ویژه این مراسم بودند که بنا بود به تلاوت قرآن بپردازند.

پس از گذشـت نیمی از شـب و در حالی که مسجد زینبیه از انبوه محبان آل‌البیت(ع) مـوج می‌زد که از هر نقطه آمده بودند، یکی از نزدیکان عبدالباسط از مسؤولان مجلس اجازه خواست تا این جوان بااستعداد ده دقیقه‌ای را به تلاوت بپردازد. او اجازه داد و قاری جوان تلاوت خود را از سوره «احزاب» شروع کرد.

سکوت همه جای مسجد را فرا گرفت و همه دیده‌ها به این قاری جلب شد که با جرات در جایگاه قاریان بزرگ نشسته است، اما سـکوت دقایقی بیش طول نکشید که نگاه‌های متحیرانه به فریادهایی تبدیل شـد که مسجد را می‌لرزاند.

«الله اکبـر، ربنا یفتح علیـک» فریادهایی بود که به طور مستقیم از دل حاضران در آن مجلس برمی‌خاست و تلاوت قاری جوان به جای ده دقیقه تا یک ساعت و نیم ادامه پیدا کرد. حاضران تصور می کردند که سـتون‌ها و دیوارهای مسـجد هم با آنها هم صدا شـده‌اند، گویی صدای سنگ‌ها را می‌شنیدند که تسبیح می گفتند و با آنها هم‌صدا می‌شدند.

عبدالباسط در رادیو مصر

استاد «ضباع» در سال ۱۹۵۱ از عبدالباسط خواست تا برای قرائت در رادیو اقدام کند ولی عبدالباسط با توجه به ارتباطش با مردم صَعید و هم بـرای اینکه رادیو یک برنامه خاص و منظمی را نیاز داشـت، مایل بود که این قضیه را به آینده واگذار کند. اما استاد «ضباع» نواری را که عبدالباسط در روز ولادت زینب کبری(س) خوانده بود و بسیار هم اعجاب‌انگیز بود به هیات داوران رادیو داد و همگان از ادای قوی و صوت عالی او تعجب کردند و این مقدمه‌ای شد برای ورود عبدالباسط به رادیو قرآن.

به هر روی در سـال ۱۹۵۱ عبدالباسـط به رادیو راه یافت تا صدایش در تمام مصر پخش شود. پس از به دست آوردن این شهرت در طول چند ماه، عبدالباسط ناچار بود که سرپناهی در قاهره فراهم کند و همراه با خانواده‌اش که آنها را از صعید به آنجا منتقل کرده بود، در جوار حرم حضرت زینب(س) اقامت کند.

شـهرت او آنچنان بود که با ملحق شـدنش به رادیو علاقه مردم برای خرید گیرنده‌های رادیویی زیاد شد و در بیشتر خانه‌ها گسترش یافت و هر کس در یک روستا یا یک منطقه، رادیویی داشت، صدای آن را بلند می کرد تا همسایگان هم صدای او را بشنوند.

سفر به اقصی نقاط جهان

مسـافرت‌های عبدالباسط از سـال ۱۹۵۲ به دورترین نقاط عالم شـروع شـد، حتی بعضی از دعوت‌هایی که از او می‌شد به مناسبت برگزاری یک محفل نبود، بلکه از او دعوت می‌شد تا در آن کشـور حضور داشته باشد و هنگامی که سـؤال می‌شد به چه مناسـبتی از استاد دعوت کرده‌اید؟ می گفتند محفل به خاطر این اسـتاد برپا شده است، چراکه هنگامی که استاد در یک محفلی حضور دارد فضایی از سُرور و شادی در آن مکان حاکم می‌شود.

عبدالباسط به تمامی کشـورهای عربی، کشورهای مختلفی در قاره آفریقا، آمریکا و همچنین به کشورهای پاکسـتان، هند، مالزی، اندونزی، برمه و... سـفر کرد و در تمامـی این سـفرها خاطرات فراموش نشـدنی از قرائت‌هـای زیبای قرآنی به یادگار گذاشـت. در سـال ۱۳۶۵ شمسی ـ یعنی ۲ سال پیش از وفاتش ـ هم از طرف جمهوری‌اسلامی ایران دعوت شده بود که با وجود علاقه خود استاد برای این سـفر، مع‌الاسف دولت مصر به وی اجازه سفر به ایران را نداد.

یکی از سفرهای استاد به کشور عراق و شهر کاظمین بود. این سفر در سـال ۱۳۳۰ انجام شد که عبدالباسط در آن زمان حدودا ۲۴ سـاله بود. او به همراه عبدالفتاح شعشاعی، ابراهیم شعشـاعی و ابوالعینین شعیشع به مدت سـه روز در صحن مطهر امامیـن کاظمین(ع) به تلاوت قـرآن می‌پرداختند. حاضران در آن جلسـات می‌گویند در یکی از این تلاوت‌ها، استاد عبدالباسط آیه نور (سوره نور، آیه ۳۵) که چند خط است را با یک نفس قرائت کرد که حیرت و شـگفتی حضار را در پی داشته و همگان را به تشویق فوق‌العاده‌ای واداشت. اگر چه در حالت طبیعی خواندن تمام آیه «نـور» با یک نفس، تا حدود زیادی عجیب یا شاید غیرممکن به نظر می‌آید ولی از آنجا که ما درباره نابغه‌ای چون عبدالباسط ـ آن هم در اوج جوانیش ـ سخن می گوییم و این خاطره هم به وسیله جمع کثیری نقل شده است، پذیرش آن برای انسان آسان می‌شود.

> **در سال ۱۳۶۵ شمسی یعنی دوسال پیش از وفاتش هم از طرف جمهوری‌اسلامی ایران دعوت شده بود که با وجود علاقه خود استاد برای این سفر، مع‌الاسف دولت مصر به وی اجازه سفر به ایران را نداد**

وفات استاد

سال‌های آخر عمر استاد، بیماری قند در او شدت گرفت تا آنجا که دیگر تـوان مقاومت در برابر ایـن بیماری را نداشت. او را به بیمارستان دکتر «بدران» در جیزه بردند، دکترها به او توصیه کردند که برای معالجه به لندن برود، او به آنجا رفت، اما پـس از اقامت یک هفته‌ای در آنجا از پسرش «طارق عبدالباسط عبدالصمد» که همراه او بود خواسـت که او را به مصر برگرداند و گویی که احساس کرده بود، روزگارش سـپری شـده و وقت لقاء خداوند نزدیک است و به‌راستی زندگی جز ساعتی نیست که به سرعت می‌گذرد.

منابع:
۱ـ ترجمه از سایت www.abdalbasit.com
۲ـ ترجمه از سایت www.qquran.com
۳ـ ترجمه از سایت www.islam.maktoob.com
۴ـ مصاحبه عبدالباسـط با روزنامه القبس قاهره مورخ ۱۹۷۹/۸/۱۳

تحلیل تلاوت

نگاهی به ویژگی‌های صوت و لحن استاد عبدالباسط

تنها صداست که می‌ماند

عبدالباسط را باید از نظر شهرت و وسعت دامنه نفوذ صوتش برترین قاری جهان اسلام دانست زیرا صدای هیچ قاری دیگری به اندازه او در بلاد اسلامی و در میان عموم مسلمانان جهان از محبوبیت برخوردار نیست. در واقع همین صدا همراه با نفس طولانی و استفاده از آهنگ‌های ممتد اما ساده باعث جذب و گرایش هر شنونده‌ای می‌شود.

صدای صاف، رسـا، قـوی، منعطف بـا تحریرهای فوق‌العاده زیبا و زیر و بم عالی از خصوصیات صوت عبدالباسط است و گرچه صدای عبدالباسط، صدایی نازک و زیر یا به اصطلاح تنور (Tenor) است اما در بم خوانی هم صدای بم پختـه‌ای دارد و در مجموع باید گفت صوت وی کم‌نظیـر و از جهاتی بی‌نظیر اسـت. صدای عبدالباسـط با ارتفاعـی کمتر از دو اکتاو - یعنی حدود ۱۲ درجه - قرار دارد که از قوت، تحریر و انعطاف‌پذیری متوسط هم برخوردار است اما بارزترین ویژگی صوتی او طنین خاص، ملکوتی و کم نظیری است که باعث جذب شیفتگان فراوانی در جهان شده است. حنجره او در ردیف حنجره‌های صاف و درخشـان قرار می گیرد و به معنای واقعی کلمه می‌توان او را حنجره طلایی نامید؛ همچنان که وی به همین نام هم معروف شده است.

لازم به ذکر اسـت از آنجا که صدای عبدالباسط بسیار زیر و نازک اسـت معمولا تقلید از قرائت‌های وی به خردسـالان و کودکانی کـه می‌خواهند کار قرائت را آغاز کنند، پیشنهاد می‌شود. البته کسانی که در سنین بالاتر از خردسالی و کودکی قرار دارند ولی صـدای نازکی دارند هم می‌تواننـد به تقلید از قرائت وی بپردازنـد. نفس از جمله عوامل بسـیار تاثیرگذار بر روند قرائت است. قاری با نفس زیاد به راحتی لحن مورد نظرش را انتخاب می کند و آنها را تا انتها و بدون هیچ نگرانی‌ای از کم آمدن نفس به اجرا درمی‌آورد. همچنین از نظر رعایت «وقف و ابتدا» هم با مشکلی روبه‌رو نیست و فقط کافی است محل وقف را به درستی تشخیص دهد و آنگاه خواندن خود را تا آن محل مناسب برای وقف ادامه دهد و در آنجا توقف کند. همین طور چون مشکل کم آمدن نفس ندارد، در خواندن دستپاچه نمی‌شود و با طمانینه بیشتری قرائت می کند. بنابرایـن می‌تواند حروف را دقیق‌تر ادا کند و به طور کلی قواعـد تجویدی را بهتر پیاده سازد. از جمله الطاف الهی در حق عبدالباسط محمد عبدالصمد، نفس طولانی اوست که با استفاده از آن گاهی چند خط را با یک نفس قرائت می کند و لحنی زیبا و ماندگار را خلق می کند؛ لحنـی که با معانی آیات، هماهنگ بوده و در رساندن معنا بسیار مؤثر است. هماهنگی صوت و نفس و لحن در تلاوت این استاد به شکلی کاملا مطلوب وجود دارد و باعث آن شده که نگرش و تلقی کاملا تازه‌ای نسبت به تلاوت قرآن کریم در بلاد اسلامی ایجاد شود.

صدای عبدالباسط دارای پرده بم بسیار زیبا و پرده اوج بسیار قدرتمند و بدون خدشه است و ترکیب این دو ویژگی صدای وی را دلنشین و تاثیرگذار می کند. معمولا قاریان بزرگ مصری بـرای اینکه در اجرای پرده‌های اوج در تلاوت دچار مشکل نشوند از فنون خاصی اسـتفاده می کنند؛ مثلا بـه اختلاف قرائت روی می‌آورند و این امر به خصوص در سـکت قبل همزه بسیار مشهود است اما عبدالباسط با پرده اوج یکنواخت به تلاوت قرآن می‌پردازد و این توانایی در حفظ پرده اوج باعث شگفتی شنونده شده و او را از خستگی و کسالت بیرون می‌آورد.

دنبال کردن خط سیر لحنی ساده و کم نوسان در ارائه مقام‌ها که در پاره‌ای موارد منجر به نقص نغمه هم می‌شود، همچنین عدم بهره گیری از همه مقام‌ها در تلاوت یا استفاده بسیار اندک از بعضی از آنها مانند سـه‌گاه و نهاوند و هم عدم اسـتفاده از پرده جواب مقام‌ها را می توان از مهم‌ترین خصوصیات لحنی در تلاوت استاد عبدالباسط برشمرد.

برترین تلاوت‌های عبدالباسط

واقعا انتخاب چند تلاوت از تلاوت‌های نابغه‌ای مثل عبدالباسط به عنوان بهترین تلاوت‌ها، به این آسانی هم که فکر می کنید نیست. بدون اغراق، تمامی تلاوت‌های این استاد در اوج زیبایی و هنر اجرا شده و دل وجان آدمی را با عمق و باطن معانی آیات پیوند می‌دهد.

سـوره‌های مریم و تکویر این تلاوت از شهرتی جهانی برخوردار است و اگر کسی در نقطه‌ای از جهان عبدالباسط را بشناسد، به طور حتم این تلاوت استاد را نیز شنیده است. استاد عبدالباسط این تلاوت را در زمان جوانی در سال ۱۹۵۸ میلادی و در مسجد اموی سوریه اجرا کرده است. استاد شهید مطهری درباره این تلاوت عبدالباسط می گوید: «انتقال معنای آیات با لحن مناسب در حین تلاوت، از خصوصیات برجسته قرائت سوره تکویر توسط عبدالباسط است».

سوره یوسـف وی در این تلاوت و در آیه ۲۳، به گونه‌ای از اختلاف قرائت در «و قالت هیت لک» استفاده می کند که طنازی و حیله‌گری زلیخا در برابر حضرت یوسف را برای مستمع به تصویر می کشد.

سـوره‌های مدثـر و قیامـه این تـلاوت جزو شـاهکارهای استاد عبدالباسـط محسوب می‌شود که در مسجد اموی سوریه اجرا شده است. این تلاوت از معدود تلاوت‌هایی است که استاد در آن به اجرای مقام نهاوند پرداخته است.

سـوره‌های قمر و رحمن این تـلاوت در زمان جوانی اسـتاد عبدالباسط و در اسـتودیو اجرا شده است. صدای بسیار زیبای استاد عبدالباسط در این تلاوت، هر صاحب ذوق و هنری را به وجد می‌آورد.

سوره‌های توبه، طارق و بلد این تلاوت هم جزو ماندگارترین تلاوت‌های استاد عبدالباسط به حساب می‌آید. فرازهایی که استاد عبدالباسط در این تلاوت در مقام بیات اجرا می کند، به‌راستی شنیدنی و زیبا هستند و معمولا در دیگر تلاوت‌هایش کمتر دیده می‌شوند.

سوره‌های حشر، تکویر و فجر عبدالباسط این تلاوت را در سـال ۱۹۵۴ میلادی در شهر کاظمین عراق اجرا کرد؛ تلاوتی بسـیار زیبا و به یادماندنی. عبدالباسط این تلاوت را در حضور شاه وقت عراق و به مناسبت وفات مادر او اجرا کرده بود.

منتقد

سبک شاکرنژاد تلفیقی است



محسن موسوی بلده / استاد قرائت

تلاوت قرآن کریم اگرچه یک هنر است اما فنون بسیاری دارد. این هنر باید به نوعی تابع قانون علم تجوید و قرائت باشد چرا که قرآن، عربی است و بر مبنای لغت و لحن عربی نازل شده است. مردم هر کشور نمی‌توانند و اجازه ندارند به لهجه خودشان قرآن را تلاوت کنند. با چنین شرایطی باید هم در تجوید و هم در آهنگ تقلید کنیم چون لحن و زبان ما عربی نیست. بنابراین در ابتدای کار همه ما مقلدیم. البته با توجه به اینکه مصری‌ها در رعایت دقیق آهنگ و قواعد کلام خدا از دیگر کشورهای عرب زبان جلوترند، طبیعی است که بیشتر قاریان ما به شیوه قاریان مصری قرآن را تلاوت می‌کنند و هیچ کس هم نمی‌تواند به این نوع خواندن انتقاد کند اما قاری نباید در این مرحله بماند. قاریان مصری هم به همین روش آغاز می‌کنند؛ ابتدا تقلید می‌کنند و بعداز اینکه قرائتشان تثبیت شد، به مرحله تلفیق قدم می‌گذارند.

در این مرحله، قاری باید سبک‌های قاریان مختلف را با هم تلفیق کند و بعداز ممارست بسیار به تلاوت جدیدی برسد که از آن خودش باشد و در حقیقت با نوآوری سبک جدیدی ارائه دهد. به هر حال، راه در اینجا باریک‌تر می‌شود و میزان توقف در این مرحله از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

بدون تعارف باید بگویم که حتی در مصر هم قاریان صاحب سبک، تعدادشان محدود است و شاید از ابتدا تاکنون، بین ۱۰ تا ۱۵ قاری صاحب سبک در جامعه قرآنی مصر ظهور کرده‌اند که استاد عبدالباسط و مصطفی اسماعیل نمونه‌های بارز آنها هستند اما در ایران بیشتر قاریان در مرحله تلفیقند و ما قاری صاحب سبک نداریم. درست است که در تلاوت بعضی‌ها تفاوت‌هایی دیده می‌شود ولی این تفاوت‌ها امری طبیعی است و هر فردی در صوت و لحن با دیگری فرق می‌کند و هیچ انسانی با انسان قبل و بعدش یک جور نیست. در وجود هر کسی توانایی‌های خاصی قرار داده شده است که اگر این توانایی‌ها تقویت شوند، آن ویژگی‌های برجسته را به روز می‌کنند.

حامد شاکرنژاد هم از قاریان برجسته کشور ماست که به نظر می‌رسد تلاوتش بیشتر در مرحله تلفیق قرار دارد تا ارائه سبک جدید. البته توانایی‌هایی از خودش نمایان کرده ولی هنوز به مرحله سبک نرسیده است. سبک جدید، نوعی تلاوت است که تاکنون مانند آن شنیده نشده باشد؛ هم در حزین بودن صوت و هم در قدرت و شفافیت و خیلی چیزهای دیگر؛ در واقع باید همه ویژگی‌های تلاوت، نوآورانه باشد و اثری از صوت یا لحن قاریان دیگر در آن نباشد.

معتقدم قاریان ایرانی برای خروج از مرحله تلفیق و رسیدن به سبک جدید باید بیشتر از تلاوت‌های قاریان مصری، به تلاوت خودشان گوش دهند تا کم کم تلاوت خودشان در آنها تثبیت و توانایی‌هایشان تقویت شود. در چنین وضعی می‌توان امیدوار بود که قاریان ایرانی در آینده صاحب سبک شوند.

پاسخ‌های حامد شاکرنژاد به همه انتقادهایی که به او و شیوه قرائتش می‌شود، خواندنی است

دوره مصری‌ها تمام شد حالا نوبت ماست

رضا صیادی - زکیه سعیدی

فعالان قرآنی کشور درباره حامد شاکرنژاد دو موضع کاملا متفاوت دارند؛ گروهی مخالف سر سخت او هستند و عده‌ای موافق سینه چاک. کمتر کسی پیدا می‌شود که درباره شیوه قرائت این جوان خراسانی بی‌تفاوت باشد. اصلا دیگر نمی‌توان درباره او بی‌تفاوت بود چرا که مدت‌هاست نام شاکرنژاد به عنوان یک قاری برجسته ایرانی مطرح شده و حتی بعضی قرائت‌هایش در خارج کشور هم سر و صدای زیادی به پا کرده است. او با همه قاریان جوان فرق دارد؛ از رنگ و لحن صدایش گرفته تا حرکت‌های دست و صورتش هنگام قرائت و حتی شالی که روی دوش می‌اندازد.

باید بپذیریم که او بسیار جسورانه قرائت می‌کند و از اینکه مخالفان درباره‌اش اظهار نظر کنند، باکی ندارد. شاکرنژاد ۲۶ساله، به تازگی در رشته مدیریت بازرگانی فارغ التحصیل شده، اتفاقا مساله سربازی‌اش هم حل شده و حالا می‌خواهد با خیال آسوده فعالیت‌های قرآنی‌اش را پر رنگ‌تر کند؛ البته می‌داند که راه دشواری در پیش دارد.

هفته گذشته شاکرنژاد همراه تعدادی از شاگردانش میهمان «آیه» شد و در فضایی صمیمی به پرسش‌ها و انتقادهای ما پاسخ داد.

آقای شاکرنژاد، بین فعالان قرآنی کشور معروف شده که شما متفاوت قرائت می‌کنید. موافقید برای آغاز از همین «تفاوت» بگویید؟

من از همان روزهایی که با قرائت قرآن آشنا شدم، یک نکته را به هیچ وجه پسندیده نمی‌دانستم؛ اینکه قاریان ایرانی فقط مصری‌ها را به عنوان قاریان صاحب سبک الگو قرار می‌دهند. این مساله ضعف بزرگی برای جامعه قرآنی کشور ما بوده و هست؛ به همین دلیل تصمیم گرفتم سبک جدیدی را ارائه دهم که با سبک‌های رایج متفاوت باشد.

اما خیلی‌ها معتقدند که شما بسیار شبیه استاد شحات می‌خوانید و سبک تازه‌ای ارائه نداده‌اید؛ حتی پسر شحات یک بار گفته بود که شما شبیه‌ترین قرائت به پدرش را دارید.

بله، در یک گفت وگوی تلویزیونی، پسر استاد شحات گفت که من شبیه‌ترین قرائت را به ایشان دارم و من هم حرفی نزدم. دلیلش این بود که پدر ایشان تازه فوت کرده بود و ادب و احترام حکم می‌کرد که من سخنی در نفی این موضوع نگویم اما حقیقت چیز دیگری است؛ هیچ شباهتی بین الحان قرائت من و استاد شحات انور وجود ندارد؛ بحث سبک و لحن است نه صوت. شاید رنگ صدای من با صوت استاد شحات یکی باشد اما مهم تفاوت الحان است که اگر کمی دقت کنید، کاملا این تفاوت آشکار است. صوت هم که خدادادی است و ممکن است صدای چندین نفر شبیه هم باشد. اتفاقا یک روز استاد شحات خودشان به من گفتند که صدای تو حتی از صدای پسرانم هم بیشتر به من شباهت دارد.

پس شما به طور کلی با تقلید در حوزه قرائت مشکل دارید؟

تقلید فقط برای شروع خوب است. واقعا تا کی می‌توانیم تقلید کنیم؟ من نگران آینده‌ام. همه قاریان مصری که الان صاحب سبک شده‌اند، زمانی مقلد بودند اما کم کم به جایی رسیدند که سبک جدیدی داشته باشند. من هم زمانی مقلد بودم. شاید ۴۰۰ تلاوت مصطفی اسماعیل را تقلید کرده باشم اما در نهایت به این نتیجه رسیدم که باید سبکی مختص به خودم داشته باشم.

چه زمانی به این نتیجه رسیدید؟

از پنج سالگی به همراه برادر بزرگ‌ترم «حاج حمید آقا» با سبک مصطفی اسماعیل تلاوت می‌کردیم تا اینکه در سن ۱۲ سالگی، رتبه نخست مسابقات بین‌المللی عربستان را به دست آوردم. این وضع تا ۱۷ سالگی ادامه پیدا کرد. بعد تغییرات صوتی دوران بلوغ پیش آمد؛ برای همین چند سالی مجبور بودم با صدای جدید کنار بیایم. از این مرحله که گذر کردم به این فکر افتادم که سبک جدیدی در تلاوت داشته باشم.

به قول قدیمی‌ها «مرغ همسایه، غاز است». ضعف قاریان مصری در کشور ما دیده نمی‌شود اما برای خودمان برعکس است!

برای رسیدن به این سبک جدید، کار خاصی انجام دادید یا فقط تمرین کردید؟

تمرین که اصل کار بود اما در کلاس‌های متفاوتی شرکت کردم؛ از صرف و نحو عربی گرفته تا فصاحت و بلاغت در کلام عرب و آشنایی با موسیقی کلاسیک عربی و ایرانی. تلاوت‌های استادان مختلف قرآن را به شیوه قیاسی و علمی مورد بررسی قرار دادم؛ در حالی که شاید تا پیش از آن فقط با گوش دادن، تلاوت‌ها را پیگیری می‌کردم. تفسیرهای مختلف را مطالعه کردم تا بر معنای آیات هم مسلط شوم چون با لحنی که بر آیه تحمیل شود، مخالفم. معتقدم الحان باید در خدمت معنای آیات قرار داشته باشند. در نهایت همه اینها را کنار هم قرار دادم و به سبک جدید تلاوت رسیدم.

پس برای رسیدن به لحنی که مطابق با معنای آیات باشد، داشتن استاد مفاهیم قرآن اهمیت دارد؟

صددرصد. تلاوت قرآن باید تاثیر گذار باشد. قاری‌ای که مفاهیم آیات را به خوبی نداند، نمی‌تواند قرائتی را ارائه کند که منطبق بر معنا باشد.

سبک حامد شاکرنژاد چه ویژگی‌هایی دارد؟

عصر طلایی قرائت قرآن در مصر به چند دوره تقسیم می‌شود. در هر دوره، اساتید بزرگی ظهور کردند که در تلاوتشان ویژگی‌های خاصی بود. من سعی کردم همه آن ویژگی‌ها را در سبکم قرار دهم؛ حزن استاد رفعت، انطباق لحن بر معنا در قرائت مصطفی اسماعیل، قدرت و شفافیت صوت عبدالباسط، نرمی و لطافت استاد شحات انور، نفس طولانی سید متولی عبدالعال و تحریرهای ریزی که در تلاوت استاد غلوش وجود دارد. شاید بهتر باشد بگویم سبک حامد شاکرنژاد، تلفیقی است از سبک‌های استادان بزرگ مصر، همراه با نغمات ریز ایرانی و عربی.

با این حساب، سبک جدیدی ارائه نداده‌اید؛ از چند سبک مختلف الگوبرداری کرده‌اید...

اشتباه نکنید، این الگوبرداری نیست. هر تلاوت برجسته‌ای با ملاک‌هایی سنجیده می‌شود که لازمه تلاوت است؛ مانند حزین بودن، انطباق لحن بر معنا، شفافیت صوت، نرمی و آرامش و... حالا این لازمه‌های تلاوت، در لحن و صوت بعضی از استادان بزرگ آشکار است و هر کدام از آنها به یکی از این ویژگی‌ها شناخته می‌شوند. پس رعایت این موضوع در قرائتم به این معنا نیست که از آنها الگوبرداری کرده‌ام.

باید در قرائت تحریر زد؛ حالا شاید این تحریر در قرائت مصطفی اسماعیل هم وجود داشته باشد. من این مثال‌ها را برای تقریب ذهن عنوان کردم. با این حال به بزرگانی مانند شیخ رفعت و مصطفی اسماعیل و خیلی‌های دیگر افتخار می‌کنم و باز هم تاکید دارم که همه ما حتی همین اساتید بزرگ، زمانی تقلید می‌کردیم.

الان چند نفر از قاریان به سبک شما تلاوت می‌کنند؟

آمار دقیقی ندارم اما عده‌ای به همین سبک جدیدی که ارائه داده‌ام، تلاوت می‌کنند. بعضی‌ها هم از حرکت و جنبشی که در قرائت ایجاد کرده‌ام، پیروی می‌کنند. در واقع این حرکت من نوعی خودباوری در جوانان ایجاد کرده. خیلی‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که می‌توانند از تقلید پا را فراتر بگذارند و سبک جدید ابداع کنند.

اما هنوز هم بیشتر جوانان از قاریان مصری تقلید می‌کنند. اصلا چرا پیشکسوتان قرآنی به جوان‌ها سبک شاکرنژاد را توصیه نمی‌کنند؟!

این حرکت تازه آغاز شده و برای رسیدن به شرایط مطلوب راه درازی در پیش داریم. برای من اهمیتی ندارد که کسی جوانان و نوجوانان را ترغیب کند تا به سبک حامد شاکرنژاد بخوانند اما حالا که حرف به اینجا کشیده شد، باید بگویم که خیلی‌ها قدرت پذیرش این موضوع را ندارند و مخالفت می‌کنند. اصلا نمی‌خواهند بپذیرند که یک ایرانی سبک جدیدی ارائه داده است.

چرا؟ مگر با شما دشمنی دارند؟!

نه، این حرف‌ها نیست. به قول قدیمی‌ها «مرغ همسایه، غاز است». اگر قاری مصری در ایران ۹۵ درصد تقلید کند و فقط پنج درصد از خودش بخواند، خیلی‌ها فقط آن پنج درصد را می‌بینند و کلی تعریف و تمجید می‌کنند که این قاری مصری صاحب سبک است اما اگر شاکرنژاد فقط پنج درصد تقلیدی بخواند و ۹۵ درصد از خودش تلاوت کند، همه پنج درصد تقلیدی را می‌بینند. باور کنید من نمی‌خواهم از خودم تعریف کنم. اصلا بحث شخص حامد شاکرنژاد نیست، بحث درباره یک قاری شیعه و ایرانی است. چرا ما نباید به این موضوع افتخار کنیم؟

شما در حرکت دست و سر هم شیوه خاصی دارید و گاهی مانند قراء مصری عمل می‌کنید. آیا اینها هم جزو سبکتان است؟!

حرکات دست و سر، حالات شخصی است و به سبک خواندن ارتباطی ندارد، هیچ عمدی هم در کار نیست و این حرکات ناخودآگاه از درونم سرچشمه می‌گیرند. نمی‌دانم چقدر درست است اما معتقدم قاری باید راحت بتواند با حرکات دست یا سر معنای آیات را به مخاطب القا کند؛ یعنی شاید یک جا لازم باشد قاری با دستش، نکته‌ای را تاکید کند. باید توجه داشته باشیم که همه چیز باید در خدمت معنا باشد.

زمانی که مقلد بودید به سبک کدام استاد می‌خواندید؟

به سبک مصطفی اسماعیل؛ چرا که بارها از مقام معظم رهبری شنیده بودم که ایشان می‌گفت، مصطفی اسماعیل طوری تلاوت می‌کند که انگار قرآن همان لحظه نازل شده است.

چندی پیش، قاریان کشور به دیدار رهبر انقلاب رفتند و شما هم در آن محفل قرائت کردید. از آن دیدار بگویید.

حتما می‌دانید که طبق برنامه قرار نبود که من در حضور رهبر معظم انقلاب قرائت داشته باشم اما ایشان دستور دادند تا من هم قرائت کنم. وقتی تلاوت کردم، ایشان فرمودند: «الحمدلله. الحان بر معنا منطبق بود». در سخنانی هم که به صورت عمومی بیان کردند، فرمودند: «تلاوت به خشوع و خضوع نیاز دارد تا در دل مستمع تاثیر گذار باشد». امیدوارم قاریان ایرانی این نکته‌ها را در قرائت فراموش نکنند.

آقای شاکرنژاد، نکته مبهم کارنامه حرفه‌ای شما این است که در مسابقات قرآن حضور چندانی نداشته‌اید. آخرین حضورتان به ۱۴ سال قبل بازمی‌گردد که در مسابقات عربستان برگزیده شدید. مسابقات را تحریم کرده‌اید؟

به دو دلیل در مسابقات کمتر حاضر شده‌ام؛ نخست اینکه دیگر لزومی نداشت که در مسابقه شرکت کنم چون معتقدم مسابقات پله اول حرفه‌ای شدن است و دلیلی ندارد یک قاری بعد از حرفه‌ای شدن، در بند مسابقات بماند. مساله دوم هم کمک کردن به برادر بزرگ‌ترم، «حاج حمید آقا» بود. چون حمایت‌های او در موفقیتم نقش بسیاری داشت، من هم باید کمک می‌کردم تا ایشان در مسابقات رتبه می‌آورد. خدا را شکر، سال ۸۳ مقام اول مسابقات ایران را کسب کرد.

پس شما این طرز فکر را قبول دارید که قاری اگر بین‌المللی نباشد، قاری نیست؟

اگرچه نگرش غلطی است اما وجود دارد. کسب رتبه در مسابقات بین‌المللی، پله اول حرفه‌ای شدن است. با این حال نمی‌توانیم بگوییم کسی که در مسابقات بین‌المللی قرآن رتبه نیاورده، قاری نیست؛ او در جایگاه پایین‌تری قراردارد. البته این وضع مختص ایران نیست، مصریان هم که در زمینه قرائت قرآن پیشینه طولانی دارند، قاریانشان دو دسته‌اند؛ آماتور و حرفه‌ای. آنجا هم قاری زمانی حرفه‌ای می‌شود که در مسابقات رتبه بیاورد و بتواند در رادیو و تلویزیون قرآن بخواند.

خودتان کی حرفه‌ای شدید؟

نمی‌دانم منظورتان از حرفه‌ای شدن چیست. اگر کسب رتبه بین‌المللی مورد نظرتان است، به ۱۱ سالگی‌ام برمی‌گردد؛ یعنی سال ۷۴؛ وقتی در مسابقات بین‌المللی عربستان رتبه برتر آوردم؛ اما اگر منظورتان از حرفه‌ای‌شدن زمانی است که صاحب سبک شده‌ام، فکر می‌کنم سال ۸۲ یا ۸۳ بود که روش نوینی در تلاوت ارائه دادم.

شما در نمایشگاه قرآن امسال یک غرفه داشتید. به نظر می‌رسد در مشهد فعالیت‌های گسترده قرآنی دارید؟

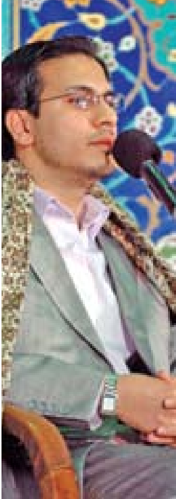
خیلی وقت بود که من و دوستانم جای یک مرکز تخصصی قرآن را در مشهد خالی می‌دیدیم؛ برای همین تصمیم گرفتیم «موسسه فرهنگی صراط» را راه‌اندازی کنیم تا در زمینه قرائت قرآن کار ویژه‌ای انجام دهیم. تاکنون هم حدود ۲ هزار ساعت تلاوت از استادان مختلف جمع کرده‌ایم و به افرادی که می‌خواهند وارد حوزه قرائت قرآن شوند، مشاوره می‌دهیم. دو نمایشگاه در خارج از کشور هم برگزار کرده‌ایم.

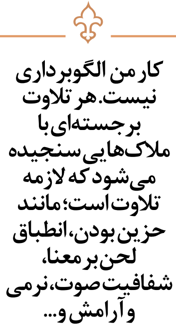
این فعالیت‌ها بازخوردی هم داشته است؟

فکر می‌کنم کمی زود باشد که درباره نتایج فعالیت‌های این موسسه اظهار نظر کنیم اما به نظر می‌رسد در ایجاد انگیزه میان جوانان و نوجوانان مشهدی تا حدودی موفق بوده‌ایم. میزان استقبال از برنامه‌های ما چنین نشان می‌دهد.

اما واقعا باید پذیرفت که مشهد در سال‌های اخیر در حوزه قرائت، پیشرفت چشمگیری داشته است.

صددرصد. بیشتر فعالیت‌های قرآنی شهرستان مشهد زیر نظر دفتر قاریان این شهر اداره می‌شود. جلسه مرکزی این دفتر، هرهفته در مسجد کرامت برگزار می‌شود. این مسجد از قبل از انقلاب فعال بوده و فعالیت ۹۰ درصد از قاریان برجسته شهرستان مشهد از همین مکان آغاز شده است. حرم مطهر آقا علی بن موسی الرضا(ع) هم از پایگاه‌های قرآنی مشهد است که همواره کلاس‌های بسیاری در این مکان مطهر برگزار می‌شود.









کار من الگوبرداری نیست. هر تلاوت برجسته‌ای با ملاک‌هایی سنجیده می‌شود که لازمه تلاوت است؛ مانند حزین بودن، انطباق لحن بر معنا، شفافیت صوت، نرمی و آرامش و...

این سؤال شخصی است ولی برای خیلی‌ها ممکن است جالب باشد که بدانند درآمد حامد شاکرنژاد از چه راهی تامین می‌شود؟

هیچ وقت به کسب درآمد از این راه فکر نکرده‌ام چون برای رضای خدا وارد این کار شده‌ام. به لطف خدا تاکنون هم مشکل جدی نداشته‌ام.

با این حال نمی‌توانیم مسائل مالی را در زندگی روزمره نادیده بگیریم.

با توجه به اینکه درسم تازه تمام شده، هنوز به طور جدی وارد کار نشده‌ام. اگر خدا بخواهد، برنامه‌های بسیاری دارم که می‌خواهم با کمک دوستان آنها را انجام دهم. الحمدلله فعلا سفرها و برنامه‌های قرآنی تا حدودی مشکلات را رفع می‌کند.

پس سفرهای قرآنی نوعی منبع درآمد برای شماست؟

به عنوان منبع درآمد به سفرها و برنامه‌های قرآنی نگاه نمی‌کنم؛ معتقدم حالا که با لطف خدا و ائمه معصومین، قرآن را یاد گرفته‌ام، باید زکات آن را هم بپردازم که زکات علم نشر آن است. هدف دوم هم جذب جوانان و نوجوانان به قرآن است که در این زمینه هم تا حدودی موفق بوده‌ام.

یعنی با گرفتن هدیه بابت قرائت قرآن مخالفید؟

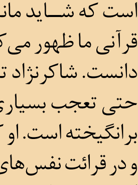
ببینید، اگر افرادی که از قاریان برای اجرای برنامه دعوت می‌کنند، ارزش کلام قاری را بدانند، مسلما دیگر نیازی نیست که قاری درباره حق الزحمه حرفی بزند. بپذیرید کسی که به طور حرفه‌ای وارد قرآن شده، عمری زحمت کشیده تا به این مرحله رسیده است. پس جامعه نباید نگاه منفی داشته باشد. البته چند سالی است که با حمایت مسؤولان بنیاد نخبگان، حمایت‌هایی انجام می‌شود و تسهیلاتی در اختیار حافظان و قاریان قرار می‌گیرد اما این امکانات فقط شامل افرادی است که در مسابقات بین‌المللی عربستان، مالزی و ایران رتبه آورده باشند و بقیه قاریان و حافظان دشواری‌های خاص خودشان را دارند.

آقای شاکرنژاد، اگر امروز یک نوجوان سراغتان بیاید و بگوید می‌خواهم قرائت کنم، او را به تقلید از چه کسی تشویق می‌کنید؟

دروغ چرا؟ می‌گویم سبک شاکرنژاد؛ البته به شرط اینکه این توانایی و استعداد را در او احساس کنم که می‌تواند به این سبک بخواند. سبک من بسیار دشوار است و کسی که وارد این کار می‌شود، باید توانایی بالایی داشته باشد. دوست ندارم حمل بر خود ستایی شود؛ دلیل اصلی‌ام این است که می‌خواهم قاریان ایرانی به جای تقلید از مصریان، از هموطنان خود تقلید کنند. باید دنیا باور کند که دوره طلایی قرائت ایرانی‌ها آغاز شده و نوبت مصری‌ها به سرآمده است.

موافق

شاکرنژاد مصری می‌خواند



محمدحسین سبزعلیان / استاد قرائت

تاکنون حامد شاکرنژاد را از نزدیک ندیده‌ام و از ویژگی‌های شخصی ایشان چیزی نمی‌دانم اما قرائت‌های زیبای او را بسیار شنیده‌ام. او جوان با استعدادی است که شاید مانند او هر ۳۰ سال در جامعه قرآنی ما ظهور می‌کنند و قدر امثال او را باید دانست. شاکرنژاد تلاوت بسیار خوبی دارد که حتی تعجب بسیاری از اساتید مصری را هم برانگیخته است. او کاملا به تلاوت مسلط است و در قرائت نفس‌های طولانی دارد، لحنش قوی است و نوع تلاوتش نشان می‌دهد که به معنای آیات توجه ویژه‌ای دارد اما بسیاری از دوستان بدون اینکه جنبه‌های مثبت تلاوت او را در نظر بگیرند، نقدهای نابجایی به او وارد می‌کنند که نیاز به تامل دارد.

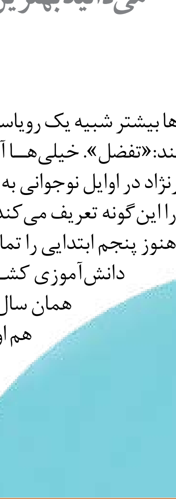
خیلی‌ها معتقدند تلاوت او کاملا تقلیدی است و هیچ خلاقیتی در آن مشاهده نمی‌شود، در حالی که اگر از همین دوستان بخواهیم شبیه شاکرنژاد بخوانند از عهده آن بر نمی‌آیند. انتقاد باید سازنده باشد و افراد را در مسیر پیشرفت قرار دهد، نه اینکه با بزرگ‌نمایی ضعف‌ها باعث تخریب افراد شود. همه ما تقلید می‌کنیم، حتی مصری‌ها هم تقلید می‌کنند اما اگر این تقلید با نوآوری ترکیب شود، مسلما قاری می‌تواند تلاوت زیبایی داشته باشد.

با اطمینان می‌گویم شاکرنژاد شبیه مصری‌ها می‌خواند و این یک نقص نیست. اصلا مصری خواندن برای او یک افتخار است چرا که آنها در قرائت حرفی برای گفتن دارند و زیبا تلاوت کردن در ذاتشان است اما ایرانی‌ها چنین شرایطی را ندارند. پس همین که با شنیدن تلاوت شاکرنژاد، یاد مصری‌ها می‌افتیم یعنی او تلاوت کم نظیری دارد. با این حال، معتقدم او راه درازی در پیش دارد چرا که هنوز جوان است و باید تجربه کسب کند.

نکته بعدی نوآوری و خلاقیت در قرائت است که معتقدم اگر به تلاوت این قاری جوان اضافه شود، تلاوت‌های ماندگاری از او برجای خواهد‌ماند.

می‌دانید بهترین جایزه‌ای که شاکرنژاد در مسابقات به دست آورده، چیست؟

اجازه ورود به کعبه



برای خیلی‌ها بیشتر شبیه یک رویاست؛ اینکه در خانه کعبه را برایت باز کنند و بگویند: «تفضل». خیلی‌ها آرزو دارند روزی وارد خانه کعبه شوند اما شاکرنژاد در اوایل نوجوانی به این آرزو رسید. خودش خاطره شیرین آن روز را این‌گونه تعریف می‌کند: «سال ۷۴ سال خوبی برایم بود. هنوز پنجم ابتدایی را تمام نکرده بودم که در مسابقات دانش‌آموزی کشور رتبه اول را کسب کردم و همان سال در مسابقات سراسری کشور هم اول شدم؛ برای همین، مسؤولان قرآنی کشور تصمیم گرفتند مرا به عنوان نماینده ایران به مسابقات سراسری کشور عربستان اعزام کنند. روزهای پر اضطرابی بود اما با راهنمایی‌های اساتید همراه توانستم در مسابقه تلاوت زیبایی را ارائه دهم. با این حال، فکر نمی‌کردم رتبه اول را به من بدهند چون شنیده بودم نتایج مسابقات عربستان بیشتر سیاسی است و هر سال به کشور خاصی داده می‌شود». روزی که قرار بود اختتامیه مسابقات عربستان برگزار شود، اتفاقی استثنایی برای شاکرنژاد افتاد؛ «اول فکر می‌کردم خواب می‌بینم اما خوشحالی اطرافیانم را که دیدم، مطمئن شدم رویا نیست و نماینده کشور اسلامی ایران رتبه اول را آورده است». این قاری بین‌المللی جایزه‌های بسیاری گرفته است اما حضور در خانه خدا را بهترین جایزه عمرش می‌داند و می‌گوید: «بعد از اهدای جوایز معمول مسابقات قرآنی، پادشاه عربستان اجازه داد یک ساعت در خانه خدا بمانم و به راز و نیاز بپردازم؛ لحظاتی فراموش ناشدنی که هیچ وقت از ذهنم پاک نمی‌شود. وارد کعبه شدم و در مکان ولادت امیرالمومنین(ع) نماز خواندم. خدا قسمت همه عاشقان کند».



ضمیمه قرآنی ویژه مشترکین همشهری جوان / نیمه اول مهر ۱۳۸۸

در خانواده نادرزاده، همه پس از یادگیری قرآن، مدرس علوم قرآنی شده‌اند

شغل خانوادگی: مربی قرآن

معصومه اصغری

اینجا خانه مربیان قرآن است. همه مربی‌اند و البته همه در زمینه قرآن شاگردی هم می‌کنند. اینجا علاقه یکی از اعضای خانواده باعث گرایش بقیه به آیه‌های وحی شده است. اینجا یکی دیگر از خانه‌های نور است که ساکنان آن حامل آیات الهی در ذهنشان شده‌اند. حرکت به سمت یادگیری و سپس ترویج قرآن کریم در خانواده نادرزاده از مادر خانواده شروع شده و حالا به نوه‌ها هم رسیده است. زهرا نادری اولین مدرس زن موسسه مهد قرآن به حساب می‌آید که از حدود دو دهه پیش، آموزش قرآن را به دیگران آغاز کرده است. البته آموزش قرآن باعث نشده که او از فرزندانش غافل شود. مادر خانواده مدت‌هاست که حافظ کل قرآن شده. مریم و فرزانه نادرزاده هم دو دختر خانم نادری هستند که به ترتیب ۱۵ و ۱۰ جزء قرآن را از بر کرده‌اند تا در زمره حافظان و قاریان قرآن کریم قرار بگیرند. این ارث نورانی حالا به نوه‌های خانواده هم رسیده است. کوچک‌ترین اعضای خانواده نادرزاده هم این روزها کم‌کم خود را برای حفظ آیات الهی آماده می‌کنند.



اعضای خانواده به ترتیب از راست به چپ: مریم نادرزاده، فرزانه نادرزاده، زهرا نادری، هاشم نادرزاده و زینب تبریزی

عکس: علیرضا ثامنی

می‌گویند عشق به کلام وحی در خانواده‌های قرآنی موروثی است. خیلی کم پیش می‌آید که عضوی از عضو دیگر تاثیر نگیرد و شیفته آیه‌های الهی نشود. گام برداشتن در راه قرآن چطور در خانواده‌تان همگانی شد؟



زهرا نادری: در خانواده‌ای که اساس و پایه‌اش را آیه‌های قرآن تشکیل می‌داد، رشد کرده‌ام. در آغوش مادرم سوره‌های کوچک را از بر می‌خواندم و این نخستین خاطره‌هایم از دوران پیش از دبستان است. به مدد حفظ همین آیه‌ها بود که در مدرسه جزو دانش‌آموزانی بودم که همیشه شاگرد اول می‌شدند و همه مطمئن بودند که بعد از گرفتن دیپلم در دانشگاه قبول می‌شوم اما مانع بزرگی پیش پایم بود. آن زمان دانشگاه‌ها زیاد اسلامی نبود. خیلی از این ماجرا ناراحت بودم و این مادرم بود که آرامم کرد و با ثبت‌نام در کلاس‌های قرآنی راه تحصیل بهشت را پیش پایم گذاشت.

حتما بچه‌ها هم به تبعیت از مادر به حفظ آیات الهی علاقه‌مند شدند، این طور نیست؟

مریم نادرزاده: مادرم آن‌قدر با قرآن مانوس بود که تصمیم گرفت برای نگهداری همزمان از ما و حضور در محافل قرآنی چاره‌ای پیدا کند. ایشان نخستین مربی زن مهد قرآن شهر تهران بود. این افتخار به راحتی به دست نیامده و حاصل سال‌ها زحمات ایشان است. شور و شوق و علاقه من و خواهر کوچکم به قرآن برای ایشان راهگشا شد و خودمان خواستیم که در کلاس‌های مهد قرآن حضور داشته باشیم.

فرزانه نادرزاده: حالا که فکر می‌کنم، می‌بینم هیچ کس مرا مجبور نکرد که قرآن بخوانم و آن را حفظ کنم. رفتار مادرم خیلی خوب بود. با اینکه خودش مدرس قرآن بود، هفته‌های اول زیاد به ما سخت نمی‌گرفت و اصلا اصراری به حفظ و شنیدن تلاوت آیات نداشت ولی ما کم‌کم با قرآن آشنا شدیم و خودمان به حفظ آیات علاقه پیدا کردیم.

مادرم زمانی که ما را باردار بودند، مرتب قرآن می‌خواندند. من و خواهرم هم در طول نه ماه بارداری سه بار قرآن را ختم کردیم

این روزها قرآن‌آموزان بیشتر علاقه دارند که به‌طور فشرده در طول یک تا دو سال قرآن را حفظ کنند و سریع وارد جرگه حافظان کل قرآن شوند اما شما انگار اصراری به حفظ سریع تمام قرآن ندارید. چرا؟

نادری: یادم می‌آید یک بار خدمت آقای پرهیزکار بودیم و ایشان گفت که خیلی موافق حفظ سریع قرآن نیست. علت را که پرسیدیم، گفتند که تحفیظ سریع باعث می‌شود زمان کمی برای تثبیت آیه‌های حفظ شده باقی بماند. بنابراین حافظ پس از زمان کمی چون تلاش نکرده محفوظات را تثبیت کند، بعضی آیه‌ها را فراموش خواهد کرد. در واقع تمرین حفظ باید همراه با تثبیت، آن هم به مرور زمان باشد. من نظر ایشان را خیلی پسندیدم.

یعنی شما دوست ندارید زودتر حافظ کل شوید؟

مریم: آرزوی قلبی‌مان است که از حافظان کل قرآن باشیم اما برای آن عجله‌ای نداریم. با قرآن مانوس بودن برایمان فقط به این معنی نیست که آن را حفظ کنیم. من و خواهرم حالا به مادرمان پیوسته‌ایم و با همین محفوظاتی که داریم به کودکان هم آموزش می‌دهیم.

یادگیری و آموزش همزمان قرآن به دیگران باید تاثیر خوبی در زندگی‌تان داشته باشد. این طور نیست؟

نادری: از زمانی که مسؤول مرکز بانوان مهد قرآن شده‌ام، لطف خدا را بیش از پیش احساس می‌کنم. شاید باورتان نشود اما حس می‌کنم با نفس جوان‌هایی که در این مهد به طور دائم در حال مطالعه، تفکر و تحفیظ کلام خدایند، جان تازه می‌گیرم. از برکت این رابطه‌هاست که زندگی‌ام همیشه رو به راه بوده است. از خدا خواسته‌ام تا آخرین لحظه عمرم از کاری که انجام می‌دهم، بازنشسته نشوم.

آموزش قرآن به کودکان چه حس و حالی دارد؟

مریم: کار من در مهد قرآن، آموزش حفظ به کودکان است. آنها موجوداتی پاک و معصومند که ارتباط با آنها، جسم، جان و قلب را از گناه دور می‌کند. شاگردانی داشته‌ام که در هفت سالگی حافظ کل قرآن شده‌اند. وقتی صفحه‌های آخر را با هم تمرین می‌کردیم، حس عجیبی داشتم. آن روزها خیلی سرحال و امیدوار بودم و مدام خدا را شکر می‌کردم که این بچه‌ها را سر راه زندگی‌ام قرار داده است.

همه‌تان تجربه مادر شدن را دارید. با حفظ قرآن توسط بچه‌هایتان در سن خیلی کم موافقید؟

نادری: هیچ وقت بچه‌ها را مجبور به آموختن قرآن نکرده‌ام اما آنها را به محل‌هایی می‌بردم که در آنها قرآن تلاوت می‌شد. تشویقشان می‌کردم که با این کلام مانوس شوند اما به محض اینکه حس می‌کردم ممکن است خسته شوند، آزادشان می‌گذاشتم.

مریم: در این زمینه از مادرم الگو گرفته‌ام. ایشان آرام آرام ما را با مسائلی مانند حجاب و مسائل دینی آشنا می‌کردند. یادم می‌آید هنوز به سن تکلیف نرسیده بودم که چادر داشتم و با شور و شوق آن را سر می‌کردم. حواس مادرم به من بود و تا احساس می‌کرد خسته شده‌ام، خودش می‌آمد و چادر را از سرم برمی‌داشت. اینکه هیچ وقت مجبور به کاری نمی‌شدیم، بزرگ‌ترین تشویق برای ما بود.

فرزانه: مادرم زمانی که ما را باردار بودند، مرتب قرآن می‌خواندند. من و خواهرم هم در طول نه ماه بارداری سه بار قرآن را ختم کردیم. باورم این است که این رفتار مادر روی جنین هم تاثیر زیادی دارد. الان از مادر هر کودکی که در زمینه‌های قرآنی موفقیتی به دست آورده است، بپرسید، خواهد گفت که در زمان بارداری بسیار قرآن می‌خوانده‌اند.

هیچ کس ما را مجبور به حفظ نکرد ما کم‌کم با قرآن آشنا شدیم و خودمان به حفظ آیات علاقه پیدا کردیم

خیلی از والدین نمی‌دانند که فرزندانشان را در کدام موسسه قرآنی ثبت‌نام کنند. به عنوان کسانی که با این محافل آشنایی داشته‌اید، شرایط یک موسسه قرآنی مطلوب را چه چیزهایی می‌دانید؟

نادری: شنیده‌ام بعضی از این موسسه‌ها در طول یک سال هزینه‌های قابل توجهی دریافت می‌کنند تا بتوانند به صورت فشرده مراجعان را تبدیل به حافظان کل قرآن کنند. با این روش زمانی برای تثبیت وجود ندارد و به نظر می‌رسد قرآن‌پژوه فقط به دنبال مهر تاییدی برای حافظ بودنش است. به نظرم والدین باید در این باره دقت نظر زیادی داشته باشند تا مربیان قرآنی خوبی را در موسسه‌ها پیدا کنند. رفتار مربیان یک مرکز گاهی می‌تواند باعث دفع کودکان، نوجوانان و حتی بزرگسالان از قرآن شود.

شما هم با نظر مادرتان موافقید؟

مریم: درباره آموزش بزرگسالان نظری ندارم و مهارتم در آموزش کودکان است. مربی قرآن باید با روحیه کودکان آشنایی داشته باشد، با آنها بازی کند و از هر راهی مثل خواندن شعر و قصه، مفاهیم قرآنی را به کودک آموزش دهد. والدین اگر فرزندشان کوچک است، سعی کنند از ابتدا موسسه خوبی را برای کودک در نظر بگیرند که او بتواند سال‌ها در همان جا به تحصیل قرآن بپردازد.

فرزانه: من هم موافق عجله در آموزش و حفظ قرآن نیستم. قرآن باید همراه با آرامش و تمرین‌های طولانی در دل نهادینه شود.

داشتن خانواده‌ای قرآنی از برکت‌هایی است که نصیب هر کس نمی‌شود. فکر می‌کنید زندگی‌تان با زندگی خانواده‌های دیگر چه تفاوت‌هایی دارد؟

نادری: همیشه در دعاهایم می‌خواهم که این برکت به همه اطرافیانم نازل شود. از جوانی به این درک رسیده‌ام که اگر مادر خانواده‌ای با قرآن همراه باشد، می‌تواند همسر و فرزندانش را هم قرآنی کند. به همین دلیل در محافلی که در سال ۵۴ برگزار می‌شد، دوره‌های آموزش به خانم‌های خانه‌دار را راه‌اندازی کردم. فکر می‌کنم به دلیل اینکه در بیشتر سال‌های زندگی‌ام خادم قرآن‌پژوهان بوده‌ام، خداوند به من لطف کرده است و صاحب چنین فرزندان و عروس، دامادها و همسر صالحی شده‌ام.

مریم: من و خواهرم زمانی که مجرد بودیم، آرزویمان این بود که با خانواده‌هایی مذهبی وصلت کنیم. برای همین هم در جلسه خواستگاری پیش از هر چیز به آقای داماد گفتیم که باید اجازه دهد به فعالیت‌های قرآنی ادامه دهیم. آرامش خاصی در خانواده‌مان وجود دارد که فکر می‌کنم تمام خانواده‌های قرآنی از این آرامش بهره‌مند هستند.

کنار روزهای شیرین زندگی مسلما روزهای تلخی هم وجود دارد. خوب است از آن روزها هم بگویید.

نادری: راستش نمی‌دانم این انس با قرآن است که سختی را وارد زندگی نمی‌کند یا اینکه سختی وجود دارد و ما به دلیل همراه بودن با قرآن و آرامشی که به ما می‌دهد، متوجه دشواری‌های زندگی نمی‌شویم.

فرزانه: همین دو ماه پیش بود که یک‌بار دیگر قرآن در زندگی‌ام معجزه کرد. پزشکان یک بیماری عفونی را در پسر کوچکم تشخیص دادند و محمد سه روز در بیمارستان بستری شد. به چند پزشک مراجعه کردیم و همه‌شان عنوان کردند که میزان عفونت بسیار بالاست و حالا‌حالاها درمان کامل انجام نمی‌شود. خیلی پریشان‌حال شدم. سجاده دعایم را باز کردم و همان‌جا بود که به خدا گفتم من و پسر کوچکم به دلیل اینکه با کلام او همراه بوده‌ایم، مطابق وعده‌اش نباید در چنین شرایطی باشیم. بعد شروع به خواندن سوره یاسین کردم. خانوادگی علاقه ویژه‌ای به این سوره داریم. باورتان نمی‌شود، بعدش انگار معجزه شد. هر سه پزشک گفتند که آزمایش‌های جدید ذره‌ای عفونت را نشان نمی‌دهد و محمد اصلا بدون دلیل و اشتباهی بستری شده است. آنها تعجب کرده بودند اما مطمئن بودم که این از معجزه‌های تلاوت سوره زیبا و دلنشین یاسین است.

هاشم نادرزاده، پسر خانواده

حفظ را رها کردم و قاری شدم

تنها پسر خانواده که به تازگی متاهل شده، جزو حافظان قرآن نیست ولی در زمره قاریان کلام الهی قرار دارد. هاشم نادرزاده از نوجوانی شیفته قرائت استاد عبدالباسط شده و اکنون در حال یادگیری دستگاه‌های قرآن است؛ «حدود ۱۳ سال داشتم که شروع به حفظ قرآن کردم. ده جزء را حفظ کردم اما پس از آن مشغله‌هایم زیاد شد و چون وقت کمی برای تمرین داشتم نتوانستم به طور منسجم به حفظ قرآن ادامه دهم. دوران نوجوانی‌ام مصادف بود با زمانی که جواد فروغی -قاری نوجوان- در تلویزیون خوش درخشیده بود. ایشان هم از عبدالباسط تقلید می‌کرد. درنتیجه من خیلی مجذوب قرائت شدم. عاقبت حفظ را رها کردم و قاری شدم».

فرزند ارشد خانواده به مسابقه‌هایی که در آن شرکت کرده، اشاره می‌کند و آنها را از شیرین‌ترین خاطره‌های دوران نوجوانی‌اش می‌داند؛ «یک بار مدیر مدرسه به همراه معاونانش میان صف‌های دانش‌آموزان آمدند و به خاطر قرائتم از من تشکر کردند. خیلی ذوق‌زده شده بودم و دلم می‌خواست بیشتر و بهتر قرآن بخوانم. در حسینیه همدانی‌ها هم در حضور استاد پرهیزکار امتحان دادم. جایزه‌های آن مسابقه را به خوبی به خاطر دارم؛ یک دست کت و شلوار، یک ضبط صوت و یک خودکار هدیه گرفتم».

در ضمن هاشم آقا مسابقه‌های دوران کودکی‌شان را که میان او و دو خواهرش برگزار می‌شد، به یاد می‌آورد؛ «دایی‌ام از ما می‌خواست احادیثی از پیامبر(ص) و ائمه(ع) را حفظ کنیم. در طول هفته هم پدر و مادرمان با ما تمرین می‌کردند تا وقتی دوباره دایی به خانه‌مان می‌آمد، آنها را از بر کرده باشیم. هر کسی احادیث بیشتری حفظ می‌کرد، برنده مسابقه بود».

زینب تبریزی -عروس خانواده- هم به تازگی به جمع خانواده قرآنی نادرزاده پیوسته است. او معتقد است که قرآن ضامن خوشبختی او در زندگی‌اش خواهد بود؛ «پیش از مراسم خواستگاری می‌دانستم که قرار است که با یک حافظ و قاری قرآن ازدواج کنم و این، خیالم را از بابت اخلاق خانواده و نوع تربیت همسرم آسوده کرد». زینب خانم هم به تازگی شروع به حفظ قرآن کرده است و علاقه دارد مانند خانواده همسرش در این راه گام بردارد؛ «کسانی که با قرآن همراهند، کمتر پایشان می‌لغزد و آرامش زیادی دارند. بارها دیده‌ام در مواقعی که اتفاق بدی رخ می‌دهد و همه عصبانی می‌شوند و آن را بروز می‌دهند اما همسرم با اینکه ناراحت است، صبورتر از بقیه به نظر می‌رسد. دیدن این نوع رفتارها از او و خانواده‌اش باعث تشویق من به حفظ قرآن شده است».





ضمیمه قرآنی ویژه مشترکین همشهری جوان / نیمه اول مهر ۱۳۸۸

ناگفته‌های یک دیدار خانوادگی

مهم‌تر از همه روزی حلال است

علی‌اصغر نادرزاده کسب روزی حلال را از اولین گام‌ها برای ایجاد خانواده‌ای قرآنی می‌داند؛ «این از آن مواردی است که همه باید به آن توجه کنند. مال حرام باعث می‌شود انسان هدایت نشود و راهی به معارف قرآن پیدا نکند. در مقابل، این روزی حلال است که باعث پرورش و سیر انسان‌ها به سوی کمال می‌شود. در قرآن و احادیث به این قضیه اشاره‌های مختلفی شده است».

پدر خانواده هر روز خدا را به دلیل داشتن همسر، فرزندان، عروس خانم، دامادها و نوه‌های قرآنی‌اش شکر می‌کند و می‌گوید به دلیل وجود پربرکت آنهاست که زندگی‌شان با آرامش همراه است.

نادرزاده از همسرش تشکر ویژه می‌کند و فعالیت‌های او را در مهد قرآن یکی دیگر از مهم‌ترین دلایل تشکیل خانواده قرآنی‌اش می‌داند؛ «فرزندان هر خانواده اوقات زیادی را با مادرشان می‌گذرانند و زنان نقش زیادی در تربیت آنها دارند. همسرم با فعالیت‌های قرآنی‌اش از اول ازدواجمان تربیت صحیح فرزندانم را برعهده گرفت، از او بسیار سپاسگزارم».

کمک‌های آیه‌الکرسی

همه دانش‌آموزان خاطره‌هایی از روزهای پراضطراب امتحان دارند اما این روزها برای فرزانه جور دیگری رقم می‌خورده است: «از آن دانش‌آموزان درسخوان بودم اما همیشه وقتی می‌خواستم راهی جلسه امتحان شوم اضطراب شدیدی دامنگیرم می‌شد. می‌دانستم دعای مادرم از همه چیز کارسازتر است. در ضمن در مهد قرآن هم یاد گرفته بودم که در این جور مواقع آیه‌الکرسی معجزه می‌کند. دوست داشتم هر دوی اینها را با هم داشته باشم. معمولا در شیفت صبح به مدرسه می‌رفتم و وقتی می‌خواستم از خانه خارج شوم، همه خواب بودند. با این حال بالای سر مادرم می‌رفتم و او را از خواب عمیق بیدار می‌کردم تا برایم آیه‌الکرسی بخواند. بعد از این کار بود که آرامش پیدا می‌کردم و راهی جلسه امتحان می‌شدم».

پنجشنبه‌های طلایی

مادر شدن از شیرین‌ترین لحظه‌های زندگی هر زنی است اما دغدغه نگهداری از کودک تازه به دنیا آمده ممکن است تمام وقت مادران جوان را بگیرد. مریم پس از به دنیا آمدن فرزندانش آرزویی داشت که خیلی زود به آن رسید؛ «ما سال‌هاست هر هفته پنجشنبه‌ها راهی کلاس قرآن می‌شویم. باور کنید اگر یک هفته این برنامه قطع شود، انگار چیزی را گم می‌کنیم و همین باعث آشفتگی‌مان در طول هفته می‌شود. حتی زمانی که باردار بودم، به طور مرتب به آموزشگاه قرآن می‌رفتم. وقتی بچه‌ام به دنیا آمد، دکترم گفت که باید حدود ۴۰ روز در خانه استراحت مطلق داشته باشم. انگار غم همه دنیا به دلم نشست. تا ۲۰ روز طاقت آوردم و بعد همراه کودک شیرخوارم به کلاس قرآن رفتم. نگران این بودیم که بچه کمی ناآرامی کند اما خوشبختانه آن روز آرام بود و گذاشت مادرش دوباره پنجشنبه‌های طلایی و دوست‌داشتنی‌اش را تجربه کند».

خدا مرا به بهشت می‌برد

بزرگ‌ترین نوه خانواده نادرزاده تنها شش سال دارد. زینب که بزرگ‌ترین بچه خانواده است، فروردین امسال با مادرش به خانه خدا مشرف شد. وقتی می‌پرسیم چرا قرآن را این‌قدر دوست دارد، می‌گوید: «می‌خواهم قرآن بخوانم تا خدا مرا به بهشت ببرد». مادر زینب می‌گوید او به عشق روزهای پنجشنبه که به مهد قرآن می‌رود، نام روزهای هفته را یاد گرفته است؛ «همیشه می‌پرسد دوباره کی پنجشنبه می‌شود. آن وقت با هم می‌نشینیم و روزهای هفته را می‌شماریم. آن‌قدر این کار را کرده‌ایم که حالا زینب روزهای هفته را یاد گرفته است. مرا یاد بچگی‌های خودم و خواهرم می‌اندازد که شوق ویژه‌ای برای مهدقرآن داشتیم و پنجشنبه‌ها بهترین روزهای زندگی‌مان بود».

زینب با احادیثی از پیامبر(ص) و ائمه(ع) هم آشناست. او شش سال بیشتر ندارد ولی وقتی می‌خواهیم چند جمله به بچه‌های هم سن و سال خودش بگوید، به چند حدیث اشاره می‌کند: «بچه‌ها! به پدر و مادر خود نیکی کنید. دروغگو دشمن خداست و نماز ستون دین است». زینب سوره‌های کوتاه جزء ۳۰ را از بر کرده و مثل مادرش می‌خواهد از حافظان قرآن باشد. محمد و امیررضا هم نوه‌های سه ساله خانواده نادرزاده‌اند و در طول مصاحبه برایمان دعای فرج، سوره اخلاص و کوثر را خواندند. از همین حالا پیداست که آنها هم تا چند سال دیگر از حافظان خردسال قرآن کریم خواهند شد.



سرآغاز گفتار نام خداست
که رحمتگر و مهربان خلق راست

قرآن

نسخه منظوم

ترجمه‌های قرآن مجید همیشه محل بحث‌های متعددی بوده‌اند اما بحث نظم، دنیای دیگری دارد

سهام‌الدین بورقانی، محمد اشعری، بنفشه رحمانی

شعر و شاعری برای خودش عالمی دارد؛ دنیایی سراسر لطافت. شعر آن‌قدر جذابیت دارد که همواره اهل علم‌وادب گوشه‌چشمی به کارکردهای آن هم داشته‌اند. در گذشته، معلم‌ها دروس خود را با استفاده از شعر تدریس می‌کردند. حتی پزشک‌ها مانند حکیم «میسری» هم دارو و درمان خود را از طریق شعر و وزن به بیمار تجویز می‌کردند. در بعضی مواقع صرف و نحودان‌هایی همچون «ابن مالک» در «الفیه» برای راحتی کار خود و مخاطبانشان به وزن متوسل می‌شدند. حروف جر و وزن‌های مختلف افعال عربی و بسیاری دیگر از نکات صرف و نحو عربی به مدد شعر چنان راحت و سریع در ذهن می‌نشیند که هنوز بسیاری آن را به‌خاطر می‌آورند. شعر علاوه بر زیبایی‌های ذاتی‌ای که دارد دارای چنین محاسنی هم هست و به همین دلیل همواره به کمک دیگر علوم هم شتافته است. حالا چند سالی می‌شود که بعضی از شاعران و اهل ذوق به‌منظوم‌کردن ترجمه‌های قرآن کریم روی آورده‌اند. قرآن منظوم موافقان و مخالفان زیادی دارد و بحث‌های فراوانی را هم به وجود آورده است که گوشه‌هایی از آن اختلاف‌ها را در همین صفحه‌ها ملاحظه می‌کنید. درباره این بحث بلند و طولانی، قضاوت کردن سخت است چه اینکه در صحبت‌های هر دو گروه، استدلال‌های درستی دیده می‌شود که قابل تأملند. ما هم این کار سخت را به عهده شما گذاشته‌ایم؛ قضاوت با شما!



نگاهی تاریخی به روند شکل‌گیری ترجمه‌های منظوم قرآن

وقتی ذوق جاری می‌شود...

گرایش ذوق و قریحه انسان به شعر و شاعری ریشه در تاریخ دارد و ترجمه منظوم قرآن هم اتفاق امروز و دیروز نیست. این مطلب چیزی شبیه تاریخچه است برای به نظم در آوردن کتاب آسمانی ما.

نخستین ترجمه آهنگین قرآن متعلق به اواخر قرن سوم یا اوایل قرن چهارم هجری است که در سال‌های اخیر نزدیک گنبد امام رضا(ع) کشف شده و با عنوان «پلی میان شعر هجایی و عروضی» و به اهتمام احمدعلی رجایی در سال ۱۳۵۳ به چاپ رسید. این کتاب در زمانی نوشته شده که هنوز شعر هجایی رواج داشته و وزن عروضی ندارد. ترجمه دو جزء قرآن از آیه ۶۲ سوره یونس تا آیه ۳۰ سوره ابراهیم(ع) با وزن‌های هجایی در این کتاب موجود است.

طبق مستندات تاریخی، نخستین ترجمه منظوم قرآن را (به شکلی که ما می‌شناسیم) می‌توان به حاج میرزا حسن بن محمد باقر- ملقب به صفی‌علیشاه اصفهانی- نسبت داد. گرچه آنچه صفی‌علیشاه در قرن سیزدهم هجری قمری سرود، در واقع تفسیر به نظم در آمده قرآن است ولی می‌شود آن را اولین قرآن منظوم به‌حساب آورد.
صفی‌علیشاه اصفهانی از عرفای بزرگ اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم‌هجری است که تفسیر قرآن مجید را همراه با تأویلات فلسفی و عرفانی آن به نظم درآورده. این تفسیر از آثار بسیار مهم این دوره است و از جنبه‌های مختلف فلسفی، عرفانی، کلامی، مذهبی، ادبی و تاریخی جای تحقیق و بررسی دارد. صفی‌علیشاه در سرودن این تفسیر که دو سال طول کشید، تحت تأثیر کلام مولانا در مثنوی بوده و بعضی مضامین را از وی اقتباس کرده است. همچنین بعضی مطالب عرفانی را از «تفسیر کشف‌الاسرار و عده‌الابرار» رشیدالدین ابوالفضل میبدی برگرفته. این عارف در دوره صفوی می‌زیست و در این تفسیر، زندگی انبیا و احکام شریعت با عقاید صوفیه تطبیق داده شده است.

تا سال‌های سال اثری کامل که به ترجمه قرآن به شکل منظوم بپردازد، ثبت نشد. در همه این سال‌های سکوت، شاعرانی با استفاده از مفاهیم قرآنی و به‌روز کردن مفاهیم آن، پندهای اخلاقی خود را رنگی الهی می‌بخشیدند. قرآن تا سال‌ها به دیوان‌ها رنگ می‌بخشید ولی اغلب شعرا از ترجمه منظوم قرآن حذر داشتند.

پس از انقلاب اسلامی و شکوفا شدن فرهنگ معارف اسلامی، میزان پرداختن به کتاب آسمانی دو چندان شد. با ظهور و بروز موج حافظان و قاریان در ایران و چاپ ترجمه‌های رنگارنگ، ناگهان ذهن بعضی‌ها به سمت ترجمه منظوم قرآن کشیده شد؛ کاری که در سال‌های سکوت، خبری از آن نبود. بن‌مایه ترجمه منظوم قرآن در حوالی سال‌های ۱۳۷۵ کلید خورد. چندین شاعر گمنام –جداگانه- و بدون اطلاع از یکدیگر کار را آغاز کردند.

سال ۱۳۷۶ نخستین قرآن به شکل جدید چاپ شد؛ قرآنی که روی جلد آن نوشته شده بود: قرآن نامه، ترجمه شعری قرآن؛ امید مجد. با چاپ این اثر، تبلیغات فراوان حوالی آن شکل گرفت و بدیع بودن هم مزید بر علت شد تا دیگران (بی توجه به علم و سوادشان) سراغ این موضوع جدید بروند و ناشران هم برای چاپ قرآن‌های منظومشان سرعت به خرج دهند. جذابیت این کار نو، زرق‌وبرق عنوان‌ها و بسیاری مسائل حاشیه‌ای، موجی از واکنش‌های مثبت و منفی کارشناسان قرآن و ادبیات را برانگیخت.

بد نیست بدانید که تاکنون شش ترجمه منظوم به بازار نشر وارد شده. ترجمه‌های عباس حداد کاشانی، محمد شائق، سیدرضا ابوالمعالی کرمانشاهی، شهاب تشکری آرانی و رستم کوشان در کنار امید مجد، جمع شاعرانی را تشکیل می‌دهند که ترجمه منظوم قرآن را به پایان رسانده‌اند. البته این عدد می‌توانست متجاوز از ۲۵ باشد که شیوه جدید بررسی و مجوز چاپ، این کار را با محدودیت مواجه کرد. شیوه جدید پس از سال‌ها باعث نظارتی منطقی بر ترجمه‌های قرآن شد.

قرآن‌های چاپ شده جدید که نام منظوم، شعر یا نمونه‌های مشابه را بر پیشانی داشتند، با استقبال مواجه نشدند، البته به جز نخستین اثر چاپ شده منظوم قرآن- یعنی ترجمه مجد- که به چاپ متعدد رسید. موج منظوم‌سازی با رکود مواجه شد. کیفیت نامطلوب بعضی آثار و تکراری شدن این کار و مخالفت بسیاری از صاحب‌نظران، از دلایل این سقوط عنوان شد. این روزها هدیه، تنها راه پخش بسیاری از این ترجمه‌ها شده است.

اتفاق جدیدی که در همین سال‌های اخیر شاهد آن بوده‌ایم، نهضت نوینی است که این بار سراغ ترجمه‌های منظوم و البته به لهجه محلی رفته. چاپ ترجمه منظوم قرآن به گویش کردی و آماده‌سازی ترجمه دیگری به لهجه مازندرانی نشان می‌دهد که سمت و سوی بسیاری از ناشران و البته هنرمندان به این سو کشیده شده است.

این نکته قبول که باید به تمامی تلاش‌های صورت گرفته در سال‌های اخیر برای به نظم کشیدن قرآن با دیدی مثبت نگریست و کارهای ارزشمند را ارج نهاد، باید از تلاش‌های خوب تقدیر کرد و ذوق و هنری را که در این راه خرج شده، ستود اما همه اتفاقات گذشته و تجربیات این سال‌ها نشان می‌دهد که برای حفظ شأن و جایگاه قرآن کریم میان عامه مردم و نگهداری از مرتبه بالای کلام الهی لازم است تا مسؤولان امر دست به کار شوند و با دلسوزی و دقت بیشتری به ترجمه‌های جدید قرآن نظر بیندازند. کانال تایید این ترجمه‌ها باید توانمند، مشخص و قاطع باشد تا با قدرت تمام، از چاپ آثار بی‌مایه جلوگیری کند. حرکتی که گویا ۱۰ ماهی است که با تشکیل «دبیرخانه نظارت بر نشر و ترجمه قرآن کریم» به راه افتاده و باید ادامه پیدا کند. حضور استادان و صاحب‌نظران خبره، اعتماد را به جامعه قرآنی بازمی‌گرداند. در نتیجه، این نظارت موثر و با دانش باعث خواهد شد که ترجمه‌های امروزی در مسیری درست هدایت شوند.
آیا چنین نظارت کامل و هوشمندانه‌ای اتفاق می‌افتد یا راه‌های موازی صدور مجوز به بازار آشفته ترجمه‌های قرآنی دامن می‌زند؟

هدف؛ کلام خدا را همه بخوانند

از صدها سال پیش مترجمان بسیاری تلاش کرده‌اند تا کلام وحی را به زبان‌های مختلف دنیا ترجمه کنند چرا که ترجمه‌ها هر چند ناقص یا کامل برای انتقال مفاهیم این کتاب به مردم لازم است. حاصل این تلاش‌ها در همه این سال‌ها هزاران ترجمه‌ای است که با روش‌های مختلف فراهم شده و در کتابخانه‌های معتبر دنیا نگهداری می‌شوند. در طول تاریخ، قرآن ترجمه‌های گوناگونی را به خود دیده که می‌توان آنها را به هفت دسته تقسیم کرد:



لغوی

در ترجمه لغوی، لغات قرآن بدون جمله‌بندی ترجمه می‌شوند. مانند ترجمه لسان التنزیل در قرن چهارم و ترجمه القرآن علامه محقق میر سید شریف جرجانی.

تحت‌اللفظی

ترجمه تحت‌اللفظی به این شکل است که زیر هر کلمه، کلمه‌ای معادل آن به زبان فارسی نوشته می‌شود، بدون آنکه دستور زبان فارسی رعایت شود. مانند ترجمه طبری، ترجمه ابوالفتوح رازی و دهلوی.

معنوی

ترجمه معنوی (یا ترجمه امین) اول بار توسط عماد الدین شاهپور، عالم‌شافعی در اوایل نیمه دوم قرن پنجم هجری ابداع شد. در این نوع ترجمه می‌کوشند تا نقص‌ها و نارسایی‌های ترجمه‌های تحت‌اللفظی را با معادل سازی‌های نسبتا کامل‌تر و رساتر اصلاح کنند.

ادبی

ترجمه ادبی متأثر از ادبیات و عرفان است که نمونه کامل آن را در آثار خواجه عبدالله انصاری می‌توان یافت. ابوالفضل رشیدالدین میبدی در نیمه نخستین قرن ششم هجری نیز در تفسیر «کشف الاسرار و عده الابرار» به این نوع پرداخته است.



آوایی

مترجمان آوایی در ترجمه از نثر مسجع استفاده کردند. در این ترجمه، تکرار در ردیف همراه با سایه‌ای از سجع دیده می‌شود. مانند ترجمه نسفی به فارسی و ترجمه پروفسور آربری به انگلیسی و ترجمه تفسیر کاشف از بی‌آزار شیرازی.



آزاد

در ترجمه آزاد که همراه با تفسیری کوتاه است، مترجم خود را از قید ترجمه تحت‌اللفظی رها کرده و به ترجمه مفهوم قرآن می‌پردازد. در واقع با حفظ معنای اولیه، آن را به زبان دوم بازگو می‌کند و خلاصه تفاسیر را لابه‌لای ترجمه می‌گنجاند. از این دست می‌توان به ترجمه مرحوم الهی‌قمشه‌ای و آیت‌الله یاسری اشاره کرد.

منظوم

سرانجام در داستان ترجمه، پای شاعران هم به ترجمه قرآن باز شد. هرچند پیش از این، بعضی از شعرا مطالب اخلاقی و حکمت‌های الهی قرآن را در قالب شعر در آوردند تا جذابیت قرآن بهتر حفظ شود اما امروزه، به نظم کشیدن معنای قرآن به یک رقابت تبدیل شده و عده زیادی را به خود مشغول کرده است.

امید مجد، نخستین مترجم قرآن کریم به نظم، از کارش دفاع می کند

منتقدان، ترجمه‌های مرا نخوانده‌اند!

نام «امید مجد» و انتشاراتش با ترجمه شعری قرآن گره خورده. او نخستین کسی بود که در اوج جوانی ترجمه منظومش را در سال ۷۶ به چاپ رساند و موجی از واکنش‌های مثبت و منفی را برانگیخت. در همه این سال‌ها از هیچ‌گونه دفاع و ترویج اثر خود کوتاه نیامد تا تیراژ کتابش روز به روز افزایش یابد و بیشتر نزد متخصصان و عامه مردم به چشم آید. زندگی مجد هم با این اتفاق مهم پیوند خورده است؛ پس از چاپ آن ترجمه، رشته درسی‌اش را تغییر می‌دهد تا الان، استاد ادبیات دانشگاه تهران باشد؛ ترجمه دیگر متون دینی چون نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه را به پایان می‌رساند و هم‌اکنون هم کار جدیدی را به دست گرفته؛ امید مجد به زودی ترجمه منظوم جدیدی از قرآن را به پایان می‌رساند. ترجمه‌ای که با ویرایشی کاملا نو از سال ۸۹ چاپ می‌شود؛ «در همه این ۱۲سال، هم اطلاعات قرآنی من افزوده شده (حداقل ۱۰۰هزار صفحه تفسیر خوانده‌ام) و هم طبع شاعری و سواد ادبی‌ام زیاد شده». همه اینها و البته موضوع ویژه این شماره «آیه» باعث شد تا سراغ او برویم و بپرسیم که چرا؟

توضیح ضروری اینکه گفت‌وگو با این مترجم قرآن را در بخش‌های مختلف جدا کرده‌ایم، تا به ضرورت گرافیکی پایبند مانده باشیم؛ همانند ضرورت‌های شعری! پس این مقدمه و تیتر را برای همه بخش‌های گفت‌وگو قبول کنید.

از همین جا شروع کنیم که اصولا اسم مجموعه ترجمه‌ای شما، شعر است یا نظم؟ می گویند شعر قوه‌ای از تخیل دارد و نظم نه.

من دو توضیح باید بدهم؛ با این تفسیری که در ذهن شماست، کار من به نظم نزدیک‌تر است. هرچند در نهج‌البلاغه و صحیفه به شعر نزدیک‌تر است. در اینجا به عنوان استاد زبان و ادبیات فارسی می گویم که نمی‌دانم این اشتباه بزرگ بین نظم و شعر از کجا پیدا شده. در همه این سال‌ها در ادبیات فارسی، نظم و شعر یکی بوده و معادل هم؛ همه قدمای شعر ایران، از فردوسی تا انوری، سعدی و حافظ می‌گویند نظم. این تقسیم‌بندی شعر و نظم از حقه‌بازی‌های شعر نو است که ضعف در وزن را با تخیل و تصویرسازی پر کرده‌اند. ما یک نثر داریم که وزن عروضی ندارد و یک نظم و شعر که وزن عروضی دارد؛ همین. حالا می تواند شعر ما کودکانه باشد یا بسیار متخیلانه.

این را پرسیدم برای اینکه بسیاری ایراد می گیرند که استفاده از تخیل یا جابه‌جایی عبارات و استعاره، در واقع تغییر کلام خداست و ایراد و کژروی دارد.

پس توضیح تکمیلی من را بشنوید؛ من در این اثرم از استعاره، تصویرسازی و تشبیه پرهیز می کنم؛ مثلا ابر آمد، باران بارید؛ اگر نهج‌البلاغه باشد، می گویم: ناگهان ترکید بغض پاره ابر / چون به پایان آمدش هنگام صبر. ولی اگر قرآن باشد، به سادگی می گویم: فرو ریخت بارانی از آسمان. نه اینکه بلد نباشم بلکه ترجمه قرآن این ضرورت‌ها را لازم دارد.

در ترجمه دوم که مشغول ویرایش آن هستید، این نکته‌ها را رعایت کرده‌اید؟

بله، ولی بگذارید باز هم به‌عنوان یک معلم ادبیات فارسی بگویم که ما دو نوع تصویرسازی داریم؛ یکی‌اش را همه می‌شناسند و روی آن مانور می‌دهند که بر پایه استعاره و تشبیه است و دیگری، تصویرسازی با کلمات است بدون استفاده از استعاره. بهترین این مدل، در شاهنامه و بوستان یافت می‌شود که حس بیت را بدون تصویرسازی خاصی منتقل می کند. حالا این مدل تصویرسازی، بدون استفاده از تشبیه و اضافات در ترجمه صحیفه من و همین ترجمه جدید به وفور استفاده شده است. نهج‌البلاغه بیشتر نوع اول تصویرسازی است چراکه متن کلام به شما چنین اجازه‌ای می‌دهد. آن مدل نوع اول، برای همه قابل‌فهم نیست و به درد مخاطبان خاص می‌خورد که از ادب سردرمی‌آورند ولی نوع دوم هرچند سخت‌تر است ولی به‌راحتی حس را منتقل می کند؛ مثلا استفاده از واژه‌های کوتاه برای نشان دادن حس عجله و....

تا اینجا شما من را توجیه کردید که نظم و شعر همانندند اما سؤال جدی‌ام اینجاست که بهتر نبود برای دردسر کمتر یا عنوان صحیح‌تر از کلمه «برداشت» یا «برداشت شعری» استفاده می کردید؟

من تعمد داشتم که نام ترجمه را برای این کار بگذارم. برای اینکه به شعر حیثیت جدیدی بدهم. انتظار داشتم که بیش از جوامع مذهبی، جوامع ادبی به این کتاب واکنش نشان دهند تا معلوم شود که توانایی شعر فارسی تا به کجاست و وزن، دست‌وپاگیر نیست تا این تئوری برای همیشه از بین برود. هرچند این انتظارم برآورده نشد و هنوز به امید آن روز هستم! من می‌خواستم به شعر، حیثیتی ببخشم ولی منقدان ادبی اصلا این اثر را نمی‌خوانند، نمی‌خواهند با دیدن این ترجمه بفهمند، اتفاقی در شعر فارسی افتاده.

شما چقدر در این اثر به مفاهیم قرآنی پایبند بوده‌اید؟ می‌خواهم خودتان به خودتان نمره بدهید!

خیلی زیاد! به نظرم پایبندی‌ام صددرصدی بوده.

یعنی قواعد شعری، تنگنا ایجاد نمی کند؟! قبول نمی‌کنم.

من اصلا به اینها اعتقادی ندارم و به این حرف‌ها قائل نیستم. ببین! این طبع شعر فرد است که می‌تواند از آن تنگنا دربیاید یا نیاید. تنگنا برای کسی است که بلد نیست شعر بگوید.

پس تنگنایی هست و توانایی فرد آن را درست می‌کند؟!

یک جاهای کوچکی هست که به ضرورت وزن، تغییراتی باید ایجاد شود که شاعر باید معادل‌هایی پیدا کند؛ مثال بزنم؛ ابراهیم در وزن «فعولن فعولن فعولن فعول» نمی گنجد، می گوییم خلیل نبی. اینکه از پایبندی به متن نمی کاهد. نهایت چون اسماعیل هم لقب دیگری ندارد، به ضرورت وزن می گوییم اسمعیل؛ در همین حد.

چرا برای قرآن این وزن را انتخاب کردید؟ مشهورترین وزن مثنوی است و ناخودآگاه آدم را یاد شاهنامه و بوستان می‌اندازد. اینجا، قصد نوآوری نداشتید؟

این بحث نوآوری دیگر همه را ذله کرده. وزن عروضی مشخص است و آدم عاقل سراغ تجربه‌های موفق می‌رود و می‌بیند که آنها از کدام راه رفته‌اند. آنها چیزی می‌دانسته‌اند که از این وزن استفاده کرده‌اند. دیگر نوآوری معنایی ندارد. شعر مثل بندبازی می‌ماند، اگر این کاره‌ای بفرما و با همین وزن‌ها کارت را انجام بده!

مثلا استفاده از بهشت، پردیس، جنان یا جنت به جای هم در معنای قرآن تغییری ایجاد نمی کند؟ با هم فرقی ندارند که در بعضی بیت‌ها به ضرورت وزن و قافیه استفاده کرده‌اید؟

نه، من که دیگر برای وزن نمی‌آیم بهشت و جنان را بگویم دوزخ که متهم شوم به رعایت نکردن مفاهیم قرآن. این کلمه‌ها هم همگی یک معنا را به ذهن مخاطب می‌رساند. اینکه می گویند ترجمه فدا شده، صحیح نیست. اگر ایرادی هم هست، از کج‌فهمی و ضعف شاعر است و نه عیب شعر؛ اینها با هم تفاوت دارند. البته مدعی نیستم که این ترجمه خالی از عیب است ولی انسان کمال‌گراست و سعی می کنم که کار بهتری در دقت و کیفیت شعر ارائه دهم.

روح جوانی

جوان ۲۴ساله چطور جرات کرد که قرآن را برای ترجمه منظوم به دست بگیرد؟ آن هم نه کتاب‌های دیگر دینی که ساده‌ترند، بلکه قرآن.

انگیزه؛ بالاخره بعضی چیزها سن نمی‌شناسد. در ۲۴سالگی به این توفیق دست پیدا کردم. بارها فکر کردم که باید یک جوان به این توفیق می‌رسید؛ یکی‌اش برای نترسی و روح جوانی است که در جوان‌ها هست. روزی که من کار را شروع کردم، به حسابگری فکر نمی کردم. حتی می گفتم اگر اجازه چاپ ندادند در صندوقچه‌ای می‌گذارم تا نوه‌ام آن را چاپ کند! فقط یک هدف داشتم و آن، ارائه ترجمه‌ای کامل و همه‌فهم بود، چون خودم قرآن می‌خواندم و نمی‌فهمیدم. اصلا هم به کار سخت و جریان‌سازی فکر نمی کردم اما امروز در بازگشت به قرآن، وقتی می‌توانم ترجمه‌ای بهتر ارائه دهم، چرا این کار را نکنم؟

برایم سؤال پیش آمده که چرا اسم ترجمه خودتان را گذاشته‌اید قرآن‌نامه؟

دلم خواست برای ترجمه اسم بگذارم. بالاخره این یک ترجمه شعری است و قرآن‌نامه اسم آن مجموعه است.

... و چقدر از کار شما استقبال شده و مردم آن را پسندیده‌اند؟

دیگر در نقطه‌ای هستم که لازم نیست بگویم چقدر مورد اقبال واقع شده. ۴۰بار تجدید چاپ و ۲۰۵هزار نسخه جواب شما را داده. از کره‌جنوبی تا روسیه و آمریکا در کتابخانه‌ها و دانشگاه‌ها این ترجمه وجود دارد.

از خواننده دبستانی داشته‌ام تا استاد دانشگاه و مرجع تقلید که تقریظ دارند بر اثر من؛ مثل آیت‌الله صافی گلپایگانی که برای این قرآن دو صفحه مطلب نوشته است یا آیت‌الله نوری همدانی. نامه استاد خرمشاهی و مرحوم دکتر جعفر شهیدی و فولادوند پای این قرآن هست و البته نظر مرحوم دکتر طاهره صفارزاده که به همه گفته بود من مخالف منظوم کردن ترجمه قرآن هستم اما این اثر را ستود و از دقت ترجمه تعریف کرد و اثر من را استثنا کرد و خیلی‌های دیگر که در انتهای قرآن، نظراتشان آمده است.

سرانجام یک نهضت

آقای مجد! اصلا کار شما چه لزومی داشت؟ می‌خواستید جریان‌سازی کنید یا توانتان را در شعر گفتن به رخ بکشید؟

نمی‌خواستم جریان‌سازی کنم اما شد! اصل قصه از جایی بود که یک روز، ترجمه قرآنی خواندم که اصلا به دلم نچسبید. انگیزه شخصی‌ام شد که یک ترجمه روان از قرآن ارائه کنم و استعداد من هم در شعر بود. البته این نکته را هم توجه داشته باشید که در سال ۷۴ که شروع کردم به ترجمه، این نسل جدید ترجمه‌های نثر نبود، نه استادولی و نه بهرامپور و.... آن روزی که همه با شگفتی در این باره صحبت می کردند، حالا به جایی رسیده که مجله شما برایش گزارش می‌رود و خود من هم حسابی از این قضیه شاکی‌ام. اصلا من اولین معترض ترجمه‌های منظومم.

سؤال بعدی من همین بود؛ این نهضت منظوم‌سازی می‌خواهد به کجا برسد؟

نگاه کنید، من از اینکه سدی شکسته شد و جریان منظوم‌سازی متون مختلف آغاز شد، خوشحالم اما از مصادیق آن نگران.

سخت اعتراض دارم به این ترجمه‌ها چراکه هرکس اندک اطلاعی از «فعولن فعولن...» داشت، احساس کرد که می تواند سراغ متون دینی برود؛ «صوفی از خنده می در طمع خام افتاد...» والله این کار، کار سختی است! از عهده هرکسی برنمی‌آید.

فرد، اول باید مفهوم عبارت عربی را بشناسد، طبع شعرش آن‌قدر قوی باشد که کلمات درست را کنار هم بنشاند و آخر اینکه آن‌قدر بر ظرافت‌های شعری تسلط داشته باشد که بتواند از تنگناهای قافیه‌ای بگریزد. البته خوشحالم که شنیده‌ام مجوز بیشتر این ترجمه‌های فوق‌العاده ضعیف را باطل کرده‌اند.

شده بعضی اوقات به خود بگویید این چه کاری بود که کردم؟!

باور کنید بارها به خودم گفته‌ام اما بعد می گویم تقصیر من چیست! شاید یک روز فردی آمد که طبع شعرش قوی‌تر بود و این کار من، باعث تولید اثر خوبی شد.

مراجع چه می‌گویند؟

موافقت مشروط

حرف و حدیث‌هایی که درباره ترجمه منظوم قرآن وجود دارد و نظرات مختلف موافق و مخالف باعث شد بعضی دنبال استفتای این موضوع از مراجع بروند. در ادامه نگاهی به نظرهای مثبت و منفی مراجع تقلید درباره ترجمه منظوم قرآن می‌اندازیم. البته نباید فراموش کرد که دستخط بعضی مراجع در صفحات یکی-دو ترجمه منظوم قرآن، نشان از تایید کار آنها دارد. برداشت کلی از نظر آیات عظام این است که مراجع تقلید هرچند با ترجمه منظوم قرآن مخالف صددرصد نیستند، ولی صحت کلام برایشان اهمیت ویژه‌ای دارد.

آیت‌الله فاضل لنکرانی مخالف این نوع ترجمه نیست و در پاسخ به این استفتا می گوید: «مانعی ندارد. البته ترجمه قرآن به هر زبانی که باشد، نمی‌تواند کاملا معنا را به جمیع جهات منتقل کند اما مالایدرک کله لایترک کله».

آیت‌الله وحید خراسانی هم به‌صراحت می گویند: «ترجمه دقیق قرآن مجید کار بسیار مشکلی است بلکه ممکن نیست؛ بنابراین اگر مراد این است که برای هر گروه سنی درخور فهم آن گروه ترجمه شود و از همان اول تذکر داده شود که آن ترجمه مفاد متن قرآن کریم نیست بلکه به معنای نزدیک به آن است و در عین حال ترجمه مطابق با اصول صحیح فنی ترجمه باشد، در آن صورت مانعی ندارد».

آیت‌الله صافی گلپایگانی هم معتقد است هر کسی نباید خود را بدون اینکه اهل فن او را تصدیق کنند، وارد این امر خطیر کند؛ «به‌طور کلی در ترجمه قرآن مجید، احدی نمی‌تواند حق موضوع را ادا کند ولی در حدی که افراد به هدایت‌های قرآن آشنایی یابند، اگر افرادی که متخصص در ادب عربی باشند و نکات و دقایقی را که در قرآن به کار برده می‌شود، بشناسند، ترجمه کنند همان‌طور که شفاها هم ترجمه می‌شود، اشکال ندارد و معلوم است که به‌نظم آوردن ترجمه حتی با شرط مذکور هم کار هر کسی نیست».

آیت‌الله نوری همدانی نیز به سوالات مقلدان خود درباره ترجمه قرآن به نظم، با یک شرط پاسخ داده است. جمله ایشان را بخوانید: «در صورتی که این ترجمه‌ها گویای تمام مفاهیم قرآن نباشد، صحیح نیست».

آیت‌الله مکارم شیرازی از مترجمان قرآن هم منظوم کردن تمام قرآن را کار مطلوبی ندانسته؛ «به شعر درآوردن تمام قرآن کار مطلوبی نیست ولی می‌توان مضمون بعضی آیات را با رعایت دقت به شعر درآورد».

شاعران چه می‌گویند؟

آخرالزمان شاعری شده!

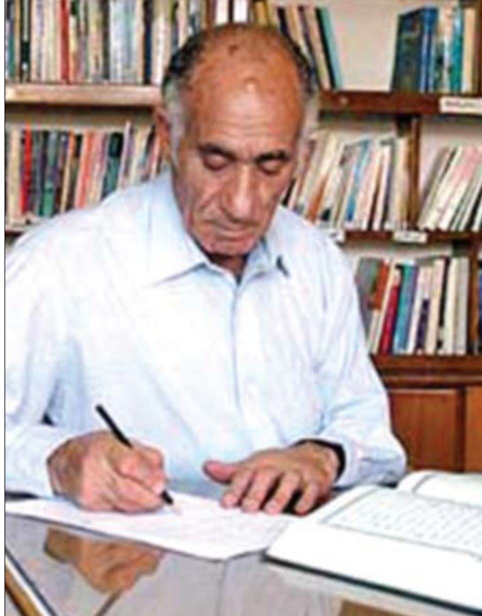
در دورانی که بشر در تلاطم میان سنت و مدرنیته سرگردان است، علی معلم، قرآن‌های منظوم را از گرفتاری‌های آخرالزمان می‌داند؛ «دین و قرآن را نباید بهانه روزی‌های خود کرد. شاعران بزرگی چون حافظ و مولوی که هم حافظ قرآن بودند و هم در شاعری چیره‌دست، به فکر منظوم کردن قرآن نیفتادند. وقتی شما یک نویسنده توانا را تایید می کنید، دیگر دلیلی ندارید که برای کتاب او نظیری بنویسید. با کمی تفکر درباره قرآن و ذات الهی هم به چنین نتیجه‌ای می‌رسیم و هرگز وارد چنین مسیری نخواهیم شد». معلم، قرآن را سخنی همگانی و جهانی می‌داند و معتقد است باید فارغ از رده‌های سنی، سبک‌ها و اندیشه‌های گروهی با آن برخورد کرد؛ «پیامبر اکرم(ص) در زمانی مبعوث شد که شعر عرب در اوج اقتدار و توانایی خود بود و در خطابه و سخن هم اعراب به گونه‌ای بودند که بزرگان یونان برای آموزش بلاغت به میان آنها می‌آمدند. در چنین دورانی قرآن میان اعراب ظهور می‌یابد و جلوه‌های آسمانی آن همه را خیره می کند». این شاعر معاصر، از قرآن به عنوان کتابی یاد می کند که از هیچ کتاب و نوشته دیگری سرچشمه نگرفته و همین را مایه اعجاز آن می‌داند؛ «اوج اهمیت این کتاب آسمانی زمانی اتفاق می‌افتد که پیامبر(ص) اعلام می کند هیچ قریحه شاعرانه‌ای نداشته و قرآن هم شعر نیست». پس چطور می‌توان به خود جرات داد و کتاب خدا را به شعر درآورد؟

امانت یا زیبایی؟

کشمکش بر سر قالب و محتوای شعر همیشه بین شاعران و شعردوستان وجود داشته؛ اینکه بالاخره رعایت وزن و قافیه مهم‌تر است یا حفظ محتوا و وقتی صحبت از حفظ محتوایی چون قرآن در میان است، بی‌شک کار سخت‌تر می‌شود. همین است که بسیاری از شاعران با ترجمه منظوم قرآن مخالفند و سیدعلی موسوی گرمارودی هم از این دسته است: «در ترجمه باید هم زیبایی رعایت شود و هم امانت اما به طور معمول حتی در نثر هم تعهد به هر دو اینها سخت است؛ یعنی به سوی زیبایی که می‌روید، از امانتداری دور می‌افتید و وقتی می‌خواهید امانت را رعایت کنید، از زیبایی فاصله می‌گیرید». این مترجم قرآن درباره اینکه در نقاط مختلف ایران کسانی به منظوم کردن ترجمه قرآن پرداخته‌اند، می گوید: «اینکه جوانان دنبال منظوم کردن ترجمه قرآن باشند، خوب است چون گرایش آنان به قرآن را نشان می‌دهد ولی رعایت امانتداری در ترجمه اهمیت بیشتری دارد». این شاعر و نویسنده بر این باور است که ترجمه‌های منظوم گاهی مفاهیم قرآن را درست بیان نمی کنند؛ «اگر ترجمه قرآن به نثر مجاز است، پس به نظم هم می‌تواند مجاز باشد ولی بستگی دارد شاعر که باشد و چگونه این مفاهیم را به نظم درآورد». به اعتقاد موسوی گرمارودی ترجمه منظوم قرآن جگر رستم می‌خواهد و شاعر این ترجمه‌ها باید در حد فردوسی باشد؛ «اگر امروز چنین شاعری وجود دارد، بیاید و ترجمه قرآن را منظوم کند».

مترجم ناظم قرآن ادعا می‌کند که با بازنویسی‌های انجام گرفته ترجمه کم‌نقصی ارائه داده است

انحصار نداریم



«رستم کوشان»؛ طبیعی است که این نام برای شما آشنا نباشد. در دهه گذشته، هنرمندان بسیاری بوده‌اند که از ذوق شعری خود برای ترجمه قرآن استفاده کرده‌اند و رستم کوشان یکی از آنهاست؛ معلم بازنشسته و زحمتکشی که از سال ۷۴ و پس از بازنشستگی از کار آموزشی، قرآن را به دست گرفت تا پس از تجربه به نظم کشیدن ۱۴۰ حدیث، این بار ذوق خود را برای این کتاب آسمانی هزینه کند. این شاعر ۶۸ ساله ترک زبان، هم اکنون در کرج زندگی می‌کند و مشغول تنظیم نهایی دعای عرفه در ۳۲۰ رباعی است.

کوشان نه ماه تمام برای ترجمه منظوم قرآن مجید وقت می‌گذارد. ابتدا از سوره‌های کوچک آن آغاز می‌کند و سرانجام با سوره مبارکه الرحمن کار را به انتها می‌رساند. در شعرهایش، هم به ترجمه مرحوم دکتر فولادوند نظر می‌اندازد و هم به تفسیر آیت‌الله مکارم شیرازی. قرآن او پس از ۱۲ بار بازنویسی و اصلاح، آماده چاپ می‌شود و با ۱۶ هزار بیت به دست مرحوم فولادوند می‌رسد. با دستورات و ایرادات این استاد بزرگ و مترجم شهیر، کوشان بیت‌های ترجمه‌اش را تا ۱۱ هزار بیت کاهش می‌دهد و تنها به ترجمه بسنده می‌کند؛ «به برکت قرآن روزی ۱۶ساعت کار می‌کردم ولی چاپ آن، آن‌قدر طول کشید که شنیدم قرآن منظومی به بازار آمده است. کار آقای مجد زودتر چاپ شد ولی من این کار را زودتر آغاز کرده بودم».

ایده ترجمه منظوم قرآن - آن هم با پیشوند جذاب «نخستین»- انگار یک مسابقه برپا می‌کند که برنده آن -با وجود همه ادعاها- کسی نیست جز امید مجد؛ «قرآن ایشان زودتر چاپ شد و حق با ایشان است که بگویند نخستین مترجم قرآن کریم به نظم هستند اما فکر نمی‌کنم کسی زودتر از من این کار را آغاز کرده باشد». اما چرا این سوژه برای گروهی از شاعران اهمیت یافت؟ کوشان از هدفش می‌گوید: «یک نفر از من پرسید کوشان، از قرآن چه می‌فهمی که جرات کردی و قرآن را ترجمه کردی؟ گفتم من از قرآن راهکار شفاف زندگی را یاد گرفته‌ام و می‌خواهم آن را برای همه با قلمم به تصویر بکشم. سعی کرده‌ام ترجمه شفافی داشته باشم تا هم عامه مردم از ترجمه‌ام لذت ببرند و هم خواص و دانشمندان از کارم راضی باشند؛ مثلا در معنای سوره حمد آن‌قدر کار کرده‌ام و بازنویسی‌های مختلف انجام داده‌ام که می‌گویم اگر یک ایراد در این سوره از ترجمه‌ام گرفتید، گردنم را بزنید!».

فهمیدن این نکته که رستم کوشان از ترجمه منظوم خود چه سودی برده، کار سختی نیست؛ «این کار، باعث شد تا در مرحله اول خودم قرآنی شوم و بیشتر درک کنم که واقعا قرآن کلام خدا و برنامه زندگی انسان‌هاست. بعد هم می‌خواستم کاری را ارائه کنم که قبلا انجام نشده باشد - هرچند فهمیدم که قرآن منظوم دیگری پیش از من چاپ شده است- و آخر سر، برای جوانانی که سال‌ها برایشان تدریس کرده بودم، مفید باشد و آنها را با قرآن آشنا کند».

کوشان از جمله معدود کسانی است که بلافاصله و با قاطعیت پاسخ همه منتقدان را می‌دهند؛ «من معتقدم که قرآن راهکار زندگی است، خودش مفهوم گویایی دارد و ما را در بن بست نگاه نمی‌دارد. حالا چطور شده قرآنی که برای همگان است و همه مردم حق دارند آن را بفهمند، اختصاصی شده و عده‌ای می‌گویند که فقط ما می‌توانیم ترجمه کنیم و شما نمی‌توانید؟ این تقسیم‌بندی از کجا آمده و توسط کدام نهاد مسؤولی صورت گرفته؟ به نظر من این‌طور صحیح نیست و قرآن برای همه است و باید برای همه ترویج شود.»

ایده اولیه او ارائه ترجمه‌ای جوان پسند و شفاف بوده و به همین دلیل است که همه نظرسنجی‌های انجام شده توسط خبرگزاری‌ها را رد می‌کند و شأن قرآن را بالاتر از آن می‌داند که با این ترجمه‌ها پایین بیاید؛ «قرآن کلام خداست. این ترجمه‌های منظوم و حتی ترجمه‌هایی که به لهجه محلی‌اند، هیچ شأنی را پایین نمی‌آورند. خدا و کلامش بزرگ‌تر از آن است که با این کارهای کوچک ما دچار تغییر شود».

کوشان با همین استدلال با ترجمه‌های منظوم محلی هم موافق است؛ «شاید آن شاعر هم مثل من هدفی داشته و می‌خواهد جوان‌های کرد یا مازنی را قرآن‌خوان کند. چه ایرادی دارد اگر کارش را درست و با حفظ امانت انجام داده باشد؟».

و کلام آخر او جانمایه همه حرف‌هایی است که با کنایه و طعنه از کنار آنها گذشته است؛ «انگار عده‌ای می‌خواهند که قرآن را انحصاری کنند و این جو را درست کنند که نباید به قرآن نزدیک شد تا حرمت‌شکنی نشود! بعضی هم با هر پدیده نویی مخالفند و آن را منکوب می‌کنند، در حالی که قرآن برای همه است و باید این کتاب آسمانی را به همه مردم به‌خصوص جوانان معرفی کرد».

شما مقایسه کنید

سوره فاتحه الکتاب را برایتان انتخاب کرده ایم تا شما میان ترجمه‌های مختلف موجود -از منثور گرفته تا منظوم- قیاس کنید.

فولادوند؛ به نام خداوند رحمت‌گر مهربان (۱) ستایش خدا را که پروردگار جهانیان، (۲) [خداوند] رحمت‌گر مهربان، (۳) مالک [و پادشاه] روز جزا [است]. (۴) تو را می‌پرستیم تنها و بس، به جز تو نجوییم یاری ز کس. (۵) به راه راست ما را راهبر باش، (۶) راه آنهایی که برخوردارشان کرده‌ای، همانان که نه درخور خشمند و نه گمگشتگان. (۷)

مکارم شیرازی؛ به نام خداوند بخشنده بخشایش‌گر (۱) ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است. (۲) (خداوندی که) بخشنده و بخشایش‌گر است (و رحمت عام و خاصش همگان را فرا گرفته). (۳) (خداوندی که) مالک روز جزاست. (۴) (پروردگارا!) تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جوییم. (۵) ما را به راه راست هدایت کن... (۶) راه کسانی که آنان را مشمول نعمت خود ساختی نه کسانی که بر آنان غضب کرده‌ای و نه گمراهان. (۷)

امید مجد؛ سرآغاز گفتار نام خداست /
که رحمت‌گر و مهربان خلق راست (۱)
ستایش بود ویژه کردگار / که بر عالمین است پروردگار (۲)
که بخشنده و مهربان است نیز (۳) /
بود صاحب عرصه رستخیز (۴)
تو را می‌پرستیم تنها و بس /
نداریم یاور به غیر از تو کس (۵)
بشو هادی ما به راه درست /
ره آنکه منعم ز نعمات توست (۶)
نه آنان که خشمت بر ایشان رواست /
نه آنها که هستند گمره ز راست (۷)

رستم کوشان؛ می کنم آغاز با نام خداوند حکیم /
خلق را رحمت‌گر است و اهل ایمان را رحیم (۱)
حمد مخصوص خداوند است رب‌العالمین (۲) /
رحمتش بر خلق مهرش ویژه اهل یقین (۳)
مالک روزی است کان باشد روز جزا /
با عدالت می‌دهد کردار مردم را سزا (۴)
ما فقط تنها تو را (هرجا) پرستش می‌کنیم /
وز تو می‌خواهیم یاری (ای رب کریم) (۵)
باش ما را سمت و سوی راست راهی رهنما (۶) /
راه آنانی که کردی نعمتی‌شان را عطا
غیرمغضوبان بدیشان خشم شامل گشته است /
نیست غیر از گمرهان (از راه‌های رب الست) (۷)

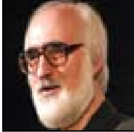
شاعران چه می‌گویند؟

نوعی شجاعت است



گرچه عرصه ادبیات، دریای بی‌ساحل و پیوسته‌ای است که نمی‌شود برای حوزه‌های مختلف آن مرز مشخص کرد ولی شعر و ترجمه دو مقوله جدا از هم هستند که به هم پیوستنشان کار ساده‌ای نیست. به همین دلیل مشفق کاشانی به نظم درآوردن ترجمه قرآن را کاری شجاعانه می‌داند؛ «ترجمه منظوم قرآن شجاعت می‌خواهد و اگر کسی باشد که هم در نظم مهارت کافی داشته باشد و هم با مفاهیم قرآن آشنا باشد، شاید بتواند این کار بزرگ را انجام دهد. شاید!» عباس کی‌منش، متخلص به مشفق کاشانی درباره ترجمه قرآن می‌گوید: «قرآن مفاهیم گسترده و عمیقی دارد و هر کس به اندازه توان و دانش خود می‌تواند لایه‌ای از آن را درک کند». به اعتقاد این شاعر، همین ابعاد گسترده کتاب خدا بوده که باعث شده در دوره‌های گذشته شاعرانی چون نظامی و فردوسی، با آن تسلط بالا بر نظم یا حافظ و مولانا با تسلط شهودی که بر قرآن داشتند، به چنین کاری روی نیاورند. این شاعر به ترجمه منظوم صفی‌علیشاه اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد: «صفی‌علیشاه با دانش گسترده‌ای که از نظر علمی و شهودی نسبت به قرآن داشت، آن را تفسیر کرد و سپس تفسیرات خود را به نظم درآورد ولی منظومه او مورد توجه قرار نگرفت؛ چون ترجمه منظوم و در عین حال دقیق قرآن، شدنی نیست». مشفق، قرآن را دارای هفت بعد می‌داند و تاکید می‌کند هیچ شاعری نمی‌تواند آن را با برداشت‌های شخصی خود منظوم کند.

قرآن در چهارچوب!



شعر - به‌خصوص از نوع سنتی و کلاسیک - به‌هرحال نوعی قالب و چهارچوب است و به نظم درآوردن قرآن از نظر خیلی‌ها در چهارچوب گنجاندن آن است. در این میان شاعران که تنگناهای وزن و قافیه را می‌شناسند با گنجاندن قرآن در قالبی تنگ و بسته مخالفند. یکی از شاعران معاصر می‌گوید: «شاید بتوان داستان‌های قرآنی را منظوم کرد ولی آیات و سوره‌هایی که احکام اسلام را بیان می‌کنند، هرگز نمی‌شود به شعر درآورد».

جواد محقق عقیده دارد بعضی از مفاهیم قرآن در وزن نمی‌گنجد؛ «در طول تاریخ اسلام انسان‌های خوش‌ذوقی پیدا شده‌اند که به ترجمه منظوم قرآن، نهج‌البلاغه و دیگر کتاب‌های مذهبی دست زده‌اند ولی با محدودیت‌هایی که در قالب‌های شعری وجود دارد، این کارها چندان موفق نیست. ادیبان و هنرمندان باید از قرآن الهام بگیرند، نه اینکه ترجمه‌های این کتاب‌ها را منظوم کنند».

از نظر این شاعر یکی از مشکلات ترجمه‌های منظوم این است که منظوم کردن از نظر کمی حجم را افزایش می‌دهد و حوصله انسان امروز برای دنبال کردن محتوا حجم زیاد را برنمی‌تابد. محقق اشاره می‌کند: «چند سال پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، یکی از علمای روحانی، نهج‌البلاغه را در ده جلد ترجمه منظوم کرد اما آیا فرصت انسان امروز، نهج‌البلاغه یک جلدی را ترجیح می‌دهد یا منظومه‌ی ده جلدی را».

کریم دولتی، رئیس دبیرخانه نظارت بر نشر ترجمه قرآن مجید است و نظر آخر را درباره ترجمه‌های منظوم می‌دهد

بلااشکال است ولی...



کریم دولتی روحیه‌ای قوی برای بحث دارد، منطقی است و سعی می‌کند همه حرف‌هایش را با لبخند و استدلال به کرسی بنشاند. وقتی پای قیاس ترجمه‌های نثر و نظم به میان می‌آید، ثابت می‌کند که همه را با یک چشم می‌بیند و در نقد و تایید هر دو حرف می‌زند. البته تا جایی که بتواند از اظهار نظر شخصی پرهیز می‌کند تا به دلیل مسئولیتش، سوءبرداشتی پیش نیاید. آخرین صاحب‌نظری که باید درباره ترجمه‌ها نظر بدهد، رئیس «دبیرخانه نظارت بر نشر ترجمه قرآن و متون دینی» است؛ پس در دفتر ریاست آقای دولتی در دانشکده علوم قرآنی، با او گپ زدیم و سؤال آخر را همان اول پرسیدیم!

شما کلا با ترجمه منظوم قرآن موافقید یا مخالف؟

برای پاسخ به شما باید به یک پله قبل‌تر برگردیم. ترجمه هیچ‌گاه نمی‌تواند با اصل اثر مطابقت داشته باشد؛ همیشه زواید و نواقصی نسبت به متن اصلی وجود دارد. حالا هرقدر بیاییم و در کار ترجمه مجبور به رعایت قیدهای دست‌وپاگیر شویم، این دور شدن از اصل، بیشتر هم می‌شود. ترجمه منظوم هم همین وضع را دارد. اگر بگوییم در ترجمه غیرمنظوم تا ۸۰درصد متن به فارسی برگردان می‌شود، در ترجمه منظوم، به دلیل قید رعایت وزن، رعایت قافیه و ردیف و قواعد عروضی، این ۸۰درصد کاهش می‌یابد.

با این تفاصیل، چرا از کلمه «ترجمه» استفاده می‌شود؟

اگر به ترجمه‌های نثر گفتیم ترجمه، دیگر بهتر است به «نظم» این کلمه را اطلاق نکنیم. این اشعار، برگرفته از آیات قرآن است. در همین نمونه‌هایی که به دست ما رسیده، شعرهایی بوده که به دلیل امانتداری صرف، از نظر شعری و ادبی ضعیف بوده و بالعکس، نمونه‌های زیبایی هم داشته‌ایم که به ترجمه، عبارتی اضافه کرده‌اند یا کاهش داده‌اند که این هم با نام ترجمه، کار صحیحی نیست.

یعنی در قرآن‌های این یک سال اخیر، یعنی از زمان آغاز به کار دبیرخانه، این ایراد اصلاح شده است؟

مواردی که آمده‌اند و از ما درخواست مجوز کرده‌اند و ما بلااشکال بودن آنها را تایید کرده‌ایم، این قید را آورده‌ایم که به نام برداشت یا برگرفته منتشر کنند.

مثلا یکی از شاعران تعمد دارد که از کلمه ترجمه استفاده کند؛ می‌گفت شعرش کاملا مطابقت دارد با اصل؟

نکته‌ای که گفتم، نظر شخص من نیست بلکه استادان متعدد و صاحب‌نظر به این نتیجه رسیده‌اند که عنوان «برگرفته» مناسب‌تر است. این درست که ما می‌گوییم هم ترجمه نثر و هم نظم تنها بهره‌ای از اصل قرآن برده‌اند اما اینکه دیگر واضح است که سهم نظم کمتر است. قابل انکار نیست که شما وقتی ترجمه می‌کنی و برای حفظ وزن و به ضرورت شعری، جای کلمه‌ها را پس و پیش می‌کنی، به همان اندازه از کار دور شده‌ای. حفظ امانت که تنها به ترجمه کلمه‌ها نیست، به جایگاه کلمه‌ها هم هست.

بسیاری از منتقدان بر این عقیده‌اند که به نظم کشیدن ترجمه قرآن، وهن قرآن است.

نه، این حرف را قبول ندارم. برگردیم به همان حرف اولم؛ اگر به خاطر اینکه رعایت صددرصدی امانت نمی‌شود، بگوییم وهن قرآن، مگر در ترجمه‌های غیرمنظوم، حفظ امانت کامل صورت می‌گیرد؟! مثلا فقط در یکی، ۸۰ درصد امانتداری داریم و در دیگری ۶۰ درصد، همین! بعضی‌ها می‌گویند که چون قرآن فرموده «به او شعر نیاموخته‌ایم و شعر شایسته او نیست» نباید ترجمه منظوم داشته باشیم. بله، مقام پیغمبری با مقام شاعری اصلا تناسبی ندارد ولی این، قیاسی مع الفارق است. قرآن شعر نیست ولی ترجمه‌اش می‌تواند شعر باشد، همان‌طور که قرآن عربی مبین است ولی ترجمه‌هایش، فارسی معمولی است.

ترجمه‌های منظومی هست که کلمات اضافه بسیار و ضعیف و نیز وزن نه چندان مناسب‌اند؛ اینها را شما تایید کرده‌اید؟

ما هیچ ترجمه‌ای را «تایید» نمی‌کنیم بلکه می‌گوییم چاپ این ترجمه با توجه به ضوابطی که داریم، بلااشکال است. ما در یک سال و نیم اخیری که کار را شروع کرده‌ایم، جلوی انتشار ۳-۲ ترجمه منظوم را گرفته‌ایم. خیلی از این ایرادات برمی‌گردد به قبل از تشکیل این دبیرخانه. همین الان باز هم راه‌های دیگری برای دریافت مجوز انتشار وجود دارد.

چرا نهضت منظوم‌سازی راه افتاده؟ که چه بشود؟

من می‌گویم چه اشکالی دارد؟ یکی، استعدادی دارد و فکر می‌کند بتواند از این راه به قرآن خدمت کند؛ چرا باید جلوی کارش را بگیریم؟ البته اگر اشکالی در ترجمه‌اش نداشته باشد، حتی اگر عالی و اعلی هم نباشد، چه ایرادی دارد؟ خب، خدمت کند! همه این سؤال‌های شما را می‌توان به ترجمه‌های منثور هم ربط داد؛ چه لزومی دارد که متجاوز از ۱۲۰ ترجمه معمولی از قرآن داشته باشیم؟

یعنی شما با ترجمه منظوم قرآن به لهجه‌های مختلف هم مشکلی ندارید؟ آفت‌زا نیست؟

چه اشکالی دارد؟ یک کرد زبان می‌خواهد با شعر، ارادتش به قرآن را نشان بدهد؛ چه ایرادی دارد؟ البته در این یک سال به یاد ندارم که مجوزی به این نوع ترجمه‌ها داده باشیم.

علاقه‌مندم معنای اشکال را از نظر شما بدانم.

اشکال را به این نمی‌گوییم که اگر در یک مساله، ده نظر تفسیری هست، طبق نظر فلان مفسر باشد، بلکه اگر هیچ دلیل قطعی مبنی بر رد یکی نیست، از نظر ما درست است و می‌توان بر آن نظر، ترجمه کرد.

زیبایی که کافی نیست

از بارزترین ویژگی‌های قرآن همان حس فرامتنی‌ای است که به مخاطب منتقل می‌شود و شاید همین حس‌وحال غریب و ماورایی است که ترجمه آن را به زبان‌های دیگر تا این حد پیچیده و تخصصی می‌کند؛ کاری که انگار از هر مترجمی برنمی‌آید و حرف و حدیث درباره آن همچنان زیاد است. اعجاز ماوراءالطبیعه قرآن باعث شده بعضی‌ها از پایه با ترجمه مخالف باشند و بگویند زبان که تغییر می‌کند، مفاهیم آن‌طور که باید منتقل نمی‌شوند. در این میان ترجمه منظوم باب متفاوتی را می‌گشاید و قرآن را در قالبی مطرح می‌کند که هم فارسی است و هم شعر.

دکتر حمیدرضا مستفید - استاد دانشگاه و قرآن‌پژوه - ترجمه قرآن را تخصصی‌تر از آن می‌داند که بتوان آن را به نظم درآورد؛ «ترجمه قرآن باید دقیق و علمی باشد. ترجمه منظوم ترجمه دقیقی نخواهد بود. من همه ترجمه‌های منظوم موجود در بازار را دقیق مطالعه نکرده ام ولی همان‌هایی را که دیده‌ام در فهم مطلب عربی و انتقال مفاهیم مشکل دارند. این ترجمه‌ها قابل استناد نیستند و نمی‌شود در کارها و تحقیقات علمی از آنها استفاده کرد».

مستفید این نوع ترجمه را قاطعانه رد نمی‌کند ولی نظر چندان موافقی هم ندارد؛ در این کار «دورنمای خوبی برای یک ترجمه با عبارت‌های زیبا نمی‌بینم. بعید می‌دانم که در این مقوله کاری دقیق، شدنی باشد. در نثر هم گاهی در انتقال مفاهیم قرآن با زحمت مواجه می‌شویم چرا که کار ساده‌ای نیست. کارهای منظوم در واقع نوعی ترجمه آزاد هستند و از آن بیشتر نمی‌توان حساب کرد».

این استاد دانشگاه درباره اهمیت علمی ترجمه می‌گوید: «کسی که می‌خواهد کار ترجمه انجام دهد باید آشنایی کاملی هم با زبان مبدأ و هم با زبان مقصد داشته باشد و درباره ترجمه قرآن صرف آشنایی با زبان عربی کافی نیست و درک و فهم مفاهیم اهمیت بیشتری دارند. در ترجمه متون عمومی، دانستن زبان می‌تواند کافی باشد ولی در یک ترجمه تخصصی، موضوع فرق می‌کند. یک متن پزشکی را هر کسی نمی‌تواند ترجمه کند؛ لازم است که با مسائل پزشکی هم آشنایی داشته باشد. مترجم قرآن هم باید بیش از ترجمه، مفاهیم قرآن را بشناسد».

قرآنی‌ها چه می‌گویند؟

قرآن، کلام بشر نیست



وقتی سخن از ترجمه منظوم قرآن به میان می‌آید، موضوع خیلی پیچیده می‌شود؛ چون از یک سو بحث ترجمه مطرح است و از یک سو بحث نظم و شعر و از سوی دیگر بحث خود قرآن که این سومی را باید از همه مهم‌تر دانست. با همه قدمت و ارزش شعر در زبان ما و با وجود همه طرفداران شعر فارسی به نظر می‌رسد که اهل فن چندان با مقوله ترجمه منظوم قرآن موافق نیستند؛ «در ترجمه قرآن، هدف مترجم این است که معانی را از زبان قرآن به زبان مخاطب منتقل کند. محدودیت‌هایی مثل وزن و قافیه که در نظم وجود دارد، این امکان را به ما نمی‌دهد که حتی به معانی صحیح نزدیک شویم». این نظر یکی از خادمان قرآنی است؛ به عقیده دکتر سیدحسین مرعشی، قرآن کلام بشری نیست که به‌راحتی بتوان آن را به شعر تبدیل کرد؛ «به شعر درآوردن درمورد خیلی چیزها اتفاق می‌افتد. مثلا ممکن است کسی داستانی را به نظم درآورد و بسیار هم موفق باشد. در چنین نظمی، شاعر با عناصر بشری سر و کار دارد ولی قرآن کلام خداست و باید آن را همان‌طور که هست ترجمه کنیم؛ بی‌هیچ کم و زیاد». مدیر تحقیقات مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی، بعضی ترجمه‌های منظوم موجود را بادقت بررسی کرده و اصلا اینها را ترجمه نمی‌داند چون معتقد است در بسیاری موارد در تنگنای وزن و قافیه بعضی معانی تغییر کرده و حتی کم و زیاد شده؛ «حتی در ترجمه عادی غیرمنظوم هم گاهی مترجم مجبور می‌شود بعضی کلمات اضافه شده را داخل پرانتز بگذارد. در بعضی ترجمه‌های منظوم هم همین اتفاق افتاده؛ مفهوم را آورده‌اند اما به صورت غلط یا در معانی جابه‌جایی دیده می‌شود». مرعشی این موضوع را با مثالی درباره ترجمه لغت قدیر توضیح می‌دهد؛ «قادر به معنی تواناست ولی قدیر مبالغه دارد؛ یعنی باید بسیار توانا ترجمه شود و از این نظر قدیر و قادر با هم فرق می‌کنند و دو کلمه متفاوت هستند ولی در بخشی از یک ترجمه منظوم، دیده‌ام که قدیر، توانا ترجمه شده. این حتی اقتباس هم نیست چه رسد به ترجمه! اینها صفات خداست و نباید تغییر کند». از نظر این استاد و پژوهشگر قرآنی در ترجمه‌های منظوم قرآن نه معنا منتقل شده و نه از نظر زیبایی شناسی شعری ارزش چندانی وجود دارد؛ «مشکل اصلی این است که کتاب‌هایی مثل قرآن و نهج‌البلاغه، کلام بشری نیستند. بشر چطور می‌تواند چنین کلامی را به نظم درآورد؟ به‌ویژه قرآن که کلام الهی است. صرف اینکه حرفی شعر مانند گفته باشیم، کافی نیست. چنین ترجمه‌هایی نه تنها فایده‌ای ندارد بلکه به مفاهیم قرآنی آسیب هم وارد می‌کند. حتی نمی‌شود آن را نزدیک به متن در نظر گرفت».

مرعشی ترجمه قرآن را مقوله‌ای تخصصی‌تر از ترجمه‌های دیگر می‌داند؛ «در ترجمه قرآن فقط آشنایی با فنون ترجمه و زبان مبدأ و مقصد کافی نیست؛ زبان هست، تفسیر هست و حتی فقه هم هست. مترجم قرآن باید با علوم بسیاری آشنا باشد. ممکن است یک نفر بتواند یک کتاب عربی را به خوبی به زبان فارسی ترجمه کند ولی در ترجمه قرآن موفق نباشد». این استاد و خادم قرآنی، ترجمه‌های منظوم موجود را چندان موفق ارزیابی نمی‌کند و امیدوار نیست که حتی در آینده هم اتفاق مثبتی در این زمینه بیفتد؛ «هیچ چیز محال نیست ولی بعید می‌دانم کسی پیدا شود که بتواند ترجمه منظوم دقیق و بی‌نقصی ارائه دهد که معانی واقعی را به مخاطب منتقل کند».



آیه نخست سوره قلم، بیان روشنی است برای اثبات توجه قرآن به علم‌آموزی

سوگند به قلم و آنچه می‌نویسد...

حسن میثمی **سوره قلم – بدون تردید – آغازی متفاوت با همه سوره‌های قرآن دارد. به غیر از سوره قلم و سوره «ص»، هیچ کدام از ۱۱۲ سوره دیگر با یک حرف آغاز نمی‌شوند و حتی اگر با حروف مقطعه هم شروع شوند، حداقل دو حرف دارند؛ مثل یس و حم. سوره ۶۸ قرآن اما فقط با یک حرف آغاز می‌شود؛ «ن» و بعد از آن می‌آید: «والقلم و ما یسطرون». درباره همین چند عبارت ساده، ده‌ها مفسر، ده‌ها معنی و تفسیر آورده‌اند؛ با این حال قریب به اتفاق آنها معتقدند این آیه به اهمیت علم و دانش‌آموزی در مکتب اسلام اشاره دارد. این روزها که مصادف شده با آغاز سال تحصیلی، بهترین بهانه است تا با این آیه نامدار بیشتر آشنا شویم.**

شأن نزول این آیه برای ما شیعیان بسیار جالب است. بیشتر مفسران شیعه معتقدند این آیه به فضایل مولا علی(ع) مربوط است. تفسیر جامع، حکایت نزول آیه را این گونه بیان می‌کند: «در آیه دوم سوره قلم، خداوند به یک نعمت بزرگ اشاره می‌کند که بدون تردید ولایت حضرت علی(ع) است.

حسودان قریش وقتی دیدند پیامبر اکرم(ص) بسیار دوستدار حضرت علی(ع) است، او را مجنون و فریفته علی(ع) خطاب کردند که بلافاصله آیات نخست سوره قلم نازل شد. پروردگار ابتدا به قلم و آنچه می‌نویسند، قسم خورد و در آیه دوم این سوره گفت: «تو مجنون نیستی» و در ادامه‌اش فرمود: «وَ إِنَّکَ لَعَلی خُلُقٍ عَظِیم/ و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری». این اخلاق برجسته به همان علاقه پیامبر(ص) به حضرت علی(ع) اشاره می‌کند.

در آیه بعد هم خداوند دشمنان حضرت را تهدید پنهانی می‌کند؛ «فَسَتُبْصِرُ وَ یُبْصِرُون/ و به زودی تو می‌بینی و آنان هم می‌بینند». منظور این است که به زودی خواهید فهمید دیوانه کیست؛ دوستدار علی یا دشمن علی! همه این مطالب شهادت می‌دهند که آیات نخست سوره قلم به فضایل امیرالمومنین(ع) مرتبط است».

در بعضی از تفاسیر هم نوشته شده: «وقتی که پیغمبر اکرم(ص) دست امیر المؤمنین(ع) را در غدیر خم بالا برد و فرمود «هر کس من مولای او هستم علی هم مولای او است»، منافقین گفتند پیامبر فریفته علی شده. آنگاه پروردگار آیات نخست سوره قلم را نازل کرد».

نون چیست؟

بعضی نون را حرف مقطعه می‌دانند، عده‌ای معتقدند حرف پایانی واژه الرَّحْمنِ است و بعضی دیگر می گویند فقط نام سوره است اما ابن بابویه(شیخ صدوق) از حضرت امام صادق(ع) این چنین روایت کرده: «نون، نهری است در بهشت که از شیر، سفیدتر و از عسل، شیرین‌تر است». در بعضی از روایات هم آمده که این نهر فقط برای افرادی است که علم‌آموزی می کنند؛ به همین دلیل قبل از قسم به قلم، به این نهر اشاره شده است.

در روایت دیگری هم از امام صادق(ع) آمده که نون نام فرشته‌ای است که مامور حمل قلم است تا بندگان پروردگار از آن برای کسب دانش استفاده کنند. با این حال، آیت‌الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه خود نون را حرف مقطعه عنوان می کنند؛ «تفسیرهای بسیاری درباره حرف نون وجود دارد اما هیچ یک از این تفسیرها قرینه و شاهد روشنی ندارد. بنابراین، تفسیر این حرف مقطع از تفسیر کل حروف مقطعه جدا نیست».

> **«والقلم و ما یسطرون» در ظاهر یک قسم ساده است اما اهل علم، خوب می‌دانند که خداوند در قرآن به بزرگ‌ترین نعمت‌هایش قسم یاد می‌کند**

قلم یعنی علم

«والقلم و ما یسطرون» در ظاهر یک قسم ساده است اما اهل علم خوب می‌دانند که خداوند در قرآن به بزرگ‌ترین نعمت‌هایش قسم یاد می‌کند؛ از زمین و آسمان گرفته تا انجیر و زیتون که درمان بسیاری از دردها هستند.

بین مفسران این آیه، آیت‌الله مکارم شیرازی بهترین شرح را درباره اهمیت قلم و علم آورده است؛ «قلم ظاهرا یک جسم کوچک است؛ یک قطعه نی یا چیزی شبیه آن. چیزی هم که با آن می‌نویسد، کمی ماده سیاه رنگ است که ما به آن دوات می گوییم اما در واقع این همان چیزی است که سرچشمه پیدایش تمام تمدن‌های انسانی، پیشرفت و تکامل علوم، بیداری اندیشه‌ها و افکار، شکل گرفتن مذهب‌ها، سرچشمه هدایت و آگاهی بشر است؛ تا آنجا که دوران زندگی بشر را به دو بخش تقسیم می‌کند؛ «دوران تاریخ» و «دوران قبل از تاریخ».

دوران تاریخ بشر از زمانی شروع می‌شود که خط اختراع شد و انسان توانست ماجرای زندگی خود را بر صفحات نقش کند.

به تعبیر دیگر،دورانی است که انسان دست به قلم شد و از او «ما یَسْطُرُونَ» یادگار ماند.

عظمت این سوگند هنگامی آشکارتر می‌شود که توجه داشته باشیم آن روزی که این آیات نازل شد، نویسنده و ارباب قلمی در آن محیط وجود نداشت و اگر کسانی مختصر سواد خواندن و نوشتن داشتند، تعدادشان در کل سرزمین مکه که مرکز عبادی و سیاسی و اقتصادی حجاز بود، به ۲۰ نفر هم نمی‌رسید. سوگند به قلم یاد کردن در چنین محیطی عظمت خاصی دارد».

ایشان در ادامه به نخستین آیاتی که به پیامبر نازل شد، اشاره می کنند و ادامه می‌دهند: «در نخستین آیاتی که در «جبل النور» و غار «حرا» بر قلب پاک پیامبر(ص) نازل شد هم به مقام والای قلم اشاره شده؛ آنجا که می‌فرماید: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّکَ الَّذِی خَلَقَ- خَلَقَ الْإِنْسانَ مِنْ عَلَقٍ- اقْرَأْ وَ رَبُّکَ الْأَکْرَمُ- الَّذِی عَلَّمَ بِالْقَلَمِ- عَلَّمَ الْإِنْسانَ ما لَمْ یَعْلَمْ/بخوان به نام پروردگارت که مخلوقات را آفرید و انسان را از خون بسته‌ای ایجاد کرد، بخوان به نام پروردگار بزرگت، هم او که انسان را به وسیله «قلم» تعلیم داد و آنچه را نمی‌دانست به او آموخت». این نشان می‌دهد که قرآن کتاب اهل علم است و اسلام را باید با علم آموخت».

نگاه دیگری به قلم

اگرچه بیشتر دانشمندان قرآنی قلم را در این آیه وسیله‌ای برای کسب علم و ثبت وقایع تعبیر کرده‌اند اما نمی‌توان نگاه گروه دوم مفسران را نادیده گرفت؛ آنهایی که می گویند قلم در این آیه، وسیله‌ای است که ملائک الهی با آن اعمال نیک و شر انسان‌ها را ثبت می کنند.

این عده از مفسران - که تعدادشان محدود است- می گویند: «خداوند نخستین چیزی که آفرید قلم بود، بعد از آن لوحی را خلق کرد تا قلم بر آن بنویسد، پس از آن آسمان‌ها را آفرید و سپس کوه‌ها را. از وقتی انسان خلق شد ملائک تمام رفتارهای او را بر لوح مخصوص ثبت می کنند. این قلم به همین موضوع اشاره دارد».

با این حال، آیت‌الله مکارم شیرازی با صراحت این نظریه را رد می کند و می گوید: «بعضی از مفسران «قلم» را در اینجا به قلمی تفسیر کرده‌اند که فرشتگان بزرگ خدا وحی آسمانی را با آن می‌نویسند یا نامه اعمال آدمیان را با آن رقم می‌زنند ولی مسلما آیه مفهوم گسترده‌ای دارد که این تفسیر، بیان یکی از مصداق‌های آن است، همان گونه که «ما یَسْطُرُونَ» هم مفهوم وسیعی دارد و تمام آنچه را در طریق هدایت و تکامل فکری و اخلاقی و عملی بشر به رشته تحریر می‌آورند شامل می‌شود و منحصر به وحی آسمانی یا اعمال انسان‌ها نیست. این آیه قطعا به ضرورت کسب دانش اشاره می کند».

چند حکایت از توجه امام خمینی(ره) به کلاس و درس

اهل تحقیق باشید!

شاگردان حاج آقا روح‌الله هیچ‌گاه روزهای شیرین فیضیه را فراموش نمی کنند؛ وقتی که پای درس استاد محاسن سفیدشان می‌نشستند و از سخنان ایشان یادداشت برداری می کردند. حالا سراغ هر کدام از آنها که بروی، کلی حکایت و داستان برایت می گویند...

بحث با استاد

حضرت امام(ره) بعد از اینکه تدریسشان تمام می‌شد، معمولا می‌نشستند و شاگردان دورشان جمع می‌شدند و سؤال می کردند. کار به جایی می‌رسید که از دو زانو نشستن به چهار زانو نشستن می‌رسیدند و عمامه‌شان را روی زانو می گذاشتند. تازه اول بحث بود و تا اشکال وجود داشت، ایشان نشسته بودند و تا ما حرف و سؤال داشتیم، جواب می‌دادند. وقتی که دیگر کسی حرفی نداشت، از جا بلند می‌شدند و حرکت می کردند. کلاس درس حضرت امام(ره) عموما با بحث و پاسخ به سؤالات طلاب همراه بود. روزی من یک اشکال وارد کردم. استاد به من جواب دادند ولی قانع نشدم. معمولا حضرت امام(ره) بعد از تدریس به حرم حضرت معصومه(ع) مشرف می‌شدند. من در طول راه بحث را ادامه دادم اما باز هم قانع نشدم. ایشان جلوی کفشداری ایستادند و با من صحبت کردند و به هر صورت مرا قانع کردند. روز بعد که به درس تشریف آوردند، اشکال را دوباره در جلسه درس بررسی کردند و بعد فرمودند: «ایشان (آقای امامی کاشانی) مرا به این مطلب تنبّه دادند». تواضع ایشان مرا شرمنده کرد.

آیت‌الله امامی کاشانی

نظرهای خودت کو؟

از خصوصیات درسی حضرت امام(ره)، روح تحقیق بود که در طلبه‌ها ایجاد می کرد. امام(ره) در این مطلب بسیار اصرار داشتند که طلبه‌ای که در درس ایشان شرکت می کند، فقط حالت ضبط صوت نداشته باشد بلکه امام(ره) سعی داشتند کسانی که پای درسشان حاضر می‌شوند، غیر از اینکه باید بفهمند، خودشان هم صاحب‌نظر شوند و آنچه را از استاد شنیده‌اند، تحلیل و بررسی کنند. این چیزی بود که امام(ره) شاگردانش را بر آن عادت داده بود. روزی طلبه‌ای تقریرات درسی‌اش را به امام ارائه کرد. ایشان گفتند: «اینها همه مطالب من است، پس مطالب و نظرهای خودت کو؟ تو چه نوشته‌ای؟ بررسی و تحلیل خودت کو؟». با این روش طلبه را صاحب‌نظر بار می‌آوردند. حتی یک بار امام(ره) در درس فرمودند: «اینجا که مجلس وعظ و خطابه یا مجلس روضه‌خوانی نیست که همه سکوت کرده‌اید و گوش می‌دهید؛ اینجا کلاس درس و بحث است. خاصیت درس این است که یک اشکالی یا ایرادی بگیرید. اظهار نظر کنید!». بارها و بارها امام از اینکه درس حالت یکنواختی داشته باشد، یکجانبه باشد و فقط استاد حرف بزند، اظهار نگرانی می کردند.

آیت‌الله عمید زنجانی

کلاس‌های مجتهد پرور

حضرت امام(ره) در جلسه درسشان بیشتر به فکر تربیت و پرورش استعدادها بودند. حتی گاهی اوقات در بحث‌های علمی سربه‌سرشان می گذاشتند تا آنها را در اتکای به نفسشان و در اعتماد به خودشان قوی‌تر کنند. فراموش نمی کنم زمانی را که یکی از فضلا، متون درس ایشان را به همراه نظرهای خود به حضرت امام(ره) عرضه کرد. حضرت امام(ره) بعد از مطالعه به او فرموده بودند: «از اینکه در حاشیه تقریرات درس، نظرات خود را نوشتی، لذت بردم. گرچه همه نظرات درست نبود اما از اینکه متکی به خود هستی و روی حرف من ایراد گرفتی و اشکال وارد کردی، خوشحال شدم». باید گفت کلاس‌های درس حضرت امام(ره)، واقعا مجتهد پرور بود.

آیت‌الله ایمانی

دانشجویانی از ۱۰۰ کشور مختلف در دانشگاه مجازی المصطفی در رشته‌های قرآنی و اسلامی تحصیل می‌کنند

قرآن برای ۷۲ ملت

سمیه غلامپور **با ظهور عصر ارتباطات و اطلاعات که کانال‌های ارتباطی، گسترده و آسان در اختیار کاربران شبکه وب قرار گرفت، نهادهای متولی تعلیم و تربیت در سراسر جهان برای بهره برداری از این ابزار پر ظرفیت آماده شدند و آموزش‌های الکترونیکی را در دستور کار خود قرار دادند. در ایران هم آموزش‌های مجازی از طریق شبکه جهانی چند سالی است که پا گرفته و هر ساله شاهد رشد بیشتر این مراکز آموزشی هستیم که به دلیل غیرحضوری بودنشان، با اقبال خوبی هم مواجه شده‌اند. البته اعتبار مدارک این مراکز و دانشگاه‌ها هم در استقبال از آنها بیشتر موثر است. دانشگاه مجازی المصطفی به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه وظیفه آموزش علوم اسلامی را از طریق شبکه جهانی بر عهده دارد و رشته‌های قرآنی از جمله مهم‌ترین رشته‌های این دانشگاه به حساب می‌آیند.**



▲ بازدید حجت‌الاسلام محمدی عراقی از دفتر دانشگاه مجازی المصطفی

دانشگاه مجازی المصطفی در سال ۱۳۸۲ تاسیس شد. البته این دانشگاه ابتدا در قالب مرکز آموزش‌های غیرحضوری راه‌اندازی شد و از سال گذشته پس از تلفیق دو مرکز علمی آموزشی بین‌المللی «مرکز جهانی علوم اسلامی» و «سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور» و تاسیس «جامعه المصطفی العالمیه» به عنوان تنها نهاد آموزشی فعال در عرصه بین‌المللی با حدود ۱۸ هزار دانشجو با بیش از ۱۰۰ ملیت از شرق آسیا گرفته تا شاخ آفریقا و از آمریکای جنوبی تا شمال اروپا، رسما با نام دانشگاه مجازی المصطفی، آغاز به کار کرد.

این دانشگاه در هر سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا دانشجو می‌پذیرد و با تنوع رشته‌ای قریب به ۱۵۰ رشته و گرایش می‌تواند به سلیقه‌ها و علایق بسیاری پاسخ دهد.

چرا دانشگاه مجازی؟

اما سؤالی که همان ابتدا به ذهن می‌رسد، این است که با وجود این همه دانشگاه و مرکز آموزشی، راه‌اندازی این‌چنین دانشگاهی چه لزومی می‌تواند داشته باشد؟

حجت‌الاسلام علی‌اصغر عطارزاده طوسی، ریاست دانشگاه مجازی المصطفی درباره لزوم وجود این دانشگاه می گوید: «ماموریت جامعه المصطفی در عرصه بین‌الملل برای تربیت دین‌پژوهان و متخصصان اسلام‌شناس در رشته‌های مختلف علوم اسلامی و علوم انسانی از سویی و ظهور تکنولوژی‌های نوین آموزشی و آموزش‌های غیرحضوری و مجازی از سوی دیگر، مسؤولان جامعه المصطفی را بر آن داشت تا همزمان با دیگر دانشگاه‌های داخلی و خارجی، به فکر تاسیس بخش مجازی بیفتند.

در حقیقت، جامعه المصطفی تبدیل به یک ابردانشگاه بین‌المللی شده است که دارای دانشکده‌هایی در خارج از کشور همچون انگلستان، آلمان، اندونزی، غنا، لبنان، سوریه، و... و هم در داخل کشور نظیر قم، تهران، مشهد، اصفهان و... است. البته دانشگاه‌های مجازی دیگری در داخل و خارج کشور فعالند و همواره در حال تاسیس و هر کدام هزاران دانشجو را تحت پوشش آموزش‌های خویش قرار می‌دهند و ما هم با اهداف کاملا مشخص و برای ترویج فرهنگ و اندیشه اسلامی وارد این عرصه شده‌ایم». تاکنون استقبال از دانشگاه‌های مجازی به دلیل کاهش محدودیت‌ها و سهولت دسترسی‌ها به ویژه برای مشتاقان معارف دینی در دیگر کشورهای جهان بسیار فراوان بوده است و دانشگاه مجازی المصطفی هم از این امر مستثنا نبوده و با توجه به اینکه مدرک تحصیلی این دانشگاه به عنوان یک دانشگاه وابسته به جامعه المصطفی العالمیه توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری جمهوری اسلامی صادر می‌شود، مورد اعتماد بسیاری از علاقه‌مندان قرار گرفته است.

انتخاب رشته

در حال حاضر در این دانشگاه در کنار رشته‌هایی مانند علوم قرآنی، فقه اسلامی در سطح کارشناسی و اخلاق اسلامی در سطح ارشد، تعدادی زبان‌آموز هم از پنج قاره جهان در حال سپری کردن دوره آزاد آموزش زبان فارسی به صورت مجازی‌اند. این دانشگاه برای اولین بار در جهان، آموزش زبان فارسی را با روشی نوین به شکل غیرحضوری به علاقه‌مندان ارائه می کند و به زودی محصولات آن به دانشگاه‌های کشور ارائه می‌شود.

بنا به گفته ریاست دانشگاه قرار است به زودی دو رشته مطالعات قرآنی و رشته فقه اسلامی به زبان عربی برای مخاطبان عرب زبان راه‌اندازی شود و رسما پذیرش دانشجو از میان علاقه‌مندان صورت گیرد.

رشته علوم قرآنی در این دانشگاه با استفاده از ظرفیت‌ها و تجارب ارزشمند متخصصان و استادان رشته‌های قرآنی داخلی و خارجی با رویکردی جدید طراحی شده و از مقطع کارشناسی تا دکترا ارائه خواهد شد که البته در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا دارای گرایش‌های گوناگون است و نکته مهم در تدریس علوم قرآن این است که گرایش عمده در این رشته، توجه به معارف و مفاهیم اصیل قرآنی است.

> **به گفته عطارزاده طوسی در کنار رشته‌هایی مانند علوم قرآنی، تعدادی زبان‌آموز هم از پنج قاره جهان در حال سپری کردن دوره آزاد آموزش زبان فارسی به صورت مجازی‌اند**

ثبت نام بدون صف

دانشجویان دانشگاه‌های مجازی هیچ وقت تجربه صف‌های طولانی و معطلی‌های چند ساعته برای ثبت نام اول ترم را تجربه نمی کنند. شیوه ثبت نام، تحصیل و امتحانات، به صورت غیرحضوری و به‌طور کامل از طریق شبکه اینترنت است. البته تنها در شرایط و موارد بسیار خاص، بخشی از مراحل پذیرش، تحصیل و امتحانات به شکل حضوری و تحت نظارت نمایندگی‌های جامعه‌المصطفی در کشورهای مختلف جهان صورت می‌پذیرد.

وقتی دانشگاهی قرار است به طور مجازی فعالیت کند بیشترین مسوولیت بر عهده سایت دانشگاه خواهد بود، چون تمامی امور و مراحل ثبت نام،آموزش، وامتحانات از طریق سایت انجام خواهد شد.

سایت دانشگاه مجازی المصطفی با آدرس almustafaou.com طراحی شده و به زبان‌های فارسی، انگلیسی، اسپانیولی،فرانسه و عربی فعالیت می‌کند و پس از ورود به سایت و انتخاب زبان مورد نظر،اطلاعاتی درباره دانشگاه، آیین‌نامه‌ها، دوره‌های آموزشی، نحوه پذیرش، راهنمای تحصیل، نمونه دروس و اطلاعات دیگری که مورد نیاز مراجعین است در دسترس کاربران قرار می‌گیرد.

اخبار دانشگاه و اطلاعیه‌ها بخش میانی سایت را تشکیل می‌دهند و امکان بسیار خوبی با عنوان ارتباط زنده با کارشناسان رشته‌های مختلف از طریق سایت پیش بینی شده است که با استفاده از این امکان دانشجویان می‌توانند سؤالات و مشکلات خود را با کارشناس مربوطه در میان بگذارند و اصلا نیازی به مراجعه حضوری و یا حتی تماس تلفنی هم نیست.

این را هم خوب است بدانید که اعضای گروه‌های علمی، استادان و دستیاران آموزشی رشته‌های موجود در دانشگاه، از میان اساتید ایرانی و غیرایرانی و به تناسب زبان حاکم بر رشته مورد نظر انتخاب می‌شوند و راهبری رشته‌ها و امور علمی و محتوایی دانشگاه را بر عهده دارند. ارائه آموزش به مخاطبان در سطوح مختلف تحصیلی بر اساس یک نیازسنجی دقیق، برعهده معاونت آموزشی است.

دانشگاه مجازی المصطفی در حال حاضر با ساختاری متناسب با ماهیت آموزش الکترونیکی اداره می‌شود؛ گروه‌های علمی، معاونت‌های آموزشی، پژوهش و تولید محتوا، اجرایی، گروه فن‌آوری اطلاعات، گروه مطالعات توسعه، و واحد ارتباطات و بین‌الملل، و هیات تحریریه سایت، بخش‌های مختلف این دانشگاه را تشکیل می‌دهند.

از من بپرس

گوشه‌ای از سایت دانشگاه نوشته: پرسش‌های متداول. یعنی پاسخ‌های سؤالاتی که ممکن است بیشتر مطرح شوند را آنجا گذاشته‌اند و حاضر و آماده است و فقط با کلیک کردن روی هر موضوع جواب‌ها حاضر می‌شوند. پاسخ به سؤال‌های مهمی چون وضعیت برگزاری امتحانات، انتقال دانشجو، انصراف، حضور و غیاب، نوع مدارک و نرم‌افزارهای مورد نیاز را می‌توان در این قسمت پیدا کرد.

به هر حال در روزهایی که فراگیری علوم اسلامی و قرآنی زمان و مکان نمی‌شناسد، علاقه‌مندان به این علوم روز به روز بیشتر می‌شوند، استفاده از دانشگاه‌های مجازی بهترین شیوه تحصیل برای کسانی است که محدودیت زمانی دارند و نمی‌توانند در زمان‌های معین در کلاس‌های درس حاضر شوند و پای درس استاد بنشینند. برای این کار تنها دو چیز لازم است اول کمی همت و دیگری دسترسی به شبکه اینترنت.

مؤسسه مهد قرآن به عنوان یکی از فعال‌ترین مؤسسه‌های قرآنی غیردولتی کشور، کارش را از جلسات یک هیات مذهبی شروع کرده است

هیاتی که تشکیلاتی کار می‌کند

جواد شمس **از دور نشانه‌هایی از آن دیده می‌شود؛ وقتی از ضلع غربی میدان خراسان وارد خیابان خراسان می‌شوی، نرسیده به سه راه لرزاده، مسجدی با گنبدی بزرگ و یاقوتی رنگ و مناره‌هایی بلند و استوار با کاشی‌کاری‌های زیبا نظرت را جلب می‌کند. پرچم‌های روی مناره‌ها با ضرباهنگ باد پا می‌گیرند و خود را به آسمان شهر می‌کوبند. نیازی به پرس‌وجو نیست؛ مسجد آیت‌الله‌فومنی، معروف‌ترین مسجد حوالی میدان خراسان به حساب می‌آید که معروف‌ترین مؤسسه قرآنی غیردولتی کشور را در دل خود جای داده است. مؤسسه مهد قرآن این روزها در ساختمان چهار طبقه تازه احداث شده مسجد فعالیت‌هایش را ادامه می‌دهد. داخل طبقه‌ها کمی سوت و کور است و در چند اتاق، بیشتر باز نیست. این اتاق‌ها هم به اندک مدیران، کارمندان و برنامه‌ریزان مؤسسه اختصاص دارد که در آنها مشغول به کارند. هر چند برخی معاونت‌ها به دلیل کمبود بودجه و اعتبار به خودی خود حذف شده‌اند و برخی مدیران نیز به همان دلیل از ادامه همکاری عذر خواسته‌اند اما مهد قرآن همچون ۱۷ سال گذشته به راهش ادامه می‌دهد و تا به حال هرگز متوقف نشده است.**


کودکان و نوجوانان، مخاطبان اصلی برنامه‌های مهدقرآن کریم هستند

مهد قرآن کجاست و چه فعالیتی در آن انجام می‌شود؟ این شاید مهم‌ترین سوالی باشد که ذهن هر تازه واردی را به کنجکاوی وامی‌دارد. پاسخ سوال هم به راحتی و در گپی کوتاه با مدیر روابط عمومی مهد قرآن به دست می‌آید؛ این مؤسسه از جمله مراکز قرآنی کشور است که با هدف ایجاد و گسترش کلاس‌های آموزش قرآن در زمینه‌های حفظ، قرائت، تجوید، مفاهیم و تفسیر و برای تربیت قرآنی عموم جامعه از ۱۴ خرداد ۱۳۷۱ شروع به کار کرد. مهد قرآن در حال حاضر در ۲۶استان و ۱۵۰ شهرستان دارای شعبه‌های آموزش تلاوت، حفظ و درک مفاهیم قرآن است.

رشد و شکوفایی بیش از یکصدهزار حافظ قرآن کریم که از یک جزء تا ۳۰ جزء قرآن را حفظ کرده‌اند از جمله افتخارات این موسسه قرآنی است. هم‌اکنون هزار و ۴۰۰ حافظ کل قرآن کریم، دوره‌های آموزشی مهد قرآن را به پایان رسانده‌اند که ۶۰۰ نفر از آنها گواهینامه‌شان را در آزمون‌های سراسری مهد در سال‌های ۸۱ تا ۸۶ اخذ کرده‌اند. این شاید مختصرترین و مفیدترین معرفی از فعالیت‌های مهد قرآن باشد اما برای اطلاع دقیق‌تر از چگونگی تأسیس و راه‌اندازی مهد قرآن به سراغ رئیس این موسسه می‌رویم. حجت‌الاسلام‌والمسلمین مصطفی فومنی حائری- پایه‌گذار مؤسسه مهد قرآن و عضو هیات امنای آن- ابتدا درباره اهداف شکل‌گیری این موسسه می‌گوید: «مهد قرآن با هدف ترویج قرآن و نشر معارف اهل بیت(ع) تأسیس شد. با توجه به اینکه آموزش قرآن و گسترش فرهنگ قرآن‌آموزی میان اقشار مختلف جامعه به ویژه جوانان و نونهالان، یکی از مهم‌ترین اهداف مؤسسه تعریف شده بود، از همان ابتدا تدوین روشی نوین برای تدریس قرآن مورد توجه قرار گرفت».

مهدقرآن بابهره‌گیری از هیات‌علمی توانمندی که‌شامل استادان‌مطرح کشور است،ویژگی‌های منحصربه‌فردی‌در شیوه‌های آموزشی دارد

صدای تلاوت قرآن و تکرار چندباره آیه‌ها توسط کودکان، از داخل کلاس‌ها بیرون می‌ریزد و تمام ساختمان چهار طبقه مسجد را پر می‌کند. تلاوت صحیح آیه‌ها از ضبط صوت پخش می‌شود و قرآن‌پژوهان چندبار تکرار می‌کنند تا کلام وحی در صفحه‌های ذهنشان ثبت شود. فومنی می‌گوید: «روش‌های موجود در کشور را که به عنوان روخوانی و روان‌خوانی متداول است بررسی کردیم. همچنین شیوه‌های آموزش قرآن در اغلب کشورهای اسلامی مورد مطالعه قرار گرفت. با بررسی این روش‌ها و توجه به نقاط قوت و ضعف هر یک از آنها موفق شدیم روش جدیدی را تدوین کنیم. این شیوه که آموزش ترکیبی نامیده می‌شود و در آن استماع تلاوت استاندارد محور قرار می‌گیرد، به سرعت جای خود را میان اقشار جامعه باز کرد و به روش مهد قرآن معروف شد».

این روش، روشی متفاوت نسبت به روش‌های دیگر حفظ قرآن در کشور است. مهم‌ترین وجه‌تمایز این روش، فراگیری پنج نکته آموزشی از طریق نوار به شکل تقلیدی است که عبارتند از آموزش سبک تلاوت، آموزش تلفظ حروف، آموزش وقف و ابتدا، آموزش نکات تجویدی و آموزش نغمه‌ها. همین راهکار سبب شده است تا بسیاری از مشتاقان و افراد با استعداد به جایگاه رفیع حافظ کل قرآن دست یابند و مؤسسه مهد قرآن به عنوان محور اصلی و مرکز پرورش حافظان قرآن کریم در ایران شناخته شود.

تولد دوباره هیات

اما موسسه مهد قرآن چگونه شکل گرفت؟ پیش از انقلاب، جلسه‌ای به شکل هفتگی در منزل تعدادی از دوستداران اهل‌بیت(ع) برگزار می‌شد و روحانیان مختلفی در دوره‌های مختلف آن جلسات که به نام هیات چهارده معصوم(ع) معروف بود سخنرانی می‌کردند. آخرین سخنران این هیات هفتگی حجت‌الاسلام فومنی بود. او در مبارزات ضدطاغوتی هم حضور داشت و بعد از چند سال زندگی مخفیانه توسط ساواک دستگیر و زندانی شد. فومنی بعد از انقلاب تا حدود سال ۷۱ در وزارت امور خارجه، مدیریت بخش خلیج فارس را برعهده داشت و به صورت جسته گریخته دوستان هیاتی سال‌های قبل را ملاقات می‌کرد. آنها در این دیدارها اصرار می‌کردند تا آن هیات را دوباره راه‌اندازی کنند. جلسات هفتگی دوباره راه افتاد و فومنی در همان جلسه اول، شرط جالبی برای ادامه جلسات اعلام کرد. شرط فومنی این بود که دوسوم وقت جلسات به آموزش قرآن به فرزندان اعضای هیات اختصاص یابد. اعضا از این شرط استقبال کردند و به این ترتیب مؤسسه مهد قرآن پایه‌ریزی شد.

حفظ قرآن در اولویت

فهرستی از برنامه‌های مهد قرآن روی دیوار نصب شده است؛ هرازگاهی هم چند نفری روبه‌روی این فهرست مکثی می‌کنند و نیم‌نگاهی به این برنامه‌ها می‌اندازند. بیشتر فعالیت‌های مؤسسه مهد قرآن، معطوف به حفظ است. فومنی در پاسخ به این سوال که چرا حفظ قرآن در اولویت برنامه‌های این موسسه قرار دارد، به همان روزهای اول شکل‌گیری مهد قرآن اشاره می‌کند؛ «اعضای هیات در جلسه اول، فرزندانشان را آوردند. از کودک ۶ ساله تا دانش‌آموز دیپلمه در میان آنها حضور داشت. ما نوار کاست تلاوت قرآن و تعدادی ضبط تهیه کرده بودیم و به آنها گفتیم که هر هفته روخوانی و روان‌خوانی نصف یک صفحه قرآن را با گوش دادن به نوارها تمرین کنند تا به شکل صحیح بخوانند. در جلسه بعد، دیدم که قرآن‌آموزان به دلیل تکرار در خواندن و گوش دادن، آیات قرآن را حفظ کرده‌اند، به همین دلیل ناخودآگاه به سمت حفظ قرآن گرایش بیشتری پیدا کردیم. همان سال اول و در طول سه ماه تابستان، این شاگردان مستعد توانستند ۷۰ آیه را حفظ کنند و این مقدمه حرکت فراگیر آموزش قرآن شد».

مهدقرآن ۱۷سال است که در زمینه‌های قرآنی فعالیت می‌کند و در این سال‌ها باوجود کمبودبودجه هیچ‌وقت برنامه‌هایش متوقف نشده است

اما مدیران موسسه مهد قرآن علاوه بر حفظ و تلاوت آیات الهی، توجه به مفاهیم این کلام نورانی را فراموش نکرده‌اند و فعالیت‌هایی در این زمینه داشته‌اند. موسس مهد قرآن در این خصوص می‌گوید: «سال دوم شکل‌گیری مهد قرآن به این نتیجه رسیدیم که در زمینه مفاهیم قرآن بیشتر کار کنیم و تمام انرژی موسسه صرف تلاوت و حفظ نشود. کتاب‌های نه جلدی مفاهیم قرآن را جمع‌آوری کردیم و برنامه‌ریزی‌های لازم را انجام دادیم. در تمام این ۱۶ سال اخیر، تکیه بر مفاهیم آیات الهی و آموزش تفسیر قرآن کریم، محورهای اصلی فعالیت‌های مهد را تشکیل داده است».

آموزش منحصربه‌فرد

هر کلاسی که پایان می‌یابد، همهمه‌ای به پا می‌شود و کلی کودک و نوجوان راهی راهروهای موسسه می‌شوند. ناگفته پیداست که استقبال خوبی از برنامه‌های مهد قرآن صورت می‌گیرد. این استقبال، بیشتر مدیون شیوه آموزشی منحصربه‌فرد مهد قرآن است. این مرکز با بهره‌گیری از هیات علمی توانمندی که شامل استادان مطرح علوم قرآنی کشور است، ویژگی‌های منحصربه‌فردی در شیوه‌های آموزشی دارد. فومنی به تعدادی از این ویژگی‌ها اشاره می‌کند؛ «از همان ابتدای کار هم به دنبال کاری متمایز و متفاوت نسبت به دیگر موسسه‌های قرآنی بودیم و به ویژگی‌های منحصربه‌فردی هم در شیوه‌های آموزشی‌مان رسیدیم. از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به جامع بودن برنامه‌های آموزشی از طریق توجه به قرائت و فهم قرآن در کنار هم، استفاده از روش سمعی و بصری، استفاده از ابزار کمک‌آموزشی مانند نوارها و سی‌دی‌های چندبار تکرار، دستیابی به همه مهارت‌های تلاوت با روش ترکیبی، توجه به مفاهیم آیات قرآن در آموزش ترجمه، تأکید بر اصول زبان‌آموزی مانند استماع، تقلید، تکرار و استمرار، مدون بودن برنامه آموزش قرآن، اخذ آزمون‌های دوره‌ای و اعطای مدرک پایان دوره، قابلیت تعمیم آموزش‌ها برای عموم مخاطبان در سراسر کشور، سادگی و کم هزینه بودن آموزش‌ها، استفاده از روش‌های حضوری و غیرحضوری برای توسعه آموزش‌ها میان علاقه‌مندان و... اشاره کرد».

مهد شکوفه‌های قرآن

بسیاری از خانواده‌های ایرانی، فرزندان خود را به آموختن قرآن تشویق می‌کنند و یادگیری حتی کوچک‌ترین سوره‌های قرآن توسط خردسالان، شور و شوقی وصف‌ناپذیر در میان خانواده‌ها ایجاد می‌کند. مؤسسه مهد قرآن از ابتدای تأسیس بر همین اساس و با توجه به اهمیت موضوع، کلاس‌های قرآنی ویژه نونهالان سه تا شش سال را با نام مهد شکوفه‌های قرآن تشکیل داد. فومنی درباره محور آموزش‌ها در مهد شکوفه‌های قرآن می‌گوید: «حفظ سوره‌های جزء ۳۰ قرآن، احادیث و آیات موضوعی قرآنی و آشنایی با سیره زندگانی ائمه معصومین(ع) از جمله برنامه‌های اصلی مهد شکوفه‌های قرآن است. در ضمن آموزش ریاضی، شعر، نقاشی و کاردستی هم به مخاطبان نونهال ارائه می‌شود».

روزهای تلخ و شیرین

به هر حال این روزها مؤسسه مهد قرآن با توجه به عملکرد ۱۷ ساله‌اش در زمینه آموزش قرآن به مؤسسه‌ای شناخته‌شده در امر تربیت حافظان قرآن کریم تبدیل شده و البته با نگاهی جدی که به مفاهیم قرآن دارد، بستر مناسبی را برای درک بیشتر آیات الهی برای قرآن‌آموزان فراهم کرده است. رئیس مؤسسه مهد قرآن با اشاره به عنایات خداوند در پیشبرد اهداف این مؤسسه می‌گوید: «در طول این ۱۷ سال، روزهای تلخ و شیرین بسیاری را سپری کرده‌ایم. گاهی حتی تا چند قدمی تعطیل شدن مهد قرآن هم رسیده‌ایم ولی باز هم با توکل به خدا ادامه داده‌ایم. خیلی‌ها ما را در سختی‌ها تنها گذاشتند اما این مجموعه ایستاد و مقاومت کرد تا امروز به تنها مؤسسه بزرگ قرآنی غیردولتی کشور تبدیل شود». مدیران مهد قرآن امروز نگاه امیدوارانه‌ای به آینده دارند. آنها به دنبال این هستند که باز هم بتوانند با برگزاری مسابقات سراسری حفظ، مفاهیم و تفسیر قرآن کریم، نقش مهم خود در باروری استعدادهای درخشان قرآن‌آموزی را باز یابند و از این راه خدمتی به قرآن کریم کنند.

آموزش قرآن در این مهد با کتاب‌های تخصصی انجام می‌شود


تشویق حافظان خردسال یکی از برنامه‌های همیشگی مهدقرآن است


کتابخانه تخصصی مهدقرآن در خدمت قرآنی‌هاست



مسجد تازه ساز خیابان خراسان، میزبان قرآن پژوهان است

نوآوری‌های موسسه‌مهدقرآن همچنان‌ادامه‌دارد

افتتاح مرکز آموزش تخصصی

وقتی کلاس‌های آموزش مهد قرآن ۱۷ سال پیش در خانه یکی از اعضای هیات ۱۴معصوم(ع) آغاز شد هیچ‌کس فکرش را نمی‌کرد که کمتر از پنج سال بعد، از این مهد قرآن به عنوان تاثیرگذارترین موسسه آموزش قرآن در کشور یاد شود؛ به‌طوری که تاکنون بیش از ۱۰۰هزار گواهینامه در رشته‌های حفظ، مفاهیم و تفسیر قرآن کریم صادر کرده است.

اوج فعالیت‌های این موسسه غیردولتی، برگزاری مسابقات سراسری حفظ، مفاهیم و تفسیر قرآن در شش دوره متوالی است که متاسفانه به دلیل کمبود بودجه در دو سال گذشته برگزار نشده است. اگر روزی گذرتان به مهد افتاد حتما با ما هم‌عقیده می‌شوید که سایه مشکلات مالی بر سر آن افکنده شده است. تعطیلی مسابقات سراسری مهد، تقلیل یافتن مدیران و کارمندان به نصف طی یک سال و بسته بودن در بسیاری از اتاق‌های مهد در روز کاری وسط هفته و تلنبار شدن چند دستگاه رایانه معیوب و غیرقابل استفاده در اتاق روابط عمومی همه نشان از مشکلاتی دارد که این‌روزها دامان مهد را گرفته است اما خبر خوش اینکه مهد قرآن همیشه برنامه‌ای برای جلب رضایت مخاطبان خود دارد. در حال حاضر هم مرکز آموزش تخصصی موسسه مهد قرآن ایجاد شده تا میزبان قرآن آموزانی باشد که دوره‌های آموزشی این موسسه در رشته‌های حفظ، مفاهیم و تفسیر قرآن را گذرانده و گواهینامه دریافت کرده‌اند. در حقیقت مهد قرآن در راستای وظایف خود مبنی بر توسعه و گسترش فرهنگ قرآنی در جامعه قصد دارد ضمن استمرار فعالیت‌های آموزش جامع قرآن کریم در کشور، به منظور ارتقای کیفی آموزش رشته‌های قرآنی، مرکز آموزش‌های تخصصی را راه‌اندازی کند. مرکز آموزش تخصصی موسسه مهد قرآن اهداف مختلفی دارد که از جمله آنها می‌توان به ایجاد الگوی آموزش تخصصی برای تعمیم در استان تهران و سامان‌دهی کانون‌های قرآنی به سمت تخصصی شدن اشاره کرد. این مرکز قرار است نظر مثبت جامعه متخصصان قرآنی کشور را جلب کند و برنامه‌های منظم و مستمری برای آنها داشته باشد. اما دیگر اهداف این مرکز عبارتند از: شناسایی و پرورش نخبگان قرآنی، ایجاد بستر مناسب برای ارتقای سطح علمی مربیان، حافظان و قرآن آموزان، احیای دیگر آموزش‌های قرآنی در کنار حفظ و مفاهیم، همچنین تربیت مربیان و داوران متخصص در رشته‌های مختلف قرآنی.

مرکز آموزش تخصصی مهدقرآن ایجادشده تامیزبان قرآن آموزانی باشد که دوره‌های آموزشی این موسسه در رشته‌های حفظ، مفاهیم و تفسیر قرآن راگذرانده و گواهینامه دریافت کرده‌اند

دوره‌های آموزشی این مرکز در هشت گروه مختلف تقسیم‌بندی شده‌اند. این دوره‌ها شامل حفظ، ترجمه و مفاهیم، قرائت، تفسیر موضوعی و تربیتی، تثبیت محفوظات، تربیت مربی، تربیت داور و آمادگی کارشناسی علوم قرآنی برای حافظان کل است. آموزش‌ها در مرکز تخصصی در قالب ترم‌های سه ماهه و با آغاز فصل پاییز هر سال شروع خواهند شد. در این مرکز ۱۰ هفته اول هر ترم اختصاص به آموزش دارد، در هفته یازدهم آزمون گرفته می‌شود و هفته دوازدهم هم تعطیلی پایان ترم و آمادگی برای شروع ترم بعدی خواهد بود. زمان‌بندی دوره‌های آموزش هم به‌این شکل است که ۱۲ ترم آموزشی به حفظ کل قرآن اختصاص دارد. دوره کامل ترجمه و مفاهیم شامل شش ترم آموزشی می‌شود. قرائت، روخوانی و روان‌خوانی هم ۱۲ ترم آموزشی را در برمی‌گیرد. آشنایی با تفسیر موضوعی و تربیتی قرآن هم در چهار ترم آموزش داده می‌شود. دوره تربیت مربی و تربیت داور، هر یک به ترتیب در چهار ترم و دو ترم آموزشی برگزار می‌شود.

در حاشیه

به دلیل کمبود بودجه در موسسه مهدقرآن

مسابقات تعطیل شد

بقا و حضور پررنگ و مؤثر هر مؤسسه‌ای به میزان بودجه و اعتبارات مالی برای اجرای برنامه‌های آن مؤسسه بستگی دارد. بی‌شک پیش بردن اهداف مؤسسات بدون حمایت‌های مالی، کاری بسیار مشکل و تا حدی غیر ممکن است. مؤسسه مهد قرآن هم از همان ابتدای آغاز به کار، به دنبال راه‌هایی برای کسب درآمد بود تا بتواند اهدافش را محقق کند؛ به همین دلیل این مؤسسه از طریق تولید محصولات قرآنی و عرضه آنها به قرآن‌آموزان، اقدام به درآمدزایی کرد. از جمله محصولات قرآنی این موسسه می‌توان به نوار تلاوت ترتیل کل قرآن کریم با صدای استاد پرهیزکار، کتاب نه‌جلدی مفاهیم قرآن، انواع کتاب‌های آموزش قرآن همراه با نوار، کتاب‌هایی مانند زندگی در پرتو قرآن، اسوه حسنه، تفسیر سوره احزاب و دیگر محصولات قرآنی اشاره کرد. البته علاقه‌مندان به فعالیت در زمینه‌های قرآنی برای حضور در بیشتر کلاس‌های این مؤسسه باید وجهی را به عنوان شهریه پرداخت کنند. این شهریه‌ها در مقاطع، کلاس‌ها و حتی در استان‌های مختلف کشور متفاوت است. به عنوان مثال در یکی از مراکز مهد در شهر قزوین، هیچ مبلغی به عنوان شهریه دریافت نمی‌شود. این گرفتن شهریه و حتی گاهی تفاوت در میزان مبالغ شهریه‌ها، انتقادهایی را به دنبال داشته است اما مدیران مهد معتقدند که دریافت شهریه برای بقا و ادامه فعالیت این مؤسسه لازم است. آنها تفاوت شهریه‌ها در شهرهای مختلف کشور را به دلیل سلایق متفاوت مدیران مراکز می‌دانند و تاکید می‌کنند که دفتر مرکزی فقط بر عملکرد و نوع آموزش‌های این مراکز نظارت دارد و همچنین با ارائه جزوات آموزشی، سیستم آموزشی یکسانی را برای مراکز خود تعیین می‌کند. مؤسسه مهد قرآن همچنین طی سال‌های ۸۱ تا ۸۶، اقدام به برگزاری مسابقات سراسری در رشته‌های حفظ، مفاهیم و تفسیر قرآن کریم کرد که در آن برگزیدگان مسابقات استانی در رقابتی متمرکز شرکت می‌کردند و با کسب رتبه‌های قبولی در این آزمون می‌توانستند گواهینامه معتبر خود را از مؤسسه دریافت کنند. دریافت کنندگان این گواهینامه‌ها به مراکز آموزش عالی معرفی می‌شدند و پس از موفقیت در آزمون آنها، مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد خود را از وزارت علوم دریافت می‌کردند. البته برگزاری این مسابقات، هزینه سنگینی را روی دست مدیران مهد قرآن می‌گذاشت که به تنهایی از راه فروش محصولات قرآنی و گرفتن شهریه بیشتر از قرآن‌آموزان، امکان تامین آن وجود نداشت؛ به همین دلیل مؤسسه تصمیم گرفت این هزینه را از بودجه‌ای که دولت به مهد قرآن کمک می‌کرد تامین کند. البته این راهکار هم در سال ۸۶ به بن بست رسید چون مسؤولان مرکز توسعه و ترویج فعالیت‌های قرآنی وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی تصمیم گرفتند تا بودجه اهدایی به مهد قرآن را به طور مستقیم و بدون واسطه به مراکز هر استان اعطا کنند. این اقدام البته هرچند مدافعانی هم داشت اما با انتقاد شدید مدیران مؤسسه مهد قرآن مواجه شد. به هر حال آنها دیگر نمی‌توانستند با توجه به سیاست‌های خود و عملکردی که مراکز استان‌ها داشتند به تقسیم بودجه بپردازند. در ضمن به دلیل نبود اعتبار کافی، دیگر امکان برگزاری مسابقات سراسری حفظ، مفاهیم و تفسیر قرآن کریم هم وجود نداشت و متاسفانه در دو سال اخیر، این مسابقات که محلی برای شناخت و معرفی حافظان و قرآن‌آموزان نمونه بود، برگزار نشد.

نغمه بلند اذان گوی بزرگ ایران
سال‌هاست که در قفس تنگ بیماری محصور شده است

صبحدل اذان انقلاب

کاش این شماره «آیه» یک هدیه همراه خود داشت؛ یک فایل صوتی تا یک نوای آشنا به گوش می‌رسید؛ ندای شورانگیز اذانی که دل را آسمانی می‌کند و هنوز ماندگار است در ذهن‌ها و خاطره‌ها. آن‌وقت نام «حسین صبحدل» نیازی به شرح و معرفی نداشت. ندای پرشوری که شانه به شانه اذان موذن‌زاده اردبیلی در تاریخ موسیقی ایران جاودانه خواهد شد. اذان او آخرین بازمانده اذان‌های شکوهمندی است که سابقه‌ای نزدیک به سه دهه دارد. استاد، این روزها حال و روز خوشی ندارد. آلزایمر شدید خاطره‌ها را از یادش برده و حالا نوبت ماست که سراغش برویم و برای همه خاطره‌ها و خدمت‌هایی که به نسل ما هدیه داده، قدردانی کنیم. این صفحه، روایت زندگی و جاودانگی اوست. یک گزارش قدیمی که در اصل، عیادت‌نامه کاغذی ماست از استاد حسین صبحدل؛ کسی که سال‌ها شیفته صدایش هستیم....
توضیح آنکه متن حاضر، کاری از «محمدرضا اسدزاده» است. گزارش او در جشنواره اذان و نماز شهریور ماه که به مناسبت تجلیل از مقام استاد حسین صبحدل برگزار شد، رتبه نخست جشنواره را به دست آورد.

تصویرسازی: مرتضی یزدانی

شب‌ها که بر تارک سحر می‌نشینی و دل به آوایی می‌سپاری که اندیشه‌ات را به ســوی لایتناهی کوچ می‌دهد، با ترنم زیبای صدایش، دل به دست جذبه‌ای شورانگیز می‌دهی.
آنگاه که سفره دلت از ثری تا ثریا گسترده می‌شود و قلبت آشـیان مرغ حق، صدای یاری آشناسـت که انگار محرم خلوت انس توست. ســال‌ها بوده و هســت و خواهد بود، بی‌آنکه بشناسی‌اش؛ صدای مردی که برای نشان‌دار کردن لحظه‌های آسمانی من و تو روی زمین، هزار و یک کار ریز و درشت کرده است و حالا کمتر نشانی از او در یادها هست.
رجب تمام شــد و شــعبان و رمضان به پایان رسید. ماه‌ها یک به یک می‌آیند و می‌روند و صــدای او در هر ماهی به نسیمی در دل می‌پیچد؛ هر روز، هر ساعت، هر ماه؛ سحر به شور آوای دلنشینی در سکوت صبحگاهان، وقت ظهر در غفلت روزمرگی‌های ما آدمیان و هنگامه غروب، به نوایی از گلدستگانی که با صدایش رنگی تازه می‌گیرد.
صدای او می‌آیــد، می‌پیچد و مــی‌رود و چه حیف که با رنگ دنیایی ما غریبه است و مگر نه آنکه این غریبگی‌ها و فراموشکاری‌ها، ریشه در غفلت ما دارند؟ بگذار به روی خودمان نیاوریم که مــا و حتی آنها کــه از نزدیک با او بوده‌اند و هم رسانه‌هایی که هر زمان صدای «صبحدل» را به ما می‌رسانند، فراموشکار شده‌اند. دوستی می گفت رسانه ذاتا فراموشکار است و این همه، سهم بزرگی دارند و داریم در فراموشکاری!

صبحدل مسجد هدایت

اگرچه از کودکی اهل دل بوده اســت اما آنگاه که دســت تقدیر او را به مسجد هدایت لاله‌زار کشاند و در کنار آیت‌الله طالقانی نشاند، مسیرش به گونه‌ای دیگر رقم خورد؛ روزی که از او، از مسیر طی‌شده و راه رفته پرسیدم و نام طالقانی بزرگ را بردم، گفت: «او محرم خلوت انس بود اما در جلوت و در جامعه و در متن مردم، نه در کنج عزلت خویش. استاد حسین صبحدل، صبحدلی را در مسجد هدایت- آن هم در لاله‌زار آن زمان- خوب آموخته بود و اگر این مسیر، او را به حسینیه ارشاد پیوند داد و همراه مرحوم همایون شد و هم‌شریعه مرحوم شریعتی و همفکر شهید مطهری و شهید مفتح و شهید هاشمی‌نژاد، اینها همه در مسیر صبحدلی‌اش بود و عشقی که در اعماق وجودش سرشته شده بود؛ عشقی که ریشه در عاشورای سال ۶۱ داشت.

اذان صبحدل، اذان انقلاب اسلامی است؛ او را بلال عصر ما می‌نامند، شهید مطهری گفت: وقتی جنازه مرا از زمین برمی‌دارید، اذان صبحدل را پخش کنید

صبحدل مسجد قبا

رهگذر عاشــق، ذی‌الحجه ۱۳۴۵ بود که به خانه دوســت رفت و خود را «خسی در میقات» یافت؛ آن گونه که وقتی بازگشــت، عزم کرده بود تا در مسیر محرمان خلوت انس بماند و از آشفتگی‌های زمان غم نخورد و از همان زمان تا شش سفر بعد، تنها مداح و قاری قرآن کاروان‌داران بود. در همان سفرهای نخستین با دکتر علی شریعتی انس گرفت و پس از او همسفر مسافری از مســافران خانه خدا شد که بسیار او را دوســت می‌داشت و او کســی نبود جز آیت‌الله سید علی خامنه‌ای و این تازه، آغاز یک مسیر بلند بود. این بود که در همان سال‌ها همراه شهید مفتح در مسجد قبا، سرود به‌یادماندنی «خمینی‌ای امام» را ساخت تا بازگشت رهبرش را پاس دارد.
در و دیوار کوچه‌های اطراف مسجد قبا هنوز او را می‌بینند؛ اگر چه کمتر اما جوشش نوای استاد و صدای گرمش هنوز لابه‌لای دیوارها و درخت‌های اطراف مسجد، طنین دارد. صدای «ای مجاهدای مظهر شرف/ای گذشته ز جان در ره هدف» صدای «خمینی‌ای امام/خمینی‌ای امام» و....

صبحدل مسجد ارک

ردیف‌های موسیقی را از دوستان پدر آموخته بود و در تنظیم اشعار مداحی در دستگاه‌های آوازی ایرانی مهارت داشت. همین بود که او را وامی‌داشت تا حرکتی نوین و انقلابی در نغمات دینی پدید آورد؛ پشــتوانه‌ای معنوی و هنرمندانه که دغدغه هنر معنــوی شــیعی را در دل او می‌پروراند و تلاش‌هایش را در مسیر فرهنگ آسمانی اهل بیت عشق، سامان می‌بخشید. از مسجد هدایت تا حسینیه ارشاد و هم مسجد قبا و بالاخره ساختمان ارک رادیو، مسیری بود که او از سال ۴۰ تا پیروزی انقلاب اسلامی پیموده بود. از همان زمان که به ارک آمد و در رادیو مشغول شد، کم و بیش ظهرها به مسجد ارک هم سری می‌زد. قدیمی‌های این مسجد، استاد صبحدل را به‌خوبی می‌شناســند و هنوز هر زمان صدای اذانش در مسجد می‌پیچد، یاد او می‌کنند. او ظهرها که در محل رادیو بود، برای نماز به مســجد ارک می‌آمد و گاهی همان‌جا اذان می‌گفت و اذان زنده صبحدل چه شــنیدنی بود و روح‌نواز.

صبحدل و جاودانه شجریان

سال ۵۷ بود که به رادیو آمد. در آغاز، دعاهای سحر ماه رمضان را با دقت فراوان و با روح دستگاه‌های آواز اصیل ایرانی تهیه کرد. پس از آن به تولید سرودهای انقلابی در مناسبت‌های دینی و ملی می‌پرداخت.
اســتاد اصرار فراوانی در تولید آوازهــا و نغمه‌های عرفانی و معنــوی در برنامه‌هــای معارفــی رادیو داشــت و این نشان‌دار کردن لحظات معنوی مردمان، فکر نویی بود که او در فضای رادیو می‌آفرید؛ آن چنان که جاودانه‌ای که امروز به نام «ربنا» هنگام افطار با آواز استاد محمدرضا شجریان خلق شده، به ابتکار و همت حسین صبحدل بوده است.
... و بالاخــره او بود که گروه‌های کُر واحد موســیقی رادیو را شــکل داد و کلاس‌های آواز اســتودیو ۲ را راه انداخت و خوانندگانی همچون اصفهانی و مختاباد را در تهیه آثار و نغمات فرهنگی و مذهبی حمایت می کرد و هم پیگیر بود تا آثار تولیدشده موسیقی به دست علما و روحانیون برسد و نظر آنها را جویا شود.

در همان سال‌های اوج انقلاب اسلامی همراه شهید مفتح در مسجد قبا، سرود به یادماندنی «خمینی‌ای امام» را ساخت تا بازگشت رهبرش را پاس دارد

اینها همه، دغدغه‌های هنرمند متعهدی اســت که امروز مصداق «رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر...» است.

هنرمند فراموش‌شده

صداقت، نظم، اعتماد به نفس، جســت‌وجوگری، پویایی، نشــاط، تواضع و اخــلاص و...؛ اینها همــه از ویژگی‌های صبحدلی هســتند که اینک همه او را در دل می‌ستایند.
پیرغلامی که همه او را در رادیو می‌شناسند و در مسجد قبا و در مسجد هدایت و ارک و قدیمی‌های حسینیه ارشاد و اهل فرهنگ و هنر، همه او را می‌شناسند اما حیف که مردم، اندک از او می‌دانند. اگرچه هنوز در کنار ما زندگی می کند اما دیگر این روزها با ما حرف نمی‌زند. گاهی اشاره‌ای می کند و زمانی برمی‌خیزد و گاهی می‌نشیند.
دیگر به رادیو نمی‌رود و تنها در خانه به استراحت مشغول است و کمتر کسی این روزها سراغ او را می گیرد. با همه این احوال، صدای اذان او هر روز در کوچه و بازار و خانه و خیابان به گوش می‌رسد.
شاید همه اینهاســت که محمد اصفهانی را وامی‌دارد تا از او چنین بگوید: «انســان قابل تقدیری است که متاسفانه دچار فراموشی شــده و سازمان صداوســیما هم ایشان را فراموش کرده است. من از سال ۱۳۵۱ که به دبستان علوی می‌رفتم، ایشان را می‌شناسم که داور مسابقات قرآن بودند و مرا خیلی تشویق کردند. این تشویق‌ها جرقه پیشرفت من در تلاوت قرآن و برنامه‌های مذهبی بود. بعدها در رادیو هم در برنامه‌های ماه رمضان با ایشان همکاری می کردم و حتی ادیت و کار با دستگاه ریل را هم از ایشان یاد گرفتم. استاد صبحدل در انجام کارها بسیار وسواس و دقت داشت. برایش مهم نبود که پشتیبانی می‌شــود یا نه؛ ارائه کار به بهترین شکل برایش اهمیت داشت. اذان ایشان هم در سبکی بین ایرانی و عربی گفته شده که به جهت ارتفاع بالای صدا و نوع آهنگسازی و نگرش وی از بهترین اذان‌هاست».
این را ســهیل محمودی- شاعر - هم اشــاره می کند: «او صاحب نغمه جاودانی اذان، مبتکر تهیــه ربنا و آواز پیش از آن با صدای استاد شــجریان، تهیه دعای سحر با صدای خوانندگان گوناگون، آوازها و نغمه‌های عرفانی و... است. او خادم معارف وحیانی و فرهنگ اهل بیت(ع) و سالک هنرمند طریق فضایل علوی است. هنگامی که من قطعه‌ای را قرائت می کردم، درباره نحوه خواندن آن به من توصیه‌هایی می کرد تا با آوازی که قرار بود پخش شــود، هماهنگی داشته باشد».

اذان گلدسته‌ای

اذان صبحــدل، اذان مبــارزان انقلابی روح‌الله اســت؛ اذان نمازگزارانی اســت که چــه در حصار و چه در فرار و قرار، ایمــان و امیــد و رویش را در خود حس می کننــد. اذان صبحدل، اذان انقلاب اسلامی اســت و اگر آن دوست، صبحدل را بلال عصر مــا می‌نامد، خطا نخوانده است. اگر شهید مطهری گفت: «وقتی جنازه مرا از زمین برمی‌دارید، اذان صبحدل را پخش کنید»، به‌خوبی می‌دانســت که اذان این مؤذن، ریشه در اندیشه‌ای عمیق دارد و اگر مقام معظم رهبری در دیداری با اصحاب رادیو به صبحدل اشاره می کنند و می گویند: «اذان باید گلدسته‌ای باشد؛ مثل اذان شما...»، به‌درستی می‌دانند که اذان صبحدل، صدای گلدسته‌هاست.

ایمان دینی و صدای موسیقی

حالا خیلی‌ها پیرمرد را می‌شناسند اما او دیگر هیچ‌کس را نمی‌شناسد.... خیلی از قدیمی‌ها و مبارزان انقلاب سراغش را می گیرند؛ آنها که سرود «خمینی‌ای امام» را شنیده‌اند و «راه امام، کلام امام» را، «بانگ توحیــد»، «طلایه‌داران انقلاب»، «حماسه رزمندگان»، «ماه محرم» و مناجات‌های رادیو را و دعای هنگام تحویل ســال را. بیش از ۱۳۰۰ اثر رادیویی دیگر، گویای زندگی صبحدل است؛ او که رویید و رویاند و صدایش برای ما محرم شــد و شعبان و رمضان و نوروز و بهمن و...؛ او که رمز روییدن با ایمان را در عرصه هنر خوب می‌داند؛ صبحدلی که فهمیده است چگونه می‌توان آواز خواند، نت نوشت، با سازها سروکار داشت و دستگاه‌های آوازی را آموخت اما با ایمان ماند و راه پیمود و محرم خلوت انس بود؛ او که نه کســوت هنرمندی‌اش به سلامت روح و روانش آسیب زده و نه صیانت از روح و ایمان دینی‌اش، او را از سرود و صدا و موسیقی دور کرده است.

خدایا به سلامت دارش

پیرمرد از سال ۷۶ تا امروز خانه‌نشین شــده است؛ عزلتی برگزیده و خلوتی در خانه. اگرچه صدای اذانش هر روز به خانه من و تو می‌رسد اما سایه بیماری بر سرش، سنگین افتاده و استاد را به دنیایی بیگانه با ما و آشنا با بیگانه برده است.

ای پیک راستین خبر یار ما بگو
احوال گل به بلبل دستان‌سرا بگو
ما محرمان خلوت انسیم، غم مخور
با یار آشنا سخن آشنا بگو



وصف امروز
آخرین گزارش‌ها از حال و احوال استاد

فرزند استاد: برای پدرم دعا کنید

فرزند اســتاد «حســین صبحدل» موذن نامی کشورمان، وضعیت جســمی این استاد قرآنی را در حال حاضر رضایت‌بخش اعلام و از جامعه قرآنی و دوســتداران قــرآن برای این اســتاد درخواست دعای خیر کرد.
«علی صبحدل»، فرزند استاد حسین صبحدل، اواخر شــهریور ماه در گفت‌وگو بــا خبرگزاری قرآنی ایران با اشاره به رو به بهبود بودن وضعیت جسمی این اســتاد قرآنی و موذن پیشکسوت پــس از یک دوره بیمــاری حــاد، گفت: «طی هفته گذشته وضعیت جســمی ایشان ناپایدار شــد و دو مرحله دچار مشــکل تنفسی حادی شــدند و برای انجام مراقبت‌های ویژه در یکی از بیمارستان‌های تهران بســتری شدند، اما به لطف پروردگار حال ایشان رو به بهبودی است و هم‌اکنون در منزل پرستاری می‌شوند».
فرزند استاد صبحدل در ادامه گفت: «ایشان از فعالان قرآنی بودند کــه در برهه‌ای از زمان در سازمان تبلیغات اسلامی جزو گروه برنامه‌سازان قرآنی بودند و تربیت بسیاری از استادان فعلی قرائت قرآن را به عهده داشتند و در تعدادی از مســاجد تهران هم به تدریس قرآن و پرورش قاریان قرآن مشغول بودند».
وی از جامعه قرآنی کشــور و عموم دوستداران این اســتاد قرآنی برای بهبود جســمی ایشان، درخواســت دعا به درگاه الهی را کــرد و افزود: «جمعی از شاگردان ایشــان و مسؤولان قرآنی کشور در مرحله گذشته که ایشان در بیمارستان بستری بودند، از ایشان عیادت انجام دادند که بار دیگر قدردان این عزیزان هستیم و به جز دعای خیر هیچ‌گونه انتظاری نداریم».
حال استاد صبحدل در حالی رو به بهبود گزارش می‌شود که پیش از آن «انور محمدی»، پرستار استاد در گفت‌وگو با خبرنگار فرهنگی ایرنا، از عدم قدرت تکلم اســتاد خبر داده و گفته بود: «وی با عارضه آلزایمر چند سالی است که دست و پنجه نــرم می کند و با مراقبت‌های پزشــکی سعی می‌شود از پیشــرفت این بیماری لاعلاج جلوگیری شود».
وی با اشاره به گذشــت بیش از ۷۸ سال از عمر این مرد بزرگ، گفت: «او اکنون ریه وی عفونی شده و ترشــحات فوق‌العاده‌ای دارد که باید به وسیله ساکشن خارج شود».
محمدی افزود: «سفت شــدن اندام‌ها و تلاش فیزیوتراپ‌ها برای ایجاد حرکت در وی، تنفس از طریق اکسیژن، عدم امکان صرف غذا از طریق دهان، دیابت و... از مشکلاتی است که صبحدل به آن دچار است».

قاری بین‌المللی قرآن کریم:

اذان استاد اذانی حماسی است

اذان به عنوان شعار اسلام باید ویژگی‌های خاصی داشته باشد تا حالت روحانی و معنویت را همراه با شور حماسی در شنونده ایجاد کند. البته ایجاد حالت معنوی در مخاطب تنها زمانی پیدا می‌شود که خود موذن هم از آن حالت روحانی بهره‌مند شده باشد.

حجت‌الاسلام‌والمسلمین «محمدجواد موسوی درچه‌ای»، قاری بین‌المللی قرآن کریم اذان استاد صبحدل را این چنین معرفی می کند و در ادامه می گوید: «تنهــا زیبایی در اذان چندان فایده‌ای ندارد و قرائت اذان باید همراه با حماســه باشــد و اذانی که استاد حســین صبحدل یا مرحوم استاد «موذن‌زاده اردبیلی» قرائت کرده‌اند از این نوع است که همه خصوصیات را دارد».
وی با اشاره به نکات فنی اذان استاد صبحدل، ویژگی‌های آن را این چنین برمی‌شــمرد؛ «ارتفاع صدای استاد در این اذان بسیار بالاست و در کمتر موذنی دیده می‌شود که پرده صوتی بالایی مانند استاد صبحدل داشته باشد، در حالی که شنونده به هیچ عنوان احساس نمی کند که موذن تحت فشار شدید این اذان را تلاوت کرده است و اذان، لطافت و دلنشینی خودش را حفظ کرده است».
نفر اول مسابقات بین‌المللی هندوستان در پایان می گوید: «موسیقی زبان مخصوص به خود را دارد. اگر فردی هم به زبان موســیقی و هم معنای عبارات و تاکیدات کلمات در جمله آشنایی داشته باشد، می‌تواند ارکان جمله را به خوبی تشخیص داده و در نتیجه معنا را به خوبی به مخاطب منتقل کند. اذان استاد صبحدل نمونه بارز این همنشینی است».
وی درباره ویژگی اذان استاد گفت: «استاد صبحدل در موضوع دستگاه‌های موسیقی هم تبحر ویژه‌ای داشت و به طور کامل با ردیف‌های موسیقی آشــنا بود و دستگاه‌های موسیقی عربی را نیز به خوبی می‌شناخت. به همین دلیل او در تلاوت قرآن و اذان بسیاری از نکات را رعایت کرده است».
این قاری بین‌المللی قرآن کریم در پایان تصریح کرد: «از زبان دیگران شنیده‌ام که استاد حسین صبحدل انسانی متواضع است و البته بسیاری از صداهای ماندگار قرآنی و مذهبی را در رادیو ضبط کرده است که نشان می‌دهد قدرت تشخیص استاد در شناسایی استعدادهای قرآنی بسیار بالا بوده است».



عبدالحسین مختاباد:

بانی ربنای شجریان صبحدل بود

«عبدالحسین مختاباد» خود را از شاگردان استاد صبحدل معرفی می کند. او نحوه آشنایی خود با استاد را در سال‌های میانی دهه ۶۰ اینگونه به یاد می‌آورد؛ «در کلاس‌های آموزشی که ایشان بانی تشکیل آن بود و استاد «صالح عظیمی» به تدریس و آموزش رشته آواز می‌پرداخت، شرکت داشتم. استاد صبحدل مشوق بزرگی برای شرکت‌کنندگان این کلاس‌ها بود».

او درباره ویژگی‌های کار استاد می گوید: «اذان استاد صبحدل یک اذان ایرانی است که از لحاظ بافت ملودی و فراز و فرودهای موسیقایی آن بسیار کار شده و دارای بار و الهامات درونی است چون استاد در هر دو بخش دارای تجربه و تخصص بود».
مختاباد با بیان اینکه در زمینه آهنگ‌سازی و اجرای گروه کر با اســتاد صبحدل همکاری داشته است، استاد صبحدل را مردی اهل ادبیات برمی‌شــمرد؛ «شعرهای بســیار خوبی را انتخاب یا تهیه می کرد و برای مراســم و مناســبت‌های مختلف به ویــژه برای ائمــه اطهار(ع) و اعیاد به تهیه برنامه می‌پرداخت. استاد صبحدل قاری و داور قرآنی بود و برنامه‌هایی هم که تهیه می کرد بیشتر در زمینه‌هــای مذهبی و مرتبط با پیام‌هــا و آموزه‌های قرآنی بود».
او در پایان بسیاری از آثار ارزشــمند رادیو را مدیون زحمات اســتاد می‌داند و می گوید: «مناجــات ربنا که توسط استاد شجریان اجرا شــده با پشتیبانی و حمایت اســتاد صبحدل تهیه شــد. در واقع بانی این اثر، استاد صبحدل است».


همشهری
ضمیمه قرآنی ویژه مشترکین همشهری جوان / نیمه‌اول مهر ۱۳۸۸

هنوز هم می‌توان ردپای مفاهیم قرآنی را در اشعار شاعران معاصر پیدا کرد

قافیه‌های قرآنی ردیف‌های آسمانی

سیده زهرا عباسی **«ردپای مفاهیم قرآنی در اشعار شاعران کهن پارسی‌زبان را با کمی جست‌وجو در دیوان‌های ایشان به وضوح می‌بینی.» این را گروهی می گویند که معتقدند در سال‌های اخیر تاثیر گذاری آموزه‌های قرآنی در ادبیات‌مان کمرنگ شده است. آنها ارتباط میان شاعران امروزی با مفاهیم کلام الهی را مانند تارهای بسیار نازکی می‌دانند که در حال گسستن است. البته در این میان، گروهی هم زیاد با این نظریه موافق نیستند و اعتقاد دارند که حالا این تاثیر گذاری به شکل غیر مستقیم در آثار شاعران معاصر دیده می‌شود. براساس نظریه گروه دوم، پل میان ادیبان ایرانی و گستره مفاهیم عظیم قرآنی هنوز تخریب نشده است و فقط باید با دقت نظر بیشتری به اشعار آنها نگاه شود. همراه تعدادی از شاعران امروزی به کاوش تاثیر قرآن در شعر فارسی پرداختیم.**

تاثیرپذیری شعر معاصر از آموزه‌های قرآنی از دو منظر مورد توجه قرار می گیرد؛ یکی از جهت تاثیرپذیری صوری و ظاهری و دیگر باطنی و محتوایی. با مطالعه آثار شاعران کهن، با توجه به اینکه بیشتر این شاعران تربیت یافته مکتب اسلامند و با آموزه‌های دینی آشنایی دارند، ردپای آیات و احادیث را در اشعار آنها مشاهده می کنیم؛ به این معنا که بسیاری از شاعران به شکل مستقیم از خود آیات قرآن و گاهی ضرب‌المثل‌های قرآنی در اشعارشان استفاده کرده‌اند که این نوع را باید در بخش «تاثیرپذیری صوری» بررسی کرد.



رضا اسماعیلی، شاعری که کتاب‌های شعر «حنجره سرخ عشق»، «آیینه و سنگ»، «بانوی آیینه و آب» و «آسمانی‌ها» از او منتشر شده است در این باره می گوید: «با بررسی و بازشکافی اشعار جدید متوجه بعضی اشارات غیرمستقیم در اشعار می‌شویم و روح قرآنی را در آنها نظاره گریم. البته این دسته از اشعار که به تامل بیشتری نیاز دارند، غیرمستقیم از آموزه‌های قرآنی بهره می گیرند».

اسماعیلی معتقد است که معمولا برای این دسته از شاعران، تعالیم قرآنی چنان درونی شده که ناخودآگاه در سرودن تحت تاثیر این تعالیم هستند و البته باید توجه داشت که این نوع بیان، هنرمندانه‌تر، شاعرانه‌تر و تاثیر گذارتر از بیان مستقیم است.

همچنین در دسته‌بندی دیگری، شعر معاصر را می‌توان به دو شاخه آئینی و آزاد تقسیم کرد؛ با این نگاه، شعر آزاد را از دایره توجه و الهام از آموزه‌های قرآنی جدا کرده‌ایم چراکه شاعر در این گونه شعری، به مسائلی عام که شاید هیچ تناسبی با دین نداشته باشد توجه دارد. اما در حوزه شعر آئینی چون شعر توحیدی، نبوی، علوی، فاطمی، انتظار سروده‌ها و... در این دو دهه اخیر شاعران بسیاری فعالیت داشته‌اند. از آنجایی که ریشه تمام اشعار فوق در مفاهیم اسلامی است، می‌توان آنها را اشعار قرآنی تلقی کرد.

از سویی یک سنت حسنه یعنی سرودن «توحیدیه‌ها» در میان شاعران دهه‌های پیشین رواج داشت که متاسفانه امروزه به دلایل مختلف کمرنگ شده است. شاعران بزرگ بسیاری برای متبرک کردن دیوان خود، اشعاری را در وصف حضرت حق می‌سرودند؛ «ای نام تو بهترین سرآغاز / بی‌نام تو نامه کی کنم باز»...

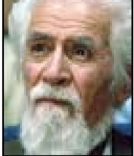
اسماعیلی درباره علت کم‌رنگ شدن «توحیدیه‌ها» در شعر معاصر می گوید: «یکی از دغدغه‌های شاعران آئینی امروز، سرودن در وصف اهل بیت(ع) است و به نظر می‌رسد به همین دلیل توحیدیه‌های کمتری داریم، در حالی که باید توجه داشت برای رسیدن به سرچشمه اصلی در حوزه شعر آئینی، مهم‌ترین و اصلی‌ترین راه، سرودن همین توحیدیه‌هاست».

شاعر کتاب شعر حنجره سرخ عشق، جشنواره‌ای شدن شعر آئینی را یکی از آسیب‌های این حوزه ادبی می‌داند: «شاعران پیشکسوت معمولا درگیر چنین مشکلاتی نمی‌شوند اما شاعران جوان و البته جویای نام، به نیت شرکت در جشنواره‌ها، اشعاری را می‌سرایند که فاقد هرگونه جوشش احساسی است. در واقع با وجود جشنواره‌ها هر روز شاهد تولید اشعاری کم‌عمق و البته تاریخ مصرف‌دار هستیم».

آسیب‌پذیری جامعه ادبی

کارشناسان ادبی یکی از علت‌های کمرنگ شدن حضور مفاهیم قرآنی در دنیای شعر و شاعری را تبلیغات گسترده دشمنان دین اسلام می‌دانند که مسلما تاثیراتش در جامعه ادبی غیرقابل انکار است.

تعالیم قرآنی برای شاعران معاصر چنان درونی شده که ناخودآگاه در سرودن اشعار امروزی تحت تاثیر این تعالیم هستند



حمید سبزواری، شاعر شناخته شده با کتاب‌های شعر «سرود درد»، «سرود سپیده»، «کاروان سپیده» و «یاد یاران» با اشاره به این آسیب‌پذیری جامعه ادبی می گوید: «با وجود رسانه‌های مختلفی که در سراسر دنیا علیه اسلام فعالیت می کنند، کمتر شدن اشعار دربرگیرنده مفاهیم قرآنی زیاد دور از ذهن نیست. البته بعضی جوانان با استعداد در عرصه ادبیات هستند که راه خود را یافته‌اند و بی‌توجه به این تبلیغات ضد اسلامی، به تفکر قرآنی‌شان پایبندند. به هر حال از آنجایی که شاعران، تربیت اسلامی یافته‌اند و در مملکتی اسلامی به بالندگی رسیده‌اند، بیم دوری‌شان از آموزه‌های قرآنی وجود ندارد».

البته سبزواری معتقد است که ارزش‌های معنوی جامعه باید با هوشیاری و تلاش مسؤولان فرهنگی تقویت شود تا تبلیغات منفی و نیرنگ‌های دشمنان کارساز نباشد. او همچنین به تاثیر وجود مفاهیم قرآنی در آثار ادیبان اشاره می کند؛ «توجه به آموزه‌های قرآنی به ویژه در ادبیات، سبب می‌شود که مردم با دید روشن‌تری به مسائل آرمانی اسلام توجه کنند و موجی بی‌نظیر را در جهان به راه بیندازند. بهتر است فراموش نکنیم که قرآن کتاب آسمانی ماست و باید در هر زمینه‌ای، حتی ادبیات به آن توجه کرد».

بیشتر شاعران کهن تربیت یافته مکتب اسلامند و با آموزه‌های دینی آشنایی دارند، ردپای آیات و احادیث را در اشعار آنها مشاهده می‌کنیم

انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون

تا قیامت باقی‌اش داریم ما
تو مترس از نسخ دین ای مصطفی

تولد شعر از دامن اسلام



گروهی از فعالان عرصه ادبیات، ظهور جدی شعر فارسی را همزمان با گسترش اسلام در ایران می‌دانند. مصطفی محدثی خراسانی، عضو شورای عالی شعر صدا و سیما را باید جزو همین گروه دانست. او معتقد است؛ «آنچه ما امروز به عنوان شعر فارسی می‌شناسیم از دامان اسلام متولد شده و اقبالی که همواره با آن همراه بوده، به دلیل نزدیکی با اسلام و آموزه‌های قرآنی است. سروده شدن اولین اشعار فارسی همزمان با سال‌هایی است که اسلام در ایران گسترش یافت و آموزه‌های قرآن نهادینه و درونی شد، در نتیجه از بطن این اتفاق، شعر فارسی بالید و به کمال رسید».

وی ادامه می‌دهد: «با این پیش‌فرض هر شعر ارجمند و ماندگاری چه در گذشته و چه در زمان معاصر خلق شده باشد، مستقیم یا غیرمستقیم تحت تاثیر آموزه‌های قرآنی بوده است. اتفاقا هر کجا در ادبیات فارسی با شعر ارزشمندی مواجه می‌شویم، می‌توانیم پیوند و خویشاوندی را میان ادبیات و آموزه‌های قرآن به راحتی ببینیم».

شاعر کتاب‌های شعر «شاعران پروازی»، «هزار مرتبه خورشید»، «طنین کوه» و «سلوک باران» اعتقاد دارد که شعر فارسی جدای از آموزه‌های اسلام و قرآن هویت ندارد و در آمیختگی شعر با آموزه‌های قرآن است که به این شعر هویت می‌بخشد.

به گفته این شاعر معاصر، پس از انقلاب به دلیل بازگشت به پیشینه‌ها و سنت‌های اسلام و قرآن، شعر انقلاب خانه‌تکانی کرد و ماحصل آن شعری مبتنی بر آموزه‌های اسلامی شد. خراسانی با بیان اینکه در ادبیات کلاسیک بسیاری از تاثیرپذیری‌ها از قرآن، هنری و ماندگار نیست، می گوید: «بعضی از شعرا به شکل مستقیم از قرآن سخن گفته‌اند و در واقع آموزه‌های قرآنی را در اشعار خود قرار داده‌اند اما از طرفی بزرگانی چون مولانا، سعدی و... هنرمندانه از این آموزه‌ها استفاده کرده‌اند و به سمت بیان مستقیم نرفته‌اند و به همین دلیل تاثیر و کارکرد قرآنی خود را در طول تاریخ ادبیات فارسی بر جای گذاشته‌اند».

ارتباط غیرمستقیم با کلام الهی

با جست‌وجو در اشعار شاعران امروزی به راحتی می‌توان فهمید که برداشت‌های مستقیم از قرآن در ادبیات معاصر بسیار کمتر شده است زیرا شاعران دریافته‌اند ذهن مخاطب امروزی نمی‌پذیرد که شاعر، برداشت‌های مستقیم و شعارگونه از قرآن را در شعرش بیاورد. این گونه تاثیرپذیری در شعر معاصر به طور کلی کم شده است اما بی‌انصافی است اگر بگوییم تاثیرپذیری هنرمندانه شاعران امروزی از قرآن کمرنگ شده است. بزرگ‌ترین شاعران معاصر ما حتی افرادی چون اخوان ثالث، سهراب سپهری و... همچنین شاعران انقلاب مثل قیصر امین‌پور، علی معلم، شفیعی کدکنی و... مستقیم و غیرمستقیم از آموزه‌های قرآن تاثیر گرفته‌اند.

محدثی خراسانی به هیچ‌وجه کمرنگ شدن آموزه‌ها و مفاهیم قرآنی را در آثار ادیبان معاصر نمی‌پذیرد و معتقد است؛ «در گستره ادبیات معاصر با وجود افزایش تبلیغات منفی، شاهد افزایش ارتباط شاعران با آموزه‌های قرآنی هستیم. البته نکته قابل توجه اینجاست که این ارتباط کمی هنری‌تر و غیرمستقیم‌تر شده است».

تاثیر انقلاب بر اشعار شاعران

بی‌شک یکی از تاثیرها و پیامدهای شعر انقلاب این بود که پیوند شاعران معاصر با اسلام، انقلاب و فرهنگ سنتی ایران ترمیم شد و شعر فارسی رجعت خجسته‌ای به اصل خود داشت. به هر حال از آنجایی که زیرساخت‌های انقلاب اسلامی و مبانی تفکری آن بر پایه اسلام بود مسلما رجوع شعر انقلاب به آموزه‌های اسلام هم دور از ذهن نیست.

محدثی خراسانی به اینکه نگاه به مضامین دینی، قرآنی و اسلامی در دوران انقلاب، نگاه تازه‌ای بوده است، تاکید می کند و می گوید: «در طول تاریخ شعر فارسی، این نوع نگاه شفاف به مضامین قرآنی سابقه ندارد. نگاه شاعران به آموزه‌های قرآنی و مبانی فکری این کتاب آسمانی چه در ابعاد سیاسی مثل به وجود آوردن امت واحده اسلامی و چه در ابعاد اخلاقی مثل احسان و چه در ابعاد دیگر، چشمگیرتر شده است. اگر مبانی شعر انقلاب را به لحاظ محتوایی در نظر بگیریم، خواهیم دید که منشعب از آموزه‌های قرآن است».

ترغیب جوانان توسط پیشکسوتان

بر هیچ کس پوشیده نیست که در عرصه نقد آثار ادبی و آموزش شاعران جوان باید تلاش شود تا آموزه‌های قرآنی در شعر شاعران معاصر حضور درخشان‌تر و مؤثرتری داشته باشد. موسفیدان و پیشکسوتان دنیای شاعری باید تلاش کنند تا شاعران جوان برای به‌کارگیری مفاهیم قرآنی در اشعارشان ترغیب شوند. به اعتقاد محدثی خراسانی، باید در این زمینه سیاستگذاری کلان صورت بگیرد تا از وجود نخبگان در جشنواره‌ها و کنگره‌های شعر آئینی بیشتر استفاده شود. این شاعر درباره برگزاری جشنواره‌ها و نشست‌های قرآنی می گوید: «برگزاری چنین مراسمی بسیار خوب است چراکه شاعران را بیش از پیش متوجه آموزه‌های قرآن می‌کند؛ مثلا موجی که در نمایشگاه قرآن و در ارتباط با ادبیات دینی به وجود می‌آید، باید استمرار داشته باشد تا بتواند تاثیر بگذارد. باید در تمام طول سال شاهد تشویق شاعران به الهام از آموزه‌های قرآنی باشیم».



ضمیمه قرآنی ویژه مشترکین همشهری جوان / نیمه‌اول مهر ۱۳۸۸

باشاعران

پرسه‌ای در اشعار قرآنی

بیت‌های نورانی

اینها نمونه‌ای از اشعاری هستند که مفاهیم قرآنی به طور مستقیم و غیرمستقیم در آنها دیده می‌شود. علیرضا قزوه را به عنوان شاعر معاصر و مولوی را به عنوان شاعر سنتی ایران انتخاب کرده‌ایم.
اشعار قرآنی این شاعران پیش‌روی شماست.

علیرضا قزوه

ما شهیدان جنون بودیم از عهد قدیم
سنگ قبر ماست دریا، نقش قبر ما نسیم
شهر ما آن سوی آبی‌هاست، دور از دسترس
شهر ابراهیم ادهم، شهر لقمان حکیم
اندکی بالاتر از آبادی تسلیم محض
صاف می‌آیی سر کوی «صراط المستقیم»
خاک آن عرشی است، گل‌هایش زیارتنامه خوان
سنگفرش آسمانش، بال‌های یاکریم
شهر ما آبادی عشق است اما راز عشق
عشق یعنی واژه‌های رمز قرآن کریم
عشق یعنی قاف و لام «قل هوالله احد»
عشق یعنی بای «بسم الله الرحمن الرحیم»

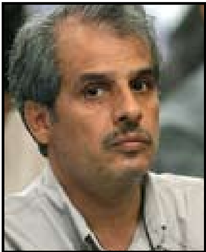
مولوی

مصطفی را وعده داد الطاف حق
گر بمیری تو نمیرد این سبق
من کتاب و معجزت را حافظم
بیش و کم کن را ز قرآن مانعم
کس نتاند بیش و کم کردن در او
تو به از من، حافظ دیگر مجو
تا قیامت باقی‌اش داریم ما
تو مترس از نسخ دین‌ای مصطفی
ای رسول ما تو جادو نیستی
صادقی هم خرقه موسی ستی
هست قرآن در کفت همچون عصا
کفرها را درکشد چون اژدها
گرچه باشی خفته اندر زیر خاک
چو عصا آگه بود آن جان پاک
آن‌چنان کرد و زآن افزون که گفت
او بخفت و بخت و اقبالش نخفت

ادبیات از فرهنگ قرآنی تاثیرگرفته است

عبدالجبار کاکائی / شاعر ارتباط قرآن و آموزه‌های قرآنی با شعرای امروز و دیروز ما هم ارتباط مستقیم بوده و هم ارتباط غیر مستقیم. در ارتباط مستقیم که به میزان تشرع نویسنده برمی گردد، بعضا شاعران، خود مفسر و حافظ قرآن بودند و به کار شاعری هم می‌پرداختند، مثل حافظ و مولانا. این دسته از شعرا از ترجمه، تفسیر، بلاغت لفظی و دیگر جنبه‌های قرآن کریم سود می برند. میزان این استفاده هم به انس و الفت شاعران با این کتاب آسمانی برمی گشت. شکل دیگر استفاده از آموزه‌های قرآنی گونه غیرمستقیم است؛ یعنی تاثیری که قرآن روی زندگی مولف می گذارد و این تاثیر در آثار مولف با واسطه متبلور می‌شود. مثلا اخلاقیات قرآن، معارف توحیدی قرآن، عصمت ولایت و نبوت، قصه آفرینش و... تمام اینها به صورت پندها و اندرزهای درونی تبدیل و در آثار عیان و آشکار می‌شود. وقتی که شعر یک هنرمند فارسی زبان را مطالعه می کنیم، متوجه می‌شویم که شعر او الهام گرفته از فرهنگ قرآنی است. این فرهنگ قرآنی تمام کسانی را که در شعاع آن باشند، تحت تاثیر قرار می‌دهد. تاثیر ادبیات امروز ما بیشتر از فرهنگ قرآنی است تا آیه و آموزه‌های صریح قرآن. ارتباط مستقیم تبدیل شده به ارتباط غیرمستقیم و تاثیر گرفتن از فرهنگ قرآن.

سلسله شاعران قرآنی منفصل نشده است



پرویز بیگی حبیب‌آبادی / شاعر از قرن چهارم به این سو ما شاهد تبلور آموزه‌های قرآنی و دینی در شعر و ادبیات خود هستیم و می‌توانیم مثال‌های فراوانی را در این باره بیاوریم. در اشعار ما نسبت به آیات قرآن تلمیحات بسیاری دیده می‌شود. بسیاری از اشارات به قرآن در شعر بزرگان که می‌توان آنها را از قلل رفیع شعر پارسی هم به حساب آورد، وجود دارد. در شبکه ذهنی شاعران ما، آموزه‌های قرآنی در طول قرن‌ها وجود داشته و دارد و به هیچ وجه نکته و سخنی نیست که امروز به آن پرداخته شده باشد. شاعران به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم با آموزه‌های دینی و قرآنی در اشعارشان برخورد کرده‌اند. گاه به صورت مستقیم عین آیات را دستمایه خلق اثر قرار داده و گاه به شکل غیرمستقیم از آنها استفاده کرده‌اند. گاهی هم شاعران ما از آهنگین بودن و موسیقی بعضی از آیات قرآن تاثیر می‌پذیرند. شاعران کهن ما به آموزه‌های قرآنی توجه شایانی داشته‌اند و آثار بسیاری را خلق کرده‌اند. در ادبیات کلاسیک نگاه شاعر به قرآن نگاهی مستقیم است، اما امروز نگاه غیرمستقیم نسبت به آیات صورت می‌پذیرد، ولی همان اندازه تاثیر دارد. این سلسله منفصل نشده است و پیوستگی‌اش را حفظ کرده است. آموزه‌های قرآنی تا ابد در شبکه ذهنی شعرا وجود خواهد داشت.

شعر قرآنی، منظوم کردن قرآن نیست



احد ده‌بزرگی / شاعر از آغاز تاریخ شعر دری تا به فردوسی، قرآن تاثیر جدی و مستقیم بر شعر فارسی داشته و کاملا در شعر از مفاهیم مستقیم قرآن استفاده شده است. زمانی که به مولوی می‌رسیم می‌بینیم که این استاد سخن به حد بی‌نهایت از قرآن بهره‌مند شده است. سعدی هم از زاویه اندیشه خودش و حافظ هم از زاویه خود، آموزه‌های قرآن را در اشعارشان متبلور ساخته‌اند. نوع برداشت از قرآن و کاربرد آن در شعر فارسی میان شاعران متفاوت بوده است؛ برای مثال سعدی آموزه‌های اخلاقی و اجتماعی قرآن را مدنظر می گیرد، مولوی معارف را و حافظ زاویه‌های مختلف قرآن را کاوش و در شعرش به استخدام در می‌آورد. در ادب پارسی اگر قرآن را از ادبیات بگیریم، چیزی از ادبیات باقی نمی‌ماند. ادبیات ما سرشار از مفاهیم و آموزه‌های قرآنی است. چه در حوزه ادبیات کهن و چه در ادبیات معاصر، قرآن با روح ادب ایرانی گره خورده است. ادب ایرانی جدای از قرآن نیست و نمی‌تواند باشد. بعد از انقلاب هم مفاهیم قرآن بر ادبیات ما جاری و ساری شده است. ادبیات دینی، برگردان قرآن و منظوم کردن قرآن نیست. خواسته ادبیات اسلامی از هنرمندان این است که ما مفاهیم قرآن را دریافت کرده و به شکل ادب و شعر به دیگران عرضه کنیم.

شعرهای امروزی رنگ و بوی قرآنی ندارد

صابر امامی / شاعر ادبیات یک جامعه همواره به وسیله فرهیختگان آن جامعه شکل می گیرد و مثل میوه‌ای است که از درخت فرهیختگی به عمل می‌آید. فرهیختگان یک جامعه به هر موضوعی که نزدیک شوند آن موضوع در کلام و قلمشان متبلور می‌شود. انسان امروز به معنای واقعی در مصائب و مشکلات این دنیا استحاله شده است و به همین قیاس از فرزانگی معنوی که به دست آوردنش مدیون حشر و نشر با علوم معنوی است، فاصله می گیرد و به حکم «از کوزه همان برون تراود که در اوست» آثارش رنگ و بوی قرآنی ندارد. البته شعرایی هم هستند که به عمد آیاتی از قرآن یا حدیث را به بخشی از شعر و اثرشان پیوند می‌زنند. ابیات این گونه شاعران مانند یک زن بزک کرده از دور فریاد می‌زند که من بزک شده‌ام. فردوسی تنها شعر حماسی و ملی نگفته بلکه قرآن و حدیث در اشعارش موج می‌زند. حافظ لحن شعرش را از آیات قرآن گرفته است. مثنوی مولانا به این مشهور است که شرح و تفسیر قرآن کریم است. ناصرخسرو بحثش را پیرامون مباحث کلامی و خداشناسی که شاکله قرآن کریم است پی می‌برد و به‌طور کلی از شاعران کلاسیک کسی را نمی‌توانید بیابید که در اشعارش توجه شایانی به قرآن نکرده باشد.

این شماره: چین

جمعیت ۲۲ میلیون نفری مسلمان چین با وجود همه محدودیت‌ها همچنان به فراگیری و آموزش قرآن مشغولند

نوری که از جاده ابریشم به شرق تابید

اصغر اصغری

پیش از نزول آیات قرآن بر رسول مکرم اسلام(ص)، سرزمین چین در ذهن عرب‌ها دورترین خطه نسبت به پایگاه دنیای اسلام محسوب می‌شد. روابط فرهنگی و اجتماعی میان شبه‌جزیره عربستان و چین وجود نداشت و فقط گاهی کالاهای چینی از طریق جاده ابریشم و راه دریایی به دست اعراب می‌رسید. با ظهور اسلام و گسترش آن در منطقه، توجه مسلمانان به سرزمین‌های دور و نزدیک جلب شد و در زمان خلیفه سوم اولین گروه از مبلغان کلام وحی راهی چین شدند تا پیام‌آور دین حضرت محمد(ص) باشند.

▲ مسجد نیوجیه، اولین مسجد چین در سال ۹۶۶ میلادی که با معماری خاص چینی احداث شده است

نخستین گام‌های آموزش قرآن از ابتدای فرمانروایی سلسله «مینگ» در قرن نهم هجری توسط یکی از اندیشمندان جامعه مسلمانان هویی به نام «هودینگ چو» (Ho Ding Chu) که بعدها نام خود را به محمد عبدالله الیاس تغییر داد، برداشته شد. با گسترش اسلام در چین آموزش اصول اسلامی نیز به تدریج در این کشور رایج شد و مساجد به اماکنی برای آموزش احکام اسلامی و پاسخ به نیازهای دینی مسلمانان تبدیل شدند.

در مدارس اسلامی واقع در مساجد، امام جماعت به‌عنوان مدرس به فعالیت می‌پرداخت و قرآن موضوع اصلی آموزش بود. این روش آموزشی با مدارس قرآنی سنتی شباهت بسیار داشت که در آن زبان محلی به موازات زبان عربی مورد استفاده قرار می‌گرفت. این آموزش‌ها شامل ارائه دروس متفاوتی چون توحید، منطق، علوم حدیث، فلسفه، قواعد دستور زبان و ادبیات عرب و تفسیر قرآن بود و از آنجا که در این روش آموزشی بر منابع عربی تاکید می‌شد، این امر تا حدودی موجب هدایت مردم مسلمان چین در یادگیری زبان و ادبیات عرب و نیز آشنایی با فرهنگ اسلامی و علوم قرآنی شد.

بیگانه با زبان قرآن

در اواخر قرن بیستم دولت چین آزادی عقیده و ترویج ادیان مختلف را آزاد اعلام کرد و این به معنای فرصتی جدید برای مسلمانانی بود که می‌خواستند بیشتر با قرآن آشنا شوند. اما بزرگ‌ترین مشکل علاقه‌مندان به یادگیری قرآن ناآشنایی آنها با زبان و خط عربی بود و به همین دلیل مسلمانان چین برای تلاوت قرآن تنها برخی از آیات را انتخاب می‌کردند و این مساله‌ای است که بیشتر مسلمانان را از قرائت کامل قرآن و شناخت ترتیب سوره‌ها و اجزایش محروم کرد و هم‌اکنون نیز تا حد زیادی در چین به چشم می‌خورد.

هم قرائت هم تلاوت

اهتمام مسلمانان به تلاوت قرآن کریم با تعمیق آموزش اجتماعی و گسترش تعلیمات دینی در چین افزایش بسیاری یافت و برخی مدارس و آموزشگاه‌های علوم اسلامی مختص آموزش روخوانی، روانخوانی، صوت و لحن قرآن شدند. در گذشته این مدارس و آموزشگاه‌ها به تلاوت قرآن توجه چندانی نداشتند و دروس علم تلاوت قرآن در مدارس و آموزشگاه‌های اسلامی اختیاری بود. از این رو فارغ‌التحصیلان مدارس و این آموزشگاه‌ها پس از چهار یا پنج سال نمی‌توانستند خوب قرآن بخوانند یا اصلا قرآن بخوانند. از این رو علمای دینی و ائمه(ع) از میان تعالیم اسلامی به آموزش و فراگیری قرآن تاکید بیشتری داشتند. شناخت فرهنگ قرآنی زمینه‌ای را برای تحقیق و بررسی قرآن فراهم آورد. هنگامی که حکومت چین سیاست آزادی عقیده را بنا کرد، ارتقای سطح تلاوت قرآن سهم مهمی را در توسعه آموزش اسلامی به خود اختصاص داد و مسلمانان دریافتند که علم تجوید و تلاوت قرآن، هنری منحصر به فرد و دارای مفهوم عمیقی است که حد و مرزی ندارد و استحکام آن به شکلی جدید راهی پسندیده و سازنده برای اشاعه اسلام و وحدت مسلمانان در جامعه چین به شمار می‌رود. از این رو طی سال‌های اخیر سطح تلاوت قرآن و برگزاری مسابقات قرآن در چین پیشرفت زیادی کرده و فعالیت‌های قرآنی با حمایت مسؤولان در بعضی از استان‌ها اجرا می‌شود.

مراکز قرآنی

در حال حاضر مراکز دانشگاهی و مدارس متعددی در استان‌های مختلف چین به آموزش قرآن و مفاهیم آن توجه دارند. دانشکده قرآن پکن معروف‌ترین دانشکده اسلامی چین است که در سال ۱۹۸۲ میلادی توسط انجمن اسلامی پکن تاسیس شده و در مسجد «دون سی» پکن قرار دارد. کلاس‌های این دانشکده شامل آموزش قرآن، تاریخ اسلام، زبان عربی، زبان چینی، علوم سیاسی، تاریخ و جغرافیاست. «دانشکده قرآنی چین» هم پس از دانشکده پکن عالی‌ترین دانشگاه اسلامی این کشور است که در سال ۱۹۵۵ میلادی توسط انجمن اسلامی چین تاسیس شده است. این دانشکده در ناحیه «شوان او» شهر پکن واقع است. کلاس‌های این مرکز اسلامی شامل قرآن، تاریخ دین اسلام در چین و کشورهای دیگر، زبان عربی و خطاطی عربی است و هر سال قاریان ومبلغان قرآنی بسیاری را به جامعه اسلامی این کشور معرفی می‌کند. انجمن اسلامی چین، نهاد مذهبی مسلمانان چین است که در سال ۱۹۵۳ میلادی تاسیس شد و دفتر این انجمن در ناحیه «شوان او» شهر پکن قرار دارد. در این مرکز نیز آموزش قرآن به طور جدی دنبال می‌شود و نشریه مسلمانان چین آخرین اخبار مربوط به حوزه دین را در سراسر کشور پوشش می‌دهد.

یکی دیگر از مراکز موفق چین در زمینه ترویج علوم قرآنی، مدرسه قرآنی اهل بیت(ع) است که حدود ۱۰۰ طلبه دختر و پسر در آن مشغول به تحصیلند. مدیر این مدرسه (عیسی) از فارغ‌التحصیلان دانشگاه علوم رضوی مشهد است. طلاب این مدرسه در یک دوره چهار ساله با آموزش قرآن کریم، صرف و نحو عربی، آموزش مکالمه عربی، عقاید، تاریخ، اخلاق، تفسیر و تربیت اسلامی آشنا می‌شوند. علاوه بر کلاس‌هایی که برای طلبه‌های پسر و دختر در مدرسه برگزار می‌شود، برنامه‌هایی هم برای عموم مسلمانان در زمینه‌های قرآن، معارف اسلامی، اخلاق و تربیت قرآنی در نظر گرفته شده است. مخاطب اصلی این کلاس‌ها دانش‌آموزان راهنمایی و دبیرستان، زنان خانه‌دار و مردان شاغلی هستند که پس از فعالیت‌های روزانه خود علاقه‌مندند تا ساعتی را نیز به آموزش قرآن اختصاص دهند. طی سال گذشته نیز نخستین مرکز قرآنی در استان لینشا با نام «روضه یاسین» آغاز به کار کرد. مرکز قرآنی روضه یاسین در ساختمانی مجهز و با امکاناتی مانند نمازخانه، سالن‌های مراسم و مناسبات دینی، مدرسه آموزش قرآن کریم، بخش اداری و سالن غذاخوری شروع به کار کرده، که با کمک مالی کمیته جهانی حفظ قرآن کریم و جمعی از نیکوکاران شهر لینشای چین ساخته شده است. مرکز جهانی علوم اسلامی کشورمان نیز قصد دارد در آینده‌ای نزدیک، یک مدرسه قرآنی در چین راه‌اندازی کند که در آن کلاس‌های قرآنی برای بانوان اهمیت بسیاری خواهد داشت و به طور خاص به مقوله آموزش علوم قرآنی به زنان مسلمان چینی پرداخته خواهد شد.

> **دانشکده قرآنی چین پس از دانشکده پکن عالی‌ترین دانشگاه اسلامی این کشور است که در سال ۱۹۵۵ میلادی توسط انجمن اسلامی چین تاسیس شد**

مسابقات قرآنی در چین

از سال ۱۹۹۵ انجمن اسلامی چین، هر دو سال یک بار مسابقات تلاوت قرآن کریم را برگزار می‌کند و ۲۰ نفر از برندگان این مسابقه به مسابقات بین‌المللی تلاوت قرآن کریم راه پیدا می‌کنند. افرادی که در این مرحله با یکدیگر به رقابت می‌پردازند برگزیدگان مسابقات مقدماتی شهرهای مسلمان‌نشین چین هستند و به عنوان نفرات برتر از منطقه خود انتخاب می‌شوند.

به دلیل گستردگی کشور چین و پراکندگی جمعیت مسلمان، این مسابقات فرصتی را برای مسلمانان چین ایجاد می‌کند تا بتوانند به تبادل آراء و ارتباط با یکدیگر بپردازند. برگزاری مسابقات بین‌المللی قرآن نیز زمینه‌ای شده تا سطح کلی مسلمانان چین در ارزیابی و ارزش‌گذاری به تلاوت قرآن به صورت تدریجی افزایش یابد تا جایی که برخی از آنها در این زمینه به سطح تخصصی هم رسیده‌اند. با تحکیم روابط فرهنگی میان چین و کشورهای اسلامی بستری فراهم شد تا قاریان این کشور بتوانند حضور پررنگ‌تری در مسابقات بین المللی داشته باشند. چین طبق آمارهای رسمی بیش از ۲۲ میلیون مسلمان دارد و ده‌ها هزار روحانی و عالم دینی در بیش از ۴۰ هزار مسجد در سراسر این کشور به ترویج آموزه‌های قرآن کریم در میان مسلمانان می‌پردازند. هفتمین دوره مسابقات قرآن چین سال گذشته برگزار شد و نفرات برتر هر رشته به‌مسابقات بین المللی فرستاده شدند.

> **هر دو سال یک بار مسابقات تلاوت قرآن برگزار می‌شود و ۲۰نفر از برندگان این مسابقه‌به‌مسابقات بین‌المللی تلاوت قرآن کریم راه پیدامی‌کنند**

فرهنگنامه قرآنی

بزرگ‌ترین فرهنگنامه موضوعی قرآن به زبان چینی از سوی پروفسور «یحیی لین‌سونگ» مترجم چینی قرآن و با همکاری ۴۰ تن از اندیشمندان جوان چینی تدوین می‌شود. پروفسور لین‌سونگ در این‌باره می‌گوید: «با توجه به اینکه قرآن اولین پایه و اساس تنظیم قانون اساسی و قانونگذاری کشورهای اسلامی و نیز راهنمای زندگی دنیوی و اخروی حدود یک میلیارد و ۳۰۰میلیون مسلمان بوده و سند زنده‌ای است که دانشمندان شرقی و غربی برای آگاهی از تعالیم و اصول اسلامی و نحوه زندگی مسلمانان به آن مراجعه می‌کنند، از این‌رو مصمم شدم تا برای کمک به خوانندگانی که می‌خواهند قرآن را از همه جهات بررسی کنند، دایره‌المعارف موضوعی قرآن را تالیف کنم». البته تاکنون لغت‌نامه‌های قرآنی زیادی برای چینی‌ها منتشر شده اما همه آنها تقریبا راهنمای موضوعی دارند؛ یعنی اگر کسی بخواهد کلمه‌ای را در فصل یا بخشی خاص بیابد یا از تعداد تکرار آن مطلع شود می‌تواند به این راهنما مراجعه کند اما این اطلاعات بدون هیچ توضیحی نوشته شده‌اند و اطلاعات کافی در اختیار خواننده قرار نمی‌دهند. این فرهنگنامه به‌صورت موضوعی تدوین و واژه‌های قرآنی همراه با تلفظ لاتین آنها و مونث، مذکر، مفرد یا جمع بودن کلمه در آن ذکر شده است.

مشکلات مسلمانان

اما با همه اقدامات صورت گرفته هنوز مشکلات زیادی در راه ترویج قرآن در میان ۲۲میلیون مسلمان چینی وجود دارد. دولت این کشور روی خوشی به علاقه‌مندان دین اسلام نشان نمی‌دهد و حتی گاهی از فعالیت‌های بعضی از مراکز قرآنی هم جلوگیری می‌کند. سال گذشته مقامات چینی در منطقه مسلمان‌نشین سین‌کیانگ یک معلم قرآن زن و ۳۷ دانش‌آموز او را که سن برخی به هفت سال می‌رسید، به دلیل قرائت قرآن دستگیر کردند. آمینان مومیشی ۵۶ ساله در منزل خود مشغول تدریس قرآن به دانش‌آموزان هفت تا ۲۰ ساله بود که پلیس ناگهان وارد خانه وی شده و او را دستگیر کرد. دانش‌آموزان وی که بیشتر آنها را کودکان دبستانی تشکیل می‌دادند نیز همراه وی دستگیر شده و برخی از آنها همچنان در بازداشتند. پلیس چین همچنین ۲۳ جلد قرآن، ۵۶ جلد کتب دینی اسلامی، یک دستخط و برخی اقلام مذهبی دیگر را از این افراد ضبط کرد. خانواده این کودکان فقط خواستار آموزش ارزش‌های اخلاقی قرآن به فرزندانشان بودند. آنها فقط می‌خواستند فرزندانشان قرآن را که اساسی‌ترین کتاب دینی مسلمانان محسوب می‌شود در تعطیلات تابستانی خود بیاموزند. پلیس چین به دلیل ادعای خودمختاری این منطقه، با مسلمانان برخورد مناسبی ندارد ولی با همه این مشکلات، مسلمانان این منطقه همچنان مشتاق یادگیری کلام وحی هستند و آن را برای خود فریضه می‌دانند.

منابع: www.chinatoday.com
http://islaminchina.wordpress.com
خبرگزاری ایکنا - خبرگزاری مهر

▲ آموزش قرآن در چین باوجود همه مشکلات و موانع هیچ‌وقت متوقف نشده است

▲ مسلمانان چینی جلسات قرآن را با جدیت دنبال می‌کنند

گفت‌وگوی کوتاه

علی دلیشا طلبه چینی مقیم قم، از علاقه مسلمانان چینی به کتاب وحی می‌گوید

آموزش قرآن در خانواده‌های چینی

علی دلیشا، چهار سالی می‌شود که در شهر قم ساکن است و در حوزه علمیه این شهر تحصیل می‌کند. او از کمبود مراکز قرآنی در کشور چین می‌گوید و اینکه دولت این کشور تمایل چندانی به گسترش و آموزش قرآن در میان مسلمانان و دیگر شهروندان چینی ندارد. علی در مدتی که در ایران بوده، توانسته با کمک هم‌حجره‌ای‌هایش قرآن را بهتر از قبل بخواند. وقتی از او نام چینی‌اش را می‌پرسم، می‌گوید اسمش از اول علی بوده ولی نام فامیلی‌اش دلیشاست که در فارسی به معنای «دلشاد» است.

آقای دلیشا، تا آنجا که ما خبر داریم بیش از ۲۰میلیون نفر مسلمان در چین زندگی می‌کنند که بین ده تا ۲۰ هزار نفر آنها پیرو مذهب تشیع هستند. نحوه ارتباط هموطنان شما در حال حاضر با قرآن چطور است؟

ما در کشورمان چند دانشگاه داریم که علوم اسلامی و قرآنی هم جزو رشته‌های آموزشی آنهاست و بخشی از این آموزش‌ها در آنجا انجام می‌شود اما استان (ارومچی) در جنوب چین، پایگاه اصلی آموزش قرآن است. مدرسه «جامعه المصطفی» دراین استان جنوبی، سال‌هاست که به ترویج فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام و آموزش کتاب وحی می‌پردازد و تعدادی از اساتید قرآن این مرکز هم ایرانی‌اند. در ضمن هر دو سال یک بار، مسابقات قرآن در استان‌های مختلف مسلمان نشین برگزار می‌شود و علاقه‌مندان قرآن، آخرین اخبار مربوط به علم قرائت در کشور را از این راه دنبال می‌کنند.

پس با این حساب الان قاریان زیادی در چین داریم؟

نسبت به چند دهه پیش بله، پیشرفت‌هایی حاصل شده اما در کل، به نسبت جمعیت مسلمان چین هنوز راه زیادی مانده تا بتوانیم قاریانی در سطح بین‌المللی داشته باشیم.

وضعیت آموزش قرآن و مراکز قرآنی با توجه به مشکلات موجود چطور است؟

اولا تعداد مراکزی که قرآن را به روش اصولی آموزش دهند، خیلی کم است و بیشتر مسلمان‌ها قرآن را از دیگر اعضای خانواده‌شان یاد می‌گیرند؛ یعنی آموزش قرآن بیشتر به شکل سنتی و سینه به سینه انجام می‌شود؛ مثلا من خواندن قرآن را از پدر و پدربزرگم یاد گرفتم. انیا دولت چین علاقه چندانی به گسترش فرهنگ اسلامی ندارد. اگر یک گروه مبلغ اسلامی بخواهد قرآن را در میان مسلمانان ترویج بدهد، باید از مراجع ذی‌صلاح دولتی مجوز بگیرد که آن هم داستان پیچیده‌ای دارد. بعد از کلی دوندگی شما باید مسؤولان را راضی کنید تا بتوانید یک مرکز قرآنی تاسیس کنید. آنها روی آموزش‌هایی از این قبیل خیلی حساسند و باید مطمئن شوند که چه نوع دروسی در این مراکز آموزش داده می‌شود. خلاصه، قوانین دست و پاگیر زیاد است.

فکر می‌کنی روزی برسد که چینی‌ها بتوانند مثل دیگر رشته‌ها، در قرآن هم حرفی برای گفتن داشته باشند؟ آنها نشان داده‌اند که پشتکار خوبی دارند.

بله، ما نماینده‌هایی در مسابقات جهانی قرآن داشته‌ایم و این می‌تواند به پیشرفت قاریان و حافظان چینی کمک کند. آنها از این راه با بهترین قاریان قرآن جهان آشنا می‌شوند و تکنیک‌های تلاوت صحیح را یاد می‌گیرند. من هم وقتی به ایران آمدم، قرآن را به شکل سنتی می‌خواندم اما حالا با کمک هم‌حجره‌ای‌هایم قرآن را صحیح‌تر و روان‌تر می‌خوانم.

برای اطلاع

داستان چین و ماچین

ایران باستان سرزمین بزرگی بود؛ آن‌قدر بزرگ که از شرق و شمال شرق با چین همسایه بود و از غرب با روم و از جنوب شرق با هند.

هر سرزمین ایرانی را که همسایه و هم‌مرز با خارج بود، به نام آن همسایه می‌نامیدند. سرزمین ایرانی همسایه روم، روم نامیده می‌شد و سرزمین همسایه چین بزرگ، چین خوانده می‌شد. به کشور بزرگ چین، ماچین می‌گفتند؛ یعنی مهاچین یا چین بزرگ که با چین کوچک ایرانی فرق داشته باشد.

بیش از ۲۰میلیون مسلمان در چین زندگی می‌کنند که به دلیل سابقه همسایگی با ایران بسیاری از آنها زبان فارسی را خوب می‌دانند. امام جماعت یکی از مساجد چین می‌گوید: «امام اگر فارسی نداند، امام نیست». رهبر شیعیان چین بر این باور است که زبان فارسی، زبان دین ماست؛ چرا که در تمام مدرسه‌های اسلامی چین آنها که می‌خواهند پیشوا و رهبر مذهبی شوند، نخستین شرط آن است که زبان فارسی بدانند زیرا تمامی کتاب‌های اصلی مدرسه‌های اسلامی چین به زبان فارسی است.

آنچه خواندید، گزیده کوتاهی بود از مطلبی با عنوان «داستان چین و ماچین» که در ویژه‌نامه شماره یک «سرزمین من» به چاپ رسیده بود.



ضمیمه قرآنی ویژه مشترکین همشهری جوان / نیمه اول مهر ۱۳۸۸

آیه‌های قرآن و روایات، صبر را نشانه مومن و خشم را نشانه شیطان می‌دانند

لطفا آمپر نچسبانید!

محبوبه شـــعاعی

کارد می‌زدی خونش در نمی‌آمد. رگ‌های گردنش ورم کرده بود. دهانش را باز کرد و هر چه خواست نثار طرف مقابل کرد. به فکرش نرسید که تک تک جمله‌هایی که از دهانش بیرون می‌آید، تیشه به ریشه سال‌ها رفاقت می‌زند. خشم در چند دقیقه توانست صمیمیت چند ساله را نابود کند؛ مثل یک زلزله چند ریشتری! پیدا کردن رد و نشان خشم در جامعه امروز، کار دشـواری نیست. کافی است نگاهی ساده به دوروبرمان بیندازیم تا ببینیم این خشم چگونه می‌تواند هنجارهای اجتماعی را نابود کند و ما انسان‌ها را به جان هم بیندازد. ذره بین نیاز ندارد؛ با چشم غیرمسلح هم می‌توان دید تیشه خشم، ریشه چه خانواده‌هایی را نابود کرده‌است؛ خشمی که با کمی صبر و جرعه‌ای تحمل، می‌توان به آسانی از کنارش گذشت. دادگاه خانواده همه چیز را لو می‌دهد! به وضوح نشان می‌دهد که خشم، اصلی ترین عامل ایجاد اختلافات خانوادگی بین زوج‌های جوان است. هر چند طبق آمار، اعتیاد و فقر مهم‌ترین عوامل طلاق در کشور ما هستند اما خشم‌های «آنی» و غیرقابل کنترل در نتیجه اتفاق‌های ساده و معمول زندگی، آتش اختلاف را در بسـیاری از خانواده‌ها شعله‌ور و پای زنان و مردان بسیاری را به دادگاه باز کرده است. برای بررسـی این پدیده و راهکارهای کنترلش، هیچ منبعی بهتر از قرآن و روایات اهل‌بیت(ع) وجود ندارد.

خشـم و صبر را نمی‌توان از هم جدا کرد. انسـان اگر صبور باشـد، می‌تواند مقابل خشم دوام بیاورد وگرنه دست بسته در اختیارش قرار می‌گیـرد. به همین دلیل است که در آیات قرآن و روایات دینی، این دو مفهوم همیشه در مقابل هم قرار گرفته‌اند؛ مثلا پیامبر اکرم(ص) در روایتی فرموده‌اند: «مومن باید دو ویژگی داشته باشـد؛ اول تقوایی که او را از گناه بـازدارد و دوم صبر و حلمـی که جلوی خشـمش را بگیرد». البته ایـن نکته را هم نبایـد فراموش کرد که «حلم» بـا «کظم غیظ» تفـاوت دارد. آنهایی که کظم غیظ می‌کنند در مواقعی که خشمگین می‌شوند، با ذکر خدا عصبانیت خود را فرومی‌برند اما آنهایی که حلمشان بالاست، آستانه تحملشـان آن‌قدر زیاد است که به این زودی‌ها از کوره درنمی‌روند. البته این حلم را خدا به هر کسـی نمی‌دهد. حتما می‌دانید که یکی از ویژگی‌های خداوند «حلیم»بودن است.

فکر می‌کنید اگر خدا زود از دسـت گناهان ما عصبانی می‌شـد، چه اتفاقی می‌افتاد. پس همیشه از خدا حلم بخواهید تا کارتان به خشم نیفتد.

این خشم لعنتی!

ملااحمد نراقی در کتاب «معراج السـعاده» خشـم را این‌گونه تعریف کرده است: «خشم و غضب عبارت است از یک حالت نفسـانی که باعث حرکت روحی حیوانی می‌شـود و هرگاه شـدید شـد، باعث حرکت شدیدی می‌شـود که از آن آتشـی تولید می‌شـود و نور عقل را خاموش می‌کنـد؛ برای همین، موعظـه و نصیحت در آدم غضبناک اثـر نمی‌کند و حتی ممکن اسـت پند و موعظه، غضبش را شـدیدتر کند. غضب از دید اخلاق اسـلامی از مهلکات و آفات خطرناک اسـت و احتمال دارد باعث هلاکت همیشگی شـود». مرحوم نراقی در ادامه روایتی را از پیامبر اکرم(ص) بیان می‌کند؛ «غضب ایمان را فاسد می‌کند، چنان که سرکه عسل را ». مثال بهتر از این می‌خواهید؟ پس به ما حق دهید که خشـم را به زلزله چند ریشتری تشبیه کنیم که ایمان و عقل را با هم نابود می‌کند.

حدیثی از امام صـادق(ع) در کتـاب «اصول کافی» درباره خشـم آمده اسـت؛ «غضب کلید همه شرها و بدی‌هاست». آیت‌الله ری‌شهری هم در میزان الحکمه نوشته: «خشم و غضب در روایات به تبعیت از شیطان و جنونی نابودکننده تعبیر شده است». همه این روایات را که کنار هم بگذاریم، متوجه می‌شویم که چرا خداوند وقتـی موسـی را برانگیخت، بـه او دسـتور داد بدون عصبانیت و با زبان نرم با فرعون سخن بگوید. در سوره طه در آیه‌های ۴۳ و ۴۴ آمده است: «اذهبا الی فرعون، انه طغی فقولا لـه قولا لینا». امام صـادق(ع) در این‌باره فرموده‌اند: «خداوند متعال، ملایم اسـت و ملایمت را دوست دارد و پاداشـی که به آن می‌دهد، به خشونت و سختگیری نمی‌دهد» و ادامه داده‌اند: «پدرم امام باقر(ع) می‌فرمود سـخت‌تر از غضب چه چیز است؟ همانا مرد، غضب می‌کند و بر اثر آن مرتکب گناهانی مانند کشتن ناحق و تهمت به زن پاکدامن می‌شود».

همین آیات و روایات باید مانند یک زنگ هشدار برای ما باشد که زود از کوره درمی‌رویم!

نشانه مومنان

قرآن کریم یکـی از مهم‌ترین ویژگی‌های انسـان‌های پارسا را کظم غیظ می‌داند. در آیه ۱۳۴ سوره آل عمران آمده است: «والکاظمین الغیظ و العافین عن الناس والله یحب المحسـنین/ مومنان در هنگام عصبانیت، خشم خود را فرو می‌برند و از خطای مردم در می‌گذرند و خدا نیکوکاران را دوسـت دارد». «کظم» در لغت به معنی بستن سر مشکی اسـت که از آب پر شده باشد و به‌طور کنایی در مورد کسانی به‌کار می‌رود که از خشم و غضب پر می‌شوند ولی از بروز آن خودداری می‌کنند. «غیظ» هم به معنی خشـم و غضب شـدید و حرارتی است که انسان آن را از فوران و جوشـش خون قلبش می‌فهمد. اصطلاح «کظم غیظ» هم یعنی خودداری از اظهار خشم و نگه‌داشـتن آن در دل. امام کاظم(ع) که خود اسوه‌ای است در کظم غیظ و اصلا از این رو کاظم(ع) نامیده شده، در این‌باره می‌فرماید: «هر که خشم خود را از مردم باز دارد، خداوند متعال در روز قیامـت قلبش را از ایمان و امنیت و سلامتی پرخواهد کرد».

امام صادق(ع) هـم در این‌بـاره فرموده‌اند: «مؤمن کسی است که اگر غضب کند، غضبش او را از حق بیرون نمی‌برد و اگر خشنود شود، خشنودی‌اش او را به باطل نمی‌کشاند؛ اگر قدرت یافت هم بیش از حق خود دریافت نمی‌کند» و ادامه داده‌اند: «چه خوب جرعه‌ای است صبر و شکیبایی که بر خشمی صورت گیرد، زیرا اجر بزرگ برای بلای بزرگ اسـت و خدا مردم را دوست ندارد جز آنکه آنها را گرفتار کنـد». حضرت در پایان این روایت، وعده بخشـش الهی را به فرو برندگان خشـم داده‌اند؛ «بنده‌ای نیست که خشـم خود را فرو خورد جز اینکه خدای عزوجل عزت او را در دنیا و آخرت بیفزاید».

البته فرو بردن خشـم، علاوه بر آنکه نشانه مومنان است، نشـانه قدرتمند بودن هم هسـت. در حدیثی از رسول خدا(ص) آمده است: «قوی‌ترین شما کسی است که در موقع غضب، مالک نفس سـرکش خود باشـد». در «تحف العقول» آمده که مردی نـزد پیامبر(ص) آمد و گفت: «به من سفارشی کن». حضرت فرمود: «خشم مکن». مرد باز درخواست نصیحت کرد. پیامبر(ص) دوباره فرمود: «خشم مکن». برای بار سـوم هم این اتفاق رخ داد. حضرت در نهایت فرمـود: «پهلوانی به زمین زدن حریف نیست بلکه پهلوانی آن اسـت که هنگام خشم خودداری کنید».

خشم انسان خشم خدا را درپی دارد

در حدیثی از رسول خدا(ص) آمده است: «قوی‌ترین شما کسی است که در موقع غضب، مالک نفس سرکش خود باشد»

عاقبت از کوره در رفتن

قرار نیست که هر خشمی به دادگاه و قاضی و وکیل ختم شود؛ بیشتر اوقات در زندگی شهری، از کوره دررفتن‌های ما در داد و بیداد و چند فحش آبدار و بد و بیراه به یکدیگر خلاصه می‌شود. اتفاق‌های ساده‌ای مانند اختلاف در کرایه تاکسی، رعایت نشـدن حق تقدم در صف و ده‌ها مسأله ساده دیگر که خودتان بهتر می‌دانید، به آسانی احساس خشم مردم را تحریک می‌کند و باعث درگیری‌های لفظی و فیزیکی می‌شود. البته در روایات هم عاقبت‌های تلخی برای خشم بیان شده است؛ مثلا در «اصول کافی» آمده که خداوند به موسی(ع) گفت: «به زیردستان خود خشم مکن تا از غضب من در قیامت در امان باشی».

آنچه از این سخن فهمیده می‌شود، این است که صورت خشـم و غضب در این دنیـا، صورت آتش خـدا در آن دنیاسـت؛ همان خشـمی که نتیجه‌ای جز سقوط آزاد ندارد. آیه ۸۱ سـوره طه شـاهد این مدعاست؛ «و من یحلل علیه غضبی فقد هوی/ و غضب من بر هر که فرود آید، هلاک خواهد شد». همان‌طور که پیامبر(ص) فرمود: «کسـی که خشـم خود را از مردم باز می‌دارد، خداوند تبارک و تعالی عذاب روز قیامت را از او باز می‌دارد».

انسان خشمگین بازیچه شیطان است

حضرت در حدیث دیگری هـم فرموده‌اند: «غضب، آتش پاره‌ای اسـت از شـیطان که در باطن فرزند آدم اسـت و چون کسی از شما عصبانی شـد، چشم‌های او سرخ می‌شـود و باد به رگ‌های او می‌افتد و شیطان در وجودش داخل می‌شـود». خداوند می‌خواهد خشم و غضب در اختیار انسان باشد، نه انسـان در اختیار آن؛ برای همین بیشتر مفسـران معتقدند در آیه ۱۳۴ آل عمران خداوند به طور غیرمستقیم اشاره کرده است که خشم هرازگاهی به طور طبیعی سراغ انسان می‌آید که باید آن را کنترل کرد.

گاهی آمپر بچسبان!

غضب هم ماننـد بیشـتر عادت‌های انسـانی خوب و بد دارد. با مـرور آیه‌های قرآن و روایـات به این نتیجه می‌رسیم که باید در مسائل شخصی صبور باشیم؛ مثلا در بحارالانوار آمده که امام سجاد(ع) مشغول شستن سر و روی خود بود. فردی که داشت آب می‌ریخت، ناگهان ظرف از دستش رها شد. ظرف روی سر امام افتاد و باعث خونریزی شـد. امام با لبخند فرمودند: «ناراحت نباش! بندگان خدا بسیار صبورند». اصلا به همین دلیل است که واژه صبر و مشتقاتش حدود ۳۰ بار در قرآن آمده و بیشـتر اوقات هم کنار واژه «صلوه» قرار گرفته تا نشان دهد صبوری، مانند نماز از نشانه‌های مومن است. با این حال، قرآن بیان کرده کـه مومنان در مقام دفاع از دین و آرمان‌هایشان سرسختند. در آیه ۲۹ سوره فتح آمده اسـت: «محمد(ص) پیامبر خدا و کسانی که با او هستند بر کافران سختگیرند و با یکدیگر مهربان». مفسران در تفسیر این آیه، به یک روایت اشـاره می‌کنند: «روزی حضرت موسی(ع) از خدا پرسـید در قیامت چه کسانی در سـایه رحمتش خواهند بود؟ خداوند فرمود کسانی که هرگاه حرام‌های من حلال شمرده شود، مانند پلنگ زخم‌خورده، خشـمناک می‌شوند». در سـیره رسول خدا(ص) هم آمده است: «آن حضرت برای امور دنیا هرگز عصبانی نمی‌شد اما هرگاه برای حق غضبناک می‌شد، احدی را نمی‌شـناخت و خشـم پیامبر آرام نمی‌شد تا اینکه حق را یاری کند».



خشم، عقل را از بین می‌برد

تصویرسازی: روزبه سخاوتمندی

چند توصیه از اهل بیت(ع) برای مقابله با خشم و غضب

خشمت را قورت بده!

چندین توصیه کاربردی در روایات دینی ما برای مواقع خشم و غضب آمده است. به کارگیری این چند فرمان می‌تواند در کنترل خشم، کمک بزرگی به ما بکند.

امام صادق(ع) فرمود: «خدای عزوجل به یکی از پیامبرانش وحی کرد که ای فرزند آدم! مرا در هنگام خشمت یاد کن تا من هم تو را در هنگام خشمم یاد کنم. هرگاه مورد ستمی قرار گرفتی، به انتقام گیری من از آن ستمکار خشنود باش زیرا انتقامی که من به نفع تو می‌گیرم، بهتر از انتقامی است که تو خود می‌گیری».

وضو بگیر!

حتما می‌دانید که روان‌شناسـان می گویند هنگام عصبانیت با آب سـرد دست و صورت خود را بشویید. پیامبر اکرم(ص) هم توصیه‌ای به این مضمون دارد: «اگر یکی از شما دچار خشم شد و خشمش فرو ننشست، با آب سـرد وضو بگیرد و دست و صورت خود را شست‌وشو دهد».

تغییر موقعیت بده!

گاهی اوقات یک تغییر موقعیت سـاده می‌تواند خشـم انسـان را فرو برد. حتما می‌دانید که امیرالمومنین(ع) در جنگ خندق وقتی خواست عمرو بن عبدود را به هلاکت برساند، از سوی وی مورد اهانت قرار گرفت. حضرت چند لحظه قدم زدند تا خشمشان را فرو برند، بعد بدون خشم و کینه شخصی و فقط در راه رضای خدا او را به هلاکت رساندند.

امام صادق(ع) هم در حدیثی که در «وسائل‌الشیعه» آمده، فرموده‌اند: «همانا غضب شراره‌ای از شیطان است که در قلب آدمی افروخته می‌شود. چنین است که چون یکی از شما خشمگین شود، چشم‌هایش سـرخ و رگ‌های گردنش برآمده شده و شیطان درونش داخل می‌شـود. پس اگر کسـی از این حالت بترسد، باید هنگام عصبانیت بر زمین بنشیند و اگر نشسته بود هم باید بلند شود و چند قدم راه بود. این کار، پلیدی شیطان را از تو دور می‌کند».

از خدا بترس!

خداترسی می‌تواند کمک بزرگی برای کنترل خشم باشد. در تاریخ آمده که تعدادی از حواریون به عیسـی(ع) گفتند: «از چه چیزی بترسـیم؟». عیسـی(ع) پاسخ داد: «سخت‌ترین چیزها غضب خداوند است». حواریون دوباره سؤال کردند: «چگونه باید از غضب خدا پروا کنیم؟». حضرت فرمود: «بـه یکدیگر غضب نکنید تا مورد خشم خدا قرار نگیرید».

بر خودت خشم کن!

لازم نیست که همیشه از دست دیگران خشمگین شویم؛ اتفاقا یکی از مواردی که خشم در آن توصیه شده، «خشم بر خود» است. پیامبر اکرم(ص) در این‌باره فرموده‌اند: «هر که به جای خشم بر دیگران، نفس خود را مورد سرزنش قرار دهد، خداوند او را از عذاب و خواری قیامت ایمن می گرداند».





ضمیمه قرآنی ویژه مشترکین همشهری جوان / نیمه اول مهر ۱۳۸۸

روایات دینی ما شهادت می‌دهند که اهل‌بیت(ع) بسیار کم خشمگین می‌شدند

اسطوره‌های صبر

روزی یک مسـیحی با خشم سـراغ امام باقر(ع) آمد و به آن حضرت جسارت کرد و گفت: «انت البقر/ تو گاو هستی». امام بدون اینکه خشمگین شود، فرمود: «لا، انا باقر/ نه، من باقرم». مسیحی با خشم بیشـتری برای تحقیر گفت: «تو پسر آن زن آشپز هستی؟». امام فرمود: «آری مادرم یک بانوی آشپز بود». مرد گسـتاخی را ادامه داد و برای اینکه امـام را عصبانی کند، دوباره گفت: «تو پسر زنی سیاه چرده، زنگی و دشنام‌گو هستی». امام پاسخ داد: «اگر تو راست می گویی، خدا مادرم را بیامرزد و اگر دروغ می‌گویی، خداوند تو را ببخشد». مرد مسیحی وقتی آن بردباری و حلم بی‌پایان امام را مشاهده کرد که با این اهانت‌ها خشمگین نشد و کاملا بر نفس خود مسلط بود، شهادتین برزبان جاری کرد و مسلمان شد.

***

روزی مفضل - یکی از یاران خاص امام صادق(ع) - در مسجد پیامبر(ص) مشغول نماز بود. همان لحظه دو نفر در حال گفت‌وگو وارد مسجد شدند. آنها درباره مسـأله نبوت سخن می‌گفتند و پیامبر را فردی نابغه می‌دانستند که برای ایجاد تحول در جامعه برانگیخته شد. ناگهان مفضل شـنید که آنها بین سخنان خود شبهه‌ای هم به بحث نبوت وارد کردند و گفتند پیغمبر(ص) خودش عامل به سخنانی که می‌گفت، نبود. مفضل این جمله‌ها را که شنید از کوره در رفت، نمازش را شکست و با پرخاش و خشم از آن دو مرد خواست از مسجد بیرون روند. مردان با تعجب به مفضل گفتند: «تو از چه کسی تبعیت می‌کنی؟». گفت: «جعفر بن محمد». آنها با تعجب گفتند: «اگر از جعفر بن محمد پیروی می‌کنی، بدان که ما در حضور او این حرف‌ها را می‌گوییم و حتی بر ضد خدا استدلال می‌کنیم ولی ایشان نه‌تنها عصبانی نمی‌شود بلکه به دقت گوش می‌دهد؛ به گونه‌ای که گمان می‌کنیم، حرف‌های ما را پذیرفته اسـت اما پس از آن با متانت پاسـخ حرف‌های ما را می‌دهد و با استدلال‌های منطقی‌اش ما را قانع می‌کند».

***

امیرالمؤمنیـن(ع) روزی به غلام خود قنبر دسـتور دادند بر مردی حد شرعی جاری کند. قنبر به دلیل عصبانیت سه تازیانه بیشتر زد. حضرت به عنوان قصاص سه تازیانه به قنبر زد و فرمود: «قصاص حق‌الناس است؛ باید بدانی حدود الهی که در مواردی معین اجرا می‌شود، خشونت نیسـت بلکه عدالت است و برای ایجاد امنیت وضع شده است».

برای اطلاع

عصبانیت در زندگی بزرگان و اولیاء خدا جایی ندارد

زندگی منهای خشم



محمد قاضی طباطبایی- نوه آیت‌الله سـید علی قاضی - سال‌ها در شـهر قم با علامه طباطبایی همراه بود. او درباره تسلط علامه طباطبایی بر قوه خشم می گوید: جناب علامه همیشه چند ساعت مانده به اذان، به سوی حرم حضرت فاطمه معصومه(س) حرکت می‌کردنـد. روزی من در راه ایشـان را دیدم و با اشتیاق همراهشان شدم. علامه، تفسیر المیزان را تازه به پایان رسانده بود و خیلی‌ها از این موضوع خبر داشتند. در مسیر مشغول صحبت بودیم که ناگهان جوان دوچرخه سواری با سرعت از پشت آمد و با شدت به علامه برخورد کرد. علامه روی زمین افتاد و عمامه‌شان چند متر آن طرف‌تر پرت شد. من با سرعت سراغ ایشان رفتم و دستشان را گرفتم تا از زمین بلند شود. جوان دوچرخه سوار با عصبانیت فریاد زد: «آشیخ! حواست کجاست؟ چرا درست راه نمی‌روی؟». من خشمگین شدم و خواسـتم حق آن جوان گستاخ را کف دستش بگذارم اما علامه دسـتم را گرفت و با آرامش به دوچرخه سوار گفت: «شـرمنده‌ام برادر، حلالم کن!». باور نمی کردم که ایشـان تـا این حد به خودش مسلط باشد. استاد عمامه‌اش را از زمین برداشت، لباس‌هایش را تکاند و رو به من گفت: «برویم تا به نماز برسیم».

استاد عذرخواهی کرد



آیت‌الله العظمـی گلپایگانی بسیار مهربان و خوش‌اخلاق بودند. کمتر کسی عصبانیت ایشان را دیده بود. نزدیکانشان می گویند روزی یکی از طلبه‌ها هنگام درس با جسـارت از استاد اشکال گرفت. آقا ناراحت شد و با عصبانیت با وی برخورد کرد. فـردای آن روز به اطرافیانش گفت که آن طلبه را نزد من بیاورید. وقتی طلبه را نزد ایشان بردند، استاد عذرخواهی کرد و یک قبا به او هدیه داد. آن وقت اطرافیانش را این گونه نصیحت کرد: «صبر هدیه خدا به مردم است. مراقب باشید خشم بر شما چیره نشود».

کاسه صبرتان لبریز نشود



یکی از شاگردان شیخ رجبعلی درباره سفارش‌های استاد به صبر و دوری از خشم، حکایت زیبایی را بیان می کند که بسیار جالب است: روزی، فرزنـد دو سـاله‌ام در منـزل ادرار کرد. مادرش چنان او را زد کـه نزدیک بود نفس بچه بند بیاید. همسـرم پس از یک ساعت تب کرد و تب آن‌قدر شدید شد که مجبور شدیم به پزشک مراجعه کنیم. در شرایط اقتصادی آن روز ۶۰تومان پول نسخه و دارو شد ولی تب قطع نشد. شب هنگام جناب شیخ را سـوار ماشین کردم تا به جلسـه برویم. همسـرم هم در ماشین بود. شیخ رجبعلی خیاط که سوار شـد، نگاهی کرد و خطاب به همسـرم فرمود: «بچه را که آن‌طور نمی‌زنند، اسـتغفار کن! از بچـه دلجویی کن و چیزی برایش بخر؛ خوب می‌شوید. نباید این‌قدر زود کاسه صبرتان لبریز شـود و عصبانی شوید. صبر نشانه مومن است». چنین کردیم و شکر خدا تب همسرم قطع شد.

نقاشی‌خط، زیبایی بصری آیات نور را سخاوتمندانه به بیننده هدیه می‌دهد

نگاره‌های رنگی بر کرانه‌های خطاطی

محبوبه شعاعی

هنر زیباست؛ این را همه می‌دانیم. زیبایی‌اش را قطعا از خالقش به ودیعه دارد. حال چرا نیاییم و این زیبایی را خرج کلام خود خالق کنیم و این دقیقا به این معناست که بیاییم و آیات قرآن را با این زیبایی‌ها عجین سازیم و تصاویری بدیع از این کلام آسمانی خلق کنیم. یکی از هنرهای اسلیمی و جذاب که به شدت در خدمت قرآن قرار گرفته، تذهیب است. گاهی درک خوشنویسی به عنوان یک هنر مشکل است. به نظر می‌رسد برای درک و لذت بردن از تجربه بصری خوشنویسی باید بدانیم خوشنویس افزون بر نگارش یک متن سعی دارد اثری هنری با ارزش‌های زیبایی شناختی خلق کند. از این رو خوشنویسی با نگارش ساده مطالب و حتی طراحی حروف و صفحه آرایی متفاوت است. این هنر تقریبا در تمام فرهنگ‌ها به چشم می‌خورد اما در مشرق زمین و به‌ویژه در سرزمین‌های اسلامی و ایران در قله هنرهای بصری واقع است. خوشنویسی اسلامی و بیش از آن خوشنویسی ایرانی تعادلی است حیرت‌انگیز میان تمامی اجزا و عناصر تشکیل دهنده آن. تعادل میان مفید و مورد مصرف بودن از یک سو و پویایی و تغییر شکل یابندگی آن از سوی دیگر؛ تعادل میان قالب و محتوا که با آراستگی و ملایمت تام و تمام می‌تواند شکل مناسب را برای معانی مختلف فراهم آورد. حال بیایید و این دو هنر زیبا را در کنار هم و یک جورهایی تلفیق شده با هم در نظر بگیرید آیا دیگر چیزی از زیبایی باقی مانده که بخواهید؟!

هادی آقامیری از آن دسته هنرمندانی است که کار هنری خودش را در سـال ۶۷ با هنر نقاشی آغاز کرده و در سه رشته خوشنویسی، نگارگری و نقاشیخط ادامه داده. این آخری همان تلفیقی است که درباره‌اش صحبت کردیم. او خوشنویسی را با خط نستعلیق شروع کرده ولی وقتی عزمش را جزم کرد تا نقاشی خط کار کند آن هم آیات قرآن را، خط ثلث را انتخاب کرد. وقتی علت را پرسیدیم گفت: «قرآن با خط ثلث هم زیباتر است و هم جذاب تر. ریتم، فرم و فضا سازی‌هایی که با ثلث می‌شود ایجاد کرد با نستعلیق نمی‌شود. اصلا با ثلث هم زیبایی بصری قرآن و هم زیبایی محتوایی‌اش بیشتر آشکار می‌شود». به قدری کارهایش چشم‌نواز است که ما را از همان نمایشگاه قرآن شیفته خود کرد. آیه آیه از قرآن با تکنیک گواش و مرکب با خط ثلث و تذهیب جذاب از تابلوهایش کاری نو را به وجود آورده که هم چشم‌نواز است و هم خواستنی.



یکی از جذابیت‌های کار آقامیری این است که تلفیقی از هنرها را در کنار هم در خدمت قرآن قرار داده

استفاده از طرح‌های چرخشی و به اصطلاح اهل فن، مدل گیاهی، روشی جذاب در تذهیب است. در این تابلو آیاتی از سوره الرحمن با حالتی چرخشی نوشته شده





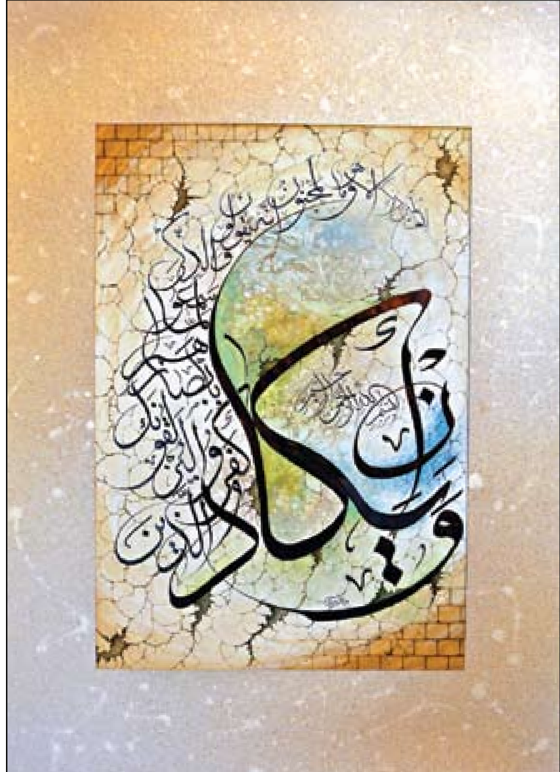
این تابلو خودنمایی خط روی کاغذ است که با همان خط هم تزئین شده. این تزئین جذابیتی ویژه به کار داده است

این هم نمونه‌ای دیگر از مثنی‌نویسی است. آیه‌ای از سوره فرقان با قرینه‌ای لوزی شکل در وسط پشت‌زمینه‌ای از نقوش هندسی اسلیمی واقعا کار زیبایی را خلق کرده. خط بالا و پایین هم که دیگر واضح است: سوره حمد



یکی از تصاویری که در نگارگری بسیار استفاده می‌شود، تصویر گل و مرغ است. پرنده در تذهیب ایرانی سمبل وحی و ارتباط است. کلام خدا همان وحی است

شاید آقا میری از همان اول می‌دانسته که قرار است چه‌کار زیبایی ارائه کند برای همین هم آیه چشم زخم (و ان یکاد) را نوشته‌است



اگر بخواهی در نگارگری قداست را نشان دهی باید فضایی زیبا از آسمان را نقاشی کنی؛ آن هم بازی‌های هوشمندانه با قلم و رنگ. ترکیب رنگ یکی از اصول مهم در جذابیت هنر تذهیب است



این تابلو با آن نیم ترنج‌های کنارش چقدر ملیح است. بدجور به دل می‌نشیند



در آیه ۵۴ سوره اعراف آمده است که «ثم استوی علی العرش»؛ مگر خداوند جسم دارد که بر عرش ایستاده باشد؟

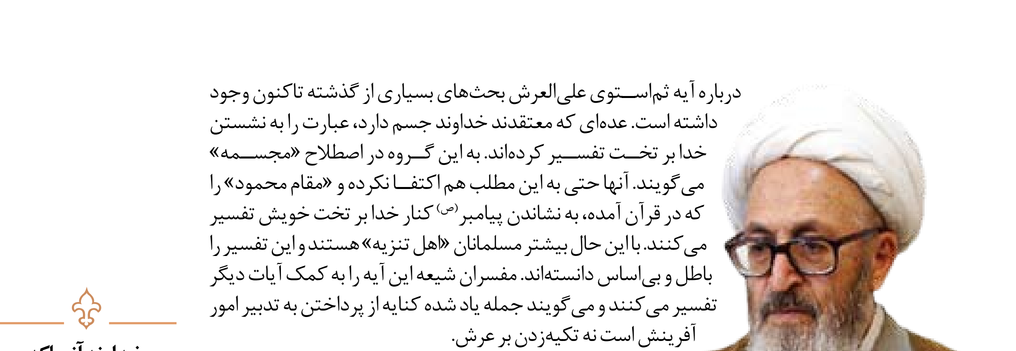
ماهمچنان در اول وصف تومانده‌ایم

پاسخ آیت‌الله جعفر سبحانی به یک پرسش قرآنی



مرضیه احتشام

**در عصری که شبهه‌های دینی روز به روز با قوت بیشتر مطرح می‌شوند، باید با عالمان دین در ارتباط بود تا هرگاه علامت سوال‌های بزرگ در ذهنمان نقش بست از کمک آنها استفاده کنیم. آنهایی که با دنیای مجازی اینترنت سروکار بیشتری دارند، حتما می‌دانند که به تازگی شبهه‌ای قرآنی توسط چندین سایت غیر دینی مطرح شده است. ماجرا درباره یک عبارت است که هفت بار در قرآن تکرار شده: «ثم‌استوی علی‌العرش». عده‌ای آیه فوق را این گونه ترجمه کرده‌اند: «خداوند بر عرش تکیه زده است!». آنها با فرض گرفتن این ترجمه دو سوال را مطرح می‌کنند؛ اول اینکه مگر خداوند جسم دارد که بر عرش تکیه زده باشد؟ اگر این گونه نیست، چرا قرآن چنین عبارتی را آورده است؟ سوال دوم هم این است که اصلا عرش کجاست که خدا بر آن تکیه زده؟
این شماره قصد داریم پاسخ همین سوال را بدهیم اما نه از زبان خودمان. این‌بار پاسخ سوال را از زبان یکی از مراجع تقلید می‌خوانید. آیت‌الله جعفر سبحانی مقاله‌ای را در این‌باره نوشته‌اند که خواندنش پاسخ بسیاری از سوال‌ها را روشن می‌کند.**



درباره آیه ثم‌استوی علی‌العرش بحث‌های بسیاری از گذشته تاکنون وجود داشته است. عده‌ای که معتقدند خداوند جسم دارد، عبارت را به نشستن خدا بر تخت تفسیر کرده‌اند. به این گروه در اصطلاح «مجسمه» می‌گویند. آنها حتی به این مطلب هم اکتفا نکرده و «مقام محمود» را که در قرآن آمده، به نشاندن پیامبر(ص) کنار خدا بر تخت خویش تفسیر می‌کنند. با این حال بیشتر مسلمانان «اهل تنزیه» هستند و این تفسیر را باطل و بی‌اساس دانسته‌اند. مفسران شیعه این آیه را به کمک آیات دیگر تفسیر می‌کنند و می‌گویند جمله یاد شده کنایه از پرداختن به تدبیر امور آفرینش است نه تکیه‌زدن بر عرش.

نگاه لغوی

اگر به‌طور دقیق به کتاب‌های لغت عرب نگاه کنیم، موارد استفاده واژه استوی به درستی مشخص می‌شود. استوی هرگز مترادف با لفظ «جلس» و به معنای نشستن نیست. در زبان عرب دیده نشده آنگاه که بخواهند به یک نفر امر کنند که «بنشینید» بگویند «استوی». این واژه بیشتر درباره اعتدال به کار می‌رود. به این دلیل باید گفت که لفظ استوی دارای معنی خاصی است که گاهی در تناسب و توازن، گاهی در کمال و رشد و گاه در چیرگی جلوه می‌کند. با این حال بهتر است معنی استوی را از خود قرآن به دست آوریم. قرآن واژه استوی را به غیر از مورد عرش و آسمان، در معانی دیگری نیز استفاده کرده که البته همگی صورت‌های مختلف از یک معنی‌اند؛ هر چند در ظاهر یکی هستند. مثلا در مورد حضرت موسی(ع) می‌فرماید: «و لما بلغ اشده و استوی آتیناه حکما و علما / هنگامی که موسی(ع) از نظر قوای جسمانی و بدنی به حد کمال رسید، دانش و حکمت به او دادیم» یا درباره گیاهان آمده: «فاستوی علی سوقه».

> **خداوند آنجاکه بخواهد از توانی حکایت کند که مظهر قدرت، استیلا و تدبیر امور است، کلمه «عرش» را به کار می‌برد**

در این آیه، استوی در کمال جسمانی گیاه و روی پای خود ایستادن به کار رفته؛ به‌گونه‌ای که باد و توفان آن را از جای نکند. درباره کشتی حضرت نوح(ع) نیز آمده است: «و غیض الماء و قضی الامر و استوت علی الجودی / آب فرو نشست. کار پایان یافت و کشتی بر دامنه کوه جودی استقرار یافت».

مسلما مقصود نشستن کشتی بر کوه نیست بلکه هنگامی که کشتی روی آب در حال نوسان و تلاطم بود، با پهلو گرفتن روی تپه به سکون و آرامش و ثبات دست یافت. با توجه به آیات و سخنان اهل لغت، واژه استوی بر اقتدار و استیلا دلالت می‌کند.

عرش کجاست؟

سوال دیگری که باید در دل همین سوال به آن پاسخ دهیم، این است که عرش کجاست؟

درباره عرش تصورات غلطی بین مردم وجود دارد. عده‌ای گمان می‌کنند خداوند در محلی به نام عرش حضور دارد. درباره این موضوع در ادامه سخن خواهیم گفت اما بسیاری از آنهایی که با علم لغت عرب آشنایند، می‌دانند که یکی از معانی عرش «تخت» است. آنها تصور می‌کنند در این آیه، عرش به معنای تختی است که خدا بر آن تکیه می‌زند؛ در صورتی که این تصور کاملا غلط است. عرش نمادی از مظهر قدرت و حاکمیت خداوند است. برای اثبات این موضوع نیز می‌توانیم از شاهدمثال‌های قرآنی استفاده کنیم. مثلا در سوره یوسف(ع) آمده است: «و رفع ابویه علی العرش»؛ به این معنا که پدر و مادر خود را بر تخت بالا برد. مسلما عرش در اینجا به معنی تختی نیست که یوسف(ع) روی آن می‌نشست و می‌خوابید بلکه تخت خاصی است که مسند قدرت و مرکز فرماندهی و اعمال قدرت بود.

> **استوی هرگز مترادف با لفظ «جلس» و به‌معنای نشستن نیست؛ این واژه در قرآن نیز برای معانی دیگر آمده است**

با این حساب می‌توان نتیجه گرفت که خداوند آنجا که بخواهد از توانی حکایت کند که مظهر قدرت، استیلا و تدبیر امور است، کلمه «عرش» را به کار می‌برد؛ چنان که در آیات مربوط به حضرت یوسف(ع) تخت نشستنی نبود. اتفاقا این موضوع هم‌اکنون نیز بین عرب زبان‌ها رایج است؛ یعنی از عرش به معنای تخت قدرت و نماد توانایی استفاده می‌کنند.

عرش واقعی چیست؟

تا اینجا به دو نتیجه رسیدیم که استواء به معنای جلوس نیست بلکه معنی برتری دارد؛ عرش هم به معنای لغوی تخت نیست بلکه مظهر قدرت است. اکنون به بیان مطلب سوم می‌پردازیم:

جمله ثم استوی علی العرش در هفت سوره وارد شده و در غالب آنها - چه قبل و چه بعد از آن- از تدبیر جهان و آفریدگاری خدا سخن به میان آمده است. تقریبا خداوند همیشه قبل از این عبارت به این نکته اشاره کرده که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفریده تا میزان قدرتش را بیان کند. اصولا باید دقت کرد که اگر مقصود خدا این بود که او تختی دارد و بر آن جلوس می‌کند، شایسته بود که بفرماید: «و جلس علی السریر» یا «اتکی علی الاریکه» و مانند آنها اما از اینکه از واژه «استوی» و لفظ «عرش» کمک می‌گیرد و در ماقبل و مابعد جمله به آفرینش جهان می‌پردازد، باید پذیرفت که هدف، معنی لغوی آن نیست بلکه این جمله کنایه از تدبیر و اداره و رسیدگی به عالم آفرینش است. حتما در آیات قرآن و روایات دینی بارها و بارها واژه عرش را دیده و خوانده‌اید. هرچند ما معتقدیم عرش در این آیه به معنای برتری یافتن است، هرگز عرش واقعی خدا را منکر نمی‌شویم. در قرآن آمده که خدا دارای عرشی بزرگ است؛ مثل آیه «الله لا اله الا هو رب العرش العظیم / خدایی که جز او خدایی نیست و پروردگار عرش بزرگ است».

بنابراین، عرش خود جزئی از عالم آفرینش است. مرحوم صدوق در کتاب «اعتقادات» خود، عرش را سراسر هستی معرفی و آیه مورد بحث ما را این گونه ترجمه می‌کند که خدا بر سراسر هستی تسلط دارد و امور جهان را اداره می‌کند. آیه‌های دیگری هم که در قرآن وجود دارند و از عرش سخن می‌گویند، بر همین معنا دلالت می‌کنند. سوال دیگری که ممکن است به ذهن جوانان و پژوهشگران خطور کند، این است که چرا باید برخی از آیات قرآن را به این دشواری تحلیل و بررسی کرد یا چرا خدا از عبارات ساده‌تر استفاده نکرده است؟ در پاسخ باید گفت که قرآن مانند کلام فصیحان و بلیغان دارای مجاز و کنایه است و کسانی که نافی مجاز و کنایه در قرآن هستند، غرض فاسدی را دنبال می‌کنند. کلام خدا فصیح‌ترین کلام است و باید از قواعد فصاحت برخوردار باشد. به همین دلیل است که قرآن سرشار از کنایه و مجاز است.

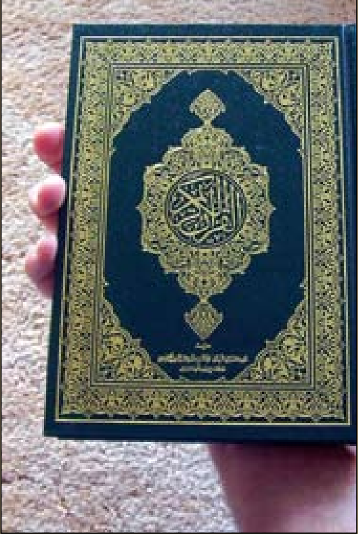
چرا آیه‌های منسوخ از قرآن حذف نشده‌اند؟

ثبت وقایع در کتاب خدا

نسخ در لغت یعنی ازاله، تغییر، ابطال و مانند آن؛ در اصطلاح نیز یعنی وضع قانون جدید که قانون سابق را نفی کند؛ به طوری که جمع آن دو با هم ممکن نباشد. قانون جدید را ناسخ و قانون سابق را منسوخ می‌گویند. قرآن مجید در چند آیه به وقوع نسخ در قرآن اشاره کرده است؛ از جمله آیه ۱۰۶ سوره بقره که می‌فرماید: «ما ننسخ من آیه أو ننسها نأت بخیر منها او مثلها/ هر آیه‌ای را نسخ کنیم یا آن را به فراموشی سپاریم، بهتر از آن یا مانندش را می‌آوریم».

نسخ (وضع قانون جدید و نفی قانون سابق) در آیات قرآن به معنای جهل شارع نیست بلکه از آنجا که احکام، تابع مصالح و مفاسدند، در پاره‌ای از موارد، مصلحت یا مفسده یک امر همیشگی نبوده بلکه محدود به زمانی خاص است؛ برای همین اراده شارع نیز از همان آغاز به صورت موقت و محدود به آن تعلق می‌گیرد و با پایان یافتن مصلحت آن حکم، حکم جدید صادر می‌شود. بنابراین، آیات ناسخه احکام و قوانین جدیدند که پیروی از آنها بر همه لازم است.

شیعیان معتقدند آیاتی که نسخ شده‌اند، تنها



حکمشان نسخ شده اما لفظ آیه و تلاوت همچنان در قرآن محفوظ مانده. محفوظ ماندن آیات منسوخه در قرآن فواید خاص خود را دارد که می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱- آیات قرآن صرفا برای بیان احکام نیست. آیه منسوخ با آیه ناسخ هر دو از لحاظ تحدی و اعجاز یکسانند؛ پس نباید حذف شود.

۲- نفس ثبت وقایع ارزش دارد؛ مانند اصل ثبت مراحل تحریم شرب خمر در اسلام.

۳- گاهی آیه منسوخه علاوه بر بیان حکم فقهی، دربردارنده بسیاری از ارزش‌های اخلاقی است که تربیت‌کننده انسان‌هاست.

نباید فراموش کرد که تعداد آیات ناسخ و منسوخ در قرآن بسیار اندک است - هرچند که در تعداد آنها میان مفسران و اندیشمندان علوم قرآنی کمی اختلاف است - اما در هر صورت موارد این آیات روشن است و موجب گمراهی نخواهد شد. مفسر بزرگ قرآن، علامه طباطبایی معتقد است تنها پنج مورد نسخ در قرآن واقع شده است که عبارتند از:

۱- آیه عفو و بخشش: آیه ۱۰۹ سوره بقره به بخشش اهل کتاب در آغاز هجرت امر می‌کند اما آیه ۲۹ سوره توبه امر به قتال با آن دسته از اهل کتاب دارد که ایمان نمی‌آورند. این آیه، آیه قبل را نسخ کرده‌است.

۲- آیه نسخ حرمت زناشویی: در شب‌های ماه رمضان طبق بیان قرآن عمل زناشویی حرام بود تا اینکه آیه ناسخ ۱۸۷ سوره بقره نازل شد و این عمل را حلال کرد.

۳- آیه جزای فاحشه: آیه ۱۵ سوره نساء جزای فاحشه را حبس در خانه تا مرگ بیان می‌کند اما آیه دو سوره نور حکم را به ۱۰۰ ضربه شلاق تغییر می‌دهد.

۴- آیه توارث از طریق ایمان: آیه شش سوره احزاب، آیه هفت سوره انفال را نسخ می‌کند که بیانش نیاز به ذکر نکات تفسیری فراوان دارد و باید در فرصتی مفصل به بیان آن پرداخت.

۵- آیه نجوا: آیه هفت سوره مجادله با آیه بعدی همین سوره نسخ شد. البته تعدادی از علما از جمله آیت‌الله محمد هادی معرفت این آیه را منسوخ نمی‌دانند.

معنای لغوی سوره چیست؟

درباره معنای سوره چند نظر مختلف وجود دارد:

۱- برخی آن را مخفف و تسهیل یافته «سؤره» و مهموز می‌دانند. در این صورت به معنای «نیم‌خورده و باقیمانده آشامیدنی در ظرف» است چون سوره قرآن، قطعه و قسمتی از آن است.

۲- سوره از سور به معنای حصار و باروی شهر است چون سوره قرآن آیه‌هایی را احاطه کرده و آنها را گرد هم و به صورت واحدی در آورده و نیز مانند باروی شهر بلند مرتبت و رفیع است، به همین دلیل سوره نام گرفته است.

۳- نظریه سوم می‌گوید سوره از «سوار» (معرب دستواره یا دستبند) گرفته شده است چون سوره قرآن مانند دستواره، آیه‌هایی از قرآن را در برگرفته و برای همین آن را سوره نامیده‌اند.

۴- چون سوره به معنای «مقام و منزلت رفیع» بوده، بر کلام الهی اطلاق شده است.

۵- سوره از «تسور» به معنای بالا رفتن و سوار شدن است و از کلمه «تسوروا» در آیه «إذ تسوّروا المحراب» گرفته شده است؛ چون سوره‌های قرآن روی هم قرار گرفته‌اند، از این رو آنها را سوره می‌نامند.

اما در اصطلاح سوره به آیه‌هایی گفته می‌شود که میان دو بسم‌الله الرحمن الرحیم قرار گرفته‌اند؛ البته این قاعده در سوره‌های نمل و توبه استثنا شده است.

اصحاب کهف چند نفر بودند؟

قرآن درباره تعداد اصحاب کهف بیان روشنی ندارد. مفسران نیز درباره تعداد اصحاب کهف اختلاف نظر پیدا کرده‌اند.

در آیه ۲۲ سوره کهف آمده است: «می گویند که تعداد آنها سه نفر بوده و چهارمی آنان سگ آنهاست و می گویند تعداد آنان پنج نفر بوده و ششمی آنان سگ آنهاست؛ اینها همه گفتاری است رجما بالغیب و بدون دلیل. می گویند تعداد آنان هفت نفر بوده و هشتمین آنها سگ آنهاست. ای پیغمبر! بگو پروردگار من به تعداد آنها داناتر است؛ تعداد آنها را کسی نمی‌داند مگر اندکی». با این حال، علامه طباطبایی در تفسیر شریف المیزان درباره تعداد آنها نوشته است: «قرآن وقتی می گوید آنها سه یا چهار نفر بودند، به دنبالش می گوید: «رجما بالغیب»؛ یعنی این تیری است که بدون هدف پرتاب می کنند؛ کنایه از آنکه گفتاری بدون دلیل است ولی بعد می‌فرماید و بعضی می گویند تعداد آنان هفت نفر است. بعد از این عبارت دلیلی برای نفی نمی‌آورد چون «واو» بعد از این عبارت ذکر می‌شود. دیگر تعداد و شمارش به پایان رسیده و فقط یک تصور غلط دیگر فرض می‌شود چون در دو فقره اول «واو» را نیاورده است، با این حساب ثابت می‌شود که بنا بر قطع و ثبات، آنها هفت نفر و هشتمی آنها سگ آنان بوده است».

چرا نام رطب در قرآن آمده است؟

رطب یکی از میوه‌های بهشتی است و فواید بسیاری دارد اما در قرآن به بانوان باردار سفارش شده که رطب بخورند. در سوره مریم(س) آمده است: «و تنه نخل را تکان بده، رطب تازه را بر تو خواهد ریخت. بخور و بیاشام و به آرامش و شادابی برس...».

این آیه خطاب به حضرت مریم(س) است که هنگام ولادت حضرت عیسی(ع) از مردم فاصله می گیرد و از شهر دور می‌شود تا وضع حمل کند. خداوند به او توصیه می کند رطب تازه بخورد تا توان و آرامش پیدا کند و شادمان بشود. رطب ثمر درخت خرما پیش از خرما شدن است.

پزشکان این روزها در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیده‌اند که رطب از میزان بالایی از مواد کربوهیدرات برخوردار است و مواد قندی آن به ۷۵ درصد می‌رسد. بدن با استفاده از آن انرژی و گرمای بالایی تولید می کند. رطب میزان بالایی از پروتئین‌ها، ویتامین‌ها و املاح معدنی گوناگونی مانند کلسیم و سدیم دارد که بدن انسان به ویژه بانوان باردار به آنها احتیاج دارد. رطب همچنین نشاط‌آور است و می تواند عامل خوبی برای از بین بردن افسردگی دوران بارداری باشد. به گواه پزشکان، رطب موادی دارد که باعث انبساط رحم می‌شود و زایش را آسان‌تر و راحت‌تر می کند.

دوبار مرگ، دوبار زندگی یعنی چه؟

در آیه ۱۱ سوره غافر آمده است: «پروردگارا! ما را دو بار بمیراندی و دو بار زنده گرداندی»؛ منظور از دو مرگ و دو زندگی چیست؟

پاسخ این سوال را طبق بیان آیت‌الله مکارم شیرازی بخوانید:

مفسران چندین تفسیر درباره این آیه ذکر کرده‌اند که از میان همه آنها سه احتمال قابل ذکر است.

۱- منظور از دو بار میراندن، مرگ در پایان عمر و مرگ در پایان برزخ است و منظور از دو مرتبه احیا، احیای برزخی و احیا در قیامت است.

هنگامی که انسان می‌میرد، نوع دیگری از حیات به عنوان حیات برزخی پیدا می کند؛ همان حیاتی که شهدا به مقتضای «بَلْ أحْیاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ» پیدا می کنند؛ همان حیاتی که پیامبر(ص) و امامان(ع) دارند، سلام ما را می‌شنوند و پاسخ می گویند و نیز همان حیاتی که سرکشان و طاغیانی همچون آل فرعون دارند و صبح و شام به مقتضای «النّارُ یُعْرَضُونَ عَلَیْها غُدُوّا وَ عَشِیّا/ آتش دوزخ که بامداد و شامگاه بر آن عرضه می‌شوند.» (غافر-۴۶) مجازات می‌شوند.

از سوی دیگر می‌دانیم که در پایان این جهان در نخستین نفخه صور نه تنها انسان‌ها که همه فرشتگان و ارواح مردگان طبق بیان آیه ۶۸ سوره زمر می‌میرند و کسی جز ذات پاک خداوند باقی نمی‌ماند. به این ترتیب ما حیاتی جسمانی داریم و حیاتی برزخی؛ در پایان عمر از حیات جسمانی می‌میریم و در پایان این جهان از حیات برزخی. شاید بهترین نظریه در این‌باره، نظر مرحوم علامه طباطبایی باشد که می گوید: «منظور از میراندن در آخرین روز زندگی دنیا و زنده‌شدن در برزخ است. سپس میراندن از برزخ و زنده کردن در قیامت برای حساب است. پس آیه که سخن از دو میراندن و دو زنده کردن دارد، اشاره به همین مساله می کند. البته اگر زندگی دنیایی را هم اضافه کنیم، زندگی دارای سه مرحله می‌شود؛ یکی زندگی در دنیا، دوم زندگی در برزخ و سوم زندگی در قیامت. ولی کفار دراین کلام خود متعرض زندگی دنیوی نشده‌اند و فقط به دوتای آخری پرداخته‌اند. آیه مذکور هم در جواب آنان نازل شده است».

> **منظور از دوبار میراندن، مرگ در پایان عمر و مرگ در پایان برزخ و منظور از دو مرتبه احیا، احیای برزخی و احیا در قیامت است**

۲- دومین نظر این است که منظور از دو حیات، زنده شدن در قبر برای پاره‌ای از سوالات است و زنده شدن در قیامت. منظور از دو مرگ نیز مرگ در پایان عمر و مرگ در قبر است. به این دلیل، جمعی از مفسران این آیه را دلیل بر حیات موقت در قبر دانسته‌اند.

۳- مفسران گروه سوم معتقدند که منظور از مرگ نخستین، مرگ قبل از وجود انسان در دنیاست؛ چراکه قبلا خاک بود و با مرگ متولد شد. بنابراین زندگی اول، زندگی در این دنیا و مرگ دوم در پایان این جهان است. کسانی که این تفسیر را برگزیده‌اند، به آیه ۲۸ سوره بقره نیز استدلال کرده‌اند که می گوید: «چگونه به خدا کافر می‌شوید در حالی که شما مرده بودید، او شما را زنده کرد، سپس می‌میراند، بار دیگر زنده می کند، سپس به سوی او باز می گردید». از میان این تفسیرها تفسیر اول مناسب‌تر به نظر می‌رسد.



مشرکان که در جنگ بدر شکست سختی خورده بودند، هفت شوال در نبردی دیگر تلافی کردند

انتقام‌گیری پای کوه احد

محمد گرشاسبی

مشرکان فهمیدند که نبرد بدر برایشان تبدیل به مهلکه شده است. فرماندهان سپاه دستور عقب‌نشینی دادند و همگی به سوی مکه متواری شدند. سپاه خسته و زخمی به شهر بازگشت، در حالی که تلفات بسیاری متحمل شده بود. کینه دشمن از مسلمانان روز به روز بیشتر می‌شد و در پی فرصتی برای تلافی و انتقام‌گیری بودند. تا آنکه روزی تعدادی از بزرگان قریش سراغ ابوسفیان رفتند و گفتند: «می‌دانیم که از اسلام و محمد زخم خورده‌ای. ما هم حاضریم برای انتقام همراهتان شویم تا درس عبرتی شود برای سپاه اسلام». ابوسفیان نتوانست شادی خود را پنهان کند و بدون مکث پذیرفت. آنها هم پیمان شدند تا در نبردی دیگر انتقام بدر را بگیرند؛ نبردی که بعدها به «احد» معروف شد.

جنگ احد مقدمات بسیاری داشت. اهل قریش به هیچ‌وجه نمی‌خواستند تجربه تلخ بدر تکرار شود؛ به همین دلیل بسیاری از کالاهای تجاری خود را فروختند و با سرمایه‌ای که به دست آوردند، توانستند تمام اسیران جنگ بدر را خریداری کنند. آنها سپاهی عظیم به وجود آوردند. طوایف قریش و همه طرفدارانشان از قبیله‌های کنانه و تهامه برای جنگ با حضرت‌محمد(ص) اعلام آمادگی کردند و در نهایت ۳ هزار مرد جنگی شدند. یکی از این افراد «وحشی» نام داشت که غلام یکی از سران قریش بود. به او ماموریت دادند تا حمزه-عموی پیامبر-را از پای در آورد.

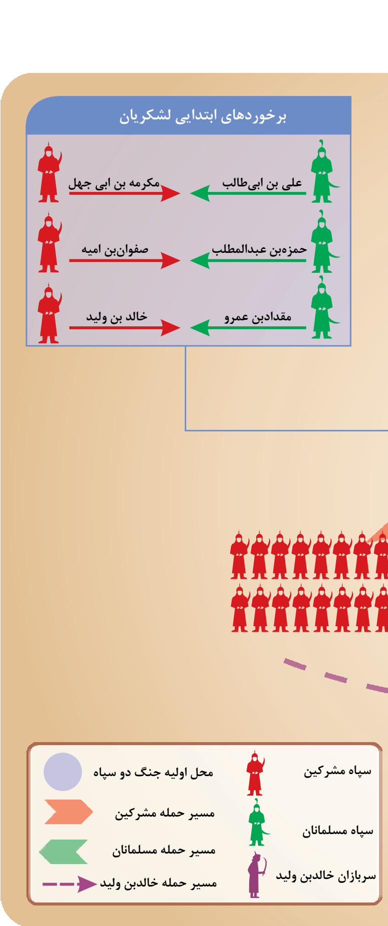
آماده حرکت شدند. می‌خواستند در نزدیک مدینه، پیامبر(ص) را غافلگیر کنند و فرصت فراهم کردن سپاه مناسب را به پیامبر(ص) ندهند اما عباس - عموی پیامبر(ص)- قاصدی فرستاد و رسول خدا(ص) را مطلع کرد. قاصد به پیامبر(ص) گفت: «آنها ۳ هزار نفرند؛ ۷۰۰ زره‌پوش مسلح، ۲۰۰ اسب و صدها شتر». یهودیان و مشرکان مدینه از شادی جشن گرفته بودند و با طعنه به مسلمانان می‌گفتند: «کارتان تمام است!». پیامبر(ص) کمی نگران شده بود. خوابی دیده بود که تعبیر خوبی نداشت. با این حال به خدا توکل کرد و تعدادی از مسلمانان را برای جمع‌آوری اطلاعات به سوی مشرکان فرستاد. مخبران بازگشتند و با اضطراب گفتند: «یا رسول‌الله! مشرکان با صدها اسب و شتر به سوی ما حرکت می‌کنند. هر مزرعه و کشتزاری که در راه می‌بینند، نابود می‌کنند و جلو می‌آیند. تعدادشان هم حدود ۳ هزار نفر است».

رسول خدا(ص) دستور داد مسلمانان در شهر بمانند. رو به مهاجران و انصار گفت: «اجازه دهید دشمن به مدینه نزدیک شود؛ اگر مطمئن شدیم که قصد دارند به شهر هجوم بیاورند، زن‌ها و کودکان را در نقاط مرتفع می‌گذاریم و با تمام توان نبرد می‌کنیم». تعدادی از بزرگان و ریش سفیدان با نظر پیامبر(ص) موافقت کردند اما جوانانی که جنگ بدر را از دست داده بودند، به شوق شهادت با این نظر مخالفت کردند؛ «ای رسول خدا! ما را به سمت دشمنان ببر تا فکر نکنند که ترسیده‌ایم و از ناتوانی و زبونی در شهر مانده‌ایم». اصرار جوانان کارساز شد و پیامبر(ص) روز جمعه پس از نماز ظهر و عصر تصمیم به جنگ بیرون از شهر گرفت، لباس رزم بر تن کرد و آماده نبرد شد.

ایشان با هزار مرد جنگی که ۱۰۰ نفرشان زره پوش بودند، از مدینه بیرون آمدند. پیامبر(ص) سوار بر اسبی بود و نیزه‌ای در دست داشت. در مسیر زمزمه‌ای در سپاه اسلام پیچید؛ «اهل قریش چندین برابر ما جمعیت دارند و در جنگ، پیروز قاطع هستند؛ حضور ما در نبرد خودکشی است!». همین زمزمه کافی بود تا ۳۰۰ نفر از سپاهیان تصمیم به بازگشت بگیرند. به آنها گفتند از خدا بترسید و پیامبرش را تنها مگذارید اما آنها جواب دادند: «اگر می‌دانستیم جنگی پیش خواهد آمد شما را تنها نمی‌گذاشتیم اما می‌دانیم که جنگی روی نخواهد داد. کار شما قبل از جنگ ساخته است!». مسلمانان در دامنه کوه «احد» خیمه زدند. آنجا تنها یک فرسخ با مدینه فاصله داشت. آن کوه به دلیل تنها و جدا افتاده بودنش «احد» نام گرفته بود.

صبح شنبه بود؛ هفتم شوال سال سوم هجری. ۳۲ ماه از هجرت می‌گذشت. مسلمانان آماده نبرد سختی می‌شدند. کوه احد شرایط ویژه‌ای داشت. میدانی که سپاه اسلام در آن آماده جنگ می‌شد، از پشت به وسیله کوه محصور شده بود اما تپه‌ای در آن قرار داشت به نام عینین که راه باریکی از آن به میدان باز می‌شد. پیامبر(ص) ۵۰ نفر را روی تپه گماشت و فرمود: «چه پیروز باشیم و چه شکست بخوریم، شما اینجا بمانید. سواران دشمن را از ما دفع کنید که از پشت سر بر ما هجوم نیاورند. اگر در حال کشته شدن بودیم ما را یاری ندهید و اگر غنیمت بردیم با ما شرکت نکنید». در آن سو، مشرکان در سمت راست سپاه، خالدبن‌ولید را گماشته بودند و در سمت چپ عکرمه‌بن‌ابی‌جهل را. نبرد آغاز شد و همان ابتدا علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) پرچمدار سپاه کفر را به درک واصل کرد. پیامبر(ص) و همه مسلمانان تکبیر گفتند و شور مضاعفی برای ادامه جنگ پیدا کردند. پس از کشته شدن پرچمدار مشرکان ده نفر دیگر از قبیله‌اش پرچم قریش را بالا گرفتند و اتفاقا همه آن ده نفر هم به هلاکت رسیدند. روحیه سپاه کفر یکباره پایین آمد. باورشان نمی‌شد که در آغاز نبرد ضربه بزرگی بخورند؛ کافی بود یک پا پس بگذارند تا مسلمانان ده گام پیش بروند.

> **مشرکان رسول خدا(ص) را تنها دیدند، به‌سوی ایشان هجوم آوردند و همان‌جا تصمیم گرفتند حضرت را به‌شهادت برسانند**




پرچم قریش به زمین افتاد و مشرکان پا به فرار گذاشتند. بعضی تیراندازان تپه عینین که حرص جمع کردن غنیمت کورشان کرده بود، گفتند: «چرا دیگر اینجا بمانیم؟ خدا دشمن را شکست داد و اکنون برادران شما به جمع‌آوری غنیمت پرداخته‌اند. برویم تا ما هم با آنان شریک شویم». بقیه گفتند: «مگر فراموش کردید که رسول خدا(ص) گفت ما را از پشت سر حفظ کنید و از جای خود حرکت نکنید؟». بحث‌ها فایده نداشت؛ ۳۸ نفر از ۵۰ محافظ تپه مقابل پیامبر(ص) اجتهاد کردند و وارد میدان شدند. خالدبن ولید که از آغاز جنگ تپه را در نظر گرفته بود، وقتی فهمید محافظان شکاف به حرص غنیمت ماموریت را رها کرده‌اند، از این فرصت استفاده کرد و از پشت سر به سپاه اسلام حمله کرد. آیه ۱۴۴ سوره آل‌عمران به عقیده بیشتر مفسران درباره همان افراد نازل شد که حرف پیامبر را گوش ندادند؛ «و محمد(ص) جز فرستاده‌ای از سوی خدا که پیش از او هم فرستادگانی [آمده و] گذشته‌اند، نیست. پس آیا اگر او بمیرد یا کشته شود، [ایمان و عمل صالح را ترک می‌کنید و] به روش گذشتگان و نیاکان خود برمی‌گردید؟! و هر کس برگردد هیچ زیانی به خدا نمی‌رساند و خدا به زودی سپاسگزاران را پاداش می‌دهد».

مشرکان ابتدا ۱۲ نفر محافظ تپه را به شهادت رساندند و بعد نوبت به شهادت تعداد زیادی از بهترین یاران و عزیزان پیامبر(ص) از جمله حمزه بن عبدالمطلب عموی ایشان رسید. پرچم قریش دوباره به اهتزاز درآمد؛ انگار جنگ دوباره آغاز شده باشد. کافران از شایعه پردازی هم استفاده کردند و فریاد زدند: «محمد کشته شد». شیرازه سپاه اسلام یکباره پاشیده شد و عده بسیار زیادی به مدینه و کوه‌های اطراف فرار کردند. کار از کار گذشته بود. هر چه نزدیکان پیامبر(ص) گفتند: «رسول‌الله زنده است» بی‌فایده بود. کافران تیغ بر مسلمانان فرود می‌آوردند و یک به یک آنها را به شهادت می‌رساندند. ناگهان تعدادی از آنها رسول خدا(ص) را در گوشه میدان تنها دیدند و به سوی ایشان هجوم آوردند. آن‌قدر از پیامبر رحمت(ص) بغض داشتند که دلشان نیامد یکباره ایشان را به شهادت برسانند. گفتند: «ابتدا او را سنگباران می‌کنیم». سنگ‌ها به سوی حضرت باریدن گرفت و صورت ایشان را مورد آسیب قرار داد. سنگی پیشانی ایشان را شکافت و سنگ دیگر دندان حضرت را شکست. در بارش سنگ‌ها کلاهخود فلزی هم شکست و بخشی از آن در صورت پیامبر فرو رفت. شمشیر کشیدند تا با خیال راحت کار او و اسلام تازه پا گرفته را یکسره کنند. با تیغ‌های عریان در چند قدمی رسول خدا(ص) بودند که ناگهان فریاد علی بن ابی‌طالب(ع) آنها را از رویاهایی که بافته بودند، بیرون آورد. علی(ع) مانند برق و باد خود را به رسول خدا(ص) رساند و یک تنه مقابل مشرکان ایستاد و توانست رسول الله(ص) را از آن میدان دور کند. پیامبر(ص) زخم‌های عمیق بر بدن داشت. علی(ع) به هر زحمتی که بود رسول خدا(ص) را در نقطه‌ای امن مستقر کرد و درون سپرش آب ریخت تا زخم‌های حضرت را شست‌وشو دهد. ناگهان صدای فاطمه(س) را شنید که با پای پیاده از مدینه تا آنجا دویده بود. شایعه شهادت پیامبر(ص) به مدینه و گوش حضرت زهرا(س) رسیده بود. دختر پیامبر(ص) وقتی دید پدرش زنده است، خدا را شکر کرد و با آبی که علی(ع) آورده بود، مشغول شست‌وشوی زخم‌های پدر شد.

> **مشرکان ابتدا ۱۲ نفر محافظ تپه را به‌شهادت رساندند و بعد نوبت به‌شهادت تعداد زیادی از بهترین یاران و عزیزان پیامبر(ص) از جمله حمزه‌بن‌عبدالمطلب عموی ایشان رسید**


▲ نمایی از کوه احد، حوالی شهر مدینه

جنایت مشرکان تمام نشد. پیکر شهدا بر زمین بود و چه فرصتی بهتر از این برای انتقام؟ همه بدن‌ها به دستور سران سپاه کفر تکه‌تکه شد؛ حتی بدن عموی پیامبر(ص) هم که تکیه‌گاه رسول خدا(ص) بود، قطعه‌قطعه شد. پیامبر(ص) که از شنیدن خبر شهادت حمزه به شدت متاثر بود، در همان لحظه‌هایی که به‌سختی نفس می‌کشید از علی(ع) خواست تا وضع سپاه مشرکان را بررسی کند. پیامبر(ص) احتمال می‌داد که آنها جسورتر شوند و به سوی مدینه حرکت کنند. علی(ع) میدان جنگ را بازرسی کرد و به پیامبر(ص) گفت: «مشرکان آماده بازگشت به مکه‌اند». ناگهان از دامنه کوه صدایی شنیدند. ابوسفیان بود که فریاد می‌زد: «محمد! درس‌های امروز را فراموش نکن. روز بدر در برابر روز احد»؛ نمی‌دانست مدتی بعد اسلام کل جزیره‌العرب را تسخیر خواهد کرد.

جنایات مشرکان بر سر ۷۰ شهید بر جای مانده از مسلمانان که تمام شد و دیگر بدنی نمانده بود که مثله نکرده باشند، بازگشتند. پیامبر(ع) علی بن ابیطالب(ع) را مامور کرد تا ببیند مشرکان چه می‌کنند؛ «اگر آنها شترانشان را سوار شدند و اسب‌ها را یدک کشیدند که می‌خواهند به مکه بروند و اگر اسب‌ها را سوار شدند و شترها را به جلو راندند یعنی می‌خواهند به مدینه بروند که در این‌صورت من در همان مدینه با آنها خواهم جنگید». علی(ع) رفت و خبر آورد که «مشرکان سوار بر شترها بودند و اسب‌ها را یدک می‌کشیدند».

۱۰ شوال سال ۱۰۳۰ هجری قمری - وفات شیخ‌بهایی

آماده مرگ باش شیخ!

محمد هفت سالش بود. سال ۹۶۰ قمری همراه پدرش -عزالدین حسین- از جبل عامل وارد ایران شد و در قزوین که در آن روزگار از پایگاه‌های اصلی شیعه به شمار می‌رفت، سکونت کردند. پدرش در آن روزگار مدام با دانشمندان نشست و برخاست داشت و همین باعث شد پسر از کودکی با علم و تحصیل آشنا شود. محمد عرب زبان بود اما از نوجوانی شیفته ادبیات فارسی شد؛ آن‌قدر که از حد گفت‌وگوی روزانه یا نوشتن مطالب ساده فراتر رفت و به سرودن اشعار زیبای فارسی آن هم به سبک عراقی روی آورد. رنگ غزلیاتش رنگ حافظ بود و سبک مثنوی‌هایش سبک مولانا. بطن همه اشعارش آن طور که خود می‌خواست نیایش و خشوع در برابر خدا بود. او فراتر از ادبیات نگاهی متفاوت به قرآن هم داشت؛ تفاوتی که در همان کودکی در منزل پدر دانشمندش پایه‌ریزی شده بود. نگاه خاص شیخ به آیه آیه قرآن دانش تفسیر را برای او به ارمغان آورد. زکات چنین پیشکشی را هم او با نگارش این کتاب‌ها پرداخت کرد: عروة‌الوثقی (تفسیر سوره حمد)، عین‌الحیات (تفسیری فشرده شبیه تفسیر ملامحسن فیض کاشانی)، شرح تفسیر بیضاوی، حاشیه بر تفسیر بیضاوی، حل حروف القرآن. وقتی فوت کرد مشغول نگارش کتاب اکسیر السعادتین (شامل آیات مربوط به احکام شرعی) بود اما اجل مهلتش نداد و این اثر نیمه‌تمام ماند. شیخ‌بهایی پس از تربیت شاگردانی چون ملاصدرا، فیاض لاهیجی، ملا محمد تقی مجلسی (پدر علامه محمد باقر مجلسی)، محقق سبزواری و... در ۱۰۳۰ قمری دیده از جهان فروبست. شش ماه پیش از مرگ با شاگردانش برای زیارت اهل قبور وارد قبرستان شد. از کنار تک‌تک قبرها گذشت تا در کنار مزاری، صدایی شنید. به شاگردان گفت: «شنیدید چه گفت؟.» گفتند: «خیر» اطرافیان می‌گفتند پس از آن اتفاق، همیشه شیخ در حال نیایش و مناجات و گریه و زاری بود و به خدا و آخرت می‌اندیشید. وقتی برخی شاگردان اصرار می‌کردند که آن روز چه شنیدی، می‌گفت: «به من گفتند آماده مرگ باشم». در تشییع پیکرش ۵۰ هزار نفر شرکت داشتند و سپس در حرم رضوی به خاک سپرده شد.


تصویر منسوب به شیخ بهایی

۱۳ شوال ۱۳۸۰ هجری قمری - درگذشت آیت‌الله بروجردی

وقتی پاپ هم تسلیت گفت

باورکردنی نبود؛ مگر امکان دارد جوان ۲۷ ساله‌ای به درجه اجتهاد رسیده باشد؟ خیلی‌ها نمی‌پذیرفتند اما حقیقت داشت. سید حسین بروجردی به دلیل آرا و استنباط‌های بی‌نظیری که در آیات قرآن داشت و تفاسیری که ارائه می‌داد، مفتخر به کسب درجه اجتهاد شده بود و همگان او را در نبوغ و احاطه در فقه و اصول و حکمتش ستایش می‌کردند.

برای هم‌عرض شدن حوزه علمیه قم با نجف، به دعوت و اصرار علمایی چون آیات عظام صدر و خوانساری، آیت‌الله بروجردی به طور موقت پذیرفت که به قم بیاید اما پس از دو - سه ماه تصمیم گرفتند برگردند. خبر به سید روح‌الله خمینی(ره) جوان رسید. ایشان به یکی از شاگردانش گفت: «شنیده‌ام آیت‌الله بروجردی تصمیم دارند از قم بروند. شما این موضوع را تحقیق کنید. اگر ایشان قم را ترک کنند، برگرداندنشان مشکل است». شاگرد امام سراغ آیت‌الله بروجردی رفت و ایشان پاسخ داد: «عده‌ای تهرانی وعده دادند که در قم به من کمک کنند تا بتوانم به طلاب شهریه بدهم اما تاکنون خبری از آنان نشده است». خبر که به حاج آقا روح‌الله(ره) رسید، بلافاصله سراغ ایشان رفت و گفت: «آقایان اهل علمی که از شما دعوت کرده‌اند، نظرشان استفاده مالی از شما نبوده بلکه به دلیل استفاده علمی خواسته‌اند به قم بیایید». آیت‌الله بروجردی نتوانست پاسخ منفی دهد، حرف حاج آقا روح‌الله(ره) را پذیرفت و در قم ماندگار شد.

آیت‌الله بروجردی که بیمار شد، مرحوم فلسفی دو - سه نفر از پزشکان را از تهران با خود به قم آورد؛ آن هم به همراه دستگاه گیرنده نوار قلب. از اطبای داخلی کاری برنمی‌آمد. پروفسور موریس فرانسوی - متخصص و جراح معروف قلب - را که شهرت جهانی داشت، از اروپا آوردند. او گفت: «کسالت قلبی ایشان شدید است» و اتفاق همان روزها افتاد... رادیو وقتی خبر درگذشت ایشان را پخش کرد، خودروهای کسانی که از تهران به قم می‌آمدند، تمام طول جاده تهران-قم را پوشاندند. شهرستان قم هم جمعیتی را به خود دید که در تاریخش ماندگار شد. پاپ پیام داد: «نه‌تنها شما شخصیتی را از دست داده‌اید بلکه جهان فردی را از دست داده است که در مقابل فساد کل جهان ایستاده بود».



۱۵ شوال ۲۵۲ هجری قمری - رحلت حضرت عبدالعظیم(ره)

پادشاه ملک ری

فرزند عبدالله بن علی و فاطمه دختر عقبه بن قیس در ۱۷۳ هجری در مدینه متولد شد. عبدالعظیم(ع) که از نوادگان امام حسن مجتبی(ع) بود، در مدت عمر ۷۹ ساله‌اش معاصر با امامت چهار امام یعنی امام‌موسی کاظم(ع)، امام‌رضا(ع)، امام‌جواد(ع) و امام‌هادی(ع) بود؛ هر چند که امام کاظم(ع) را درک نکرد. بنی‌عباس به سیم آخر زده و امام معصوم آن روزگار -امام‌حسن عسکری(ع)- را به زندان انداخته بودند. آنها در نهایت تصمیم به کشتن عبدالعظیم(ع) گرفتند اما او از نقشه آگاه شد و از محدوده حکومت آنها گریخت. شهر به شهر می‌گشت تا به ری رسید و آنجا را مناسب برای سکونت دید؛ چراکه ری برخلاف بسیاری از شهرهای ایران از معدود نقاطی بود که از همان ابتدای ورود اسلام، مذهب شیعه را پذیرفته بود و همه ساکنانش علوی بودند. ابتدا تعداد کمی از شیعیان از حضورش در ری باخبر شدند و مخفیانه به زیارتش می‌رفتند اما پس از مدتی افراد بیشتری نزد او که یادگار امام معصوم می‌خواندندش می‌رفتند تا از علوم و روایاتش استفاده کنند. مردم حرف او را حرف امام‌هادی(ع) می‌دانستند. حالا ری شده بود محور تجمع شیعیان و تمرکز هواداران اهل بیت(ع) و این از برکات حضور عبدالعظیم(ع) در این شهر کوچک بود. روزهای آخر عمرش با بیماری‌هایی همراه بود. در بستر افتاد و آنجا جواب سؤالات را می‌داد. یکی از شیعیان ری شبی در خواب پیامبر(ص) را دید که فرمود: «فردا یکی از فرزندانم در محله شما چشم از جهان فرو می‌بندد. شیعیان او را بر دوش گرفته به باغ عبدالجبار می‌برند و نزدیک درخت سیب به خاک می‌سپارند». او هم سحرگاه به باغ رفت تا آن باغ را از صاحبش بخرد و افتخار دفن یکی از فرزندان پیامبر(ص) را نصیب خود کند. عبدالجبار -صاحب باغ- که خود هم چنین خوابی دیده بود، محل آن درخت سیب و مجموعه باغ را وقف کرد تا بزرگان و شیعیان در آنجا دفن شوند. جمعیت سیاهپوش به سمت باغ عبدالجبار رفتند و پیکر حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) را کنار همان درخت سیبی که رسول خدا(ص) به آن اشاره کرده بود، دفن کردند. در روایات متعدد برای زیارت حرم او ثوابی همچون ثواب زیارت امام حسین(ع) بیان شده است.


حرم حضرت عبدالعظیم در زمان قاجار

۲۴ شوال ۵ هجری قمری - واقعه رد شمس

خورشید برای علی بالا آمد

شیعه و سنی نقل کرده‌اند و در این روایت هیچ تردیدی نیست؛ «پیامبر(ص) روزی امیرالمومنین(ع) را برای کاری مامور کرد. حضرت بلافاصله عازم شد اما زمانی که برگشت، خورشید غروب کرده و علی(ع) فرصت نکرده بود نماز عصرش را بخواند. پیامبر(ص) رو به آسمان کرد و فرمود: «خدایا بنده تو علی(ع) در راه اطاعت تو و فرمانبرداری پیغمبر تو بوده است و خود را برای پیامبرش نگه داشته؛ تابش خورشید را بر او باز گردان». دعای پیامبر(ص) که تمام شد، خورشید تا بالای تیزی کوه بازگشت. علی بن ابی‌طالب(ع) هم بلند شد و وضو گرفت. نماز عصرش را خواند و خورشید مجددا غروب کرد». این روایت را به غیر از مورخان شیعه، بیش از ۳۰ نفر از علمای اهل سنت روایت کرده‌اند و ابن حجر عسقلانی (از متعصبین اهل سنت)، شافعی و سیوطی هم آن را قبول کرده‌اند. جالب‌تر آنکه عسقلانی در کتابش دلایل فقهی رد شمس را هم آورده است. رد شمس یک بار دیگر هم در زمان جنگ نهروان روی داد. از امام حسین(ع) نقل شده است: علی بن ابی طالب(ع) از جنگ نهروان برمی‌گشت تا آنکه به هنگام نماز عصر به سرزمین بابل رسید. علی(ع) پیاده شد و یارانش هم پیاده شدند. حضرت فرمود ای مردم! این زمینی نفرین شده است و دو بار مورد عذاب واقع شده و سومی را انتظار می‌کشد. بر هیچ پیامبر و وصی پیامبری حلال نیست که در آن نماز بخواند. حال هریک از شما که می‌خواهد، در اینجا نماز بخواند. مردم پراکنده شده و نماز خواندند ولی علی(ع) به راه افتاد. محبان واقعی‌اش هم از او پیروی کردند. هنوز از آن سرزمین دور نشده بودند که خورشید غروب کرد. برخی با خود گفتند که چرا علی(ع) نمازش را نخواند. حضرت پاسخی نداد، پیاده شد، وضو گرفت و ایستاد برای نماز. ناگهان خورشید که غروب کرده بود، از بین دو کوه بیرون آمد. علی(ع) نماز عصرش را خواند و پیروانش هم با او نماز خواندند. حضرت فرمود: «من از خداوند به اسم اعظمش درخواست کردم که خورشید را برایم برگرداند». در برخی روایات آمده است که خورشید جز برای سلیمان(ع) وصی داود(ع)، یوشع وصی موسی(ع) و علی‌بن‌ابی‌طالب وصی محمد(ص) برنگشته است.



نخستین کتابخانه تلفنی کشور، خدمات رایگان ارائه می‌دهد

زنگ بزن، کتاب ببر!

حمیده پازوکی **دنیا عوض شده دیگر! سروشکل زندگی همه دچار تغییر شده. مردم شیوه روزمرگی‌ها و حتی تامین نیازهایشان را هم تغییر داده‌اند و انگار، این از شاخصه‌های دنیای مدرن امروز است. خدمت رسانی هم با گذشته فرق می‌کند؛ مثلا روزگاری که آدم‌ها برای یک تحقیق ساده، شال و کلاه کنند و در این ترافیک همیشگی به یک کتابخانه بروند، گذشته. همه دنبال تزریق شیوه‌های نو به زندگی‌اند؛ تجربه‌های تازه هم که برای خودش صفایی دارد! یکی از همین نمونه‌های امروزی را برای پیشنهاد یک این شماره بخوانید.**
یک کتابخانه متفاوت که برای هر کسی که اراده کند، کتاب ارسال می‌کند؛ به راحتی برداشتن یک گوشی تلفن و آشامیدن یک لیوان آب!



تاکنون کتابخانه‌های بسیاری در کشور ما پایه‌گذاری شده‌اند؛ کتابخانه‌هایی که البته بیشتر همان شکل همیشگی را دارند اما افتتاح یک کتابخانه تلفنی موضوع جذابی است که کمتر کسی با آن مواجه شده است.

در ماه گذشته گروه موسسه تفسیر جوان، نخستین کتابخانه تلفنی را در زمینه قرآن و حدیث افتتاح کرد که به صورت تلفنی به مشترکان خود کتاب امانت می‌دهد.

این کتابخانه که بیش از ۵ هزار عنوان کتاب و نرم‌افزار قرآنی دارد، به منظور دسترسی آسان و سریع علاقه‌مندان در داخل و خارج از کشور به منابع پژوهشی و آموزشی، با سیستم باز و تلفنی اداره می‌شود. ویژگی مهم کتابخانه این است که استفاده از آن برای همه متقاضیان در همه جای جهان (باور کنید! همه جای جهان)، کاملا رایگان، آزاد و بدون نیاز به عضویت است؛ مثلا شما یک متقاضی از داخل یا خارج کشور هستید.

ابتدا باید فهرست کتاب‌ها و نرم‌افزارها را با مراجعه به سایت مؤسسه (www.Tafsirejavan.com) مشاهده و کتاب یا نرم‌افزار مورد نظرتان را انتخاب کنید. سپس باید تقاضایتان را به صورت فکس به شماره ۰۲۱/۲۲۵۸۹۶۲۲ به نام کتابخانه مؤسسه تفسیر جوان منعکس کنید تا کتاب یا نرم‌افزار درخواستی شما با تقبل هزینه از سوی مؤسسه و به صورت رایگان ارسال شود. از این تاریخ، به مدت حداکثر یک ماه وقت دارید که کتاب یا نرم‌افزار را با پست به مؤسسه تفسیر جوان بازگردانید. به این صورت هم شما برای موسسه قابل اعتماد می‌شوید و هم به یک منبع درست و حسابی کتاب دسترسی خواهید داشت. البته موسسه تفسیر جوان هم بیکار ننشسته و قصد دارد روز به روز کتابخانه‌اش را مجهزتر کند و کتاب‌های تازه چاپ را هم به مجموعه خود بیفزاید.

پس تا وقت هست و استفاده از این خدمات دچار تغییر نشده، حتما شماره فکس و نشانی سایت را گوشه‌ای یادداشت کنید. برای اینکه با این مجموعه بیشتر آشنا شوید، متن را ادامه دهید.

کلیک روی پورتال اینترنتی

همین ابتدای مطلب، دوباره نشانی را بخوانید www.Tafsirejavan.com حفظ کردنش سخت بود؟!

پایگاه اینترنتی موسسه قرآنی تفسیر جوان، یک پایگاه فرهنگی است که تلاش می‌کند علاوه بر اطلاع رسانی درست فرهنگی قرآنی، امکان دسترسی آسان کاربران به کالاهای قرآنی را نیز فراهم آورد.

این پایگاه، همانند هر پایگاه اینترنتی دیگر، از قسمت‌های گوناگونی تشکیل شده اما موضوع تخصصی فعالیت‌های این سایت، تفسیر و پژوهش‌های موضوعی کاربردی و میان‌رشته‌ای قرآن کریم است. گروه‌های مخاطب این سایت را کودکان، نوجوانان، جوانان، زنان و خانواده‌ها تشکیل می‌دهند.

پایگاه تفسیر جوان بخش‌هایی مانند کتاب، نرم‌افزار، فلش‌کارت، روزنامه‌های دیواری موضوعی قرآن کریم، کارت‌پستال‌های موضوعی قرآنی و... دارد که شما به آسانی می‌توانید متن کامل برخی کتاب‌ها را رایگان دریافت کنید. البته به منظور سهولت امر برای آن دسته از کاربران که در نظر دارند اصل منابع را تهیه کنند، فروشگاه اینترنتی موسسه به صورت ۲۴ ساعته فعال است. اشتباه نکنید؛ این ماجرا، با کتابخانه تلفنی و امانی موسسه تناقضی ندارد!

مؤسسه قرآنی تفسیر جوان مجموعه‌ای متشکل از ده‌موسسه تخصصی و موضوعی قرآنی است که برای توسعه فرهنگ انسان‌ساز قرآنی در جامعه، خصوصا برای گروه سنی کودک، نوجوان، جوان و خانواده تأسیس شده است.

کتاب
گوهرهای ناياب

چاپ اول کتاب «تفسیر کنزالدقائق و بحرالغرائب» اثر علامه محقق شیخ محمد قمی به تحقیق حسین درگاهی از سوی انتشارات شمس‌الضحی و دلیل‌ما منتشر و روانه بازار شد. این اثر، نخستین جلد از مجموعه تفسیری «کنزالدقائق و بحرالغرائب» است که به تفسیر و تبیین سوره فاتحه‌الکتاب و آیه‌های یکم تا ۵۷ سوره مبارکه بقره اختصاص دارد. این تفسیر محصول سال‌ها تلاش و مطالعه مرحوم میرزا محمد قمی در آثار قرآنی به جای مانده از گذشتگان و مجموعه‌ای از بهترین نظریات برگزیده و زیباترین آثار دانشمندان و مفسران قبل از اوست. این تفسیر علاوه بر چاپ‌های قدیمی که در چهار مجلد بزرگ بود، اخیرا در ۱۷ جلد و با تحقیقات حسین درگاهی منتشر و به جامعه قرآنی عرضه شده است.

شیخ محمدبن محمدرضا قمی مشهدی یکی از برجسته‌ترین مفسران دنیای تشیع در اوایل قرن دوازدهم است. او که در یکی از بهترین دوران شکوفایی تشیع، یعنی عصر صفویه زندگی می‌کرد، با بزرگ‌ترین دانشمندان، محدثان، فقیهان و فیلسوفان سده ۱۱ و ۱۲ مانند ملا محمدمحسن فیض کاشانی، علامه محمدباقر مجلسی، علامه محقق ملامحمدباقر سبزواری و شیخ محمدبن حسن حر عاملی همنشین بود. این عالم بزرگ بر اثر تلاش و کوشش فراوان توانست آثار متعدد و پر ارجی را تالیف کند که این آثار به نوبه خود، زینت‌بخش محافل علمی و مذهبی و چراغی فروزان برای دانش دوستان و معرفت‌جویان شد.

کتاب
قرآن از گونه‌ای دیگر

یک کتاب قرآنی با نامی طولانی روی پیشخوان کتابفروشی‌ها قرار گرفت. «بیا باهم قرآن بخوانیم به گونه‌ای دیگر» نوشته مجید مسعودی از سوی انتشارات دلیل‌ما دوباره به زیور طبع آراسته شد. این اثر، درباره تاویل و اهمیت تاویل قرآن بحث می‌کند و وجود اهل‌بیت(ع) را وارثان بر حق قرآن و پیامبر(ص) می‌شمرد و تاویل قرآن را تنها از ناحیه آنان دارای اعتبار می‌داند. بحث علمی درباره این موضوعات را باید در این کتاب بجویید اما این نکته را داشته باشد که تاویل در لغت به معنی بازگرداندن و بازگشت دادن است و نیز شرح و بیان کلمه یا کلام، به طوری که غیر از ظاهر آن باشد. واژه تاویل ۱۶ بار در قرآن آمده و ظاهرا غیر از این، به معانی عاقبت و نتیجه کار، تعبیر خواب و تحقق یافتن وعده‌های الهی به کار رفته است.

از منابع مورد استناد نویسنده در تدوین این اثر می‌توان به قرآن کریم، نهج‌البلاغه، اجتهاد در مقابل نص، احتجاج، اختصاص، از قبیله خوبان، اسرار آل محمد(ص)، اصول کافی، اعلام‌الوری باعلام‌الهدی، امالی (صدوق، شیخ مفید و شیخ طوسی)، امام علی(ع) و خوارج، بحارالانوار، بشاره‌المصطفی(ص)، بصائرالدرجات، تاریخ قرآن، تحف‌العقول، تحفه‌الاحباب، تفاسیر (برهان، شریف لاهیجی، صافی، قمی، فرات، نورالثقلین) و... اشاره کرد.

چاپ دوم کتاب «بیا با هم قرآن بخوانیم از گونه‌ای دیگر» با شمارگان ۲ هزار نسخه منتشر شده؛ کتابی ارزشمند که ۲۶۲ صفحه دارد و بهای پشت جلد، قیمت آن را ۳ هزار تومان ذکر کرده است.



تلفن همراه
نرم‌افزار هدی‌للمتقین

شاید نرم‌افزارهای مربوط به موبایل به نظر خیلی‌ها ساده به نظر برسند. اما نرم‌افزار «هدی للمتقین» را باید یک استثنا به حساب آورد. نرم‌افزار موبایل قرآنی هدی‌للمتقین قابل نصب روی تلفن همراه و رایانه است.

در این نرم‌افزار دو منظوره، کاربر می‌تواند ضمن استفاده از متن، ترجمه و تفسیر کامل قرآن کریم، به متن عربی قرآن نیز به آسانی دسترسی داشته و به علاوه از ترجمه و تفسیر به طور همزمان استفاده کند. ترتیل موجود در این نرم‌افزار با صدای استاد پرهیزکار بوده و قابلیت تکرار هر آیه از یک تا ۹۹ بار نیز در آن موجود است.

نکته جالب این نرم‌افزار امکان ارسال آیه یا ترجمه به صورت پیامک (اس. ام. اس) است دسترسی سریع کاربر به وسیله شماره‌گیر به نرم‌افزار و همین طور وجود نرم‌افزارهای کاربردی و مذهبی مثل ادعیه و نهج البلاغه این محصول را در نوع خود منحصر به فرد کرده است.

با داشتن چنین امکاناتی، نرم‌افزار هدی للمتقین توانسته است، رتبه سوم در دومین جشنواره ملی رسانه‌های دیجیتال را به عنوان بهترین اثر مبلغ و مروج معارف اسلامی در بخش نرم‌افزارهای تلفن همراه از آن خود کند.

این نرم‌افزار ۳۰ هزار ریال قیمت دارد و علاقه‌مندان می‌توانند با رفتن به نشانی www.cdkade.com آن را به صورت آن‌لاین خریداری کنند.

نرم‌افزار
برای تغذیه بهتر

قرآن کتابی است که برای هر پرسشی، بهترین پاسخ‌ها را در خود جای داده و باید عقل سلیمی پیدا شود و پاسخ‌ها را از دل آیات قرآن بیرون بکشد. یکی از موضوعاتی که این روزها بسیاری را به خود مبتلا کرده، تغذیه و انتخاب غذای مناسب است. حالا یک موسسه فرهنگی تصمیم گرفته تا به سوالات تغذیه‌ای مخاطبان قرآن پاسخ دهد و برای این کار یک نرم‌افزار طراحی و عرضه شده است.

نرم‌افزار «تغذیه و طب قرآنی» شامل راهکارهایی برای پیشگیری و درمان بیماری‌ها با استفاده از آیات قرآن است که از سوی شرکت «نور طیف امین» تهیه و توزیع شده است. پژوهش‌های این نرم‌افزار توسط «جمشید خدادادی»، مبدع طب قرآنی انجام گرفته. او به جز این نرم‌افزار تاکنون سه جلد کتاب درباره موضوع طب در قرآن تألیف کرده که بازتاب‌های گوناگونی در جامعه داشته است.

در این نرم‌افزار توصیه‌هایی برای مبتلا نشدن و درمان بیماری‌هایی نظیر اماس و سرطان وجود دارد که همگی بر مبنای پرهیز از زیاده‌روی در الگوهای تغذیه‌ای و داشتن تغذیه‌ای مناسب همراه با مصرف میوه است که در آیات قرآن نیز ذکر شده‌اند. این نرم‌افزار انواع و علل بیماری‌ها را با استناد به آیات قرآن تقسیم‌بندی کرده و برای بدن سیستم‌های متفاوتی در نظر گرفته است که موارد مفید و مضر آنها را ذکر می‌کند. این نرم‌افزار را به همه آنهایی که دغدغه سلامت دارند، پیشنهاد می‌کنیم.



برنامه
آیه امروز

این روزها حتما شما هم به انبوهی از کتاب‌های روان‌شناسی برخورده‌اید که بر اساس آیین‌های بودایی و شرقی، تلاش می‌کنند نکاتی را برای داشتن زندگی بهتر به شما ارائه کنند. در این میان کم نیستند آثاری که برای هر یک از ۳۶۵ روز سال جمله‌ای را به عنوان راهکار انتخاب کرده‌اند تا شما را برای آسودگی در زندگی راهنمایی کنند. اما قرآن به عنوان کتابی که راهگشای زندگی تمام عالمیان است، بهتر از هر کتابی می‌تواند درس‌هایی را برای روزهای زندگی ما داشته باشد. نرم‌افزار «آیه امروز» یک نرم‌افزار ساده برای رایانه است که هر روز یک آیه از قرآن را روی دسک‌تاپ شما به نمایش می‌گذارد تا با مشاهده آن، هم آرامش را تقدیمتان کند و هم نکته‌ای درس‌آموز را به یادتان آورد. این نرم‌افزار امکانات جانبی دیگری نیز مثل نمایش آیات تصادفی از قرآن مجید، قابلیت تنظیم برای نمایش زمانبندی شده آیات قرآن و قابلیت خواندن دنباله آیه مورد نظر را با وصل شدن به وب‌سایت پارس قرآن دارد.

نکته قابل ذکر درباره این نرم‌افزار اینکه؛ برای اجرای این برنامه، NET Framework. باید در رایانه شما نصب شده باشد. در صورت موجود نبودن، برنامه از شما خواهد خواست که اول آن را نصب کنید. علاقه‌مندان به آیات نورانی قرآن می‌توانند این برنامه ساده را از نشانی اینترنتی www.parsquran.com/download/daily دریافت و در رایانه خود نصب کنند.



نشریه
گلستان قرآن

تعداد مشخصی نشریه در بازار پر شمار نشر، مسائل و مباحث مربوط به قرآن کریم را موضوع کار خود قرار داده‌اند. از این میان به تازگی شماره ۲۱ و ۲۲ نشریه «گلستان قرآن» پس از مدت‌ها وقفه و به بهانه نمایشگاه قرآن با مدیرمسؤولی «محمد علی خواجه‌پیری» روی پیشخوان روزنامه‌فروشی‌ها قرار گرفته است. بر اساس آنچه در شماره جدید گلستان قرآن به چاپ رسیده، این نشریه قصد دارد تا در دوره جدید خود، قرآن را از فضای انتزاعی و ذهنی مردم، به متن جامعه آورده و مقابل دیدگان ما قرار دهد. خواجه‌پیری در سرمقاله خود درباره این نشریه آورده است: «گلستان قرآن، نشریه‌ای قرآنی است که قصد دارد در حد توان و وسع خود از مهجوریت قرآن بکاهد. قرآن باید از فضای انتزاعی و ذهنی مردم به متن جامعه آمده و مقابل دیدگان ما قرار گیرد. فرهنگ قرآن باید روح حاکم بر جامعه باشد. باید قرآن و فعالیت‌های قرآنی را در طول دیگر فعالیت‌ها دید، نه در عرض آنها. ما در این نشریه می‌خواهیم قرآن زندگی محور و کاربردی را به دل‌های تشنه جوانان پاکمان عرضه کنیم».

بعضی از مطالبی که می‌توانید در این شماره گلستان قرآن بخوانید عبارتند از پرونده‌ای برای شهید مطهری، پرونده سریال یوسف پیامبر(ع)، گفتاری از محمدحسین صفارهرندی و گفت‌وگویی با آیت‌الله سید احمد خاتمی و محمدرضا سرشار (رضا رهگذر). شماره ۲۱ و ۲۲ نشریه قرآنی «گلستان قرآن» در ۹۶ صفحه (رنگی) و بهای ۳۰۰۰ ریال راهی بازار نشر شده است.

محفل‌های قرآنی

سرقفلی این ستون به نام شماست. اتفاق خوبی که در هشتمین شماره آیه افتاد، این بود؛ چندین نفر از علاقه‌مندان علوم قرآنی خودشان تماس گرفتند و نشانی و اطلاعات مربوط به جلسات قرآنی‌شان را در اختیار ما قرار دادند. شما هم اگر علاقه‌مندید، با ما تماس بگیرید: ۸۴۳۲۱۵۲۰

استاد	زمان برگزاری	نشانی
بهرام شیرین‌کار	چهارشنبه‌ها ۱۸ تا ۱۹:۳۰	تهران، خیابان هاشمی، نرسیده به میدان هاشمی، مسجد حضرت علی‌اکبر(ع)
پروانه مهدوی	دوشنبه، چهارشنبه ۹ تا ۱۱	تهران، افسریه، ۱۵ متری دوم، مؤسسه قلم، کانون شهید مهدوی
سادات منصوری	دوشنبه‌ها ۱۳ تا ۱۵	تهران، میدان انقلاب، خیابان ۱۶ آذر، پلاک ۴۱، طبقه دوم
محمدصادق درگاهی	یکشنبه‌ها و چهارشنبه‌ها ۹ تا ۱۱	تهران، ۴۵متری رسالت، کرمان جنوبی، گلبرگ غربی، نبش خیابان شهید احمدی، پلاک ۴۶
خانم بابایی	یکشنبه‌ها و سه‌شنبه‌ها ۸ تا ۱۱	تهران، پونک، ۳۵ متری گلستان، تقاطع شهید ستاری، مسجد امام‌حسین(ع)
خانم پاک‌نژاد	یکشنبه‌ها و سه‌شنبه‌ها ۹ تا ۱۱:۳۰	تهران، اشرفی اصفهانی، خیابان ۲۲بهمن، پیروزی، خیابان موفق، پلاک ۱۹، واحد ۸
قربان قربانی	شنبه‌ها ۹ تا ۱۰	تهران، خیابان امام جواد(ع)، سیار در منازل، هیات مکتب الصادق(ع)
کمیل شکرپور	یکشنبه‌ها ۱۶ تا ۱۸	تهران، میدان انقلاب، خیابان ابوریحان، تقاطع لبافی‌نژاد، پلاک ۸۵، دارالقرآن خانه کارگر
معصومه مقدم	دوشنبه، پنجشنبه ۹ تا ۱۰:۳۰	تهران، پل کردان، خیابان آیت‌الله طالقانی، جنب مسجد قمر بنی‌هاشم(ع)، دارالقرآن کوثر طه
حسن پاشائی	دوشنبه‌ها ساعت ۱۸	تهران، سرآسیاب، خیابان مصیب‌زاده، مؤسسه انوارالحکمه
حسن حکیمی	جمعه‌ها بعداز نماز مغرب	تهران، بزرگراه شهید محلاتی، بلوار ابوذر، مسجد جامع ابوذر
حسن ربیعیان	شنبه‌ها بعد از مغرب	لویزان، خیابان شهید شعبانلو، جنب مخابرات شهید لطیفی، کوچه نسترن، پلاک ۱۵ دارالقرآن نورالثقلین
حسن رضائیان	سه‌شنبه‌ها بعد از نماز عشا	تهران، خیابان سهروردی جنوبی، پشت پمپ بنزین، مسجد علی‌ابن ابیطالب(ع)
حسن لطیفی	شب جمعه	تهران، یافت‌آباد، میدان الغدیر، میدان شهید پژوتن، مسجد چهارده معصوم(ع)
خانم حاتمی	روزهای زوج ۱۰ تا ۱۲	تهران، ابتدای قیطریه، جنب مسجد جعفری، بیت‌القرآن شمیران
خانم حاجی بابایی	همه روزه ۹ تا ۱۲	تهران، خیابان ولیعصر(عج)، بالاتر از میرداماد، جنب دبستان راضی
خانم حقی	همه روزه ۱۰تا ۱۲	تهران، پاسداران، عراقی شمالی، بعد از پل همت، جنب بانک، پلاک ۱۳۰
خانم دربندی	روزهای زوج ۹ تا ۱۲	تهران، تجریش، خیابان دزاشیب، آموزش و پرورش منطقه یک
خانم رکن‌آبادی	دوشنبه‌ها ۹ تا ۱۱:۳۰	تهران، نیاوران، میدان یاسر، اداره تبلیغات اسلامی شمیرانات
خانم رمضانی	روزهای زوج ۹ تا ۱۱:۳۰	تهران، قلعه مرغی، خیابان زمزم، مسجد قمر بنی‌هاشم(ع)
خانم رنجکش	دوشنبه‌ها ۱۵ تا ۱۷	تهران، نیاوران، خیابان سرتیپ سعیدی (مهماندوست)، کوچه رحمانی، مجتمع شهید رحمانی
حاتم رجبی	پنجشنبه‌ها بعد از مغرب	تهران، جنت‌آباد، انتهای چهار باغ شرقی، پلاک ۸، حسینیه یاحسین زهرا(س)
حاج آقا عبدی	یکشنبه‌ها ۱۷ تا ۱۸	تهران، لویزان (۱)، بلوک ۱۹، طبقه همکف، کانون قرآن مکتب الزهرا(س)
مجید ندرلو سینائی	یکشنبه‌ها ۱۹:۱۵تا ۲۱	تهران، خیابان قزوین، خیابان عبید ذاکانی، کوچه مسجد شبستان، مسجد منیریه
حسن ابراهیم‌آبادی	دوشنبه‌ها بعد از نماز مغرب	تهران، میدان خراسان، خیابان جهان‌پناه، روبه‌روی داروخانه مسعود، کوچه شهید ریاحی، پلاک ۹
حسن اشرفی	چهارشنبه‌ها بعد از نماز مغرب و عشاء	تهران، میدان کلاهدوز، خیابان ۳۰ متری نیروی هوایی، خیابان شورا، پلاک ۳۵۲
علی سبزعلی	دوشنبه‌ها بعد از نماز ظهر و عصر	بازار آهن تهران، خیابان بهاران ۲، مسجد امیرالمومنین(ع)
مجتبی تقوی	جمعه‌ها ۱۶ تا ۱۸	تهران، کیانشهر، شهرک جمهوری، مسجد صاحب‌الزمان(عج)
اعظم اسدی	دوشنبه، سه‌شنبه ۹:۳۰ تا ۱۱:۰۰	ساوجبلاغ، هشتگرد، خیابان مصلی، جنب مصلی، دارالقرآن بقیه‌الله
جواد حبی	شنبه، دوشنبه، چهارشنبه بعد از نماز مغرب و عشاء	نسیم‌شهر، خیرآباد، انتهای خیابان شهید رجایی، مسجد حضرت قمربنی‌هاشم(ع)
سیدصالح یاسینی	سه‌شنبه‌ها بعد از نماز مغرب و عشا	ورامین، پیشوا، مرکز قرآنی امام‌خمینی(ره)
وحیدی	یکشنبه‌ها ۱۴:۴۵	شهرری، تالار کلینی آستانه
محترم گلپایگانی	دوشنبه، پنجشنبه ۱۴:۳۰ تا ۱۶	رباط کریم، خیابان انقلاب دوم، کوچه آزادی یکم، پلاک ۱۰، مرکز قرآنی حضرت فاطمه زهرا(س)
مهری جهانبخش	شنبه، یکشنبه ۱۴:۳۰ تا ۱۶	ساوجبلاغ، شهر هشتگرد، شهرک ولی‌عصر(عج)، مسجد حضرت صاحب‌الزمان(عج)، پایگاه حضرت‌رقیه(س)
آقایی‌نیا	چهارشنبه‌ها بعد از نماز مغرب	کرج، میان جاده، مسجد سلمان فارسی
حجت‌الله جعفری	چهارشنبه‌ها بعد از نماز مغرب	کرج، میدان آزادگان، مسجد مهدویه
قصابی فرد	چهارشنبه‌ها ۲۰ تا ۲۲	اسفراین، خیابان امام خمینی(ره)، کوچه ۱۴، روبه‌روی مسجد علی ابن ابیطالب(ع)، مجتمع رضویه
غلامرضا شاهمیوه	یکشنبه‌ها ۱۸:۳۰ تا ۲۲	اصفهان، خیابان بزرگمهر، جنب بستنی آبشار، منزل آقای حامی
حامد نجفی	جمعه‌ها بعد از نماز مغرب	فردیس، سه‌راه حافظیه، دبیرستان شهید رحیمی، هیئت قرآن و عترت

همشهری آیه جوان
همشهری جوان • ضمیمه قرآنی • ویژه مشترکین • پیوست هفته‌نامه جوان • نیمه اول مهر ۱۳۸۸

هُدهُد

برای خواهر کوچولو و برادر کوچولو

بچه‌ها این چهار صفحه مال شماست و اگر بخواهید می‌توانید از مجله جدایش کنید

فرهنگسرای قرآن با یک عالمه سرگرمی منتظر شماست

سفر به سرزمین آیه‌ها



یکی بود، یکی نبود! مدتی بود بعضی از کسانی که قرآن را خیلی دوست داشتند می‌خواستند جایی را درست کنند که در آنجا کارهای قرآنی انجام دهند. هی نشستند و بلند شدند و حرف زدند و گوش دادند تا آخر سر فکرهایشان را روی هم ریختند و جایی را در خیابان قزوین درست کردند به اسم «فرهنگسرای قرآن». فرهنگسرایی جایی‌ست شبیه مدرسه با برنامه‌ها و کلاس‌های بیشتر. بیشتر کارهایی که در این مکان فرهنگی انجام می‌شود، مربوط به قرآن است. یعنی اگر نمایش یا تئاتری اجرا می‌شود یا نمایشگاهی به راه می‌افتد، موضوع آن قرآن است. راستی همین چند وقت برای بچه‌هایی که در ماه رمضان روزه کله گنجشکی گرفته بودند، جشن گرفتند. تا دلتان بخواهد هم کلاس‌های آموزش قرآن اینجا فراوان است. در این کلاس‌ها حتی به بچه‌هایی که تازه خواندن و نوشتن یاد گرفته‌اند هم قرآن آموزش می‌دهند.

در کلاس‌های فرهنگسرای قرآن شما می‌توانید روخوانی قرآن را یاد بگیرید، قرآن را با صوت تلاوت کنید و اگر هم دوست داشتید، کلام خدا را حفظ کنید. این‌ها تازه قسمتی از کارهایی است که فرهنگسرای قرآن برای بچه‌ها انجام می‌دهد. یک عالمه هیجان و لذت و شادی از تلاوت قرآن هم در مسابقه‌هایی‌ست که این فرهنگسرا برگزار می‌کند. مسابقه‌های قرآنی یکی از جذاب‌ترین برنامه‌های این فرهنگسرا است. هر کسی که چند سوره کوچک قرآن را از حفظ باشد یا بتواند آن را با صوت بخواند، می‌تواند در مسابقه شرکت کند و جایزه‌های رنگ و وارنگ بگیرد.

خب بچه‌ها! حالا تا دیر نشده شال و کلاه کنید. فرهنگسرای قرآن از اوایل ماه مهر ثبت‌نام کلاس‌هایش را شروع کرده. به مامان و بابا هم بگویید برای اطلاع از برنامه‌های ویژه کودکان و نوجوانان با این فرهنگسرا تماس بگیرند. بچه‌ها از همه جای تهران در فرهنگسرای قرآن در خیابان قزوین جمع می‌شوند تا از این فضای کودکانه قرآنی استفاده کنند. بدوید تا دیر نشده!

جدول کلمات

تعدادی کلمه قرآنی داریم که آنها را در جـــدول زیر مخفی کرده‌ایم. در جدول، از سمت راست به چپ یا از بالا به پایین، دنبال این کلمات بگردید. ممکن است بعضی حروف هم بیشتر از یک بار استفاده شوند.

انفاق، یوم، جهاد، شمس، قاصدک، نیایش، فوت، امام، ایام

ق	ا	ف	ن	ا
ا	م	و	ی	ج
ص	ا	ت	ا	ه
د	م	ا	ی	ا
ک	س	م	ش	د

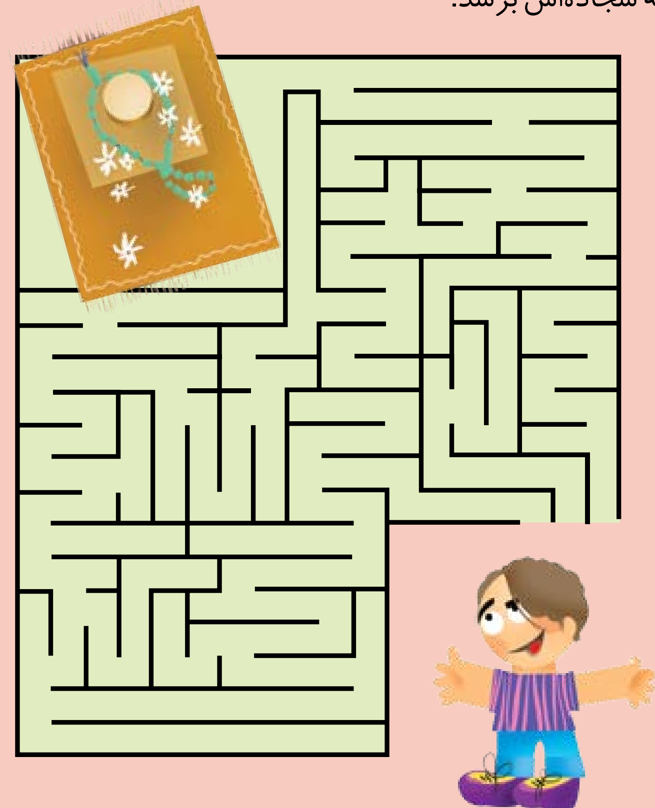
پیام تصویری

بچه‌های عزیز! تصویر زیر، مفهوم یکی از آیات قـــرآن را بیان می کند. ســعی کنید هرچه را کــه از ایـــن تصویر درک می کنیــد، بنویســید. بعــد از نوشتن آنچه فهمیده‌اید، بــه ترجمه آیــه ۱۰ ســوره نحل مراجعه کنید و ببینید حدس شــما چقدر درســت بوده‌است.



ماز

وقت اذان شده. مرتضی می‌خواهد نماز بخواند او از مسیر درست عبور دهید تا به سجاده‌اش برسد.



به هم وصل کنید

بسیاری از پیامبران الهی صاحب فرزندانی بودند که آنها نیز از سوی خداوند برگزیده شـــدندو از افـــراد صالح روزگار بوده‌انـــد. نام پدران را در ستون ســـمت چپ به نام فرزندان‌شـــان در ستون سمت راست متصل کنید.

هابیل(ع)	ابراهیم(ع)
اسماعیل(ع)	مریم(ع)
عیسی(ع)	محمد(ص)
زهرا(س)	داود(ع)
سلیمان(ع)	یعقوب(ع)
یوسف(ع)	آدم(ع)
یحیی(ع)	زکریا(ع)

داستان ایوب نبی(ع)

یکی بود، یکی نبود! در زمان‌های خیلی خیلی قدیم خداوند پیامبری را برای هدایت مردم انتخاب کرد به نام حضــرت ایوب(ع). ایوب مرد ثروتمندی بـــود و خدا او را از نعمت‌های خوب خودش بهره‌مند می کرد. ایوب پیامبر ســختی‌های زیادی کشــید اما هیچ وقــت خدا را فرامــوش نکرد. «صبر ایــوب» هم در برابر ســختی‌ها به یک ضرب‌المثل تبدیل شد. داستان ایوب(ع) از داستان‌های زیبای قرآن است.





۳ شیطان آتشی از آسمان فرستاد و مزرعه او را به آتش کشید.







۷ سرانجام خداوند متعال که ایمان واقعی حضرت ایوب را دید دعای او را اجابت و او را از شر بلاهای شیطان راحت کرد.



تصویرسازی: روزبه سخاوتمندی

بهترین کار دنیا

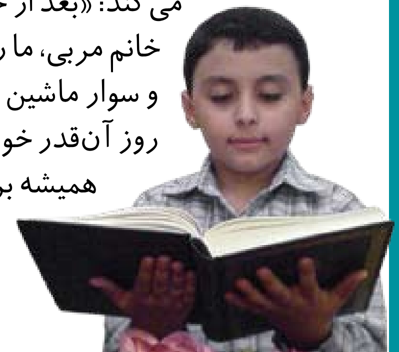


مائده شریفی هشت سال دارد و کلاس دوم دبستان است. او در مرحله نهایی رشته حفظ یازدهمین جشنواره قرآن کودک و نوجوان توانست رتبه دوم را کسب کند.

مائده پس از پایان مسابقات چند جزء دیگر از قرآن را هم حفظ کرده است. او در این باره می‌گوید: «در زمان برپایی جشنواره چهار جزء از قرآن را حفظ بودم. البته در آن جشنواره، سؤالات فقط از جزء سی‌ام بود. پس از مسابقات هم تا به امروز موفق به حفظ چهار جزء دیگر شده‌ام». مائده شریفی در حفظ قرآن نظم خاصی دارد و تقریبا روزی یک صفحه از آن را حفظ می‌کند. او درباره اینکه حفظ قرآن کار سختی هست یا نه، می‌گوید: «سخت که نه ولی حفظ قرآن حتما باید همراه با دقت و تمرکز باشد. برای همین خیلی هم راحت نیست. به نظر من حفظ قرآن بهترین کار دنیاست. این کار برای من از کارهای دیگری مثل بازی و تفریح و چیزهای دیگر لذت‌بخش‌تر است». مائده هم مثل بیشتر بچه‌ها هنگام مسابقه اضطراب دارد. او می‌گوید: «وقتی به خدا توکل می‌کنم این اضطراب تبدیل به آرامش می‌شود و با دقت و تفکر به سوال‌ها پاسخ می‌دهم».

خاطره یک روز طلایی

محمد حسین بیرودیان هفت سال دارد. او در سال اول دبستان درس می‌خواند و از یک سال پیش شروع به حفظ قرآن کرده و در این مدت توانسته است جزء سی‌ام و نیمه اول جزء ۲۹ را حفظ کند. او می‌گوید: «هر کودکی که دوست دارد حافظ قرآن شود باید دعا کند و از خدا بخواهد که بتواند در کنار بقیه بچه‌ها و پیش یک مربی خوب و مهربان آیات قرآن را حفظ کند». محمدحسین از آن بچه‌هایی است که اگر قرار باشد کاری را انجام دهد، دوست دارد آن کار به بهترین وجه باشد برای همین هم دقت زیادی می‌کند تا آیه‌ها را با صوت، لحن و تجوید صحیح بیاموزد. محمدحسین خاطره‌های قشنگی از کلاس‌های جامعه‌القرآن دارد که یکی از آنها را برای ما تعریف می‌کند: «بعد از حفظ جزء سی‌ام، خانم مربی، ما را به پارک برد و سوار ماشین بازی شدیم. آن روز آن‌قدر خوش گذشت که همیشه برای من یک روز طلایی است».



مسابقه ترس ندارد

طهورا نظری کلاس سوم دبستان است. او توانسته است بیش از نیمی از جزء سی‌ام قرآن کریم را حفظ کند. طهورا درباره تاثیر حفظ قرآن بر زندگی‌اش می‌گوید: «هر کودکی که آیات قرآن کریم را حفظ می‌کند، امیدوار است تا روزی بتواند حافظ کل قرآن مجید باشد. برای همین، انگیزه زیادی برای این کار پیدا می‌کند. حفظ آیات قرآن موجب می‌شود که درس‌هایمان را هم بهتر درک کنیم و حفظ مطالب علمی هم برای ما آسان باشد». طهورا حفظ آیات قرآن را دوست دارد و به بچه‌ها می‌گوید: «برای حفظ راحت‌تر قرآن از آیه‌های کوچک‌تر شروع کنند».

طهورا نظری یک پیشنهاد هم برای بچه‌هایی که موقع مسابقه‌های قرآنی می‌ترسند دارد؛ «ممکن است در اولین مسابقه کمی بترسید اما پس از آن ترس شما می‌ریزد، پس با شرکت در همه مسابقه‌ها سعی کنید با تجربه‌تر شوید».



پیشنهاد کتاب
قرآن بخوانید



یادتان می‌آید آن روزهای کلاس اول دبستان چقدر خواندن و نوشتن برای‌مان سخت بود؟ حالا آشنایی و روخوانی قرآن هم می‌تواند به سختی همان روزها باشد ولی غیرممکن نیست. انتشارات «جامعه‌القرآن کریم» مجموعه‌ای سه جلدی منتشر کرده تا به شما در خواندن قرآن کمک کند. در این کتاب‌ها روخوانی قرآن با روش «اشاره» آموزش داده می‌شود. استفاده از رنگ‌ها هم برای نشان دادن بهتر حرکات در کلمات قرآنی یکی دیگر از ویژگی‌های این کتاب است.

پیشنهاد قصه
آشنایی با پیامبران



شما چند نفر از پیامبران را می‌شناسید؟ می‌دانید در طول تاریخ خدا ۱۲۴ هزار پیامبر را برای هدایت انسان‌ها فرستاده است؟ بعضی از آنها را می‌شناسیم و در کتاب‌های مختلف و از زبان بزرگ‌ترها قصه زندگی‌شان را شنیده‌ایم. حالا در یک مجموعه کتاب، داستان زندگی ۲۰ نفر از پیامبران خدا با نقاشی‌های زیبا جمع‌آوری شده؛ پیامبرانی مثل حضرت هود، یونس و زرتشت که ممکن است کمتر داستان آنها را شنیده باشید. این داستان‌ها خیلی طولانی نیست و می‌توانید در کمتر از یک‌ماه همه آنها را بخوانید. انتشارات «قدسیان» این مجموعه را به قیمت ۷ هزار تومان تهیه کرده است.

پیشنهاد بازی
مسافران کوچولو



وقت مسافرت است! بازی «مسافر کوچولو» قرار است با یک نقشه و یک بازی ساده شما را به یک مسافرت درست و حسابی ببرد. در این بازی به بسیاری از شهرهای ایران سفر خواهید کرد و با مشاهیر و بزرگان ایرانی آشنا می‌شوید. بعد از آن هم به کشور عراق می‌روید تا از محل زندگی و مزار امامان دیدن کنید. در بسته‌بندی این بازی یک جایزه با ارزش هم قرار گرفته؛ یک سی‌دی آموزش جزء سی‌ام قرآن کریم!